

السلام
الرحمن

وقف میراج خاوریان

فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی

سال بیست و چهارم بهار ۱۳۹۵

شماره ۹۳



سازمان اوقاف و امور خیریه

وقف میراث جاویدان

مشخصات فصلنامه

صاحب امتیاز: سازمان اوقاف و امور خیریه
مدیر مسئول: علی محمدی (نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه)
سر دبیر: احمد شرفخانی (معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه)
سرگروه نویسندگان و اجرا: سید احمد سجادی
ویراستار: سید امیرحسین کامرانی راد
صفحه آرا و طراحی داخلی: سید علی علوی
طراح جلد: سعید عظیمی
تهیه و نشر: مؤسسه فرهنگی هنری نور راسخون
(به سفارش سازمان اوقاف و امور خیریه)
نشانی مجله: تهران خیابان حافظ خیابان نوفل لوشاتو - کوی شهید واعظی پلاک ۱۰
تلفن: ۶۶۷۴۷۸۱۵ - ۰۲۱ نمابر ۶۶۷۰۷۹۵۴ - ۰۲۱

مشخصات نرم افزار

متن کامل مجله به صورت TXT
تصاویر کامل مطالب
گویش کامل مقالات، قابل اجرا در دستگاه‌های رایانه و MP3
ارائه موضوعات مقالات به صورت ساختار درختی و یکجا
قابل انتقال به دفترچه یادداشت و چاپگر
جستجوی ویژه در عناوین، پاورقی و متن
برنامه نویسی: سید مسعود میرمجربیان
گویش مقالات: محمد رضا کیبیری

فهرست مطالب

وقف زمان بندی شده، راهکاری در راستای بهینه سازی و گسترش فرهنگ وقف

دکتر محمد رضا علمه سولا - اناز پیروندیان - عالی محمدریان

نقش حکومت صفوی در فراز و فرود نهاد وقف

دکتر محمد شورمچ

وقف

نظام نظارتی موقوفات در ایران

سید مجتبی سجادی جزئی

درهم تنیدگی باورهای مذهبی و فعالیت اقتصادی (نمونه موردی: کاروانسراهای

وقفی شهر آمل)

دکتر شهرام یوسفی فر - محدومه پدال پور

بررسی باستانشناختی آب انبارهای وقفی شهر زنجان در دوره قاجاریه

علی نوراللهی - سارا علیلو

معرفی دو نمونه از اشیای منقول تاریخی وقفی استان زنجان

پرستو قاسمی اثرور

موقوفات

وقفنامه شش دانگ روستای «هزار جریب» شهرستان بویین میاندشت

میرزا میر محمدی

بازخوانی وقف بافته ای از عصر زندیه

دکتر سمانه کاکاوند

وقفنامه ها

شخصیت و جایگاه امامزاده ابراهیم بن موسی (ع) (امامزاده نرمن)

دکتر محمد مصطفی رحمانی

بقاع

معرفی کتاب «بررسی فقهی و حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی»

سید امیر مصطفی کامرانده راد

نقد و معرفی

چکیده های عربی

علی زاهد پور

چکیده های انگلیسی

فرزانه عالی نژادیان

چکیده



باسمه تعالی

رهبر معظم انقلاب اسلامی همانند سنت هرساله، در اولین دقایق تحویل سال ۱۳۹۵ عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» را برای امسال برگزیدند. این انتخاب از جانب معظم له، مبنایی برای کلیه جهت‌گیری‌های کشور و به‌عنوان هدف در برنامه‌ریزی‌های کلان و بلندمدت کشور و بیانگر مهم‌ترین ضرورت‌های پیش‌روی است. حداقل یک دهه است که مقام معظم رهبری عنوان سال را با دو محوریت فرهنگ و اقتصاد مطرح می‌کنند و این حامل پیام مهمی است. امسال نیز شاهد بودیم که برای چندمین سال پیاپی بار دیگر مسائلی همچون اقتصاد، معیشت، خروج از رکود و رونق اقتصادی را سرلوحه کار سال قرار دادند.

امروز کشور نیازمند یک انقلاب و تحول اقتصادی است چراکه بسیاری از مبانی و ظرفیت‌ها و همچنین نیروی انسانی لازم برای این تحول را در اختیار داریم و وجود یک فرماندهی متمرکز برای هدایت این تحول و رونق اقتصادی بسیار ضروری است. چنانچه رهبر فرزانه انقلاب در حرم مطهر رضوی فرمودند: «...علت انتخاب شعار امسال را که باز هم شعار اقتصادی انتخاب کردیم، یک تحلیل و یک نگاه به مجموعه مسائل کشور است. شاید در ذهن بعضی می‌گذشت که ترجیح دارد شعار سال، امسال یک شعار فرهنگی باشد یا شعار اخلاقی، لیکن با توجه به مجموعه مسائل کشور، به‌نظر رسید که امسال هم مثل چند سال قبل، شعار سال را که باید به‌صورت گفتمانی در میان مردم و افکار عمومی کشور رواج پیدا کند، یک شعار اقتصادی قرار دهیم.»^۱

انتظار طبیعی آن است که هر سال بر موضوع و شعار تعیین‌شده تمرکز شده

۱. بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱

و اقداماتی عملی برای نیل به آن شعار یا هدف برداشته شود و در نهایت کشور به سوی پیشرفت و توسعه حرکت کند.

دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی همچنان پابرجا هستند و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در پیام نوروزی خود آن را در شعار سال به روشنی متبلور ساختند. درست دو سال پس از سال «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی»، یعنی سال ۱۳۹۳، بار دیگر ایشان دغدغه اقتصادی خود را قالب شعار سال بیان کردند تا مشخص شود در عرصه اقتصاد کار برای فعالیت بسیار زیاد است.

مقام معظم رهبری در تبیین مختصر شعار سال به نکته کلیدی اشاره می‌کند: «اصل قضیه این است که ملت ایران باید بتواند کاری بکند که خود را در مقابل تهدیدهای دشمنان و دشمنی‌های آنها، از آسیب‌پذیری خارج کند. ما باید کاری کنیم که در مقابل تهدید دشمنان، آسیب‌پذیر نباشیم. آسیب‌پذیری را به صفر برسانیم.»^۱ ایشان اقتصاد مقاومتی و کار شبانه روزی برای رسیدن به این هدف را تلاشی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های موجود در عرصه اقتصادی می‌دانند و معتقدند این آسیب‌پذیری را می‌توان به صفر نیز رساند. آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در مقابل تحریم‌ها در سال‌های گذشته، موضوعی بود که از دیده بسیاری پنهان نماند، هرچند دشمن در نهایت به هدف خود یعنی نابسامانی‌های اجتماعی و تسلیم ایران نرسید ولی این نقطه همچنان مورد هدف دشمنان است و در هر مرحله‌ای از انقلاب برای آسیب رساندن به نظام و انقلاب از آن بهره خواهد برد.

مقام معظم رهبری در شرایطی سال ۱۳۹۵ را با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» نام‌گذاری نمودند که در سال‌های اخیر تأکید ایشان بر حفظ و تقویت شعارهای انقلاب اسلامی و روش و منش انقلابی در همه اقشار و در همه برنامه‌ها و اقدامات کشور جلب توجه می‌کند: مجلس انقلابی، خبرگان انقلابی، حوزه انقلابی و... تأکید معظم‌له بر حفظ آرمان‌ها و صراحت انقلابی در همه عرصه‌های

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۵

کشور به سبب ضرورت آن در پیچ تاریخی مهمی است که افق ورای آن «تمدن نوین اسلامی» در پهنه کشورهای اسلامی به رهبری انقلاب اسلامی ایران است.

مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲ «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» را ابلاغ کرده و قوای کشور را به «اجرای بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص» این سیاست‌ها ملزم کردند. ایشان اجرای این سیاست‌ها را عامل «رفع مشکلات اقتصادی کشور» و «عقب‌نشینی دشمن در زمینه جنگ تمام‌عیار اقتصادی» علیه ملت ایران دانستند. با گذشت بیش از دو سال از ابلاغ این سیاست‌ها، رهبر معظم انقلاب از اجرایی نشدن این سیاست‌ها به صورت کامل و دقیق ناراضی بوده و طی تذکرات متعددی این موضوع را اعلام کرده‌اند. و با طرح «مطالبات مشخص» در این زمینه، مسئولین را به اجرای دقیق این سیاست‌ها و پرهیز از «تکرار زبانی» مسأله اقتصاد مقاومتی فراخواندند.

«اسم اقتصاد مقاومتی هم زیاد تکرار می‌شود... من البته خیلی خشنود نیستم از مقدار پیشرفت این فکر و این بنیان مهم در کشور».^۱ این عبارات رهبر معظم انقلاب اسلامی حکایت از نارضایتی ایشان از روند عملیاتی‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و پیشرفت آن دارد.

اما دلیل این اعلام نارضایتی‌ها و تذکرات به مسئولان در زمینه اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چیست؟

با دقت در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان پاسخ این سؤال را «فقدان اقدام و عمل لازم» در این زمینه و بسنده کردن به «حرف» و در یک کلمه «برخورد شعاری و سطحی» با موضوع دانست. ایشان در برهه‌های گوناگونی به صراحت این موضوع را اعلام کرده و مسئولان را به اقدام جدی و «فراتر رفتن از حرف و شعار» فراخواندند.

رهبر معظم انقلاب خردادماه ۹۳ و در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»، ۱۳۹۴/۷/۲۲

«حمایت و ستایش» از این سیاست‌ها را کافی ندانسته و خواستار اقدام لازم شدند: «از روزی که این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اعلام شده است و ذکر آن مکرر گفته شده است، مسئولین مختلف -دولتی‌ها، مجلس محترم، دستگاه‌های مختلف، مسئولان گوناگون- در مقام حمایت و ستایش از این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برآمده‌اند و مکرر گفته شده، لکن تجربه بنده به من می‌گوید که ستایش کافی نیست؛ تعریف کردن کافی نیست؛ حرکت لازم است. بله، افرادی می‌آیند، می‌نشینند، در منبرهای عمومی یا در جلسات خصوصی از مزایای این اقتصاد مقاومتی مطالبی را بیان می‌کنند و غالباً هم درست است، اما خب باید اقدام کرد، عمل کرد.»^۱

پس از این رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان نظام نسبت به کُند حرکت کردن در این زمینه هشدار دادند: «اقتصاد مقاومتی را جدی بگیرید. خب، رئیس جمهور محترم گفتند، مسئولین دیگر هم کم‌وبیش اظهار کرده‌اند، گفته‌اند، متنها باید عمل کرد: وَلَا مِمَّنْ عَلَىٰ غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ؛ این جور نباشد که به زبان بگوییم، در عمل کُند حرکت بکنیم.»^۲

تذکرات مقام معظم رهبری درباره پرهیز از برخورد شعارگونه با اقتصاد مقاومتی و ضرورت اقدامات عملی جدی مسئولان در این زمینه در سال ۹۴ نیز ادامه یافته است. ایشان در خردادماه ۹۴ از نگرانی خود درباره «نبود همدلی» درباره مسأله اقتصاد مقاومتی سخن گفتند: «در مورد اقتصاد مقاومتی، خوشبختانه در کشور هم‌زمانی هست، [اما] مشکل ما در همدلی است؛ آدم می‌ترسد هم‌زمانی باشد، همدلی نباشد... این هم‌زمانی هست، همدلی هم باید انجام بگیرد یعنی از بُن دندان به مسأله اقتصاد مقاومتی باید باور آورده شود؛ باور کنیم که کلید حل مشکلات کشور در داخل است.»^۳

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۴

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۴/۱۶

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۳/۶

پس از اتمام مذاکرات چندین ساله هسته‌ای، مردم در انتظار اقدامات جدی و اثرگذار از سوی مسئولان نظام و به‌خصوص مسئولان دولت برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و گشایش در وضعیت اقتصادی خود هستند. وظایف مسئولین در این زمینه کاملاً شفاف بوده و تذکرات رهبر معظم انقلاب درباره فراتر رفتن از برخورد شعار با موضوع و برنامه‌ریزی و اقدام جدی در این حوزه، چندین بار تکرار شده است. «عالم بی‌عمل» بودن از منظر عقل و دین نکوهش شده و در فرهنگ عمومی ملت ما نیز «دو صد گفته چون نیم کردار» هم تلقی نشده است. حال باید منتظر ماند و دید مسئولان و مدیران کشور چه عملکردی در اصلاح رویه گذشته و روی آوردن به برنامه‌ریزی و اقدام جدی برای تحقق این سیاست‌ها خواهند داشت؟ که به فرموده امیرالمؤمنین (علیه السلام) «فرصت‌ها چون ابر در گذرند»^۱ در واقع آنچه مردم از اقتصاد کشور و بالاتر از آن از اقتصاد مقاومتی انتظار دارند، تأثیرات عملی این سیاست‌ها در زندگی‌شان است. بنابراین شایسته نیست در پی‌گیری جهت اقدام، تأخیری از سوی دولت به‌عنوان قوه مجریه و عمل‌کننده و به تعبیری مخاطب اصلی عنوان سال و نیز از سوی سایر مسئولین همچون مجلس، قوه قضاییه، رسانه ملی و نهادهای فرهنگی دیگر صورت پذیرد. ما نیز در راستای تحقق مطالبه رهبر معظم انقلاب، عنوان امسال سازمان اوقاف و امور خیریه را «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل در مدیریت موقوفات و بقاع متبرکه» برگزیدیم تا هم‌سو با سایر سازمان‌ها و نهادهای انقلابی، تلاش مضاعفی در این زمینه داشته باشیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

علی محمدی

نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

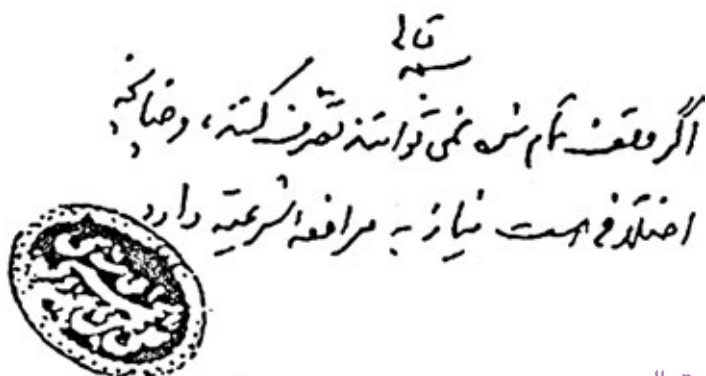
۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۲۱: «...وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاَنْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ»



استفتاءات وقف

از مقام معظم رهبری (دام الله ظلّه)

استفتاء: آیا زمینی که برای حسینیّه یا مسجد وقف شده است و در آن زمین ساختمان نیز ساخته شده را می‌توان خراب یا تصرف کرد؟ بالفرض اگر هم کسی تصرف کرد حکم آن چیست؟

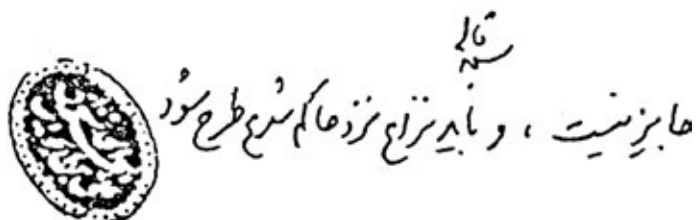


بسمه تعالی

اگر وقف تمام شده نمی‌توانند تصرف کنند و چنانچه اختلافی هست نیاز به مرافعه شرعی دارد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: اگر کسانی سبب شوند در کشورهای غیر اسلامی جلو عزاداری سالار شهیدان در روز عاشورا مثل عزاداری دسته‌جات و مراسم عاشورا بسته شود حکم آنها چیست؟



بسمه تعالی

جایز نیست و باید نزاع نزد حاکم شرع طرح شود.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: شخصی وصیت کرده است که خانه‌ام را بفروشید و مصرف مسجد و حسینیة بنمایید و خانه مذکور دارای چند اصله درخت نخل خرما می‌باشد و این نخل‌ها هم برای خیرات و مبرات است، حال که موکل می‌خواهد خانه را بفروشد خریدار می‌گوید همراه با نخل‌ها می‌خرم و بدون نخل خانه را نمی‌خرد و با توجه به این که نخل‌ها برای خیرات در نظر گرفته شده است تکلیف چیست لطفاً بیان فرمایید.

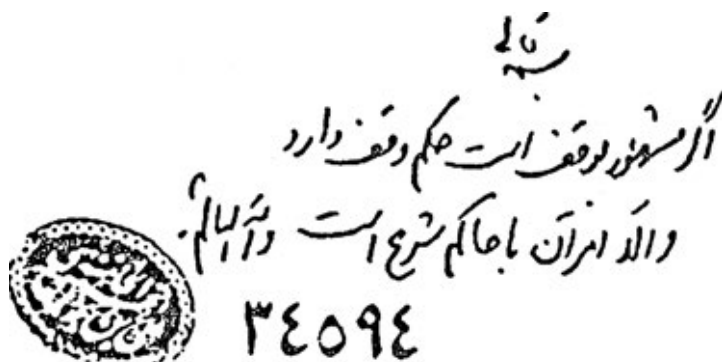
۳۳۸۲۴
 در دفتر مردم نمی توانسته بخرد را بفروشد
 و باید در عزرات از آن ها استفاده کند
 یا اگر خیرات شاهر صرف دل خود
 در مسجد و مسینه هم باشد می تواند
 بفروشد و دل آن را صرف در
 مسجد و مسینه کند، لکن اگر نخل
 استغفار از خصایر بکرات داده
 که ما و خود عین عوارض صرف در عزرات

بِسْمِ تَعَالٰی

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: احتراماً معروض می‌دارم در روستایی قنات آبی همراه با مقداری زمین کشاورزی موجود می‌باشد که توسط پدران صاحبان فعلی آنها آباد شده است، حدود پنجاه سال پیش اداره اوقاف به اسم این که اینجا وقف حضرت علی (ع) می‌باشد هر ساله مقررهای را به هر طریق که می‌شد از مردم دریافت می‌کرد. لکن حدود ۱۲ سال پیش وقتی به اداره اوقاف مراجعه کردیم برای این که سند وقفنامه این املاک و قنات را نشان بدهند متوجه شدیم که هیچ سند و مدرکی مبنی بر این که این املاک و قنات وقف باشد موجود نیست و تنها حرف اداره اوقاف این است که چون قبلاً حکم وقف را داشته حالا هم موقوفه می‌باشد. لذا برای بنده بالتکلیف مانده که آیا این املاک و قنات موقوفه می‌باشد یا مجهول المالك یا مال کشاورزی می‌باشد؟

دوم این که تا زمان تعیین تکلیف آن به چه صورت می‌توانیم از اینها استفاده نماییم؟ آیا اجازه حاکم شرع یا اداره اوقاف لازم است یا خیر؟



بسمه تعالی

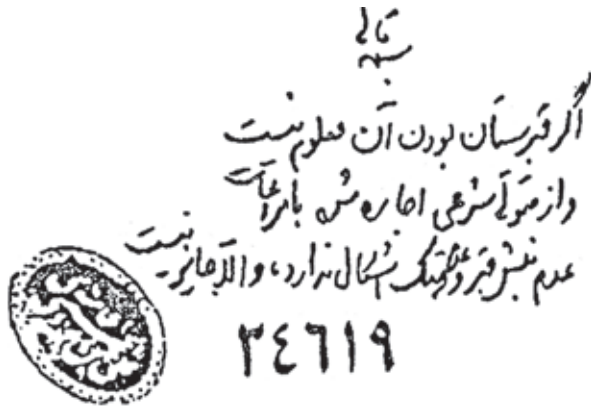
اگر مشهور به وقف است حکم وقف دارد والا امر آن با حاکم شرع است،
والله العالم.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: اداره آموزش و پرورش یک قطعه زمین موقوفه را با نظارت اداره اوقاف جهت احداث نمازخانه برای یکی از مدارس راهنمایی دخترانه از متولی اجاره کرده است در هنگام عملیات ساختمانی به چند قبر برخورد کرده‌اند که از زمان‌های قدیم بوده و آثاری از آن بر سطح زمین وجود نداشته است.

مستدعی است بیان فرمایید که آیا جایز است بدون نبش قبر و بدون حتک حرمت آنها ساختمان

نمازخانه مزبور ادامه پیدا کند یا نه؟



بسمه تعالی

اگر قبرستان بودن آن معلوم نیست و از متولی شرعی اجاره شده با مراعات عدم نبش قبر و عدم هتک اشکال ندارد، والا جایز نیست.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء : در وقفنامه‌ای امر تولیت برای نسل‌های بعدی به صورت نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن تصریح شده است اینک سوال شرعی از محضر تان این است:

(۱) آیا با وجود متقاضی تولیت در نسل قبلی نسل بعدی می‌تواند مدعی تولیت باشد یا خیر؟



بسمه تعالی با وجود فرد صالح برابر تولیت در نسل قبلی نسل بعدی نیز می‌تواند

بسمه تعالی

با وجود فرد صالح برای تولیت در نسل قبلی نوبت به نسل بعدی نمی‌رسد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

(۲) آیا صرف کبر سن در نسل قبلی با وجود داشتن صفت امانت و کفایت لازم، مانع امر تولیت محسوب می شود یا خیر؟

بِسْمِ اللَّهِ كِبَرُ سِنٍ مَانِعٌ صَلَاحَتِ نَسَبٍ

بسمه تعالی
کبر سن مانع صلاحیت نیست.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

(۳) آیا سابقه بیماری جسمی که بهبود یافته برای کسی که از سلامت فکری و روانی بهره مند است و متقاضی تولیت می باشد مانعی محسوب می شود یا خیر؟

بِسْمِ اللَّهِ . اِنْ هُمْ مَانِعٌ مَحْسُوبٌ

بسمه تعالی
این هم مانع محسوب نمی شود.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

(۴) مباشرت شخص متولی در انجام امور اجرایی راجع به موقوفه تحت تولیت خود شرط لازم است و یا متولی می تواند با انتخاب وکیل مورد اعتماد امور مربوطه را به نحو مطلوب انجام دهد؟

بِسْمِ اللَّهِ مِی تَوَانُذُ کِبَرِ مَکْرَرٍ
۳۴۷۴۷

بسمه تعالی
می تواند وکیل بگیرد، والله العالم.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

استفتاء: اگر کسی برای این که دختر و نوه دختریش از املاکش استفاده نکنند، آن املاک را وقف بر اولاد ذکور خود سازد، آیا این وقف صحیح است؟

بسمه تعالی
اگر در زمان حیات وقف را محرم سوانسی
وقف داده باشد صحیح است

بسمه تعالی
اگر در زمان حیات وقف را تحویل متولی شرعی وقف داده باشد، صحیح است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

استفتاء: اگر ملکی را وقف بر اشخاص سازند، و موقوف علیهم ناچار به فروش موقوفه گردید مانند آن که موقوفه مورد نیاز حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران رأی منافع کشور باشد و موقوف علیهم را ملزم به فروش موقوفه کنند آیا موقوف علیهم باید با پول آن ملک دیگری را خریداری کرده و آن را عوض موقوفه وقف نمایند، یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند، و از این بابت پولی دریافت نمایند، آیا باید پول ملک دیگری تهیه کرده و عوض موقوفه وقف سازند یا لازم نیست و می توانند از آن استفاده کنند؟ آیا در این حکم زمین و قنوات یکسانند یا خیر؟

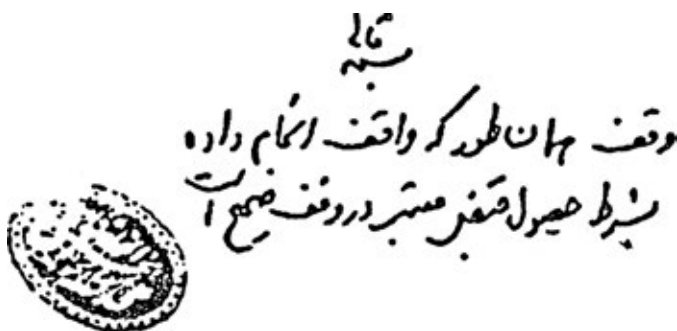
بسمه تعالی
باید آن پول ملک دیگر را خریداری و در همان
جهت وقف اداء کند . وقف نماید

بسمه تعالی

باید با آن پول ملک دیگری را خریداری و در همان جهت وقف اول وقف نمایند.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: شخصی املاک خود را از زمین و باغ وقف بر اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل نموده است به این گونه که تا هنگامی که نسل اولاد ذکورش منقرض نشده است وقف بر آنان باشد و در صورت انقراض، موقوفه وقف بر سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) باشد، آیا چنین وقفی صحیح است، موقوفه و منافع آن اعم از محصولات کشاورزی، مال الاجاره و پولی که بابت تخریب موقوفه و تعطیل موقت منافع آن دریافت می‌شود مخصوص اولاد ذکور می‌باشد و دختر و نوه دختری واقف حق استفاده از آن را ندارد؟ یا صحیح است و دختر و نوه دختری واقف هم ذی حق می‌باشند؟ یا اصلاً این وقف صحیح نیست؟



بسمه تعالی

وقف همان طوری که واقف انجام داده به شرط حصول قبض معتبر در وقف صحیح است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: اگر شخصی تمام یا بخشی از املاک خود را به فرزند صغیر یا کبیر خود هبه نماید، آیا هبه‌اش صحیح است و دیگر وارث حقی نسبت به موهوبه مذکوره ندارد، یا صحیح نیست و دیگران هم ذی حق می‌باشند؟

بسمه تعالی
 اگر هبه بانه انان از جمله قبض محقق است
 صحیح است، و ورثه حق در آن ندارند
 ۳۵۳۰۶ در ۲۱/۱۱/۱۳۹۵

بسمه تعالی

اگر هبه با شرایط آن از جمله قبض محقق شده صحیح است، و ورثه حق در آن ندارند، والله العالم.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: احتراماً به استحضار می‌رساند یک باب منزل مسکونی و ۱۰ ساعت آب از سوی مرحوم مغفور برای اقامه عزاداری سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام با تولیت اینجانب وقف شده است. ولی متأسفانه به دلیل نیاز به تغییر منزل مسکونی و عدم درآمد عزاداری در مکان دیگر برگزار می‌شود و به استحضار می‌رساند با توجه به توسعه مسجد و درخواست از سوی مؤمنین برای در اختیار گرفتن منزل مزبور برای مسجد با شرط اقامه عزاداری حکم شرعی آن چه می‌باشد، در صورت منفی بودن جواب آیا در اختیار گذاشتن مقداری از ملک که دخل در عزاداری ندارد به عنوان هدیه از سوی متولی برای مسجد امکان دارد یا خیر؟

بسمه تعالی
 میر و وقف جایز نیست، و باید از منزل در هبه و وقف استفاده کرد، و در این صورت صحیح است.
 ۳۵۳۰۸ در ۲۱/۱۱/۱۳۹۵

مضرات
 از جمله مذکور در احوال
 از آن استفاده نماند در ۲۱/۱۱/۱۳۹۵

بسمه تعالی

تغییر وقف جایز نیست، و باید از منزل در جهت وقف استفاده شود، بلی اگر به هیچ وجه استفاده از آن در جهت وقف ممکن نباشد می‌توانند با نظر متولی شرعی در مطلق خیرات از جمله مذکور در سؤال از آن استفاده نمایند، والله العالم.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء : شخصی ثلثه خود را زمین قرار داد. گفته باید بماند صالحات باقیات نسل اول طبق وصیت عمل کردند، اما نسل بعدی بر اثر اختلاف سلیقه و تعدد متولی طبق وصیت نمی‌توانند انجام وظیفه کنند آیا حضرت تعالی اجازه می‌فرماید که زمین مزبور را تبدیل به احسن برای مراکز علمی و یا مؤسسات دینی از مسجد و غیره مصرف کنند؟ جواب شرعی را مرقوم فرمایید. والسلام

بسمه تعالی



در تغییر و تبدیل وقف، باید نظر واقف عمل شود.

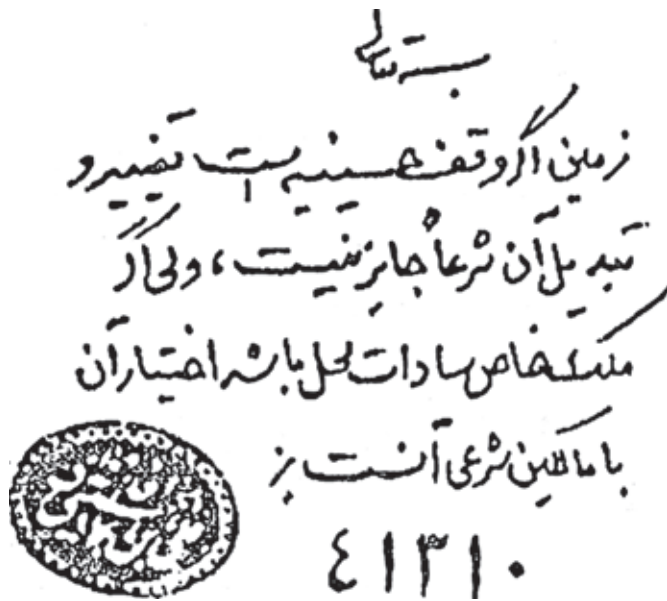
۳۵۳۲۵

بسمه تعالی

در تغییر و تبدیل وقف، باید نظر واقف عمل شود.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء : ما قطعه زمینی داریم که برای احداث منزل کافی نیست و یک قطعه زمین متصل به صورت کرت در کنار ما است که متعلق به حسینییه سادات است. ما به سادات یک قطعه زمین بزرگتر و بهتر و حاصلخیز در محل دیگری پیشنهاد و درخواست نموده‌ایم که آن قطعه را به ما بدهند و آنها با این پیش شرط با درخواست ما موافقت نموده‌اند که از آن حضرت استفتاء شود و در صورت موافقت ایشان زمین مورد درخواست ما را به ما اعطا نمایند.



بسمه تعالی

زمین اگر وقف حسینی است تغییر و تبدیل آن شرعاً جایز نیست، ولی اگر ملک خاص سادات محل باشد، اختیار آن با مالکی شرعی آن است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: واقفین به صراحت تولیت رقبه خود را در وقفنامه به موسسه‌ای واگذار نموده و موسسه یا بنگاه نیز خود شخصیتی حقوقی است که در جهت تداوم و استمرار وقف این صدقه جاریه تشکیل و به ثبت رسیده است. نتیجتاً مجمع عمومی و هیأت مدیره بر اساس مفاد اساسنامه، اداره موسسه را تا کنون به مدت ۷۰ سال به عهده داشته و دارند. از محضر مبارک مقام معظم ولایت عظمی استدعا دارد که امر فرمایند اعلام گردد که شرعاً تولیت املاک موسسه با هیأت مدیره است یا خیر؟

آیا می‌شود مدیریت این موسسه که بر خلاف مفاد اساسنامه ثبت شده است را از هیأت مدیره سلب کرد و آن را در عداد املاک وقف مجهول التولیه قلمداد نمود. مضافاً این که از موسسین این بنگاه فرد یا افرادی در قید حیات هستند که خود هم اکنون جزو هیأت مدیره می‌باشند.

بسمه تعالی
 منعی از قرار دادن تولیت برای هیأت
 به نحو مزبور نیست و مجهول التولیه بودن

آن وجهی ندارد. و السلام



۳۵۵۸۵

بسمه تعالی

منعی از قرار دادن تولیت برای هیأت به نحو مزبور نیست و مجهول التولیه بودن آن وجهی ندارد، والله العالم.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: ملکی وقف طلاب علوم دینی و دارالعلم آیت الله العظمی نبوی گردیده، به نظر حضرت مستطاب عالی این وقف، وقف عام است یا وقف خاص؟ نظر مبارکتان را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی



در فرض مذکور وقف عام است
 ۳۵۸۲۸

بسمه تعالی

در فرض مذکور وقف عام است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: قطعه زمینی که قبلاً گورستان بوده و اکنون بیش از ۴۰ سال از این قبرستان می‌گذرد و هیچ نوع آثاری از قبر مشاهده نمی‌گردد و زمین مسطح می‌باشد، اما در حین خاکبرداری به استخوان و در بعضی نقاط جسد مدفون شده مشاهده گردیده است. لذا استدعا می‌گردد به سوالات زیر پاسخ داده شود تا اقدام مقتضی به عمل آید:

(۱) آیا در چنین زمینی که قبلاً گورستان بوده و بیش از ۴۰ سال از آن گذشته است می‌توان ساختمان بنا نمود.

(۲) آیا با خاکبرداری زمین می‌توان ساخت و ساز نمود؟

(۳) آیا ایجاد پارک یا فضای سبز بر روی چنین زمینی امکان‌پذیر است یا خیر؟

بسمه تعالی
 ۱-۲- نبش قبر مسلمان به هیچ وجه جایز نیست - اگر چه چهل سال از دفن گذشته باشد
 ۳- تبدیل گورستان موقوفه جایز نیست - و غیر موقوفه
 اگر نبش قبر نباشد بلا مانع است.
 ۳۵۹۴۹



بسمه تعالی

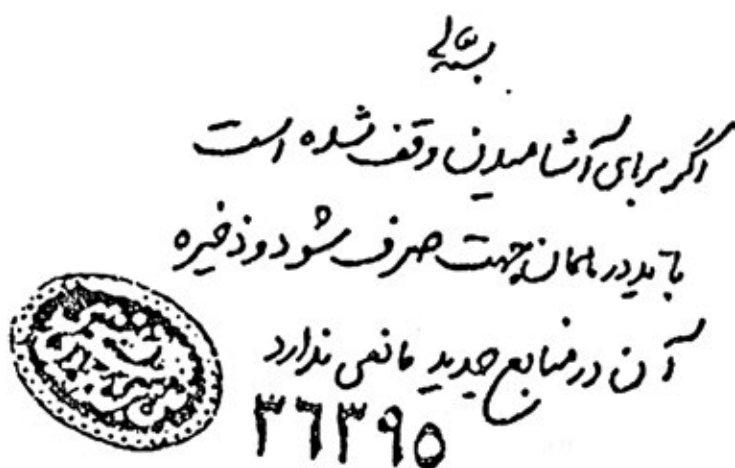
۱-۲- نبش قبر مسلمان به هیچ وجه جایز نیست اگر چه چهل سال از دفن گذشته باشد.

۳- تبدیل گورستان موقوفه جایز نیست و غیر موقوفه اگر نبش قبر نباشد بلا مانع است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: لطفاً نظر مبارک را در رابطه با مسأله ذیل بیان فرمایید، آبی است موقوفه جهت شرب محلی که توسط آب‌انبارهایی مشروب می‌شده ولی در زمان فعلی آب‌انبارهای مذکور کمتر

قابل استفاده است و چه بسا بخش عمده آن آبها توسط بعضی جهت کشاورزی استفاده می شود، با توجه به کثرت نفوس آن اهالی و ساخت منابع جدید الاحداث و کمبود آب جهت شرب آیا اجازه می فرمایید که آب مذکور به منابع برده شود برای شرب تمام اهالی و آیا می توان از آب مذکور جهت استحمام استفاده نمود یا خیر؟

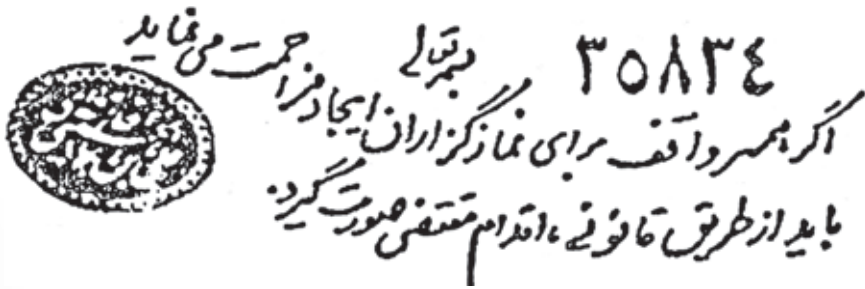


بسمه تعالی

اگر برای آشامیدن وقف شده است باید در همان جهت صرف شود و ذخیره آن در منابع جدید مانعی ندارد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه ای

استفتاء: شخصی زمینی را به عنوان مسجد وقف نموده و مردم محل این زمین را به صورت آبرومندی ساختند و واقف در وقفنامه برای این مسجد متولی معین نموده و ضمناً شرط نموده خود و عیالش تا زنده هستند به عنوان سرایدار مسجد سکونت بنمایند، سال ها قبل بانی فوت نمود ولی عیال آن در قید حیات می باشد، این زن نه تنها به وظیفه سرایداری خود نسبت به مسجد عمل ننموده بلکه در مقام اذیت و آزار نمازگزاران برآمده و گاهی درب مسجد را از داخل بسته و می گوید نمی خواهم اینجا نماز بخوانید و همه روزه فحش و ناسزا به همه مردم و امام جماعت داده و با جملات مستهجن و نامربوط مردم را نسبت به این مسجد دلسرد نموده به طوری که بعضی از مؤمنین محل از آمدن به مسجد خودداری می نمایند. سوال این است که این شرط سکونت این زن در مسجد با این اعمال و اقوال ناشایسته ایشان در اعتبار خود باقی است یا ملقی می باشد.



بسمه تعالی

اگر همسر واقف برای نمازگزاران ایجاد مزاحمت می نماید، باید از طریق قانونی اقدام مقتضی صورت گیرد.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

استفتاء: قطعه زمینی است که در گذشته مزروعی بوده و سالیانه از درآمد آن چند روزی روضه سیدالشهداء (ع) خوانده می‌شده و روز آخر هم اطعام می‌کرده‌اند و مابقی درآمد آن بین ورثه به صورت پسر بخش و دختر بخش تقسیم می‌شده است، اکنون چند سال است که چون قنات خشکیده است و در زمین کشت نمی‌شود و درآمدی ندارد و به خاطر نزدیکی به شهر جزء اراضی شهری به حساب آمده است. ضمناً در سند این زمین اسمی از وقف نیست ولی در افواه چنین است که برخی می‌گویند وقف است و برخی هم می‌گویند وقف صد ساله بوده که اگر چنین باشد مدت آن تمام شده است در حال حاضر تعدادی از وارثین موجود این زمین را تفکیک کرده‌اند قسمتی از آن جزء خیابان شده است و قسمتی را هم شهرداری به عنوان پارکینگ تصرف کرده است. مابقی آن را هم ورثه تصرف کرده و فروخته‌اند، همسر مرحوم من یکی از آن ورثه است که سه سال قبل در حادثه رانندگی از دنیا رفته است و از آن مرحوم چهار فرزند مانده که دوتای آنها صغیر هستند، می‌خواهم بدانم تکلیف من چیست؟ این پولی را که به عنوان سهم ارث همسر من به من داده‌اند چه کنم؟ آیا من و فرزندانم به عنوان وارث همسر من می‌توانیم در این پول تصرف کنیم چون وقف بودن آن مشکوک است و به فرض در وضع موجود نه کسی است و نه زراعتی و نه زمینی قابل کشت، یا آن که به گونه‌ای آن را در سوددهی به کار گیریم و از سود آن هر ساله تا وقتی زنده هستیم به نیت آن صاحب اصلی روضه بخوانیم. و یا آن که تمامی آن را در یک راه خیر دیگری مصرف کنیم؟ البته دو تن از فرزندانم صغیر هستند، لطفاً مرا راهنمایی بفرمایید و تکلیف شرعی من را مشخص نمایید.

بسمه
 زمین اگر شهرت به وقفیت دارد وقف است و قابل خرید و فروش نیست
 و در صورت تغییر دادن باید به صورت وقف برگردد و در سند ذکر شده باشد
 و برگونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح وقف باشد و در صورتی
 که متولی خاص نداشته باشد تولیت آن با حاکم شرع است
 ۳۶۳۰۳



بسمه تعالی

زمین اگر شهرت به وقفیت دارد وقف است و قابل خرید و فروش و تقسیم
 نیست و در صورت تغییر دادن باید به صورت وقف برگردد ولو در سند ذکر
 نشده باشد و هر گونه تصرف در وقف باید زیر نظر متولی شرعی و صلاح
 وقف باشد و در صورتی که متولی خاص نداشته باشد تولیت آن با حاکم شرع
 است.

علی بن الجواد الحسینی الخامنه‌ای

وقف زمان بندی شده؛ راهکاری در راستای بهینه سازی و گسترش فرهنگ وقف

دکتر محمدرضا علمی سولا - الناز بیرجندیان - علی محمدیان

چکیده:

در این نوشتار سعی بر آن است که از منظر نوینی به مسأله وقف، این سنت حسنه نگریسته شود. مسأله این گونه مطرح می شود که در وقف، واقف موقوفه را به صورت زمان بندی شده بر دو گروه یا بیشتر در جهت مختلف مصرف به گونه ای که جهت استفاده هر گروه مشخص و معین باشد، وقف نماید؛ مانند این که خانه اش را وقف بر چهار گروه مختلف نموده، و چنین شرط کند که هر کدام از گروه های مذکور در سال، سه ماه حق استفاده و بهره برداری از عین موقوفه را در جهت خاص خود خواهند داشت. از مزایای این روش نوین استفاده و بهره وری بسیار مفید و فوق العاده از حداقل ها و نیز افزایش دامنه این سنت خدایی می باشد. در این روش واقف آزادی عمل بیشتری در تعیین موقوف علیهم دارد و ایشان نیز بهتر می توانند از مال موقوفه استفاده نمایند.

کلید واژه ها:

وقف، عین موقوفه، موقوف علیه، واقف، زمان بندی.

طرح بحث:

مسئله وقف زمان بندی شده نگرشی نوین به نهاد وقف می باشد که به معنای وقف مال موقوفه البته در دوره زمانی معین و تحدید شده است. با این تقریب که در فرض مذکور شخصی که قصد دارد ملک خود را وقف نماید می تواند گروه های مختلفی از موقوف علیهم را در نظر بگیرد و ملکش را به صورت زمان بندی شده در چند جهت مختلف برای مصرف، وقف چند گروه از موقوف علیهم نماید؛ یعنی صیغه وقف را در حالی جاری نماید که هر گروه و جهت استفاده هر یک را به طور واضح مشخص نموده و در نهایت برای هر یک زمانی را جهت انتفاع و استفاده مشخص نماید؛ به تعبیری واضح تر مثلاً برای یک سال چهار گروه از موقوف علیهم را در نظر گرفته و برای هر گروه با در نظر گرفتن جهت استفاده، سه ماه از سال را اختصاص دهد. لازم به ذکر است که در این مورد شرط دوام وقف پابرجاست؛ منتها دوام آن به صورت متوالی و ممتد نیست؛

بلکه براساس زمانی است که بین موقوف علیهم تقسیم گردیده است. هم چنین گروه های مختلف می توانند با شرط واقف، یا اگر وی شرط نکرده باشد و مطلق گذارده باشد، با توافق یکدیگر، زمان استفاده اختصاصی خود را با هم تعویض نمایند و این گونه به عدالت کامل از مال موقوفه بهره ببرند. باید توجه داشت که این فرض با فرض مالکیت مشاع و وقف مال مشاع تفاوت دارد؛ چراکه در مالکیت مشاع شریک به طور کامل مالک ملک نمی شود و مالکیت هر شریک در ذرات ملک منتشر می گردد، برای همین تصرف هر شریک باید با اذن سایر شرکا باشد؛ اما در فرض مذکور مالکیت هر فرد به صورت مستقل از سایر مالکین است و هر فرد مالک، حق همه گونه تصرف در ملکش را البته به حدی که به حقوق سایر مالکین لطمه وارد نکند دارد.

از مزایایی که این گونه وقف دارد آزادی عمل بیشتر واقف یا واقفین در وقف ملک خود می باشد، و نیز

تعهدات. ۳. بنای عقلا و ضرورت اجتماعی.

۱. اصل حاکمیت اراده:

اصل حاکمیت اراده یا آزادی قراردادهای که به آن اصل «حریت اراده» هم گفته می‌شود؛ یکی از مباحث مهم و مبنایی حقوق قراردادهای به‌شمار می‌رود، و ماده ۱۰ قانون مدنی نیز یکی از نتایج اصل مزبور می‌باشد. برطبق این اصل افراد در تنظیم قراردادهای خود و انجام اعمال حقوقی آزادند و قراردادهای تابع اراده افراد می‌باشد و لذا هرگونه که لازم و مقتضی بدانند می‌توانند قراردادهای خود را تنظیم نمایند.^۲ باید گفت از منظر حقوقی نیز در زمینه وقف وضع به همین منوال خواهد بود و واقف با اراده خود می‌تواند عین موقوفه را که قبل از قبض دادن در ملکیت خودش قرار دارد به گونه زمان بندی شده برای استفاده گروه‌های مختلف موقوف علیهم وقف نماید.

۲. اصل نفوذ و اعتبار تعهدات:

در ماده ۲۲۳ قانون مدنی مقرر

موقوف علیهم متعددی می‌توانند از این عمل نیکو بهره‌مند گردند، و با توجه به شکل ویژه‌ای که این نوع از وقف دارد محدودیت‌ها کنار زده می‌شود و می‌توان از حداقل‌ها بهترین و بیشترین استفاده را نمود. اگر زمانی نیاز بیشتری در جامعه به این سنت نیکو احساس شد اما منابع لازم برای این کار محدود بودند افراد می‌توانند همان مال محدود خود را به نحو احسن مورد استفاده قرار داده و وقف گروه‌های مختلفی از موقوف علیهم نمایند و بدین گونه این سنت خداپسندانه در جامعه رواج بیشتری خواهد یافت.

بررسی ادله مشروعیت وقف زمان بندی شده از جنبه حقوقی

در ابتدا به بررسی مبنای مشروعیت وقف زمان بندی شده از لحاظ حقوقی می‌پردازیم. طبق یک استنتاج عقلی سه مبنا برای مشروعیت وقف مذکور می‌توان ذکر نمود که عبارتند از: ۱. اصل حاکمیت اراده یا آزادی قراردادهای (ماده ۱۰ قانون مدنی). ۲. اصل نفوذ و اعتبار

گردیده است: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود». به نظر می‌رسد مفاد این ماده، مدلول قاعده فقهی اصالة الصحة می‌باشد. باید گفت وقف مال موقوفه به طریق زمان بندی شده نیز می‌تواند حمل بر صحت گردد و از این رو فساد برای آن متصور نیست.

۳. بنای عقلا و ضرورت‌های اجتماعی:

صاحب عناوین در مورد معاملات عباراتی را بدین شرح آورده‌اند که: «معاملات را نباید از مخترعات شرع شمرد، مبنای آنها نیاز مردم به مبادله کالا و منافع، و گاه نقل آن اموال با عوض و یا بدون عوض است»^۳. به نظر می‌رسد می‌توان این دیدگاه را به مسأله مورد بحث نیز تعمیم داد؛ زیرا در هر حال وقف معامله واقف است با خداوند متعال که در آن منافع عین موقوفه در راه خدا و به مصارف خداپسندانه می‌رسد و در زمینه وقف زمان بندی

شده نیز مبنای نیاز جامعه و افراد جامعه خواهد بود. اگر شرایط ایجاب کند و موقوف علیهم متعدد و فراوان باشند و مال موقوفه نسبت به آنها محدودتر باشد می‌توان با زمان بندی نمودن وقف این نیاز اساسی را برطرف نمود.

به نظر می‌رسد اساساً می‌توان برای اثبات صحت و درستی وقف زمان بندی شده به دو وجه عقلی استدلال نمود: اول این که وقف نوعی تملیک و صدقه است و نباید از نیکی به این نحو مانع شد؛ و دوم این که در مورد تخصیص و غیر آن اختیار با مالک می‌باشد و تصور مالکیت زمانی در وقف به هیچ وجه امری محال به شمار نمی‌آید؛ زیرا مطابق با دیدگاه فقها که وقف منجر به تملیک عین موقوفه به موقوف علیهم می‌شود این تملیک موقت است و بعد از انقراض آنها به خود واقف یا جانشین او برمی‌گردد. پس در واقع چون وقف نوعی صدقه و تملیک است، اگر آن را به نوعی تملیک عین موقوفه به موقوف علیهم بدانیم، در اختصاص دادن موقوفه به آنها هم اختیار با واقف

آیه ۳۴ سوره اسرا که خداوند در آن می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ؛ به عهد خود وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود﴾ باید گفت اگرچه برخی از فقها در مورد این که عموم این آیات شامل هر عقدی که بعداً اختراع شود هم بشود اختلاف نظر دارند و معتقدند که اینها فقط بر عقود معتبر در زمان شارع دلالت دارند.^۴ لیکن فقهایی مانند صاحب عناوین که به نظر می‌رسد مشهور متأخرین نیز با وی هم رأی می‌باشند بر این نظرند که عموم آیاتی که درباره آنها بحث شد، عموم افرادی و استغراقی می‌باشد و تمام عقود و مصادیق آنها را در بر می‌گیرد.^۵ به نظر می‌رسد راجع به مسأله مورد بحث ما نیز همین نظریه جریان خواهد داشت؛ یعنی عموم آیاتی که ذکر شد شامل تمامی عقود می‌باشند و فقط مختص عقود معتبر در زمان شارع آن‌طور که برخی از فقها نظر داده‌اند نمی‌باشد، و طبق این عموم واقف می‌تواند مال موقوفه را به صورت زمان‌بندی شده و برای جهات مختلف،

است که چگونه این کار را انجام دهد؛ لذا تصور وقف زمانی امری محال محسوب نمی‌شود. و در وقف زمانی هم تمام شرایط اساسی صحت وقف مانند تحبیس اصل و اطلاق ثمره و یا عدم نقل و انتقال مال موقوفه رعایت گشته و خللی به آنها وارد نمی‌آورد.

بررسی ادله مشروعیت وقف زمان‌بندی شده از منظر فقهی:

۱. از کتاب (قرآن کریم):

از عمومات دو آیه برای اثبات مشروعیت نهاد مالکیت زمانی استفاده شده است؛ اما در این جا از باب تعمیم و اشتراک مسأله زمان در هر دو نهاد (مالکیت زمانی و وقف زمانی) می‌توانیم از عمومات این دو آیه برای اثبات مشروعیت وقف زمان‌بندی شده بهره ببریم.

آیاتی که در این جا به این منظور کاربرد دارند عبارتند از: آیه ۱ سوره مائده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوفُوا بِالْعُقُودِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید!﴾ و

وقف موقوف علیهم متعدد نماید، و این مطلب خللی به اصل وقف وارد نمی‌آورد. چون در این نوع وقف تمامی ارکان آن به درستی مد نظر واقع شده و بر طبق اصل آزادی اراده می‌توان مالی را به این صورت نیز وقف نمود. مسأله دوام نیز که در وقف بسیار مهم می‌باشد و از ارکان آن محسوب می‌شود رعایت می‌گردد؛ البته این دوام به صورت متوالی و پیوسته نمی‌باشد؛ بلکه به صورت متناوب و مرحله‌ای می‌باشد؛ اما آنچه که مهم است این است که به هر حال عنصر دوام در این نوع وقف قابل تصور می‌باشد، و فقط نوع این دوام با توجه به ماهیت ویژه‌ای که این عقد دارد متفاوت می‌باشد که این موضوع هم نمی‌تواند خللی به اصل وقف وارد نماید.

۲. از سنت:

به نظر می‌رسد روایتی که می‌تواند ارتباط وثیقی با موضوع مورد بحث پیدا کند، حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم الاّ کلّ شرط خالف کتاب

الله»^۶ می‌باشد.

در این مورد باید متذکر شد که لازم نیست حتماً کتاب خدا موضوع مذکور را تأیید نماید؛ بلکه همین مقدار که با آن شرط مخالفتی در کتاب صورت نگرفته باشد کفایت می‌کند.^۷ بنابراین در رابطه با شرطی هم که مخالفتی نسبت به آن در کتاب خدا صورت نگرفته مؤمنان باید به آن کاملاً ملتزم گردند.

در رابطه با وقف زمانی هم به نظر نمی‌رسد که مخالف با کتاب خدا باشد و شرط زمان بندی در انتفاع مسأله‌ای باشد که مال موقوفه را از وقفیت خارج نماید و باز هم اصل وقف صحیح و پابرجا خواهد ماند. پس طبق این حدیث نبوی وقف زمانی نیز می‌تواند صحیح و مشروع باشد.

۳. اصول فقهی توجیه کننده

وقف زمانی

۱. اصل اباحه:

اباحه در لغت به معنای اجازه دادن و روا دانستن می‌باشد.^۸ این واژه در اصطلاح دارای دو کاربرد می‌باشد:

زمان‌بندی شده شک کردیم چون نهی و بیانی از جانب شارع وارد نشده است؛ لذا این نوع وقف صحیح و مشروع می‌باشد و واقف نیز تکلیف خود را در این زمینه به انجام رسانیده است.

۲. اصل صحت:

قاعده یا اصل صحت و به اصطلاح فقهی «اصالة الصحة» از قواعد بسیار مهم فقه است که کاربرد فراوان دارد و به اشکال گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. مدارک و مستندات این اصل عبارتند از: آیه «اوفوا بالعقود» و حدیث «المؤمنون عند شروطهم» که بیان شد و ادله خاص عقود مانند «احل الله البيع و حرّم الربا» که در سوره بقره آیه ۲۷۵ آمده؛ بنای عقلا و اجماع علمای اسلام و آنچه که مستفاد از روایت حفص بن غیاث است که گفته: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق»^{۱۱}.

مفاد آیه «اوفوا بالعقود» این است که عقد بر مطلق عهود اطلاق می‌شود و مفاد حدیث «المؤمنون عند شروطهم»

۱. به عنوان یکی از احکام پنجگانه تکلیفی است و در مورد فعلی گفته می‌شود که بر انجام و یا ترک آن پاداش و کیفری قرار نمی‌گیرد و رجحانی در این رابطه وجود ندارد^۹. ۲. اباحه ثانوی: که منظور ما در بحث مورد نظر همین تعریف از اباحه می‌باشد که محل اجرای آن در موارد شک در جواز یا عدم جواز عمل است. بر طبق این اصل، در صورت وجود شک و با وجود به کارگرفتن تمام تلاش و بررسی کتاب و سنت اگر نصی در مورد منع عمل مورد تردید پیدا نشد، باید بنا را بر جایز بودن آن عمل گذاشت؛ چون انسان مطمئن است که هیچ عقابی بدون بیان از جانب شارع حکیم و دانا صادر نخواهد شد و چون در مورد فلان عمل مورد تردید بیانی وارد نشده است عمل باطل نخواهد بود و مرتکب مستحق کیفر نیست و به عبارتی عدم ورود منع، کافی است در جواز^{۱۰}.

بنابراین طبق مطالبی که در مورد اباحه بیان شد می‌توانیم بگوییم که هر گاه در صحت عملی مانند وقف

نیز این است که شرط بر مطلق التزام ولو این که به غیر لفظ هم باشد اطلاق می گردد. بنای عقلای تمامی ملل و نحل و تمامی عصور هم بر این قرار گرفته که اصل صحت یک اصل مسلم حقوقی بوده و جزو آرای محموده است و شارع به عنوان رئیس عقلا در این زمینه با عقلا متحد النظر می باشد. در ارتباط با روایت حفص بن غیاث هم باید گفت چنانچه اصل صحت را معتبر ندانیم، در نظام مسلمین اختلال و هرج و مرج به وجود می آید و این امر منجر به تعطیلی بازار مسلمین می شود. البته لازم به ذکر است که منظور از صحت در اینجا صحت واقعی می باشد نه صحت نزد فاعل آن؛ چرا که اگر منظور صحت در نزد فاعل باشد، حمل نمودن معاملات بر صحت امری لغو خواهد بود. اصل مذکور در تمامی معاملات اعم از عقود و ایقاعات جریان دارد و بر اصالة الفساد مقدم می شود^{۱۲}.

ماده ۲۲۳ قانون مدنی در تأیید اصل مزبور چنین مقرر می دارد: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت

است مگر این که فساد آن معلوم شود». همچنین ماده ۱۰ قانون مدنی که حاوی اصل «آزادی قراردادهای» است و به حکومت اراده نیز دامنه گسترده ای می بخشد آن را از حصار عقود معین خارج ساخته و همه قراردادهای را جز در مواردی که خلاف صریح قانون باشد نافذ می داند^{۱۳}. و در واقع این ماده یکی دیگر از چهره ها و وجه های اصل صحت می باشد^{۱۴}.

لذا بنابر آنچه که گفته شد یعنی چون اصالة الصحة در کلیه عقود و ایقاعات جریان می یابد، در زمینه وقف زمانی هم باید جریان این اصل را مسلم دانست. پس بنابراین اصل، وقف زمانی به لحاظ صحت واقعی، یک عمل مشروع و صحیح می باشد که ماده ۱۰ قانون مدنی هم از آن حمایت می کند.

۳. اصل تسلیط:

برخی از فقها برای بیان دایره و گستره لزوم وفای به عهد در استدلال ایشان به عموم حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» استناد کرده اند

جهات مختلف مصرف، وقف موقوف
عليهم متعدد نمايد.

و بر این عقیده‌اند که لازمه تسلط بر
اموال این است که تمام قراردادهای
راجع به آن هم به طور اجمالی درست
و صحیح باشد؛ یعنی اگر شخصی را
بر مالش مسلط بدانیم لازمه این
امر آن است که وی در کلیه
تصرفاتش حتی معامله در
مورد مالش آزاد باشد و
هر طور که بخواهد
با آن مال معامله
کند.^{۱۵}



طبق

اصل تسلیط واقف قبل

از به قبض دادن عین موقوفه مالک آن
محسوب می‌شود و کاملاً مسلط بر آن
است، پس می‌تواند هرگونه که بخواهد
و به هر ترتیبی که مقرر بداند مالش
را وقف نماید و لذا می‌تواند مالش
را به صورت زمان‌بندی شده و برای

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

وقف زمان‌بندی شده پدیده‌ای نوین
در زمینه عقد وقف محسوب می‌گردد
که در آن واقف می‌تواند مال خود را
به صورت زمان‌بندی شده در اختیار
گروه‌های متعددی از موقوف‌علیهم

با تصریح جهت مصرف هر کدام و مقطعی که هر گروه مجاز به استفاده هستند قرار دهد. برای اثبات مشروعیت این نهاد به ادله حقوقی و فقهی مختلفی می شود استناد جست. از منظر علم حقوق با توجه به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها، وقف زمان بندی شده می تواند به عنوان پدیده ای نوین مورد پذیرش واقع گردد. در فقه نیز برای مشروعیت موضوع مذکور می توان به کتاب، سنت، و چند اصل از جمله اصل اباحه و اصل تسلیط استناد نمود. با پذیرش چنین وقفی دامنه این سنت حسنه گسترش می یابد و واقفین می توانند در زمینه وقف مال خود از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند و در نقطه مقابل نیز موقوف علیهم بیشتری بتوانند از منفعت این عمل خدایی بهره ببرند. در صورت پذیرش این پدیده نوین دیگر نباید نگران محدودیت ها بود؛ چراکه وقف زمان بندی شده محدودیت ها را از میان برمی دارد.

تنها چیزی که در اینجا بیان آن

ضروری به نظر می رسد این است که واقف باید هنگام جاری نمودن صیغه وقف به هر یک از جهات مصرف و مدت تعیین شده برای هر یک از گروه های موقوف علیهم تصریح نماید تا ابهامی در این باره بر جای نماند. و در وقفنامه هم در صورت لزوم، امکان جابجایی زمانی در نظر گرفته شود تا گروه های مختلف موقوف علیهم بنا به عدالت بتوانند از مال موقوفه بهره مند گردند. با توجه به اشاره ای که قبلاً در رابطه با این موضوع صورت گرفت لازم به ذکر است که مسأله دوام در این فرض از وقف وجود دارد؛ اما حالت توالی آن به فواصل معین زمانی قطع و وصل می گردد و این گونه نیست که وقف موقت باشد. بنابراین خللی به عنصر دوام که از عناصر اصلی وقف می باشد وارد نمی گردد؛ متها دوام در این نوع عقد به خاطر ماهیت ویژه ای که دارد با دوام در سایر عقود از قبیل وقف متداول متفاوت می باشد.

پی نوشت ها:

۱. دایرةالمعارف حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۰۶
۲. قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۲۵۴
۳. عناوین الفقهیه، ج ۲، ص ۷
۴. جامع الشتات، ص ۱۲۱
۵. عناوین الفقهیه، ج ۲، ص ۱۵
۶. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۳
۷. ن.ک: شرح مکاسب، ج ۱۱، ص ۳۰۹
۸. الصحاح، ج ۱، ص ۳۵۷
۹. ن.ک: الاصول العامه للفقہ المقارن، ص ۶۵
۱۰. حقوق اموال، ص ۴۹
۱۱. ن.ک: القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۳۹
۱۲. همان، ص ۹۳
۱۳. قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۴۹
۱۴. اموال و مالکیت، ص ۳۵۴
۱۵. ن.ک: قواعد فقہ، ج ۲، ص ۲۷۳

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. لسان العرب، ۱۵ جلد، دارالفکر، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. القواعد الفقهیه، ۷ جلد، سید حسن بجنوردی، نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۴. وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، محمد بن حسن حرّ عاملی، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۵. تاج اللغة و صحاح العربیه، ۶ جلد، اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح- دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۶. الاصول العامه للفقہ المقارن، تحقیق: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، سید محمدتقی حکیم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۷. مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیه، حسین بن محمد راغب اصفهانی، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۸. الدروس الشرعیه فی فقہ الإمامیه، ۳ جلد، شهید اول، محمد بن مکی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۹. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۲ جلد، شهید ثانی، زین الدین بن علی،

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.

۱۰. مجمع البحرین، ۶ جلد، فخرالدین طریحی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.

۱۱. المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، محمد بن حسن طوسی، المکتبه المرتضویه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

۱۲. تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، -----، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۱۳. المختصر النافع فی الفقه الإمامیه، ۲ جلد، علامه حلی، محقق: نجم الدین بن جعفر بن حسن حلی، ناشر: موسسه المطبوعات الدینیّه، قم-تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.

۱۴. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، در یک جلد، احمد بن محمد فیومی، دارالرضی، قم، اول، بی تا.

۱۵. شرح مکاسب، محی الدین فاضل هرنندی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.

۱۶. قواعد عمومی قراردادها، ناصر کاتوزیان، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ش.

۱۷. حقوق مدنی، اموال و مالکیت، تک جلدی، -----، نشر میزان،

تهران، پنجم، ۱۳۸۱ش.

۱۸. دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، محمدجعفر لنگرودی، انجمن حقوق بنیاد راستاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۷ش.

۱۹. حقوق اموال، -----، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ش.

۲۰. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، جعفر بن حسن محقق حلی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.

۲۱. قواعد فقه، ۴ جلد، سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.

۲۲. العناوین الفقهیه، ۲ جلد، سید میر عبدالفتاح مراغی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

۲۳. جامع الشتات فی أجوبه السؤالات، ۴ جلد، ابوالقاسم میرزای قمی، مؤسسه کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۲۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، محمدحسن نجفی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

نقش حکومت صفوی در فراز و فرود نهاد وقف

دکتر محمد شورمیج

چکیده:

عمل وقف شامل حالات متنوعی از اهدای زمین تا ساخت اماکن مختلف و بهره‌برداری از امکانات آن می‌شود که طبق وصیت واقف، عموم مردم از سود آن بهره‌مند می‌گردند. با گسترش املاک وقفی و ضرورت تأسیس نهاد وقف در عصر صفویه، اداره آن بر عهده مقام صدر گذاشته شد. در این دوره با توجه به سیاست حکومت، نهاد وقف و مقام صدر سیر صعودی و نزولی را طی کرد. لذا مسأله اصلی پژوهش، بررسی نقش حکومت صفوی در تحول نهاد وقف و مقام صدر است که باروش توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته شده است. اهمیت و ضرورت پژوهش در این است که نهاد وقف در کسب مشروعیت سیاسی و مستمندان بود، لذا شناسایی و تبیین آن از اهمیت و ضرورت برخوردار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سلاطین صفوی برای کسب مشروعیت، تقویت تشیع و اهداف اقتصادی و اجتماعی خود به وقف روی آوردند. روش پژوهش در این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای و به صورت تبیین و تحلیل منطقی داده‌های تاریخی است.

کلید واژه‌ها:

نهاد وقف، مقام صدر، حکومت صفوی، شاهان صفوی.

مقدمه

عمل وقف که در جوامع مسلمین به شکل منسجم و سازمان یافته وجود دارد، سنتی است که مسلمانان به عللی از جمله رضایت الهی، مقداری از اموال خود را به عموم مردم اختصاص می دادند تا از آموزش و بخشش الهی در روز قیامت برخوردار شوند. این عمل زمینه های متعددی از اهدای زمین تا ساخت اماکن مختلف و بهره برداری از امکانات آن را شامل می شود و طبق سفارش و وصیت واقف، مردم هر عصر از سود حاصله آنها بهره مند می گردند. عمل وقف با احتساب این که اصل مال دست نخورده باقی می ماند، نسبت به سایر موارد ارث مزیت بارزی دارد. چون کوچک یا محو نمی شود، لذا زمین یا بنا در آن وجود دائمی پیدا می کند. موقوفات گستره وسیعی از اموال منقول و غیر منقول از جمله اراضی مزروع، آسیاب ها، نهرها، مؤسسات و کارگاه های صنعتگری و دکان ها را شامل می شود که به سود تأسیسات مذهبی از قبیل مساجد، مدارس، خانقاه،

مراقد اولیا و سلاطین و حتی بنگاه های خیریه و غیره اختصاص داده شده باشد. همچنین یکی از وظایف تاریخی اوقاف، تأمین درآمد سادات و علمای دینی بود. لذا تمامی این مسائل باعث ایجاد دیوان موقوفات برای نظارت بر اموال وقفی شد.

هدف پژوهش در این مقاله، بررسی و تحلیل نقش حکومت صفویه در تحول نهاد وقف و مقام صدر است. از آن جای که اراضی وقفی در تقویت منابع اقتصادی دولت صفوی و همچنین در تأمین درآمد سادات، علمای دین و مستمندان و توسعه اماکن اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی مؤثر بوده، لذا تشریح و تحلیل آن دارای ضرورت و اهمیت ویژه ای است.

مسأله اصلی پژوهش مذکور عبارت است از:

۱. تحول نهاد وقف و مقام صدر در عصر صفویه چگونه صورت گرفته است؟

۲. نقش حکومت صفویه در تحول نهاد وقف و مقام صدر چگونه بوده است؟

«تشیع و وقف در عصر صفوی» دارد که مجموعه مقالات خود را در کتابی به نام در باب اوقاف عصر صفوی به چاپ رسانده است.

همچنین منصور صفت گل در کتاب «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی» و مک چسنی در مقاله «وقف و سیاست ملی در دوره صفوی» تحقیقاتی خوبی در زمینه وقف انجام داده‌اند. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از پیشینه تحقیق مذکور، نقش حکومت صفوی در تحول نهاد وقف و مقام صدر بررسی و تبیین شود.

پیشینه وقف در ایران

وقف سنت حسنه‌ای است که از دیرباز به اشکال گوناگون در تاریخ بشریت وجود داشته و اسلام آن را در مسیری روشن، منطقی و هدف‌دار قرار داده است. در ایران باستان انجام کارهای عام‌المنفعه رایج بوده و انواعی از تخصیص اموال و املاک به معابد و امور خیریه و افراد وجود داشته که از جهاتی شباهت‌هایی با وقف

فرضیه اصلی که در راستای مسائل تحقیق مطرح می‌شود این است که در عصر صفویه، نهاد وقف دچار تحول عمده‌ای شده و سلاطین صفوی به دلایلی از جمله مشروعیت مذهبی، گسترش تشیع و مسائل اقتصادی و اجتماعی آن را توسعه داده و در کنترل خود گرفتند.

روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و انجام آن با گردآوری اطلاعات و بر مبنای منابع اصلی، تحقیقات جدید و تطبیق داده‌ها با یکدیگر از طریق روش تحقیق علم تاریخ می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در زمینه وقف مقالات متعددی به نگارش درآمده است. در بررسی روند تاریخی وقف در عصر صفویه، خانم نزهت احمدی در رساله دکترای خود به نام «نهاد وقف، دگرگونی و کارکردهای فرهنگی و مذهبی آن در عصر صفوی» مطالب ارزشمندی ارائه داده است. وی مقالات متعددی از جمله «درباره ساختار نهاد وقف در عصر صفوی» و

داشت. در ایران باستان پرستشگاه‌ها، معابد و آتشکده‌های سراسر کشور دارای موقوفات وسیعی بودند، اجاره املاک موقوفه آنها، هزینه‌های آتشکده و حقوق موبدان و هیربدان را تأمین می‌کرد.^۱

با فتح ایران توسط اعراب و سلطه آنها بر اراضی مفتوحه ایران، نوع جدیدی از اراضی که وقف عام یا امور خاصی می‌شد، شکل تازه‌ای پیدا کرد. به طور کلی در تاریخ ایران بعد از اسلام، روند تبدیل اراضی به زمین‌های وقفی در دوره سلجوقیان بیش از بقیه سلسله‌ها بود. آنها تشکیلات مذهبی را در دایره تشکیلات حکومتی خود محدود کردند، لذا متولیان اوقاف تابع قدرت حاکم سلجوقی بوده و حاکم بر عواید اوقاف و طرز اداره آنها نظارت داشته است.^۲

در عهد ایلخانان مغول تا دوره غازان خان که عموماً بت پرست یا غیرمسلمان بودند، املاک وقفی مصادره شد ولی با مسلمان شدن غازان خان، املاک وقفی افزایش چشمگیری

یافت. غازان خان در راستای اقدامات اصلاحی خود، سپاهیان مغولی را از تصرف زمین‌ها و املاک وقفی برحذر داشت.^۳ این اقدام غازان خان، گویای ضبط و تصرف املاک و اوقاف توسط اشراف مغولی قبل از اصلاحات غازانی در این عصر می‌باشد. در زمان آخرین ایلخان (ابوسعید) این روند افزایش یافته و بسیاری از اراضی به موقوفه تبدیل شدند.^۴ با این همه بخشی از املاک وقفی کماکان در تصرف بزرگان مغول باقی ماند. در همین دوره وقف املاک به نفع کلیسای مسیحیان یا یهودیان رایج شد، درحالی که این کارخلاف قانون وقف در فقه اسلام بود. در ادامه این روند، املاک وقفی کلیسا در دوره جهان‌شاه قراقوینلو با معافیت‌های مالیاتی همراه بود و در دوره صفویه نیز این روند تداوم یافت.^۵

سیاست شاهان صفوی در تحول وقف از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس اول

با تأسیس حکومت صفوی در

ولایات خود فرمان می‌راندند و بسته به مقام‌شان بیگلر بیگی، خان، سلطان و بیگ نامیده می‌شدند.^۶

همچنین از شیوه‌های دیگر عطایای شاهانه، سیورغال بود که اعطای زمین به سادات، علما و فضلا اطلاق می‌شد.^۷ سیورغال از سده یازدهم هجری به بعد معافیتی بود که بیشتر به زمین‌های موقوفه داده می‌شد، هرچند به زمین‌های بایر یا خالصه نیز سیورغال تعلق می‌گرفت.^۸ در دوره صفوی برای تشویق مهاجرت علمای درجه اول شیعه به ایران و تقویت مبانی ایدئولوژیک دولت صفوی، اعطای زمین به علمای دینی با شدت بیشتری ادامه یافت. دولت صفوی می‌کوشید با این شیوه، زمینه را برای فعالیت علما و تقویت ساختار دینی آماده کند. فرمان‌هایی که طهماسب اول برای عزالدین حسین بهایی و محقق کرکی در زمینه واگذاری زمین و معافیت مالیاتی داده بود، از جمله این اقدامات می‌باشد.^۹

نکته قابل توجه این که وقفیات

آغاز قرن دهم هجری به وسیله شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق)، تلاش بیش از دو قرن نهضت صفویان به نتیجه رسید و هرج و مرج‌های سیاسی و حکومت‌های ملوک الطوائفی دوره تیموری به پایان رسید. ضمن آن‌که با رسمی کردن مذهب تشیع، دوباره وحدت مذهبی و سیاسی ایران بعد از سقوط دولت ساسانی، رقم خورد.

این نظریه قدیمی که سلطان مالک مطلق همه زمینهاست، از سوی حکومت صفوی نیز دنبال شد. حکومت فردی و استبدادی بر طبق نظریه حق الهی سلطنت شاه مانند گذشته استمرار یافت. نظریه حق مطلق مالکیت شاه، این انگیزه را در بین شاهان صفوی یا حداقل مؤسس آن به وجود آورد که هر منطقه از کشور را ملک خاص خود تلقی کرده و بسته به نظر خود آن را در بین زیردستان تقسیم کند. از جمله این‌که، شاه برای حل مشکل پرداخت حقوق سپاهیان، به فرماندهان سپاه قبایل چادرنشین زمین اعطا کرد. آنها تحت امر پادشاه در

موجب گسترش تشیع در این عصر شد و همچنین جنبه‌های تبلیغاتی برای این مذهب داشت. زیرا موقوفاتی وجود داشتند که برای انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت وقف شده بودند. کارکرد این موقوفات با سیاست دینی حکومت صفوی هماهنگ بود.^{۱۰} لذا در طی حکومت صفوی به خاطر سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد یک حکومت دین سالارانه، وقف گسترش بسیاری یافت. نهاد وقف پیش از صفویان بود اما تنها تفاوت آن با این دوره، تغییر کارکرد آن است. با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفوی، کارکرد نهاد وقف در خدمت آن درآمد و خود را با نیازها و احتیاجات آن منطبق کرد.^{۱۱} بنابراین، در دوره صفوی با موقوفاتی گسترده‌ای نسبت به زمان قبل روبه رو هستیم که جهت اعیاد، مراسم مذهبی و زیارت اماکن متبرکه وقف شده‌اند. بیشتر هزینه‌های ساخت بناهای مذهبی و تجهیزات آن غالباً از موقوفات تأمین می‌گردید. لذا در سایه حمایت موقوفات، مراسم مختلف

مذهبی رونق گرفت و بناهای مذهبی توسعه یافت و شاهان صفوی علاوه بر مشارکت در امر موقوفات، مبالغ هنگفتی را صرف مرمت و بازسازی اماکن مذهبی نمودند.^{۱۲}

شاهان صفوی در ادامه روند عمل وقف، املاک بسیاری را وقف بقاع متبرکه شیعه به خصوص امام رضا (علیه السلام) و خواهرشان حضرت معصومه (علیها السلام) در قم کردند. منابع از وقف شاه اسماعیل اول در قریه ارجان فارس به سلطان احمد^{۱۳} و تأیید فرمان موقوفات سلاطین قبلی مانند فرمان ماه جمادی الاول سال ۹۱۸ هـ.ق در تأیید اوقاف قم و فرمان معافی املاک مدرسه منصوریه شیراز مطابق فرمان سلطان یعقوب آق قوینلو گزارش می‌دهند.^{۱۴} اما در مجموع، شاه اسماعیل اول به خاطر مشکلات تثبیت حکومت و درگیرهای داخلی و خارجی، نتوانست به ایجاد بناهای بزرگ وقفی بپردازد.

طی دوران طولانی فرمانروایی شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ هـ.ق) نهاد وقف شکل گرفت و شاه خود واقف

بزرگ بود. او مقدار زیادی موقوفه برای آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام در ری معین کرد. همچنین به دلایل مذهبی و سیاسی به عراق عرب توجه ویژه داشت و اراضی وقفی بسیاری در عراق عرب به خاندان کرکی وقف کرد^{۱۵}. در دوره شاه طهماسب اول، وقف در قزوین که پایتخت بود رونق یافت و موقوفاتی بر آستانه شاهزاده حسین قزوین وقف کردند^{۱۶}. همچنین شهر قم نیز مورد توجه شاه قرار گرفت و موقوفاتی بر حرم حضرت معصومه علیها السلام وقف کردند^{۱۷}. علاوه بر شاه، از فرزندان و نزدیکان شاه نیز در زمینه واگذاری اراضی وقفی در منابع گزارش‌هایی ذکر شده است. مهین بانو دختر شاه اسماعیل، املاکی را در شیروان، تبریز، ری و اصفهان وقف چهارده معصوم کرده است^{۱۸}. شرف نساء بیگم دختر دیگر شاه طهماسب اول، قریه‌هایی را در دزفول^{۱۹} و شاه بیگی بیگم (معروف به شاه تاجلو بیگم) همسر شاه اسماعیل اول نیز در ورامین و قم، زمین‌هایی را وقف اماکن مقدسه

کردند^{۲۰}.

در نتیجه شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول صفوی، برای مشروعیت سیاسی و مذهبی خود مبادرت به وقف کردند. تقویت مبانی تشیع که ایدئولوژی رسمی دولت صفوی بود، از طرق مختلف امکان پذیر بود؛ یکی از راه‌های آن، وقف املاک برای سرمایه‌گذاری در بازسازی اماکن مقدس مذهبی و حمایت مالی برای اجرای مراسم مذهبی و حمایت از خادمان اماکن مقدسه و علمای دینی بود. شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول صفوی به عنوان سلاطین شیعه و حتی نماینده نائین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، این گونه حمایت‌ها را وظیفه خود دانسته و عدم اجرای آن را لطمه به مشروعیت حکومت خود تلقی می‌کردند. برای نمونه شاه طهماسب اول در تذکره خود کار وقف خود را مأموریتی از سوی امام علی علیه السلام جلوه می‌دهد و ادعا می‌کند که هنگام جنگ با ازبکان، حضرت علی علیه السلام را در خواب دیده و به او سفارش کرد که بعد از فتح سمرقند،

گنبدش را همانند گنبد امام هشتم علیه السلام بسازند^{۲۱}. لذا شاهان صفوی از زمان تأسیس حکومت، در فکر تقویت و گسترش اراضی وقفی برای تحقق اهداف سیاسی و مذهبی خود بودند.

در زمان سلطنت کوتاه مدت سومین شاه صفوی یعنی شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ هـ.ق) که حدود ۱۶ ماه طول کشید و از لحاظ روحی به دلایل زندانی طولانی وضعیت مناسبی نداشت، یک سری اقدامات مذهبی شتاب آلودی صورت گرفت^{۲۲}. تمایلات ضد شیعی شاه و حمایت از علمای تسنن^{۲۳}، وی را بر آن داشت که علمای شیعه را از مسندهای حکومتی برداشته و به بهانه خیانت متولیان اوقاف، دست آنها را از اراضی وقفی کوتاه کند و تولید کلیه زمین‌های وقفی را خود به عهده گیرد^{۲۴}. این عوامل به همراه تصفیه خونین اطرافیان، زمینه‌ساز نارضایتی‌های گسترده‌ای علیه شاه اسماعیل دوم شد که ضد شیعی نامیدن وی یکی از آنها بود. به همین دلیل شاه اسماعیل دوم برای جلب قلوب مردم و

نشان دادن ارادت خود به امامان شیعه دستور داد بر روی سکه‌هایش این بیت شعر نقش بسته شود:

ز مشرق تا به مغرب گر امام است
علی و آل او ما را تمام است^{۲۵}

بعد از شاه اسماعیل دوم، برادرش محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ هـ.ق) به قدرت رسید. مهم‌ترین ویژگی حکومت او ضعف مفرط جسمانی و هرج و مرج سیاسی بود. نتیجه مستقیم این اوضاع، خودسری امرای قزلباش و ایجاد حکومت‌های محلی و هجوم عثمانی به مرزهای ایران و حتی تصرف تبریز پایتخت سابق ایران بود. در نتیجه، بین فواصل زمانی شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده، پیشرفتی در امور وقفی صورت نگرفت و حتی به خاطر حوادث سیاسی پیش آمده، مشروعیت صفوی دچار چالش شد.

توسعه وقف در زمان شاه عباس اول و نگرش شاه صفوی نسبت به آن

با هرج و مرج‌های زمان سلطان

محمد خدابنده، طرفداران شاهزاده عباس فرزند شاه با کودتایی آرام قدرت را در دست گرفتند و شاه عباس اول را به تخت شاهی نشاندند (۹۹۶ ه.ق). شاه عباس اول با درایت خود حکومت‌های محلی سراسر ایران را یکی بعد از دیگری به سلطه خود درآورد و بعد از یک دهه توانست دولت‌های متجاوز را از قلمروش عقب براند.

اصلاحات ساختاری شاه عباس اول در طی حکومت طولانی‌اش که چهار دهه به درازا کشید، باعث ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی کشور شد. ضمن آن‌که با رشد و شکوفایی اقتصادی و تقویت مرکزیت سیاسی و توسعه تشکیلات مذهبی، زمینه احیای اراضی به‌خصوص اراضی وقفی در کشور دوباره فراهم شد.

شاه مانند اسلافش، وقفیات خود را به اماکن مذهبی و متبرکه امام هشتم علیه السلام و خواهرشان حضرت معصومه علیه السلام اختصاص داد. انگیزه‌اش از این کار، کسب مشروعیت سیاسی و تملک قانونی و شرعی بر اراضی بود.

شاه عباس اول، طی فتوحات داخلی مرغوب‌ترین زمین‌های ایالات کشور را با عنوان خاصه به خود اختصاص داد. این کار شاه در نگاه مردم نوعی غصب زمین محسوب می‌شد و در نتیجه مشروعیت سیاسی سلطنتش زیر سؤال می‌رفت. شاه برای رفع این مشکل، دست به وقف زمین زد و با این کار توانست عواید زمین را به طور شرعی و قانونی به خود اختصاص دهد. زیرا با این کار، شاه متولی زمین‌هایش می‌شد و عایدات آن را به صوابدید خود خرج می‌کرد. البته این سیاست مختص شاه نبود، زبردستان لشگری و کشوری نیز وقتی چنین زمین‌های نامشروعی را مملک می‌شدند، عواید آن را با تولیت حلال کرده و با این کار فکر می‌کردند از مکافات عمل جلوگیری می‌کنند. شاردن با نگاه خوش‌بینانه‌تر، این نوع وقف را جبران لغزش و خطای زمین‌هایی را که از راه نادرست به دست آورده‌اند، می‌داند و عنوان می‌کند شاه عباس به همین نیت، هرچه داشت وقف کرد^{۲۶}.

با آغاز پادشاهی عباس اول، اراضی وقفی تحولی شگرف به خود گرفت و اوج آن توجه به بارگاه امام رضا علیه السلام بود. بر اثر تهاجم ازبکان به خراسان و تصرف مشهد، خسارات زیادی به مزارع و اوقاف آنجا وارد شد. شاه بعد از دفع آنها، به ساماندهی اوقاف مشهد پرداخت و با ساخت بناها و اهدای موقوفات برای رفاه زائرین امام رضا علیه السلام، بافت شهری مشهد را توسعه داد.^{۲۷}

شاه عباس اول در سال ۱۰۱۱ق/۱۶۰۲م تمام اراضی عمارت آستانه مقدس امام رضا علیه السلام را وقف کرد. هدف از وقف، ایجاد فضاهای بیشتر برای افرادی بود که آرزو داشتند در جوار امام هشتم علیه السلام در صحن حرم دفن شوند. پول مطالبه شده از مردم برای دفن، بر اساس فاصله محل دفن ایشان از مزار امام رضا علیه السلام بود.^{۲۸}

مرکز مذهبی دیگری که مورد توجه شاه قرار گرفت، مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی بود که از دوره تیمور موقوفات خود را در تملک داشتند.^{۲۹} شاه عباس اول علاقه وافر به سرزمین اجدادی

خود داشت، لذا به عمران آن توجه ویژه کرد. افرادی مانند شیخ ابدال زاهدی و برادرش که تولیت بقعه شیخ صفی را در دست داشتند، اراضی زیادی را وقف بقعه نمودند و با آباد کردن مزارع و احداث قنات بر ثروت بقعه افزودند.^{۳۰}

شاه عباس اول به اماکن متبرکه عراق اهتمام خاص داشت. او دهکده نجف آباد اصفهان را وقف نجف اشرف کرد.^{۳۱}

مهم‌ترین اقدام وقفی شاه، وقف تمام اموال و املاک خاصه خود به چهارده معصوم علیهم السلام بود. اسکندریک منشی در سال ۱۰۱۵ هـ.ق قوی ثیل می‌نویسد: «...جمع املاک و رقبات مکتسبه خاصه خود را که در زمان دولت روزافزون در حیطة تملک و تصرف شرعی آن حضرت قرار گرفته بود و قیمت عادلانه آن زیاده از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل آنها بعد از وضع مؤونات زراعت به تسعیر وسط قریب هفت هزار تومان می‌شد، مع خانات عالیّه و قیصریه و چهار

بر اساس نیازهای زمان مصرف شود و در آن، خادمان، مجاوران، زائران، صاحبان تقوی و کمال، پرهیزگاران، نقیبان و طالبان علم به عنوان دریافت کنندگان احتمالی درآمد وقف اشاره شده است، مشروط بر آن که متولی صلاح بداند. دومین گروه موقوفات احتمالی یعنی کتاب‌های عربی و قرآن‌ها به حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد^{۳۴} و سومین گروه به زیارتگاه اردبیل منتقل شدند^{۳۵}. شیخ بهاءالدین عاملی برای تمامی آنها وقفنامه نوشت و تولیت آن با شاه و پس از او، به شاهان بعدی سپرده شد^{۳۶}.

در بهار سال ۱۰۲۰ق/۱۶۱۱م، شاه عباس اول دستوری مبنی بر ساخت مسجد جامع بزرگ در جانب شرقی و شمالی میدان نقش جهان صادر نمود^{۳۷}. شاه دارایی‌های تجاری و کشاورزی داخل و حومه شهر اصفهان را به مسجد شاه هبه کرد و وقفنامه توسط بهاءالدین عاملی در شعبان ۱۰۲۳ق/۱۶۱۴م تنظیم شد^{۳۸}.

در سال ۱۰۲۱ق/۱۶۱۲م، شاه عباس

بازار دور میدان نقش جهان اصفهان و حمامات آن در بلده جنت نشان ترتیب یافته وقف حضرات عالیات مقدسات چهارده معصوم (ع) فرمودند...^{۳۲}. ظاهراً منظور اسکندریک از تمام دارایی‌ها، دارایی‌های شخصی و کل مستقالات خصوصی شاه می‌باشد و شامل دارایی‌هایی مثل درآمدهای مالیاتی، تجاری و کشاورزی که شاه در مورد آنها حق واگذاری داشته، نمی‌شد. به گزارش اسکندریک این وقف به نیت چهارده معصوم (ع) صورت گرفته بود و موقوفات مشتمل بر سه گروه بودند: ۱. خانات، قیصریه، چهار بازار اطراف میدان و حمام‌ها در اصفهان، ۲. وقف قرآن و کتاب‌های عربی شامل فقه، حدیث و تفسیر و ۳. کتاب‌های فارسی شامل داستان‌ها، تواریخ و دوانین و مصنفات اهل عجم و ظروف چینی، جواهرات، ظروف طلا، نقره و گونه‌های متنوع از اسب‌ها و دیگر چهارپایان اهلی^{۳۳}.

به استناد عالم آرای عباسی، قرار بود که درآمد خالص اولین گروه موقوفات

اول در یک سفر زیارتی به مشهد مقدس، پس از زیارت حرم امام رضا (علیه السلام)، عملیات احیای بنای حرم را آغاز کرد^{۳۹}. همچنین در زمستان ۱۰۲۱ هـ.ق بر عملیات یک کانال آب‌رسانی در مشهد نظارت داشت و در سال ۱۰۲۳ هـ.ق آن را وقف کرد^{۴۰}. اموال وقف شده شامل کل مسیر آب از «چشمه گل شب» در حومه شهر مشهد می‌شد و در آمد حاصله از فروش آب برای آبیاری، باید صرف نگهداری کاروانسرای زوار می‌شد^{۴۱}. و قفیات شاه عباس اول از بُعد عقیدتی دارای دو جنبه بود: اول، و قفیات مذهبی شیعه دوازده امامی، دوم، مشروعیت سیاسی صفویه که هر دو برای اقتدار حکومت شاه حساس و خطرناک بود. لذا اقدامات وقفی که از جمله فعالیت‌های ملی شاه است، باید در چارچوب کلی نیاز مشروعیت صفوی در نظر گرفته شود. شاه عباس اول در شرایطی به سلطنت رسید که مشروعیت صفوی تحت شعاع بود. زیرا برخلاف دوره ۵۲ ساله سلطنت

شاه طهماسب اول، مشروعیت آنها در زمان شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده تضعیف شده بود. علاوه بر آن، مسأله دیگری که در آغاز سلطنتش پیش آمد و میزان تعهد آنها را به اهل بیت (علیهم السلام) زیر سؤال می‌برد، مسأله حمایت و نگهداری از حرم مقدس و زیارتگاه‌های عتبات عالیات عراق عرب و مشهد مقدس بود. عتبات عالیات عراق عرب از دهه ۹۳۸ ق/۱۵۳۰ م در کنترل عثمانی سنی مذهب و شهر مقدس مشهد نیز از سال ۹۹۷ ق/۱۵۸۹ م در دست ازبک‌های سنی مذهب بود. لذا بازپس‌گیری شهر مشهد برای شاه مهم‌ترین موضوع سیاسی بود. حتی زمانی که در سال ۱۰۰۷ ق/۱۵۹۸ م به این هدف نائل آمد، باز هم مشروعیت آنها کامل نشد. زیارت غیرعادی شاه عباس اول با پای پیاده از اصفهان به مشهد، اقامت شاه در سه ماه رجب، شعبان و رمضان سال ۱۰۱۰ ق/۱۶۰۱ و ۱۶۰۲ م در حرم و انجام بخشش‌های شاه و همچنین اجرای اعمال متواضعانه در حرم^{۴۲} را

وقف بستگی داشته است. ظاهراً شاه عباس اول نیز از روش مشابه عثمانی برای شکوفایی شهر اصفهان به عنوان پایتخت صفوی و نوسازی و تعمیر حرم امام رضا (ع) برای توسعه شهری مشهد استفاده کرده است.^{۴۳}

شاه عباس اول در اصفهان میدان شاه را برای برگزاری جشن های ملی و مراسم ورزشی، در مرحله اول برنامه توسعه خود پیش بینی و طراحی کرده بود. اما در مرحله بعد، میدان شاه را برای اهداف تجاری توسعه داد و مغازه هایی در اطراف میدان ساخت و به محض تکمیل این طرح، آن را وقف نمود تا افراد در مکان جدید تجاری جذب شوند.

مورد مهم دیگر در سیاست اقتصادی شاه عباس اول، وقف برای مسجد شاه (جامع کبیر عباسی) بود. برحسب موقعیت مکانی و زمانی، ساخت مسجد شاه و وقف آن به عنوان بخشی از استراتژی تجاری شاه عباس اول بود. قبل از ساخت مسجد شاه، محورهای اصلی شهر اصفهان از میدان عباسی

می توان به عنوان تلاشی برای نشان دادن وفاداری حکومت صفوی به شیعه دوازده امامی و در نتیجه، تقویت پایه های مشروعیت صفوی در نظر گرفت. همچنین از دست رفتن مشهد در سال ۹۹۷ق/ ۱۵۸۹م، نه تنها آبروی صفوی را به واسطه عدم حمایت از شیعه دوازده امامی به خطر انداخت، بلکه توانایی آنها برای حمایت از آثار مقدس نیاکان شان را زیر سؤال برد. زیرا تعدادی از اعضای خاندان صفویه از جمله شاه طهماسب اول در مشهد دفن بودند.

لذا به احتمال فراوان، وقف اراضی عمارت آستانه مقدس مشهد توسط شاه عباس اول در سال ۱۰۱۱ ه.ق و مسأله تدفین در حرم مقدس، مدرکی دیگر در رابطه با مشروعیت سیاسی آنها بود. از سوی دیگر با نگاهی به کشور عثمانی در همین دوره، درمی یابیم که بازسازی استانبول در قرن پانزدهم میلادی و احیای مجدد دیگر نواحی تجاری عثمانی در قرون بعد از آن، عمدتاً به سرمایه گذاری های

می‌گذشت. تصمیم برای ساخت مسجد شاه، در منتهی‌الیه جنوب میدان، اگر با دید تجاری بررسی شود، می‌توان دریافت که مسجد را به امید جهت‌دهی دوباره به جریان مبادله تجاری ساخته است. شاه عباس اول انتظار داشت مسجد شاه، مشتریان را به بازار میدان شاه بکشانند^{۴۴}. لذا اعطای وقف جهت مسجد شاه که مشترکاً توسط شاه عباس اول و محب علی بیگ انجام شد، عامل دیگری در برنامه‌ریزی تجاری بود. اعطای این وقف عاملی برای جلب مردم به مسجد و در نتیجه به محدوده بازار جدید بود که این عمل به طور غیرمستقیم به بازار جدید کمک مالی می‌کرد.

نتیجه این که، وقفیات شاه عباس اول بخشی از سیاست‌گذاری کلی وی در حیطه سیاسی و اقتصادی بود. لذا در پس عملکرد صوری شاه برای وقف، انگیزه‌ها و اهدافی وجود داشت که کاملاً با انگیزه تقرب به خدا و طلب و خشنودی وی متفاوت بود، به خصوص پس از این که موفق شد ثبات سیاسی

لازم را به دست آورد.

در زمان شاه عباس اول، گذشته از خاندان سلطنتی که بر وسعت زمین‌های وقفی می‌افزودند، در بین صاحبان املاک خصوصی نیز این تمایل پیدا شده بود که املاک خود را وقف کنند. علت این امر را باید در این حقیقت جست‌وجو کرد که زمین‌های وقفی به اندازه سایر زمین‌ها غصب نمی‌شد و مالکان با وقف کردن زمین‌های خود تا حدی موفق به حفظ آنها می‌شدند^{۴۵}. زیرا از این راه خود و خانواده‌شان متولی اوقاف می‌شدند و در ضمن می‌توانستند قسمت اعظم عواید آن را به خود اختصاص داده و جایگاه اجتماعی قابل احترامی کسب کنند.

سیاست حکومت صفویه در تحول مقام صدر

در دوره صفوی به علت تشویق پادشاهان به ترویج فقه شیعه، قدرت علمای شیعه افزایش یافت. این نیاز متقابل دولت و علمای دینی، زعامت

آرای عباسی در مورد وظایف صدر می نویسد: «منصب صدارت عبارت است از «تقدم سادات و ارباب عمام و تکفل مهمات ایشان و ضبط اوقاف و رسانیدن وجوه بر معارف شرعیه است، به جز سادات عظیم القدر فاضل پرهیزگار به دیگری تفویض نمی باید...»^{۴۹}.

در عهد شاه طهماسب یکم دو مقام صدر وجود داشت که همزمان مسئولیت داشته و بر اساس تفکیک جغرافیایی انجام وظیفه می کردند، هرچند وظیفه آنها تفکیک نشده بود^{۵۰}. تاورنیه در مورد صدر می نویسد: «... اداره موقوفات مساجد و غیره با اوست که عایدات آنها را جمع آوری نموده، به مصارف معین وقف و مخارجی که خود او لازم بداند برساند، اما او قبل از سایر مصارف حق خود را برمی دارد»^{۵۱}. کمپفر سیاح دیگر عصر صفوی و هم زمان با تاورنیه، وظیفه اداری اصلی صدر را مصرف صحیح درآمد حاصل از موقوفات می داند^{۵۲}.

آنچه از نوشته های این دو سیاح

معنوی و سیاسی را به وجود آورد. یکی از نتایج آن، اداره برخی از تشکیلات دولتی مانند امور قضایی و اوقاف توسط روحانیون بود که از سنن قدیمی نشأت می گرفت و نهاد صدر در همین راستا قدرت گرفت. صدر مقامی روحانی بود که از دوره تیموری در ایران به وجود آمد اما صدر در دوره صفویه رییس نهاد مذهبی بود و قدرت خود را از تشکیلات سیاسی می گرفت^{۴۶}.

شاه اسماعیل اول صفوی برای نظارت بر اشاعه تشیع و ریاست بر افراد طبقات روحانی، مقامی به نام صدر تعیین کرد. ویژگی مهم مقام صدر در دوره صفوی این بود که یک برگزیده سیاسی محسوب می شد و سلاطین صفوی از این مقام برای نظارت بر طبقات روحانی استفاده می کردند^{۴۷}. بعد از شاه اسماعیل اول، وظایف صدر به طور عمده معطوف به اداره کلی نهاد مذهب و نظارت بر اوقاف شد، در نتیجه نفوذ سیاسی آن تنزل یافت^{۴۸}.

اسکندر بیگ منشی نویسنده عالم

برمی‌آید، گویای تسلط کامل مقام صدر بر درآمد موقوفات است و نیز نشانه ثروت بسیاری است که نظارت بر موقوفات برای وی به ارمغان می‌آورد. از این رو لزوم وجود صدر و حساسیتی که شاهان صفوی بر این منصب داشته‌اند، مشخص می‌گردد. البته از نظر قانونی صدر در صورتی می‌توانست برای موقوفات مباشر انتخاب کند که وقفنامه محدودیتی برای این کار قائل نشده باشد^{۵۳}. برطبق گزارش دستورالملوک منبع، در اواخر دوره صفوی، تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف و قضاوت درباره جمیع سادات، علما، شیخ الاسلام، وزرا و مستوفیان از وظایف صدر بود^{۵۴}. همچنین نویسنده تذکرة الملوك در زمان سقوط حکومت صفوی در مورد منصب صدارت می‌نویسد: «تعیین حکام شرع، مباشران اوقاف تفویضی و ریش سفید جمیع سادات و علما و مدرسان و شیخ‌الاسلامان، پیش‌نمازان و قضاة و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و

بقاع الخیر و وزرای اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات و محرران و غسالان و حفاران با اوست»^{۵۵}. همچنین، عزل و نصب مباشرین موقوفات را از وظایف صدر عامه و خاصه ذکر کرده و تعیین وزرای اوقاف و سایر عمله سرکار موقوفات را با صدارت می‌داند^{۵۶}.

در زمان شاه سلیمان، وظایف صدر تفکیک و به صدر عامه و صدر خاصه تقسیم شد^{۵۷}. وظایف صدر خاصه، پرداختن به امور خالصه سلطنتی و وظایف صدر عامه، رسیدگی به املاک عامه مردم بود^{۵۸}. لذا سیاست‌های دولت صفوی در افزایش و تنزل مقام صدر نقش مستقیمی داشت.

نگرش حاکمیت صفوی نسبت به وقف از زمان شاه صفی تا سقوط حکومت صفویه

طی دوران فرمانروایی شاه صفی، موقوفات پراهمیت سلطنتی ایجاد نشد اما عمل وقف در خاندان سلطنتی به صورت تولیت موقوفات به شاه رسید،

۱۰۵۲ هـ. ق آقا میر روح الله حسینی استرآبادی، یک خانه به همراه باغچه و زمین بر اولاد ذکور خود وقف کرده است.^{۶۲}

در این دوره به خاطر گسترش تبدیل اراضی ممالک به خاصه، تعداد موقوفات افزایش یافت. در نتیجه اداره آن به خاطر احتمال طمع ورزی افراد برای دستیابی به درآمد موقوفات دشوار و حتی پاره‌ای آشفته‌گی در امور موقوفات دیده می‌شد، لذا انجام برخی اصلاحات ضروری به نظر می‌رسید. به همین دلیل، شاه عباس دوم در پی شکایت‌های که از «نظر علی خان» حاکم و متولی اردبیل شد، او را برکنار کرد. وحید قزوینی در این زمینه می‌نویسد: «به علت سلوک ناهنجار و شکایات رعایا و تصرف موقوفات سرکار آستانه مقدسه معزول و محبوس گشته، اموال و اسباب او در عوض تغلبات و تصرفات مزبور ضبط شد...»^{۶۳}.

در ادامه شاه عباس دوم، اقدامات عملی‌تری برای سروسامان بخشیدن به موقوفات انجام داد. به نوشته

مخصوصاً موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام همچنان اهمیت خود را حفظ کرد. در ماه صفر سال ۱۰۳۸ ق/ ۱۶۲۹ م به روایت خلاصه السیر: «شاه صفی مبلغی را در وجه وظیفه طلبه علم و ارباب استحقاق مقرر فرمود...»^{۵۹}. لذا اولین اقدام شاه صفی، اعطای حاصل املاک وقفی تحت عنوان «وظیفه» که نوعی کمک‌های مالی و جنسی محسوب می‌شد، به روحانیون بود.^{۶۰} در عهد شاه صفی، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اوج رونق و ثروت بود. آدام اولناریوس سیاح اروپایی از آن مکان بازدید کرد و با شگفتی از دارایی انبوه آن یاد می‌کند که از راه موقوفات سلطنتی، مالیات‌ها، صدقات و نذورات تأمین می‌شد.^{۶۱}

در زمان شاه عباس دوم نیز اقداماتی در زمینه وقف صورت گرفت. بخشی از وقفنامه‌های این دوره از سوی خاندان سلطنتی وقف شده و بیشتر آن مربوط به وقف کتاب به ویژه قرآن کریم است که عمدتاً بر آستانه مقدس قم وقف شده‌اند. در این دوره وقف بر اولاد رواج یافت؛ برای نمونه در سال

وحید قزوینی در موقوفات چهارده معصوم علیهم السلام که تولیت آن با پادشاه بود، نابسامانی در سال ۱۰۶۶ق/ ۱۶۵۶م رخ داد، «... امر فرمودند که وظایف جماعت مستوفی که دادوستد آن با صدور بود اشرف به دیگری داده نشود و عوض وجه وظیفه غلامان موظف نواب گیتی ستان را از وجوهات سرکار خاصه داده به اندک توجهی که در این باب فرمودند مبلغ‌های کلی در مستغلات و سایر وجوهات آن زیاده بر وجوهات سنوات به هم رسیده...»^{۶۴}. در نتیجه شاه عباس دوم «وظیفه» را که به علت فزونی مستمری بگیران آن دچار کسری بودجه شده بود، اصلاح کرد. در همین راستا، اسامی کسانی که فوت کرده بودند اما کماکان وارث آنها از آن بهره می‌بردند را حذف و به غلامان نیز از وجوهات خاصه خود اعطا کرد، بدین ترتیب مشکل فوق، حل و فصل گردید^{۶۵}.

دومین اقدام شاه عباس دوم، مهار قدرت صدر بود. شاردن سیاح و جواهرشناس معروف فرانسوی، ارزش

املاک موقوفات و عایدات آنها را به درستی اشاره می‌کند و در مورد موقوفات مشهد معتقد است که بیش از دوسوم درآمد واقعی را به شاه نشان نمی‌دادند^{۶۶}. این عوامل زمینه‌های قدرت و ثروت هنگفت را برای مقام صدر فراهم می‌کرد. به همین دلیل شاه عباس دوم مراقبت و نظارت خود را در امور کشور، خصوصاً املاک وقفی بیشتر و متولیان مختلف را عزل و مقام صدر را در کنترل قدرت خود درآورد. در این زمان، از طرف درباریان نیز موقوفاتی صورت گرفت. یک نمونه آن محمد شفیع اصفهانی است که در سال ۱۰۶۷ق/ ۱۶۵۷م مدرسه شفیعیه اصفهان را ساخت و آن را وقف طلبه علوم دینی تشیع کرد^{۶۷}.

در دوره شاه سلیمان، اوقاف سلطنتی رونقی نداشت. شماری از وقفنامه‌های این دوره در قم موجود و بیشتر شامل وقف نسخه‌هایی از قرآن یا دیگر کتب بر آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام است. درباریان نیز در این زمان وقف‌هایی داشته‌اند، یکی

خاک سپرده می شود، نفیس ترین اشیاء و املاک خود را وقف امام هشتم علیه السلام می کرد، بدین گونه گنجینه گرانمایی در مشهد فراهم می شد.^{۷۱} جملی کارری، سیاح دیگری که در اواخر پادشاهی شاه سلیمان و آغاز سلطنت سلطان حسین از بقعه شیخ صفی دیدن کرد، معتقد است اکثر درآمد نواحی بقعه که به هشتاد هزار لیره طلا می رسد، نه از آن بقعه است و نه به اشخاص بی بضاعت می رسد، بلکه به اشخاص خاص می رسد.^{۷۲} این روایت کارری، بیانگر این نکته است که درآمد وقف بقعه شیخ صفی و اراضی موقوفه اطراف آن تحت کنترل کامل دربار شاه و خارج از نهاد صدر بود. در این دوره مسجد جامع کبیر یزد از مکان هایی بود که اراضی وقفی زیادی در شهر و حومه یزد داشت.^{۷۳}

در دوره سلطنت سی ساله شاه سلطان حسین، موقوفات سلطنتی دوباره رونق گرفت و شماری از وقفنامه های این دوره درباره وقف کتاب بر آستانه های متعدد از جمله قم می باشد.

از مهم ترین آن موقوفاتی بود که شیخ علی خان زنگنه اعتمادالدوله در سال ۱۱۰۰ ق/ ۱۶۸۹ م برای مدرسه ای در همدان که خود بانی آن بود، وقف کرد. نکته مهم این وقفنامه، ممانعت واقف از پرداختن مدرسان و طلاب به حکمت، فلسفه و تصوف است و در صورت انجام آن، وظیفه آنها قطع می شد.^{۶۸} این اقدام بیانگر وجود تفکر مخالف صوفی گری، فلسفه و همچنین تسلط علمای اخباری و اهل حدیث بر دربار صفوی در زمان شاه سلیمان است.

گزارش سیاحان اروپایی درباره اوقاف در زمان شاه سلیمان نیز قابل تعمق است. کمپفر که در این زمان در ایران بود، می نویسد: «شاه فعلی موقوفات خود و اجدادش را شخصاً اداره می کند»^{۶۹}، همچنین در جای دیگر آورده «از زمانی که صدر خاصه شغل خود را از دست داد، شاه سلیمان شخصاً به امور موقوفات سلطنتی رسیدگی می کرد...»^{۷۰} سانسون سیاح دیگر اروپایی، به نکته ظریفی اشاره دارد و آورده است هرکسی که در مشهد به

از بزرگ‌ترین مجموعه وقفی این دوره، اوقافی بود که شاه برای مدرسه سلطانی اصفهان برقرار کرد. شاه سلطان حسین برای تأسیس مدرسه و مسجد آن، زمینی را در کنار خیابان چهارباغ اصفهان وقف کرد^{۷۴}. از موقوفات مهم دیگر سلطان حسین، موقوفه‌ای بود که در سال ۱۱۲۴ق/۱۷۱۲م در فارس وقف بر اولاد کرد. علاوه بر شاه، مریم بیگم از خاندان سلطنتی در سال ۱۱۱۵ق/۱۷۰۳م موقوفه‌ای برای ساخت مدرسه و آقاکمال خواجه با نفوذ دربار سلطان حسین، موقوفه‌ای برای بنای مدرسه حسینیّه داشت^{۷۵}. نکته قابل توجه در وقفنامه مریم بیگم این است که در وقفنامه خود تصریح کرد، باید در ایام ماه رمضان و محرم در مدرسه روضه سیدالشهدا^{علیه السلام} خوانده شود^{۷۶}. این سند نشان می‌دهد خاندان صفوی برای گسترش آیین تشیع و احیای آداب و مراسم مذهبی شیعه در میان اقشار مختلف مردم به موقوفات توجه خاصی داشتند. لذا از نکات مهم این دوره، وقف برای انجام مراسم

مذهبی بود.

برای نمونه حاج مهدی خان سرکار خاصه شریفه در وقفنامه‌ای که در سال ۱۱۲۹ هـ.ق تنظیم کرد، دستور داد که نه عشر درآمد حاصله از موقوفات وی را سالانه در ایام و لیالی دهه اول محرم، روز و شب اربعین، بیست و هشتم ماه صفر و روز بیست و یکم ماه رمضان صرف تعزیه سیدالشهدا^{علیه السلام} و سایر شهدای کربلا نمایند^{۷۷}. همچنین سلطان حسین در وقفنامه مربوط به فرح‌آباد خواست تا در دهه عاشورا و ۲۱ رمضان و روز اربعین تعزیه سیدالشهدا^{علیه السلام} برگزار شود^{۷۸}. در میان اسناد مورد بررسی، بیشترین میزان وقف جهت عزاداری در این دوره، متعلق به اسناد اصفهان است که ۸ مورد از ۵۸ مورد از وقفنامه نگهداری شده در اداره کل اوقاف این شهر برای برگزاری مراسم عزاداری وقف شده‌اند^{۷۹}. این به خاطر آن بود که اصفهان مرکز صفوی بود و شاه و دربار در آنجا مراسم مذهبی برگزار می‌کردند. از سوی دیگر وقفنامه‌های بسیاری

سیاست حکومت صفوی در تنزل مقام صدر

مقام صدر به علت نظارت و مسئولیت بر اراضی وقفی عایدات زیادی داشت، لذا ثروت و دارایی فراوانی برای صاحب منصب خود فراهم می‌کرد. علاوه بر آن، این مقام به خاطر وجهه اجتماعی عالی و درآمد بالا، رشک برانگیز بود. لذا این موضوع به مرور باعث تضعیف و تنزل مقام صدر شد.

در زمان شاه عباس اول برای کنترل مقام صدر، برای مدتی خود شاه مقام صدر را اداره می‌کرد تا این که در زمان شاه عباس دوم نظارت بر مقام صدر بیشتر شد.^{۸۱} شاه عباس دوم به منظور کاهش قدرت صدر اقداماتی انجام داد. در ابتدا با عزل وزیراعظم، صدر خود (محمد مهدی صدر) را جانشین وزیر ساخت و منصب صدر را به فردی عادی داد.^{۸۲} هدفش از این کار تبدیل مقام صدر به یک صاحب منصب اداری تحت نظر مستقیم شاه بود. ضمن آن که صدر هیچ اختیاری

موجود است که در آن قسمتی از درآمد موقوفه برای مصارف گوناگون زائران اماکن مقدس مذهبی در نظر گرفته شده است.^{۸۰} لذا با اختصاص اموال وقفی جهت سفر به اماکن مقدسه و ساخت بناهایی برای کاروانسراها، آب انبارها، اسکان مسافران و ایجاد دارالشفای دارالضیافه باعث رونق سفرهای مذهبی و شهرهای مذهبی شد.

نکته دیگر این که انجام برخی از موقوفات در ادامه رقابت و چشم و هم‌چشمی بزرگان درباری و شاهان اواخر صفوی، برای کسب مشروعیت جایگاهشان و تظاهر نمودن به این که حامی بناهای مذهبی و فرهنگی‌اند، می‌باشد. لذا در کنار بحث تقرب به خدا به عنوان انگیزه اصلی واقف، مسأله تثبیت جایگاه، موقعیت و حفظ اموال و دارایی‌های شان از طریق وقف نیز از انگیزه‌های آنها بود.

با سقوط دولت صفویه ساختار سیاسی، اقتصادی و دینی نهاد وقف دچار آشفتگی شد و با تسلط افاغنه و اقدامات آنها، این آشفتگی‌ها دو چندان گردید.

نسبت به اراضی موقوفات نداشت. این عمل شاه عباس دوم چند نتیجه به همراه داشت: ۱. با این کار نظارت دستگاه سلطنتی را بر درآمدهای اوقاف بیشتر از گذشته می‌کرد. ۲. جلوی افزایش دارایی مقام صدر و زیردستانش گرفته می‌شد. ۳. با کنترل شدید بر درآمد اوقاف، پول بیشتری وارد خزانه سلطنتی می‌شد، در نتیجه بر درآمد شاه افزوده می‌شد. کمپفر سیاح این دوره در این زمینه می‌نویسد: «معمولاً پادشاهان صفوی ایران پس از مرگ صدر، وزیر موقوفات را به کفایت آن کار می‌گمارند که بدین ترتیب بتواند تا می‌شود عواید این شغل بلامتصدی را شخصاً تملک کنند...»^{۸۳}.

اقدام بعدی شاه عباس دوم، کاهش میزان درآمد و عایدات صدر بود. شاه بعد از محاسبات خود، دقیقاً آن را به نصف کاهش داد^{۸۴}. سومین اقدام وی، بلامتصدی گذاشتن مقام صدارت بود^{۸۵}. همچنین در عهد شاه سلیمان تقسیم مقام صدر به دو قسمت خاصه و عامه^{۸۶} به معنای تضعیف قدرت صدر بود.

پیامدهای عمده اقدامات سلاطین متأخر صفوی در زمینه مقام صدر، باعث تنزل شدید این مقام و تبدیل آن از یک مقام سیاسی و مذهبی به یک مقام اداری ساده شد. همچنین باعث ایجاد نارضایتی در بین صاحب‌منصبان صدر و چالش‌های جدی آنها با دولت صفوی شد که در زمان سلطان حسین صفوی نمود عینی یافت.

در دوره پایانی صفوی به دنبال تحول در ساختار اداری و مذهبی دولت صفوی و با اهمیت یافتن مقام شیخ‌الاسلام و توسعه روزافزون قدرت و موقعیتش، از اقتدار صدر کاسته شد. این سیاست در دوره شاه سلطان حسین با روند بیشتری ادامه یافت و سرانجام با ایجاد منصب ملاباشی که فعال مایشاء در همه امور و به قول تذکره‌الملوک «سرکرده تمام ملاها» بود^{۸۷}، مقام صدر جنبه صوری و تشریفاتی پیدا کرد و در مقام ملاباشی تحلیل رفت. ملاباشی در اواخر دوره صفوی به عالی‌ترین مقام روحانی تشکیلات دولت صفوی تبدیل شد.

نتیجه

وقف پیشینه‌ای طولانی دارد و در قرون نخستین ایران اسلامی و در عصر سلاطین آل بویه، سلجوقی و حتی ایلخانان مغول در ایران رشد کرد و در عهد سلاطین صفوی به تعالی رسید. در عصر صفوی سنت وقف به صورت یک روش فراگیر در بین خاندان شاهی، بزرگان و صاحبان املاک رشد بسیار زیادی کرد. منصب صدر که نظارت بر زمین‌های اوقاف را برعهده داشت، به‌خاطر اهمیت اوقاف و گسترش آن، به صورت یک نهاد بزرگ اقتصادی درآمد و ریاست آن از جایگاه والای برخوردار گردید. به همین دلیل از دوره شاه عباس اول به بعد نظارت خاصی بر این نهاد شد و تا حدی کنترل آن در حوزه اختیار نهاد سلطنت قرار گرفت. نهاد وقف، سیاست مذهبی شاهان صفوی را تقویت کرد و بر آن مهر تأیید زد و دولتمردان صفوی نیز نهاد وقف را استحکام بخشیدند. در واقع نهاد وقف جزء جدایی ناپذیر سیاست مذهبی این خاندان به حساب می‌آمد.

علل رشد وقف و تبدیل آن به یک نهاد سازمانی در زمان اقتدار و اوج قدرت صفوی به‌خصوص شاه عباس اول متعدد است و مهم‌ترین آن عبارتند از: امنیت سیاسی و رشد اقتصادی و فرهنگی در دوره صفوی، انگیزه‌های شاهان برای کسب مشروعیت سیاسی، مذهبی و توسعه اهداف تجاری، اقتصادی؛ انگیزه اقتصادی مالکان برای حفظ ثروت و فرار از مالیات؛ انگیزه دینی عموم برای تقرب به خدا و جبران خطاها و در نهایت رقابت و چشم و هم‌چشمی بین بزرگان و اشراف بود. در زمان سلاطین متأخر صفوی نیز با همین انگیزه‌ها، توسعه وقف ادامه یافت، علاوه بر آن کنترل بیشتری بر املاک وقفی و مقام صدر شد. سرانجام با سقوط صفوی و تسلط افغانه بر ایران، نهاد وقف و اداره املاک وقفی دچار هرج و مرج و چالش شدید شد و دوره فترتی در اداره اراضی وقفی به وجود آمد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مجله گنجینه اسناد، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۹۹
۲. مالک و زارع در ایران، ص ۱۴۵
۳. جامع التواریخ، ج ۲، ص ۹۹۷
۴. همان
۵. فرامین قراقوینلوها و آق قوینلو، ص ۵۳
۶. زندگانی شاه اسماعیل اول، ج ۱، ص ۱۶۹
۷. لب التواریخ، ص ۴۲۲
۸. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۱۲
۹. همان، صص ۳۱۳-۳۱۴
۱۰. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، شماره ۴۰، ص ۴۳
۱۱. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.، شماره ۴۳، ص ۲۳
۱۲. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، ص ۱۶ و ۲۰
۱۳. جهانگشای خاقان، ص ۵۰۹
۱۴. فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۳۷
۱۵. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۲۰ و صص ۳۱۳-۳۱۴
۱۶. همان، ص ۳۲۰
۱۷. خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۲۹۹
۱۸. همان، ص ۴۳۰
۱۹. تذکره شوستری، ص ۱۹
۲۰. خلاصه التواریخ، ج ۱، صص ۲۸۹-۲۹۰
۲۱. تذکره شاه طهماسب، صص ۲۳-۲۴
۲۲. شاه اسماعیل دوم صفوی، صص ۱۲۶-۱۲۸ و ۱۵۴-۱۵۵
۲۳. عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴
۲۴. احسن التواریخ، ج ۱، ص ۶۴۷
۲۵. شاه اسماعیل دوم صفوی، ص ۱۲۵
۲۶. سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۰
۲۷. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، ص ۳۲۸
۲۸. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۰۴
۲۹. مالک و زارع در ایران، ص ۲۲۳
۳۰. سلسله النسب صفوی، صص ۵-۱۱۳
۳۱. تذکره نصر آبادی، ص ۱۳۵
۳۲. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۷۶۰
۳۳. همان، صص ۷۶۰-۷۶۱
۳۴. همان
۳۵. همان، صص ۷۶۱-۷۶۲
۳۶. اوقاف، صص ۹-۱۲۶
۳۷. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۳۱
۳۸. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۱۱
۳۹. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۵۴
۴۰. همان
۴۱. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۱۳
۴۲. عالم آرای عباسی، ج ۲، صص ۱۲-۱۱

۴۳. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۱۴ و ۱۱۶
۴۴. همان، ص ۱۱۷
۴۵. مالک و زارع در ایران، ص ۲۲۴
۴۶. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دوره صفوی، ص ۳۱۲؛ در باب صفویان، ص ۷۹
۴۷. ایران عصر صفوی، ص ۲۷
۴۸. در باب صفویان، ص ۸۱
۴۹. عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۱۴۴
۵۰. خلد برین، ص ۴۱۵
۵۱. سفرنامه تاورنیه، ص ۵۸۸
۵۲. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۱ و ۱۲۲
۵۳. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (ع)، شماره ۴۳، ص ۲۹
۵۴. دستورالملوک، ص ۲
۵۵. تذکرة الملوک، ص ۲
۵۶. همان، صص ۲-۳
۵۷. سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۷۴؛ سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۲ و ۱۲۳
۵۸. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۳
۵۹. خلاصة السیر، ص ۶۳
۶۰. همان
۶۱. سفرنامه اولتاریوس، ص ۱۳۲
۶۲. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۲۵
۶۳. عباس نامه، ص ۳۱۶
۶۴. همان، صص ۲۲۳-۲۲۴
۶۵. همان، ص ۲۲۳
۶۶. سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۰
۶۷. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۲۷
۶۸. همان، صص ۳۳۰-۳۳۱
۶۹. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۹
۷۰. همان، ص ۱۲۴
۷۱. سفرنامه سانسون، ص ۲۰۱
۷۲. سفرنامه کارری، ص ۴۲
۷۳. جامع مفیدی، ص ۶۴۷
۷۴. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۳۲
۷۵. همان، صص ۳۳۷-۳۳۹
۷۶. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، ص ۱۲
۷۷. همان، ص ۱۰
۷۸. همان، ص ۱۱
۷۹. همان
۸۰. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، صص ۱۲-۱۳
۸۱. سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۷۳
۸۲. عباس نامه، ص ۳۰۰
۸۳. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۲
۸۴. سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۳
۸۵. ایران عصر صفوی، ص ۲۱۰
۸۶. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۳
۸۷. تذکرة الملوک، ص ۱

منابع:

کتاب

۱. سفرنامه اولئاریوس، آدام اولئاریوس، ترجمه: احمد بهپور، تهران: ابتکار، ۱۳۶۳.
۲. سفرنامه تاورنیه، ژان باتیست تاورنیه، ترجمه: ابوتراب نوری، تجدید نظر: حمید شیرانی، تهران: سنایی و تأیید، ۱۳۶۹.
۳. جهانگشای خاقان، به کوشش: الله دتا مضطر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی پاکستان، ۱۳۶۴.
۴. تذکره شوشتری، سید عبدالله جزایری شوشتری، تصحیح: خان بهادر مولی بخش، تهران: کتابخانه صدر، بی تا.
۵. خلاصة التواریخ، قاضی احمد الحسینی قمی، ج ۱، تصحیح: احسان اشرفی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
۶. فارسنامه ناصری، حسن حسینی فسائی، ج ۱، تصحیح: منصور رستگار فسائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۷. خلاصة السیر، محمدمعصوم خواجهگی اصفهانی، تصحیح: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۸. احسن التواریخ، ج ۱، حسن بیگ روملو، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۷.
۹. سلسله النسب صفوی، شیخ حسین بن شیخ ابدال زاهدی، برلین: چاپ ایرانشهر، ۱۳۴۳.
۱۰. ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: سحر، ۱۳۶۶.
۱۱. در باب صفویان، راجر سیوری، ترجمه: رمضان علی روح‌اللهی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۲. سفرنامه سانسون، مارتین سانسون، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۶.
۱۳. سفرنامه شاردن، ج ۴، ژان شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۲.
۱۴. تذکره شاه طهماسب، شاه طهماسب، کلکته: انجمن آسیایی بنگال، ۱۳۴۳.
۱۵. اوقاف، علی اکبر شهابی، تهران: ایرانشهر، ۱۳۴۳.
۱۶. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، منصور صفت گل، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۱۷. زندگانی شاه اسماعیل اول، ج ۱، نصرالله فلسفی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۸. لب التواریخ، یحیی بن عبد الطیف قزوینی، تهران: انتشارات بنیاد گویا، ۱۳۶۳.

رسکی، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۲۸. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دوره صفوی، عبدالحسین نوایی و عباسقلی غفاری فرد، تهران: سمت، ۱۳۸۱.

۲۹. تذکره نصرآبادی، میرزا محمدطاهر نصرآبادی، تصحیح: وحید دستگردی، تهران: ارمغان، ۱۳۱۷.

۳۰. خلد برین، محمدیوسف واله اصفهانی، به کوشش: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۲.

۳۱. عباس نامه، محمدطاهر وحید قزوینی، تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی، ۱۳۲۹.

۳۲. شاه اسماعیل دوم صفوی، والتر هینتس، ترجمه: کیکاووس جهاندار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

۳۳. جامع التواریخ، ج ۲، رشیدالدین فضل الله همدانی، به اهتمام: بهمن کریمی، تهران: اقبال، ۱۳۳۸.

مقاله

۱. مقاله «دستورالملوک میرزا رفیعا»، به کوشش: محمدتقی دانش پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵، ۱۳۴۷.

۱۹. سفرنامه کمپفر در دربار شاهنشاهی ایران، انگلبرت کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهاندار، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.

۲۰. سفرنامه کارری، جملی کارری، ترجمه: عباس نخجوان و عبدالعلی کاررنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۴۸.

۲۱. مالک و زارع در ایران، آن. لمبتون آن، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

۲۲. عالم آرای عباسی، ج ۲، اسکندربیک منشی ترکمان، تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۲۳. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، ملا جلال منجم یزدی، تصحیح: سیف الله وحید نیا، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۶.

۲۴. فرامین قراقوینلوها و آق قوینلو، حسین مدرسی طباطبایی، قم: حکمت، ۱۳۵۲.

۲۵. جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، تصحیح: ایرج افشار، تهران: کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۰.

۲۶. تذکرة الملوک، میرزا سمیعا، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۲۷. سازمان اداری حکومت صفوی، مینو

۲. مقاله «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی در دوره صفوی»، نویسنده: نزهت احمدی، مجله پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۷-۲۶.

۳. مقاله «تشیع و وقف در عصر صفوی»، نویسنده: نزهت احمدی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، شماره ۴۰، بهار ۱۳۸۴، صص ۴۱-۶۲.

۴. مقاله «سنت وقف در ایران باستان»، نویسنده: سید حسین امیدپانی، مجله گنجینه اسناد، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۴، صص ۹۸-۱۰۳.

۵. مقاله «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه»، نویسنده: رابرت مک چسنی، ترجمه: گیتی عمادزاده، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۱۲۲.

۶. مقاله «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، نویسندگان: عبدالحسین نوایی و نزهت احمدی، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۱، صص ۲۱-۴۲.

نظام نظارتی موقوفات

در ایران

سید مجتبی سجادی جزی^۱

چکیده:

تاریخ وقف و موقوفات از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده است. بسیاری از موقوفات مورد سوء استفاده قرار گرفته و در راه‌های خارج از نیت واقف صرف گردیدند. در عین حال که در شرایط خاص سیاسی و بحران‌های اجتماعی مثل جنگ و تشکیل دولت‌های جدید بسیاری از این موقوفات توسط حاکمان وقت به نفع خود و برای خود مصادره می‌شدند. از این روی همواره در طول قرون مختلف اسلامی برای حفظ و صیانت از موقوفات سازمان‌ها و ارگان‌هایی مشخص شده که به این امر بپردازند. بر همین اساس امروزه نیز در بسیاری از کشورهای اسلامی و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران قوانینی به تصویب رسیده که وظیفه نظارت بر اوقاف و کلیه امور مربوط به آن را بر عهده سازمان اوقاف و امور خیریه نهاده است. در عین حال که قوه قضاییه نیز به نحوی بر چگونگی این امور همواره نظارت دارد. بر همین اساس این پژوهش به مطالعه چگونگی بعد نظارتی سازمان اوقاف و وظایف محوله آن می‌پردازد تا بتواند جنبه‌های مختلف این امر را تشریح نماید.

کلید واژه‌ها:

وقف، سازمان اوقاف، قوه قضاییه، نظام نظارتی.

مقدمه

وقف به عنوان یکی از نهادهای پیشرفته در حقوق اسلامی است که از نشانه‌های پیش‌قراول بودن دین مبین اسلام در توجه به جنبه‌های انسانی و احسان به هم‌نوع و جامعه بشری می‌باشد. این تأسیس حقوقی بی‌شک در طول تاریخ نقش اساسی و مهمی در جنبه‌های انسانی نیکوکارانه و بسط و توسعه خدمات اجتماعی در زمینه‌های گوناگون و متعدد ایفا نموده است. مطالعه وقفنامه‌های بر جای مانده از ادوار گذشته نشان‌گر این معنا است که چگونه خیرخواهان به جنبه‌های ظریف مختلف زندگی اجتماع توجه داشته و درصدد بودند تا با استفاده از نهاد متعالی وقف در جهت تأمین شرایط مناسب زندگی اجتماعی یاری رسانند. اما پدیده‌ای که همواره در طول تاریخ دوران اسلامی باعث عدم مصونیت اوقاف شده، نظارت ناقص و در عین حال تغییر حکومت‌های گوناگون به وسیله جنگ بوده است که باعث مصادره موقوفات می‌شد. از این

روی همواره توجه به وقف و نظارت بر آن توسط دولت‌ها احساس می‌شد. در این میان جمهوری اسلامی ایران یکی از دولت‌هایی محسوب می‌شود که از همان بدو تأسیس اهتمام ویژه‌ای بر این امر داشته و قوانین و مقررات بسیاری را در ارتباط با آن وضع کرده است که در پژوهش حاضر بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

جایگاه وقف

وقف که در فرایند تاریخی نه چندان طولانی در حیات مسلمانان نهادینه گردید، گذشته از پیشینه تاریخی آن در حیات آدمیان، در فرهنگ اسلامی ریشه در زمان رسول خدا ﷺ دارد و بی‌تردید از مسایل مورد توجه آن حضرت بوده است؛ چنان‌که واقعدی از صالح بن جعفر، از میسور بن رفاعه، از محمد بن کعب نقل می‌کند که می‌گفته است نخستین صدقه در اسلام وقفی بود که پیامبر ﷺ فرمود و چنان بود که مخریق یهودی هنگام جنگ احد وصیت کرده بود که اگر کشته شدم تمام اموال او

و به‌ویژه در حوزه توسعه آموزش و نیز گسترش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نقشی برجسته ایفا نمود، به همین جهت نظر اهل تحقیق را متوجه خود ساخت و از آن جمله فقیهان در کتب فقهی خویش به گفت‌وگو درباره آن پرداخته و از جنبه‌های گوناگونی آن را به بحث گرفتند.^۴

نظام نظارتی موقوفات

برخی گفته‌اند که نخستین ضمانت برای وقف و نظارت مستمر بر آن، این است که آن را تحت حمایت قوه قضاییه قرار داد. این قوه عملاً در تداوم و پاسداری از نهاد وقف نقش دارد، ولی این نقش مخالف تصمیمات قدرت حاکمه و در برابر آن نیست. در همین ارتباط کندی چنین بیان می‌دارد: «نخستین قاضی در مصر به روزگار هشام بن عبدالملک مروان که اوقاف را تحت تصرف خویش گرفت توبه بن نمر بود؛ اوقافی که در تصرف صاحبان و اوصیای آنان قرار داشت. توبه می‌گفت: به‌نظم رسید که

را تصرف و سپس وقف بر مسلمانان نمایند.^۲ پیامبر ﷺ گذشته از آن که خود دست به چنین اقدامی زد، دیگران را نیز به انجام این عمل خیر توصیه می‌فرمود، چنان‌که از ابن عمر نقل است که در خیر زمینی نصیب عمر شد، نزد پیامبر آمد و در آن مورد از ایشان نظر خواست و گفت: این زمینی که در خیر نصیب من شده بهترین مزرعه من است، در مورد آن چه می‌فرمایید؟ آن حضرت فرمودند: اصل آن را وقف کن و درآمدش را صدقه تعیین کن و عمر چنان کرد.^۳

با این‌که در قرآن مجید از این اصطلاح سخنی به میان نیامده و عموماً فقیهان با تمسک به آیات عام صدقات و انفاق در این باره استشهاد می‌کنند، ولی سیره پیامبر ﷺ در وقف و دستور ایشان به دیگران موجب توجه مسلمانان به این امر پسندیده گردید. بر همین اساس چیزی نگذشت که سنت وقف در میان مسلمانان راه یافت و سرمنشأ تأثیرات شگرف در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی گردید

آنها را تحت اختیار خویش گیرم تا از منحرف شدن آن از مقصود اصلی و به ارث برده شدن آنها جلوگیری کرده و پاس‌شان دارم. توبه هنوز زنده بود که اوقاف تشکیلات و اداره بزرگی یافته بود»^۵. بنابراین در صورتی که حدود اختیارات قوه قضاییه وسعت یابد و علاوه بر اختیارات قانونی‌اش نظارت بر امور اوقاف را نیز عهده‌دار شود، می‌توان تا حدود بسیاری از بعد حمایتی و نظارتی آثار موقوفه اطمینان حاصل کرد.

البته در این میان ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که آنچه در قرون میانی اسلامی تشکیلات اوقاف را عموماً سالم و دست‌نخورده باقی گذارد نه چگونگی نظارت قوه قضاییه یا مجری مشابه آن بود، بلکه باور قلبی همگان، چه حاکمان و چه توده مردم، نسبت به امور وقف بود که تداوم و حیات موقوفات را ممکن می‌ساخت؛ این باور قلبی مسئولیت‌ها و وظیفه‌های لازم و گریزناپذیر را بر عهده همگان چه مردمان عادی و چه حکومتیان

می‌گذاشت^۶. علاوه بر این باید بیان گردد که یکی دیگر از اموری که در طول تاریخ باعث مبرا شدن اوقاف از مشکلات حادثه و کارآمدی مدیریت اوقاف شده، مسائل چندی به این شرح بوده است: محترم شمردن اراده و شروط واقفان، مبرا بودن دستگاه قضایی از هرگونه شائبه و حفظ استقلال و انجام صلاحیت‌های آن در خصوص اوقاف، شفافیت شخصیت اعتباری و حقوقی اوقاف و به رسمیت شناخته شدن و نیز عدم تعرض به آن می‌باشد^۷.

با توجه به مواردی که مطرح شد، بایستی بیان گردد که امروزه نظارت و پشتیبانی از امور مختلف مربوط به وقف در ایران به سازمان اوقاف و امور خیریه محوّل شده است. بر همین اساس در قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف که در سال ۱۳۶۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده، نوعی نظارت مقید برای این سازمان پذیرفته شده است. این نظارت مربوط به حق تحقیق از دخل و خرج موقوفاتی

است که در مظنه تفریط و تعدی قرار دارند. این نوع نظارت مقید، قبلاً در مصوبه مجلس به شکل نظارت مطلق مطرح شده بود که با اعلام مغایرت آن با موازین شرعی، از سوی مجلس اصلاح شد. مصوبه اولیه مجلس در ماده ۱۳ می‌گفت: «تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و صدور مفاسد حساب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولّی و ناظر و موقوف علیهم^۸، با شعب تحقیق سازمان اوقاف است». اما پس از ایرادات شورای نگهبان، این عبارت در ذیل ماده ۱۳ افزوده شد: «مگر در موقوفات منصوص التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولّی نباشد». البته در این ماده از واژه نظارت استفاده نشده و به جای آن واژه تحقیق و تطبیق به کار برده شده است. بر این اساس نمی‌توان گفت که قانون‌گذار نظارت سازمان را در این موارد پذیرفته و مقصود از آن نظارت استصوابی است^۹.

علاوه بر این باید بیان گردد که در بند ۲ تا ۴ ماده اول قانون اوقاف

که در حدود ۱۰ سال قبل از قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف تدوین شده بود، یعنی در تیر ماه ۱۳۵۴، این امور به عهده سازمان اوقاف گذارده شده است:

۱. نظارت کامل بر کلیه اعمال مربوط به تولیت متولّیان در نظارت موقوفات عامه.

۲. نظارت بر کلیه اماکن مذهبی.

۳. اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است.

در مورد اماکن مذهبی ماده پنج قانون اوقاف ترتیبی اتخاذ کرده است که سازمان اوقاف می‌تواند با وجود متولّی نیز نظارت را به اداره غیرمستقیم آن اماکن تبدیل کند و قانون را جانشین اداره واقف سازد. به موجب این ماده سازمان اوقاف می‌تواند برای اماکن مذهبی اسلامی از قبیل مساجد، بقاع متبرکه، امازاده‌ها و امثالهم، همچنین موقوفات عامی که متولّی ندارند با تصویب شورای عالی اوقاف شخص یا هیأتی از اشخاص متدین و معروف

به امانت را به عنوان امین و هیأت امناء تعیین کند^{۱۰}. با توجه به این تفاسیر باید بیان گردد که قوانین مختلف مصوّب جمهوری اسلامی ایران به وضوح و با درایت بسیار چگونگی امور مربوط به اوقاف و نحوه نظارت بر آنها را

مشخص و تبیین نموده است.

انواع نظارت بر اوقاف از نظر قانون مدنی

از نظر قانون مدنی ایران، نظارت بر وقف دو قسم است:

۷۰

موقوفات

نظام نظارتی موقوفات در ایران



متولی آن را انجام خواهد داد و متولی بدون تصویب ناظر نمی تواند اقدام به امری بنماید. ناظر استصوابی مانند متولی است و در اخذ کلیه تصمیمات با متولی شریک خواهد بود، ولی اجرای تصمیمات منحصرأ با متولی می باشد^{۱۱}.

در همین ارتباط ماده ۷۸ قانون مدنی چنین بیان می دارد: «واقف می تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد». به عنوان مثال می توان گفت ناظر اطلاعی مانند بازرس شرکت ها و مؤسسه ها و ناظر استصوابی به منزله عضو هیأت مدیره در برابر مدیرعامل (متولی) است. اگر از مفاد وقفنامه معلوم نشود که نظارت اطلاعی است یا استصوابی. بعضی از نویسندگان مانند کاتوزیان عقیده دارند که باید نظارت را اطلاعی تلقی کرد، زیرا این امر قدر متقن است و بعضی مانند حایری شاه باغ می گویند که مراعات هر دو جهت لازم است. یعنی متولی قبلاً جلب موافقت ناظر را بنماید و بعد از انجام عمل هم مراتب

۱. نظارت اطلاعی: و آن آگاه شدن بر امور مربوط به موقوفات از عایدات و مصارف آن می باشد و بدین جهت متولی باید عملیات خود را به اطلاع ناظر برساند ولی لازم نیست که در امور موقوفه با او شور نماید و تصمیم مشترک اتخاذ کنند و هرگاه ناظر، امری را که متولی انجام داده است، بر خلاف ترتیب معینه در وقفنامه بداند، می تواند آن را اعلام دارد و در صورتی که متولی تسلیم نگیرد، ناظر می تواند به دادگاه مراجعه و متولی را وادار به متابعت از مندرجات وقفنامه بنماید و هرگاه خسارتی از عمل متولی، متوجه موقوفه یا موقوف علیهم گردیده، متولی مسئول آن خواهد بود.

۲. نظارت استصوابی: و آن اظهار نظر در امور مربوط به موقوفه قبل از انجام آن است. در صورتی که موقوفه ناظر استصوابی داشته باشد، متولی باید قبل از اقدام به هر عملی در امور موقوفه جلب نظر ناظر را بنماید و در صورت موافقت و تصویب ناظر،

را به تصویب وی برساند. لیکن نظر اول راجح است مگر در موردی که ناظر سازمان اوقاف باشد که در این صورت نظارت استصوابی تلقی خواهد شد، زیرا بند پنج دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه اجرایی قانون سازمان اوقاف که به تأیید سرپرست سازمان اوقاف رسیده است می گوید: «نظارت استصوابی آن است که اقدامات متولی با تصویب قبلی ناظر صورت گیرد و نظارت اطلاعی آن است که اقدامات متولی فقط به اطلاع ناظر برسد و در مواردی که طبق قانون و آیین نامه نظارت سازمان پیش بینی شده، این نظارت استصوابی است»^{۱۲}.

نظارت بر وقف

در بخش پیش به قوانین مصوب جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با مجری نظارت بر اوقاف و وظایف آن اشاره شد. اما در این بخش به بحث مستقیم در مورد چگونگی نظارت بر وقف پرداخته می شود. بر همین

اساس باید بیان گردد که در بحث سرپرستی و نظارت بر موقوفه با دو نهاد تولیت و نظارت مواجه هستیم. از نگاه حقوق دانان متولی که امر تولیت را بر عهده دارد، کسی است که از طرف واقف برای اداره امور موقوفه معین می گردد و باید موقوفه در تصرف او باشد^{۱۳}. از نظر اوقاف متولی شخصی است که به استناد مفاد وقفنامه یا تشخیص شعب تحقیق و یا حکم دادگاه، جهت اداره موقوفه تعیین شده یا بشود. ناظر امر نظارت بر متولی را بر عهده دارد ولی در اداره وقف دخالت مستقیم نمی کند^{۱۴}. در همین ارتباط ماده ۷۸ قانون مدنی چنین بیان می دارد: «واقف می تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد». همان گونه که از ماده فوق استحضار می شود نظارت ممکن است استصوابی و یا استطلاعی باشد. نظارت استصوابی به این مفهوم است که متولی باید قبل از اقدام به هر عملی در امور موقوفه، نظر ناظر را جلب نماید و در صورت موافقت و تصویب ناظر متولی

مدیره در قبال مدیر عامل یا متولّی تلقی کرده‌اند.^{۱۷}

چنانچه برخی حقوق‌دانان اشاره نموده‌اند، اصطلاح ناظر عمدتاً در نوشته‌های فقها به عنوان مترادف با متولّی به کار رفته است.^{۱۸} در همین ارتباط محقق حلّی چنین بیان می‌دارد: «و يجوز ان يجعل الواقف النظر لنفسه و لغيره، فإن لم يعين الناظر، كان النظر إلى الموقوف عليه»^{۱۹}. در این عبارت بدون تردید منظور از جعل نظارت از سوی واقف برای خودش یا دیگری، نصب مقام تولیت است؛ چون در ذیل آن آمده است اگر واقف ناظر تعیین نکرده باشد، منصب نظارت بر عهده موقوف علیهم خواهد بود و بدیهی است نظارت در مفهوم اصطلاحی در این صورت بی‌معنی خواهد بود، چون موقوف علیهم می‌خواهند بر خودشان نظارت داشته باشند. هر چند که این مراد نمی‌باشد، بلکه منظور چنین امری آن است که در صورت عدم نصب متولّی، موقوف علیهم خودشان در جایگاه متولّی قرار خواهند گرفت.

آن را انجام دهد. در واقع می‌توان گفت ناظر استصوابی مانند متولّی است و در اخذ کلیه تصمیمات با متولّی شریک خواهد بود، ولی اجرای آن تصمیمات منحصرأً با متولّی می‌باشد.^{۱۵}

نظارت استطلاعی، صرفاً آگاه شدن بر امور مربوط به موقوفات از عایدات و مصارف آن می‌باشد؛ لذا متولّی باید عملیات خود را به اطلاع ناظر برساند ولی لازم نیست که در امور موقوفه با او شور نماید و تصمیم مشترک اتخاذ کنند. البته هرگاه ناظر، امری را که متولّی انجام داده است بر خلاف ترتیب معینه در وقفنامه بداند، می‌تواند آن را اعلام داشته و در صورتی که متولّی حاضر به پیروی نشود، ناظر می‌تواند به دادگاه مراجعه و متولّی را وادار به متابعت از مندرجات وقفنامه نماید و اگر خسارتی از عمل متولّی متوجه موقوفه یا موقوف علیهم گردیده، متولّی مسئول جبران آن خواهد بود.^{۱۶} در همین ارتباط برخی پژوهشگران ناظر اطلاعی را به بازرس شرکت‌ها و مؤسسه‌ها تشبیه نموده و ناظر استصوابی را همچون عضو هیأت

چنانچه ماده ۸۱ قدیم قانون مدنی مقرر داشته بود: «در اوقاف عامّه، اگر واقف متولّی معین نکرده باشد امور موقوفه طبق ماده شش قانون ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ هـ.ق خواهد بود، ولی در اوقاف خاصّه اگر متولّی مخصوص نباشد، تصدّی با خود موقوف علیهم است». این ماده در سال ۱۳۷۰ آن را حذف نموده و به جای آن چنین بیان داشته است: «در اوقاف عامّه که متولّی معین نداشته باشد، اداره موقوفه طبق نظر ولی فقیه خواهد بود».

همان گونه که ملاحظه می گردد، در این مورد قانون گذار بحثی از موقوفات خاص مطرح ننموده است. این مورد در ماده چهار آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه سال ۱۳۶۵ بیان شده ولی در سال ۱۳۸۲ این گونه اصلاح شده است: «ادارات اوقاف و امور خیریه در مورد موقوفات خاصّه که فاقد متولّی منصوب بوده و یا به تشخیص سازمان، معتمد یا محل وثوق نباشد، به منظور رعایت مصلح وقف

و بطون لاحقّه با تشخیص و اجازه نماینده ولی فقیه و تا زمان رفع مانع نسبت به اداره موقوفه اقدام خواهد کرد». این نظارت از سوی سازمان از نوع نظارت استصوابی خواهد بود چون اولاً کامل ترین نوع نظارت است و ثانیاً بند پنج از دستورالعمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مندرج در آیین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه ضمن تعریف نظارت اطلاعی و استصوابی مقرر داشته است: «در مواردی که طبق قانون و آیین نامه، نظارت سازمان پیش بینی شده، این نظارت استصوابی است».

هر چند بیشتر فقها نظارت را به عنوان مترادف با تولیت به کار برده اند، امّا بدون تردید برخی از فقهای معاصر به نهاد امروزی نظارت اشاره نموده اند. برای مثال سید یزدی می نویسد: «يجوز الواقف ان يجعل ناظرا على المتولى و حينئذ فان ظهر من كلامه ان مراده من نظارته اطلاعه، و ان ظهوران مراده رايه و تصويبه لم يجز الا باذنه و تصويبه و ان

شک فی مراده لزم الامران»^{۲۰}.

واقف می تواند شخصی را به عنوان ناظر بر متولی قرار دهد. در این صورت اگر از سخنان واقف، استظهار شد که نظرش در جعل ناظر، صرفاً اطلاع ناظر از اعمال و تصرفات متولی است، برای انجام کارها لازم نیست متولی از ناظر اذن بگیرد؛ بلکه اطلاع رسانی کافی است و اگر روشن شود که منظور واقف جلب موافقت ناظر است، متولی نمی تواند هیچ عملی را به جز با اذن ناظر، انجام دهد و اگر فهم منظور واقف در استطلاع یا تصویب روشن نباشد، متولی هم باید برای هر کاری موافقت ناظر را جلب کند و هم اطلاع رسانی نماید.

مدیران وقف

در پایان این بخش لازم دانسته شد مباحث چندی در مورد نقش مدیران وقف و نحوه نظارت آنها بر اوقاف بیان شود. اداره وقف همواره به عهده متولی و ناظری است که ابتکار عمل و اقدام را به دست دارد، تصمیم می گیرد،

اجرا می کند و به منزله مدیرعامل در مؤسسات عمومی و تجاری حضور پیدا می کند. اما وظیفه بازرسی بر عهده ناظر است که اجرای مفاد وقفنامه و رعایت قوانین را از سوی متولی در نظارت خود دارد^{۲۱}. نظارت ناظر عموماً به دو گونه است:

۱. نظارت اطلاعی در موردی است که اعمال متولی تنها به اطلاع ناظر می رسد تا اگر خیانت یا تقصیر و ناتوانی مشاهده کند به مقامات عمومی اطلاع دهد.
۲. نظارت استصوابی که گاه به عنوان نظارت کامل نیز به کار می رود (بند ۲ ماده ۱ قانون اوقاف). در جایی است که اعمال متولی بایستی به تصویب ناظر برسد، بدون این که او بتواند پیشنهاد کننده و مقدم باشد. به عنوان مثال ناظر اطلاعی مانند بازرسی شرکت ها و مؤسسه ها و ناظر استصوابی به منزله عضو هیأت مدیره است در برابر مدیرعامل یا متولی^{۲۲}.

توجه به این نکته در بررسی احکام

متولی لازم است که در فقه، متولی و ناظر به یک معنی به کار رفته‌اند و در کلمات فقها گاه از متولی و گاه از ناظر استفاده شده و هر دو به یک معنا به کار رفته‌اند؛ ولی در حقوق این دو با هم تفاوت دارند، زیرا اولی مربوط به امر تولیت و دومی مربوط به امر نظارت بر عملکرد متولی است. در همین ارتباط مؤلف کتاب «عروه» چنین بیان می‌دارد: «يجوز للواقف أن يجعل ناظر اعلی المتولی و حينئذ فإن ظهر من كلامه ان مراده من نظارته اطلاع». پس جایز است که واقف ناظری بر اعمال متولی وقف قرار دهد. پس اگر مراد واقف در صیغه عقد وقف این باشد که دلیل نظارت ناظر اطلاع از اعمال متولی است، نیاز به اذن متولی از ناظر در انجام اعمال تولیت وقف نیست. ولی اگر مراد واقف نظارت به صورت تصویب اعمال متولی باشد، متولی باید در انجام اعمال تولیت از ناظر اذن بگیرد.^{۲۳}

نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه نمود، این است که نظارت استصوابی اگر در تمام اعمال تولیت شرط شود

باعث اخلال در اداره وقف می‌شود؛ چرا که انجام امور تولیت که باید توسط متولی انجام گیرد متوقف می‌شود بر تصویب ناظر. تصویب، اداره غیرمستقیم وقف است در حالی که وظیفه ناظر اداره کردن نیست بلکه نظارت است. البته نظارت استصوابی در مواردی لازم است، مانند آنجایی که فرد یا سازمان ناظر به طور غیرمستقیم اداره آن امر را بر عهده دارد مثل نظارت سازمان اوقاف بر اماکن مذهبی. همچنین در مورد قراردادهایی که در تولیت اوقاف عام یا خاص لازم می‌شود مانند اجاره مال موقوفه یا بیع مال موقوفه در موارد جواز بیع آن نیز نظارت استصوابی وجود دارد.

در مورد اجاره مال موقوفه نیز باید بیان شود که به موجب قانون اوقاف، گذشته از نظارت کاملی که سازمان اوقاف بر کلیه اعمال مربوط به تولیت و از جمله اجاره موقوفه عام دارد، اجاره زائد بر ۱۰ سال موقوفات خاص نیز بایستی با تصویب شورای عالی اوقاف باشد (ماده ۲۰ قانون اوقاف).

۵. وقف و تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۲۶۵
۶. کتاب الولاه و کتاب القضاء، ص ۳۴۶
۷. مجموعه ساختار وقف در جهان اسلام، ص ۶۷
۸. همان، ص ۱۲۳
۹. به فرد یا افرادی اطلاق می شود که اموال موقوفه را در راستای تأمین منافع ایشان وقف می شود.
۱۰. مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۷
۱۱. همان، ص ۲۴۳
۱۲. حقوق مدنی، ج ۱، صص ۸۴-۸۵
۱۳. مجموعه مقالات همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۴۲۲
۱۴. حقوق مدنی، ج ۱، ص ۷۱؛ حقوق مدنی (عقود معین)، ج ۳، ص ۲۲۵
۱۵. همان، ص ۲۴۱
۱۶. حقوق مدنی، ج ۱، ص ۸۵
۱۷. همان، ص ۸۴
۱۸. همان، ص ۲۴۱
۱۹. حقوق مدنی (عقود معین)، ج ۳، ص ۲۴۰
۲۰. مختصر النافع، ص ۴۴۴
۲۱. تکلمه عروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۱
۲۲. حقوق مدنی (عقود معین)، ج ۳، ص ۲۲۵
۲۳. همان، ص ۲۴۱
۲۴. تکمله العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۱
۲۵. حقوق مدنی (عقود معین)، ج ۳، ص ۲۴۴

با این نکته روشن است که منظور از نظارت کامل در مبحث نظارت ناظر و همچنین در مواد قانونی، قانون اوقاف از جمله ماده اول قانون اوقاف نظارت استصوابی نیست بلکه منظور نظارت اطلاعی است که به صورت کامل انجام می گیرد؛ ولی برخی نظارت استصوابی را به عنوان نظارت کامل قلمداد نموده اند که صحیح نیست. کاتوزیان در همین ارتباط چنین بیان می دارد: الزام متولّی به کسب نظر اداره اوقاف در همه امور تولیت و نظارت، اداره وقف را دچار اخلال می کند و متولّی منصوب را بر خلاف نظر واقف به پیشنهاد کننده ای بی اختیار تبدیل می کند. در حالی که مفهوم نظارت مطلق هرچند کامل باشد، لزوم تصویب را نمی رساند و نیاز به قید استصوابی دارد^{۲۴}.

پی نوشت ها:

۱. معاونت مالی پژوهشگاه استاندارد کشور
۲. الطباق الکبری، ص ۴۷۱
۳. همان، ص ۳۱۱
۴. مجموعه مقالات همایش بین المللی

منابع:

کتاب

۱. الطباّق الکبری، محمّد ابن سعد، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۲. حقوق مدنی، ج ۱، سیّد حسن امامی، چاپ سوّم، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۴۷.
۳. تکمله العروة الوثقی، سیّد محمدکاظم طباطبایی، ج ۱، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۴. المبسوط، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، تحقیق: محمدباقر بهبودی، قم، مکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.
۵. حقوق مدنی (عقود معین)، ج ۳، ناصر کاتوزیان، چاپ ۷، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
۶. کتاب الولاه و کتاب القضاء، ابو عمر محمّد بن یوسف کنندی، بیروت، مطبعه آباء یسوعیین، ۱۹۰۸ م.
۷. مختصرالنافع، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن محقق حلی، طهران، قسم الدراسات الاسلامیه فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۰ ق.

مقاله

۱. مقاله «ساختار تاریخی نقش وقف در جامعه اسلامی کشورهای عرب»،

- نویسنده: ابراهیم بیومی غانم، از مجموعه ساختار وقف در جهان اسلام، ترجمه: صادق عبادی، قم، نشر اُسوه، ۱۳۸۶.
۲. مقاله «استقلال وقف و قلمرو نظارت دولت»، نویسنده: محمد سروش، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۱، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اُسوه، ۱۳۸۷.
۳. مقاله «ارزیابی فنی و حقوقی نظام حسابرسی و نظارت مالی بر موقوفات ایران (تحلیلی تاریخی - اصلاحی)»، نویسندگان: سمیه صالحی و مرضیه داوری، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۲، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اُسوه، ۱۳۷۸.
۴. مقاله «سیر تاریخی اندیشه وقف در مسیر فقه شیعی: از آغاز تا قرن هفتم هجری»، نویسنده: علیرضا واسعی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، ج ۱، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه و نشر اُسوه، ۱۳۸۷.

درهم تنیدگی باورهای مذهبی و فعالیت اقتصادی (نمونه موردی؛ کاروانسراهای وقفی شهر آمل)

دکتر شهرام یوسفی فر^۱ - معصومه یدالله پور^۲

چکیده: وقف در پیوند دادن نهادهای اقتصادی و اجتماعی شهرها به صورت مفصلی مهم عمل نموده و بینش اسلامی در ساخت بسیاری از تأسیسات شهری ایران چون کاروانسراها تأثیرگذار بوده است و همزمان با رشد شهرها با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخی شکل و توسعه می‌یافت. موقوفه بودن برخی از آنها به مانند دیگر عناصر اقتصادی و اجتماعی شهر سبب شد تا باورهای دینی در جامعه به شکل نهادینه شده‌ای با فعالیت‌های اقتصادی پیوند بخورد. از این روی در این پژوهش با مطالعه موردی کاروانسراهای وقفی شهر آمل، این درهم تنیدگی باورهای مذهبی و فعالیت‌های اقتصادی شهرهای ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: بازار، کاروانسرا، آمل، وقف، عناصر اقتصادی.

ایران در مسیر تجارت بین‌المللی قرار داشت و بخش عمده‌ای از مسیر جاده تجاری ابریشم از سرحدات شمالی ایران می‌گذشت، تأمین امنیت و رفاه بازرگانان در این مسیر طولانی که منبع کسب درآمد مهمی برای دولت بوده، امری ضروری بود^۳ از این رو در مسیر راه‌های مهم بین شهری کاروانسراها به فاصله مسافتی که کاروان در یک روز می‌توانسته طی کند، ساخته می‌شدند.^۴ رونق تجارت داخلی و خارجی و اهمیت دادن به راه‌ها و شهرهای زیارتی سبب شد که کاروانسراهای زیادی در این گونه جاده‌ها ساخته شود.^۵ در زمان صفویه کاروانسراهای درون شهری توسعه یافته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید تا جایی که در هر یک از کاروانسراها کالای به خصوصی معامله می‌شد و تجار در ارتباط با مال‌التجاره خود می‌توانستند در کاروانسراها رفت و آمد کرده، به دادوستد بپردازند^۶ و در دوره قاجار تیم و تیمچه اهمیت یافت^۷ که کارکردی شبیه به کاروانسراها داشتند. درواقع ایستگاه‌های کاروانی به صورت‌های متفاوت معرفی شده و مفهوم آنها یکی است. کلمه کاروانسرا به معنای خانه یا توقف موقتی است که از زمان صفویه معمول گردید^۸ و به رباط‌های بزرگ و جامع - در شهر و بیرون از آن - کاروانسرا می‌گفتند.^۹ پیشینه آن به دوره هخامنشی برمی‌گردد. کاروانسراها در مسیر شریان‌های ارتباطی و عناصر شهری به عنوان یکی از پدیده‌های بارز جغرافیایی همزمان با شکوفایی صنعت و کشاورزی در حوزه اسلامی افزونی یافت و بینش اسلامی در شکل‌ظاهری و ایجاد و دوام کاروانسراها اثر زیادی نهاد که بسیاری از نهادهای اقتصادی، اجتماعی شهر در مجموعه‌ای به نام بازار به صورت وقف بوده است و با توجه به این که وقف یکی از ارکان جامعه اسلامی است بسیاری از موقوفات آن صرف امور مذهبی شده است. از این رو در این نوشتار سعی بر آن است تا درهم تنیدگی باورهای مذهبی و فعالیت‌های اقتصادی شهرهای ایران را به صورت موردی (کاروانسراهای وقفی شهر آمل) بررسی کند. شهر آمل در گذشته دارای

کاروانسراهای متعدد بود که در بازار و یا محدوده بازار آمل، مجاورت دروازه‌های شهر و در مسیر تجاری جاده آمل قرار داشتند. برخی از این عناصر به مانند دیگر عناصر اقتصادی- اجتماعی شهر (دکان، حمام و...) به صورت موقوفه بوده است و موضوع وقف در رابطه با کاروانسراها به عنوان مفصلی مهم برای پیوند دو نهاد اقتصادی و مذهبی عمل می‌کرد.

پرسش پژوهش

۱. آیا در سازوکار موجود، ارتباط فعالیت اقتصادی با باور دینی در موقوفه‌ها به درستی تبیین می‌شد یا خیر؟

کاروانسراها، ساختار و کارکردها

کاروانسراها را شهر مینیاتوری اسلامی لقب دادند زیرا تمام آنچه را که در یک شهر اسلامی وجود داشت (مسجد، حمام، بازار و آب انبار) در خود جای داده بود.^{۱۰} یک کاروان بزرگ اغلب ده‌ها و حتی صدها چهارپا را شامل می‌شد که یک یا چند خانواده کامل را نقل مکان می‌داد و به‌طور معمول بازرگانان با کالاهای قیمتی و حتی زائران نیز همراه این کاروان‌ها بودند. علاوه بر این بسیار اتفاق می‌افتاد، همراه کاروان مردگانی را می‌بردند که قرار بود در مکان‌های مقدس (بقعه و امامزاده) دفن نمایند. به همین سبب است که اغلب در کنار کاروانسراها قبرستانی هم وجود دارد.^{۱۱}

کاروانسراها از لحاظ ساختاری به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱. کاروانسراهای شهری؛ محل مبادلات کالاهای بازرگانی بود و مکانی هم برای اقامت مسافران داشت.^{۱۲} ۲. کاروانسرای کوهستانی؛ شامل اطاق‌های کوچکی است که به آسانی گرم می‌شود و در شب‌های سرد زمستان پناهگاه خوبی به‌شمار می‌رود و در بین راه‌هایی که از میان کوهستان‌ها عبور می‌کند، تعداد آنها زیاد است.^{۱۳}

۳. کاروانسراهای دشت؛ از ایام بسیار کهن در ایران وجود داشت. این ساختمان‌ها از یک سو محل اقامت موقت و استراحت برای مسافران و کاروانیان بود و از سوی دیگر مکان‌های بسیار مناسبی برای دفاع در برابر راهزنان به شمار می‌رفت.^{۱۴} در مجموعه بناهای شهرهای اسلامی، کاروانسراها در رابطه با بافت مرکزی شهر و شریان‌های ارتباطی شهر و روستا فضای گسترده‌ای را اشغال می‌کرد. اغلب در مجاورت دروازه‌های شهر و در امتداد خیابان‌های اصلی، بازار و مسجد جامع شبکه بارزی از کاروانسرا وجود داشت.^{۱۵} دروازه‌های مختلف بر حسب اهمیت و کاروان رو بودن و همین طور وابستگی اقتصادی به بیرون یکی از این دروازه‌ها در

شکل‌دهی بازار سهم مهمی داشتند.^{۱۶}

کاروانسراهای شهری، هم به عنوان مرکز توقف کاروانیان و هم به منزله کانون فعالیت‌های بازرگانی مورد استفاده بود و حتی برخی از آنها به منزله بخشی از بازار به شمار می‌آمد. بنابراین کاروانسراها هم‌پراز با دیگر عناصر شهری مهم مانند مسجد، مدرسه، بازار به گونه‌ای چشمگیر، فضای گسترده‌ای را به خود اختصاص می‌داد. در گذشته به سبب اهمیتی که برای کاروانسرا به منزله یک عنصر شهری قائل بودند، در هنگام بنیان شهر جدید یا گسترش و نوسازی شهرهای پیشین، به احداث کاروانسرا توجه زیادی می‌شد. گرچه پس از جانشینی وسایل نقلیه موتوری به جای نیروی حیوانی در طول پنجاه سال اخیر، کاروانسراها نقش پیشین خود را از دست دادند ولی هنوز به عنوان مراکز بازرگانی و صنایع محلی و انباری کاربرد دارد و گاه از برخی از آنها به عنوان حسینیه و جایگاه برگزاری آیین‌های مذهبی استفاده می‌شود.^{۱۷} درواقع در بازار تیمچه‌هایی وجود دارد که وسعت قابل توجهی دارند و سرپوشیده‌اند و در آنجا کالاهای مختلفی انبار شده که در ساعات روز معامله می‌شود و در اطراف آن حجره‌هایی که به صورت دفتر بازرگانان به شمار می‌رود و حتی می‌توان در آن اقامت اختیار کرد به همین دلیل است که برخی از جهانگردان این دو نوع ساختمان را به جای هم گرفتند.^{۱۸}

این مکان به فرقه خاصی تعلق نداشت. هر مسافری که در کاروانسرا مهمان می شد حبیب خدا بود همین موضوع سبب شد حضور افراد از سایر اقوام و ملل در کاروانسراهای آن زمان زمینه گفت و گو میان تمدن ها و ادیان گوناگون را فراهم آورد. خود این تبادل اندیشه در کاروانسراها سبب می شد که ایده های گوناگون از طریق جاده ها و دیگر کاروانسراها به نقاط دوردست منتقل شود. برخی از محققان غربی برآنند؛ رنسانس در اروپا مدیون فعالیت کاروانسراها در ایران است زیرا در همین کاروانسراها بود که تمدن اروپا پس از رنسانس پی ریزی شد.^{۱۹}

کاروانسراها در شهر آمل

تعداد کاروانسراها در سواحل جنوبی دریای مازندران در مقایسه با سایر مناطق اقلیمی ایران به نسبت کمتر است. در این سواحل به سبب بارندگی زیاد، شرایط آب و هوایی معتدل، آباد بودن کل منطقه، جمعیت به نسبت زیاد، نزدیک بودن مراکز جمعیت سبب شده تا نیازی به کاروانسراهای بین راهی به تعداد بسیار نباشد. با توجه به کاروانسراهای باقی مانده مشاهده می شود اغلب کاروانسراها در این منطقه در مسیر ارتباطی بین فلات مرکزی ایران و شهرهای این سواحل بوده است^{۲۰} که به احتمال بسیار زیاد این کاروانسراها توسط معماران و بنایان شهرهای فلات مرکزی ایران ساخته شد و مصالح مورد استفاده نیز برخلاف مصالح بومی که عمدتاً چوب و الیاف گیاهی بوده از مصالح پایدار مانند آجر، سنگ و ملات هایی از نوع آبی مانند آهک و ساروج که در مقابل رطوبت و بارندگی مقاوم می باشند، بوده است.^{۲۱}

در گذشته در سواحل دریای مازندران کاروانسراهای متعددی وجود داشته ولی امروزه اثری از آنها دیده نمی شود زیرا این ساختمان ها بیشتر از چوب بوده و از بین رفتند. با این حال بعضی از نمونه های آن در نواحی کوهستانی هنوز بر جای هستند^{۲۲} شاه عباس اول به دلیل علاقه ای که به منطقه مازندران داشت راه های ساحلی را آباد کرد، پل و کاروانسراهای متعددی ساخت و در نواحی باتلاقی راه های سنگ فرش

به وجود آورد. از این رو از استرآباد به بعد، ایستگاه‌هایی در کردمحله، اشرف، ساری، آمل و... وجود داشت.^{۲۳} این ساختمان‌ها گاهی به بانی آن منصوب می‌شد و گاهی به نام اشخاصی شهرت پیدا می‌کرد که به افتخار آنان این کاروانسراها را ساخته بودند. گاهی نیز کاروانسراها نام شهری را به خود گرفته است که در آن واقع بوده است یا مردم شهری را که از آن استفاده می‌کردند (کاروانسرای تبریزی). گاهی نیز به مناسبت کالاهایی که در آن انبار یا پیاده می‌شدند نام به خصوصی بدان‌ها می‌دادند (زغال چوب). گاهی نیز نام مصالحی که آن کاروانسرا با آن ساخته شده بود، موضوع نام‌گذاری روی آن می‌گردید (کاروانسرای سنگی). کاروانسراها در ایران به

دلایل تجاری، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و جغرافیایی احداث می‌شده است.^{۲۴} سابقه داشتن کاروانسرا در شهر آمل به پیشینه تاریخی و اقتصادی آن برمی‌گردد. وجود بازار و تجارت داخلی و خارجی (برنج و ابریشم)، مشاهد بزرگان (مقبره میربزرگ، گنبد ناصر کبیر و...) و زیارتگاه‌ها (امامزاده‌ها) از مهم‌ترین عامل گستردگی کاروانسراهای شهری و برون شهری در آمل و جاده آمل است. موقعیت استراتژیکی آن نیز در ایجاد این گونه تأسیسات شهری تأثیرگذار بود. کاروانسرامحله یکی از محله‌های شهر آمل بود که ملگونیف از آن نام برده است.^{۲۵}

بسیاری از کاروانسراهای شهر آمل با تکیه بر منابع و تحقیقات میدانی در نزدیکی رودخانه هراز و مجاورت آن قرار داشتند زیرا مناسب‌ترین شرایط برای ایجاد یک کاروانسرا این است که در کنار چشمه‌ای یا رودخانه‌ای قرار داشته باشد^{۲۶} بنابراین نام بسیاری از کاروانسراهای شهر آمل از بانی و مکانی که در آن قرار داشتند، برگرفته شده است.

در زمینه معماری کاروانسراهای شهر آمل اطلاعی در دست نیست چون هیچ نشانی از آنها نمانده است اما با مطالعه وقفنامه متوجه می‌شویم که برخی از این کاروانسراها در کنار قبرستان قرار داشتند که از لحاظ کارکرد مهم به نظر می‌رسد. از کاروانسراهای معروف آن: میرزا شفیع، کاروانسرای وزیری، قیصریه و دیگر

کاروانسراهای قدیمی آمل که نام آنها در کتب قدما ذکر شده است، اثری در دست نیست.^{۲۷} در نزدیکی پل دوازده پله آثار قلعه‌ای قدیمی وجود داشت که از آن به عنوان کاروانسرا استفاده می‌شد.^{۲۸} کاروانسرای حاجی حبیب‌الله اسکی، کاروانسرای ملاعباسقلی اسکی، کاروانسرای محمدابراهیم بهرستاقی، کاروانسرای حاجی محمدقلی اسکی معروف به دولت‌شاه واقع در بازار هارون‌محله را می‌توان نام برد.^{۲۹} برخی از این کاروانسراهای قدیمی در جریان نوسازی دوره رضاشاه تخریب و به جای آنها بیمارستان شیر و خورشید آمل احداث شد.^{۳۰} کاروانسراهایی نیز در میان راه دماوند به آمل و در دامنه شمالی جبال و روی گردنه امامزاده هاشم ساخته شدند زیرا در این مکان بهمن‌های متعدد و طوفان‌های شدیدی راه را بر کاروانیان مسدود می‌نمود. این کاروانسراها عبارتند از:

۱. **امامزاده هاشم**؛ این کاروانسرا در کنار امامزاده واقع است و به دستور شاه عباس اول بر پا شد.

۲. **گامبوش**؛ با قلوه سنگ و آهک ساخته شده و بر روی گردنه‌ای بین دو راه بسیار خطرناک قرار گرفته است. بنای آن قدیمی است زیرا گوشوارهای چهار طرف گنبد نشانه‌ای از اصول ساختمانی معمولی در زمان سلجوقیان است اما مردم محل این پناهگاه را از زمان شاه عباس می‌دانند.

۳. **پلور**؛ در پایین کاروانسرای گامبوش در کنار رودخانه لار و نزدیک یک چشمه گوارا ساخته شد. این کاروانسرا از عهد شاه عباس بزرگ است.

۴. **میرزا عبدالله خان**؛ این کاروانسرا به فاصله ۳۰۰ متر از امامزاده هاشم قرار گرفت و هنگامی که در عهد ناصرالدین شاه در اینجا راه می‌ساختند این پناهگاه را بر پا نمودند.

در این موقع چند کاروانسرای دیگر روی همین خط بر پا شد که بیشتر آنها بین امیریه و آمل واقع‌اند (برای شرح این موارد رجوع شود به کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ماکسیم سیرو). و در آخر می‌توان گفت بنا بر

منابع تاریخی و اسناد به دست آمده کاروانسراهای شهرستان آمل از نظر نوع مالکیت به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱. کاروانسرای شاهی، ۲. کاروانسرای خصوصی، ۳. کاروانسرای خیریه^{۳۱}، ۴. کاروانسرای وقفی. ۳۲ شایسته یادآوری است که در شهرستان آمل به جز در نواحی کوهستانی از کاروانسراها اثری باقی نمانده است.

وقف و موقوفه در اسلام و ایران

در ادیان الهی صدقه جاریه جایگاه خاصی داشته و در تاریخ ایران روند ویژه‌ای را طی کرده است. وقف در جهان اسلام با رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحقق پیدا نمود و موقوفات به صورت گسترده و در زمینه‌های متنوع در جامعه آشکار شد.^{۳۳} نقش وقف در فرایند شهرآفرینی سرزمین‌های اسلامی بااهمیت است و در دوران عثمانی و صفویه به اوج خود می‌رسد. سبک اصفهان تحقق آرمان شهر صفوی است که بناهای بازارهای سنتی ایران الهام گرفته از این مکتب است.^{۳۴} موقوفاتی که برای این مجموعه در نظر گرفته می‌شد همزمان با فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عامل مهم در تضمین تحرک و پویایی و شکوفایی شهرها بودند.^{۳۵}

وقف بر مساجد و مدارس و امور عام المنفعه (ساختن کاروانسرا، پل، حفر قنات و نیز وقف بر دستگیری از فقرا) در میان تمام ملل مسلمان رواج داشت اما وقف بر مراسم تعزیه‌داری سیدالشهدا علیه السلام و روضه‌خوانی و... در بین تمام مسلمانان معمول نبود و فقط شیعیان به انجام چنین موقوفاتی مبادرت کردند و البته آن هم در شرایطی شکل می‌گرفت که شرایط سیاسی و اجتماعی کاملاً مساعد باشد که رسمیت یافتن آیین تشیع در ایران در اندک مدتی توانست موقوفات را جهت دهد.^{۳۶} بازار به عنوان عنصر مهم اقتصادی در نظام شهری ایران (صفویه) جایگاه پراهمیتی یافت^{۳۷} و نقش مذهبی مؤثری در شهرهای ایرانی و پیوندی ناگسستنی با معنویت و باورهای مذهبی جامعه داشت که مسجد جزء لاینفک آن به حساب می‌آید و قدرت اقتصادی آن متأثر از نیاز جامعه و مردم بوده و بیش از هر عنصری متکی به

اقتصاد مردمی است.^{۳۸}

بسیاری از موقوفات شهر آمل (مساجد، امامزاده‌ها، بقاع، حمام، کاروانسرا و دکان) به صورت مجتمع در کنار هم و اغلب در بخش تجاری (بازار) و در بافت قدیمی شهر قرار گرفته و عواید بسیاری از آنها به عزاداری امام حسین علیه السلام اختصاص یافته است که علت آن را می‌توان در نقش تشیع در جهت دهی به موقوفات این شهر دانست. از این روی تأثیر نهاد آموزشی دینی و نهادهای اقتصادی را می‌توان در بازارهای سنتی ایران جست‌وجو نمود.

کاروانسراهای وقفی آمل

تعدد کاروانسرا در ایران نشان دهنده اهمیت شهر در گذشته است. هارون محله که قسمتی از محله پل به یور بود، در ابتدای دروازه شرقی شهر آمل قرار دارد. در گذشته جنبه استراحتگاهی و اتراق کاروان‌ها را داشت.^{۳۹} دروازه‌های هر شهر نقش بزرگی در محل فعالیت‌های تجاری داشتند. بسیاری از تجمع‌های دادوستد در کنار (بیرون یا داخل) دروازه‌ها شکل گرفتند از این روی محورهای کاروانی درون شهری بستر مناسبی برای گسترش خطی بازارها بودند چنان که در بسیاری از شهرها (آمل) بازارها دروازه‌ای را به دروازه دیگر می‌پیوستند.^{۴۰} علاوه بر علت تجاری و اقتصادی و جغرافیایی ایجاد کاروانسراها، توقف مسافران برای انجام دادن فرایض مذهبی (نظیر نماز، روزه و...) و گاه عامل وجود اماکن متبرکه و زیارت نیاز به محلی برای استقرار در این مدت را در پی داشت.^{۴۱}

مالکیت برخی از کاروانسراهای شهر آمل به صورت وقف بوده است. کاروانسرای وقفی؛ جزو اوقاف بودند و عواید آن به خرج بناهای مذهبی می‌رسید (مسجد، مدارس و صومعه‌ها).^{۴۲} دو وقفنامه به دست آمده از کاروانسراهای واقع در بازار هارون محله آمل به صورت رونوشت از اصل است و واقفان آنها محمدقلی اسکی و حاجی محمدابراهیم بهرستاقی هستند که به ترتیب شش دانگ دکان و شش

دانگ کاروانسرا و یک باب دکان و یک باب کاروانسرای شمالی با همه ملحقات آن را وقف نمودند تا بعد از تعمیرات برای مجلس عزا و روضه خوانی حضرت امام حسین علیه السلام صرف شود. باور بازاریان آمل به نهاد وقف چنان بوده است که آن را در فعالیت های اقتصادی محترم می شمارند و خود را موظف به انجام نیات واقف می دانند.^{۴۳} در حال حاضر این نوع از بناهای موقوفه با توجه به شرایط و نیاز مردم شهر آمل تغییر کاربری دادند. در ادامه در رابطه با پژوهش حاضر، دو سند از کاروانسراهای واقع در بازار هارون محله و یک سند از دکان واقع در بازار چهارسو از آقامیرزا علی اکبر تاجر آملی استنساخ شده است:

اسناد موقوفه

[سند شماره ۱]:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة على محمد ذی الشرف والافاخر و علی آله الذین یكونون حجج الله علی کل صالح و فاجر و بعد از آنجایی که جناب خیرالحاج حاجی محمدقلی اسکی دولت شاه در همیشه از ایام مورد فیوضات و توفیقات حضرت فیاض المطلق بود و از صمیم قلب راغب خیرات و مبرات بود و از این عالم ترقی نمود خواست که صدقات جاریه از او جاری شود لذا حاضر شد در نزد این احقر خدمه شرع انور در حالی که صفوف تصرفات از او ممضی بود وکیل نموده حقیر را که وقف نمایم تمامی شش دانگ دکان و شش دانگ کاروانسرای ایشان که واقعند در هارون محله آمل به این جهت که بعد از وضع مخارج تعمیرات سالیانه هر چه از منافع و وجه اجاره آن باقیمانده مخارج مجلس عزا و روضه خوانی حضرت حسین روحی ارواح العالمین له الفداء شود و تولیت آن به خود واقف و بعده به اولاد القابل والا به عالم البلد می باشد و حقیر هم بنهج مذکور اجرای صیغه وقف ایجاباً و قبولاً نمودم فالعینان صار تا موقوفتین مقبوضتین فلا... ان تباعا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فانية

وآخرة دار باقية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فانية
وآخرة دار باقية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فانية
وآخرة دار باقية

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فانية
وآخرة دار باقية

الحمد لله الذي جعل الدنيا دار فانية
وآخرة دار باقية

بسم الله الرحمن الرحيم

و ترهنا بل هما ثابتان و ثواب تثبیتها راجع الی الواقف و ینفعه یوم لا ینفع مال و لا بنون و علی مبدلها اثم و خذلان و بعد من رحمه الله قم هذا او قد اجريت صيغته الوقف فی ثمانیه من شهر ذیعقده الحرام من شهر ۱۳۱۱ به شماره ۱۷۱ ؛ ثبت دفتر وقفامجات آمل گردید- دفتر فرهنگ آمل- علوی
رونوشت با اصل یکسان است. [امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا وسط]: قد اقرا الواقف بالوقف علی الجبهه المرقومه فی الورقه... ۱۳۱۱،

محل مهر: عبده اسمعیل حسنی

[حاشیه بالا چپ]: بسم الله تعالى، قد حضر جناب الحاج المذكور لدى الاحقر... و وکلنی باجرای صیغته الوقف فالحقیر اجريت الصیغه ایجاباً و قبولاً فی تاریخ المتن فالعینان مذکور تان موقوفتان بلاریب و شبهه و اشکال، ۱۳۱۱، محل مهر: یا احمد؛ محل مهر: لا یقرء؛ محل مهر: طاهر ابن شفیع؛ محل مهر: حاجی ابن عبدالله؛ د-۷

[سند شماره ۲]:

بسم الله و الحمد للحمد لله و الصلوة و السلام علی رسول الله غب الحمد و الصلوة غرض از نگارش و تحریر این وریقه شرعیه آن که حاضر شد عالمأ عامداً خیر الحاج و العمار الحاج حاجی محمد ابراهیم بهرستاقی من طایفه اردشیر در صورتی که جمیع اقاویر شرعیه او ممضی و نافذ بود و من غیر شایبه الاکراه و الاجبار بل بالطوع والرغبه و الاختیار و جواز التصرف و بعد الحضور دانسته و فهمیده و رسیده مصالحه صحیحه شرعیه منجزها اسلامیه نمود همگی و تمامت یکباب دکان قبلی و یکباب کاروانسرای شمالی ابتیاعی خود را که واقع و کائن می باشند در بازار قریه هارون محله مع کافه ملحقات و عامه مضافات و منضمات آن من الممر و المدخل و رهگذر و آبگذر و باغچه جنب دکان و کل ما یتعلق بهما را مع باغچه جنب کاروانسرا را آنچه شایسته ملکیت دارد ذکر او لم یذكر سَمی اولم یسم من غیر استثنا شی مما ذکر بدارنده این وریقه شرعیه خیر الحاج و العمار حاجی محمد قلی

اسکی ملقب بدولت شاه بمال المصالحه مبلغ پنجاه تومان وجه رواج ناصرالدین شاهی دام اقباله مع اسقاط کافه خيارات نیز خيار الغبن و لو كان فاحشاً بلافحش مال المصالحه نیز فی مجلس العقد و الصلح عاید و واصل مصالح مزبور گردید کما این که مصالح مزبور اخراج ید ملکانه نمود در مصالح عنه و بتصرف متصالح درآورد و له التصرف فی المصالح عنه کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقهم بای نحوشاً و اراد و بعد ذلک مصالح مزبور خود را ضامن درک شرعی قرار داد که عند ظهور المدعی و خروج المستحق از عهده کلی و جزیی در مصالح عنه بیرون آید صیغته المصالحه الصحیحه الشرعیه مع اجتماع شرایط المصالحه بالعربیه و الفارسیه مشتمله علی الایجاب و القبول الشرعین کما قررت فی الشریعه سمت جریان و حصول پذیرفته و کان وقوع ذلک فی هجدهم ...

رونوشت با اصل یکسان است، [امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا وسط]: المصالح المرقوم قد اقر و اعترف بالصلح المزبور و اخذ مال المصالحه سلخ ربیع الثانی ۱۰ شهریور ۱۳۰۴، محل مهر: لا یقرء
[حاشیه بالا چپ]: قد وقعت المصالحه المزبوره فی الوریقه بتمامها واحد مالها لدی الاحقر ۱۳۰۴، محل مهر: لا یقرء

[حاشیه بالا راست]: قد اعترف... محل مهر: عبده عباسعلی

محل مهر: عبده آقاجان؛ محل مهر: عبده میرزا آقا؛ محل مهر: سلام علی ابراهیم؛
محل مهر: محمدعلی، بقی لا یقرء

[حاشیه وسط راست]: حدود دکان، حدی متصل بکاروانسرای حاجی حبیب الله اسکی، حدی متصل بکاروانسرای ملاعباسقلی اسکی، حدی متصل بشارع عام پشت دکان؛ حد کاروانسرا، حد متصل بدکان میرزا آقاجان اسکی، حد متصل بکاروانسرای حاجی حبیب الله اسکی، حد متصل بقبر مرحوم حاجی ملاعلی، محل مهر: لا یقرء؛

[سند شماره ۳]:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر و المطلع على السرائر والصلوة والسلام على محمد و آله خیر الاولائل و الاواخر و لعنته الله على اعدائهم اجمعين فى يوم تبلى السرائر. و بعد غرض از تحریر این وریقه و باعث بر تسطیر این... آن که توفیق رفیق شامل احوال جناب مستطاب عمدة الاشراف والتجار آقامیرزا علی اکبر تاجر آملی گردید که برای ذخیره یوم الحاحه که یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من انى اله بقلب سلیم و برای.... و موجب شفاعه و رفاهیه فراهم نماید لذا بمقتضی حدیث شریف اذ مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلث که از آنهاست صدقه جاریه لذا حاضر شد جناب معظم الیه و بعد الحضور وقف مؤبد و حبس مخلد... طلباً لمرضات.... و تمامت نصف یک باب دکان واقعه در چهارسوق آمل را که تحدید آن در حاشیه ورقه مسطور خواهد شد با جمع توابع شرعیه و لواحق عرفیه از.... و رقبه کل مایعلق بها... الارض الی عنان السماء برای صرف در مطلق وجود... فی سبیل الله تعالی از صرف در عزاداری حضرت سیدالشهدا و آبا و اولاد طاهرین و اصحاب کرام الجناب ارواحنا فداه... در خانه خود.... در هر زمان و افتخار.... و ابناء السبیل و در تعمیرات مساجد و حمامات آن که چنانچه خدای نخواستہ از اولاد و احفاد و بطون لاحقه واقف مسطور و مرحوم آقامحمد اخوی ایشان از مصادیق و مصرف وجوه... عنوان.... مصرف خود نمایند بالجمله متولی در هر طبقه مختار باشد در هر مصرف بر... اسلامی صرف نماید و تولیت آن مادام الحیوة با خود قرار داده بعد از خود به اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن بشرط القابلیه و الصلاحیه حتی آن که اگر بطن بعید صالح باشد با وجود بطن قریب بغیر صالح بعید صالح مقدم خواهد بود در صورت فساد... جز اکبر ارشد قریب مقدم بر غیر اینهاست ثم بعد الانقراض... به اولاد ذکور از اناث ثم بر فرض انقراض با عالم صالح بلده آمل از طایفه آملی می باشد و باید منافع موقوفه بعد از مخارج لازمه و تعمیرات صرف در مصارف... توضیح آن که نصف نصف دکان را

که عبارت باشد از یکربع از بابت ثلثیه مرحوم مغفور آقا محمد الواقف و واقف معظم وقف شد باستحضار و اذن وقتی دیگر آن مرحوم جناب... ملا محمد صادق و ربع دیگر را خود واقف نمودند به استحضار و اذن سه نفر اولاد او و هم... میرزا حاجی علی و آقا امان الله و صیغه الواقف حبسما رقم جاری گردید و قبض که از شرائط صحه واقف باشد به حصول موصول شد فالوقف علی حسب بالوقفها..... فی شهر الصفر الخیر ۱۳۴۴

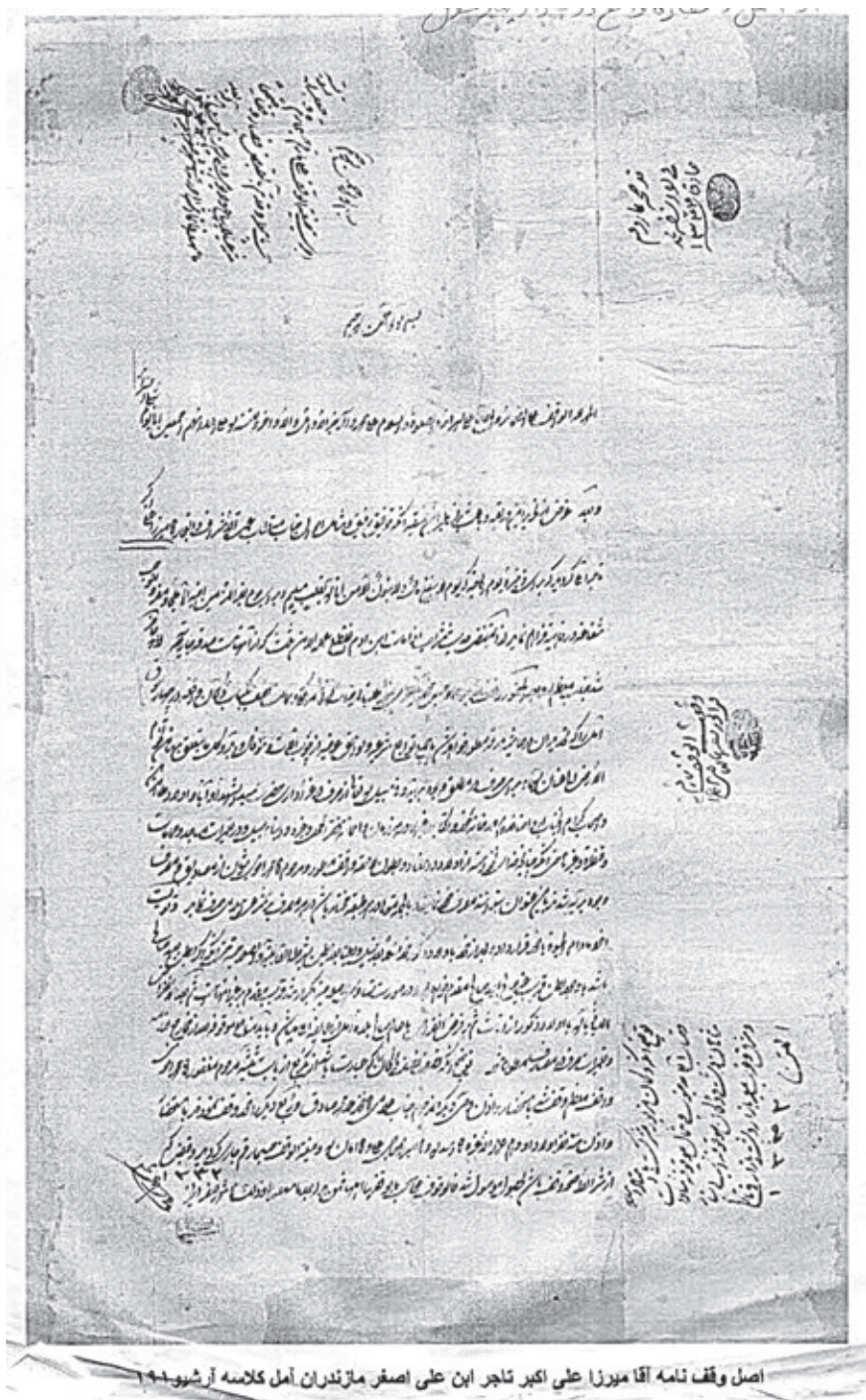
[حاشیه بالا چپ]: بسم الله الرحمن الرحیم، اجريت صیغه الوقف علی ما رقم حبسما رقم وجعل تولیه حسب بامطر و قدمتم بالقبض فصار وقفاً صحیحاً شرعياً لایباع و لایوهب و لایرهن فمن بدله بعد ما سمعه فانها... فی شهر صفرال...؛ امضا: ناخوانا؛ [سجع مهر: ناخوانا]

[حاشیه بالا راست]: قد صحه بما..... محمدصادق ۱۳۴۲، [سجع مهر: ناخوانا]
[حاشیه وسط راست]: وقفت الوقف بما رقم فی الوریقه انا... احمد [سجع مهر: احمد]

[حاشیه پایین راست]: توضیح آن که دکان مزبور... به استاد... قصاب آملی به جنوب و شمال موقوفه سادات شاهانداشت و دکان موقوفه آب انبار و شرق و غرب بمعبر بازار و پشت بازار فی تاریخ المتن ۱۳۴۲

نتیجه

کاروانسراهای شهر آمل در گذشته در بازار یا در مسیر ارتباطی و بازرگانی شهرهای ایران قرار داشت و علاوه بر عملکرد اقتصادی همواره مکانی برای آشنایی و رد و بدل کردن اطلاعات و مسایل مربوط به بازار و جامعه ایران بود. مالکیت برخی از این نوع تأسیسات شهری به صورت وقف بوده است که تأمل در اسناد به دست آمده نشان می دهد موقوفات در شهر آمل پشتوانه نهادهای مذهبی و اقتصادی شهر هستند و در پیوند دادن این دو نهاد، نقش مهمی را در این شهر از



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

وقف میراث جاویدان
شماره ۹۳
بهار ۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم ائمة المرسلين
في كل زمان ومكان
وبعد

وقف میراث جاویدان
شماره ۹۳
بهار ۱۳۹۵

وقف میراث جاویدان
شماره ۹۳
بهار ۱۳۹۵

وقف میراث جاویدان
شماره ۹۳
بهار ۱۳۹۵

وقف میراث جاویدان
شماره ۹۳
بهار ۱۳۹۵

وقف میراث جاویدان
شماره ۹۳
بهار ۱۳۹۵

اصل وقف نامه آقا میرزا علی اکبر تاجر ابن علی اصغر ملا نندران آمل کلامه آرشیو ۱۰

گذشته‌های دور ایفا می‌نماید به نحوی که می‌توان گفت بازاریان به درست ادا شدن حق موقوفه‌ها پایبند هستند و با توجه به این که عواید به دست آمده از نهادهای اقتصادی شهر آمل (دکاکین، کاروانسرا و...) صرف بناهای مذهبی یا امور مذهبی چون عزاداری امام حسین علیه السلام می‌شده است افراد خیر و معتقد برای رشد و توسعه شهرشان این گونه مکان‌ها را وقف می‌نمودند تا برای تاجران و کسانی که برای دادوستد به شهر آمل می‌آمدند، مکانی برای استراحت و انجام عبادت باشد. امروزه این گونه از بناهای موقوفه در شهر آمل با توجه به نیازهای جامعه تغییر کاربری دادند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. استاد تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. کارشناس ارشد ایران شناسی - دانشگاه شهید بهشتی
۳. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، صص ۳۳۸-۳۳۹
۴. همان، ص ۳۳۸
۵. نامه انجمن، شماره ۲۴، ص ۱۳۰
۶. همان، ص ۱۳۱
۷. ریخت شناسی بازار، ص ۵۰
۸. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ص ۵۴
۹. آشنایی با معماری اسلامی ایران (ساختمان‌های درون شهری و برون شهری)، ص ۲۳۲
۱۰. رشد معلم، شماره ۸، ص ۵۱
۱۱. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ص ۶۹
۱۲. همان، ص ۲۰۹
۱۳. همان، ص ۷۴
۱۴. همان، صص ۸۸-۸۹
۱۵. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸، صص ۲۸-۲۹
۱۶. آشنایی با معماری اسلامی ایران (ساختمان‌های درون شهری و برون شهری)، ص ۱۲۳
۱۷. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸، صص ۲۸-۲۹
۱۸. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های

۳۷. ریخت‌شناسی بازار، ص ۴۱
۳۸. همان، ص ۷۰
۳۹. از آستارا تا استارباد، مجلد چهارم، ص ۷۲؛ مازندران و استرآباد، ص ۷۰
۴۰. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، صص ۱۳۶-۱۳۷
۴۱. ریخت‌شناسی بازار، ص ۹۱
۴۲. همان، ص ۶۳
۴۳. عطارزاده و هدایتی؛ عطار و موکت‌فروش
- کوچک میان راه‌ها، ص ۲۱۰
۱۹. رشد معلم، شماره ۸، ص ۵۱
۲۰. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، ص ۳۴۰
۲۱. همان، ص ۳۴۲
۲۲. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ص ۳۸
۲۳. همان، ص ۵۲
۲۴. ریخت‌شناسی بازار، ص ۹۱
۲۵. از آستارا تا استارباد، مجلد چهارم، ص ۲۶
۲۶. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ص ۲۱۵
۲۷. رجوع شود به کتاب از آستارا تا استارباد، منوچهر ستوده
۲۸. مرآةالبلدان، ج ۴، ص ۲۰
۲۹. وقفنامه
۳۰. از آستارا تا استارباد، مجلد چهارم، ص ۷۱
۳۱. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ص ۵۴
۳۲. همان، ص ۶۳
۳۳. نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، صص ۱۵۵-۱۵۶
۳۴. ریخت‌شناسی بازار، ص ۴۳
۳۵. نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، صص ۱۵۷-۱۵۸
۳۶. دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۴۰، ص ۵۰
۱. از آستارا تا استارباد، منوچهر ستوده، مجلد چهارم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
۲. آشنایی با معماری اسلامی ایران (ساختمان‌های درون شهری و برون شهری)، محمدکریم پیرنیا، ۱۳۸۸.
۳. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، وحید قبادیان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴. ریخت‌شناسی بازار، آذیتا رجبی، تهران، آگاه، ۱۳۸۵.
۵. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ماکسیسم سیرو، ترجمه: عیسی بهنام، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۹۴۹م.

منابع:

کتاب

۶. مازندران و استرآباد، رایینو، ه.ل؛ ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۷. مرآة البلدان، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، ج ۴، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

۸. نظریه‌هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی، اشرف السادات باقری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.

مقاله

۱. به شهر مینیاتوری خوش آمدی؛ پیدایش کاروانسراها و نقش آنها در گردآوری و گسترش دانش بشری، سعیدقلی کردی، رشد معلم، شماره ۸، ۱۳۸۴.

۲. بینش اسلامی و جغرافیای شهری، عباس سعیدی رضوانی، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸، ۱۳۶۷.

۳. تجارت خارجی در دوره صفویه، حکیمه امیری، تاریخ روابط خارجی، شماره ۸ و ۷، ۱۳۸۰.

۴. تشیع و وقف در عصر صفوی، نزهت احمدی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۴۰، ۱۳۸۴.

۵. کاروانسراها؛ جلوه‌ای از معماری ایرانی - اسلامی، سید ابوالفضل جعفری نژاد، نامه انجمن، شماره ۲۴، ۱۳۸۵.

۶. مدخل بازار، اردوان امیرشاهی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ۱۳۸۱.

مرکز آرشیوی

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل

مصاحبه

۱. رضا عطارزاده، عطار، مکان مصاحبه: بازار چهارسو، عطاری بابونه حسن عطارزاده، ۱۳۸۷/۱۰/۱۷، ساعت مصاحبه ۱-۳ بعدازظهر

۲. قدرت الله هدایتی، موکت فروش، مکان مصاحبه: راسته نمدمالان، جنب مسجد آقاعباس، فروشگاه فرش و موکت بابک، تاریخ مصاحبه: ۱۳۸۷/۷/۲۲، روز مصاحبه: دوشنبه، ساعت مصاحبه: ۹/۵-۱۱/۵ صبح

بررسی باستانشناختی آب انبارهای وقفی شهر زنجان در دوره قاجاریه

علی نوراللهی^۱ - سارا علی‌لو^۲

چکیده:

به علت خشکی هوای ایران و کمبود بارش، آب همواره در نزد ساکنان آن دارای تقدس و احترام بالایی بوده است. ساکنان آن از جمله راهکارهای که برای سازگاری با این وضعیت اندیشیدند، احداث آب انبارها صورت گرفته است. که بنابر شواهد تاریخی اولین بار احداث این بناها در زنجان آنها به کار برده شده است. شهر زنجان که در شمال غرب ایران قرار گرفته که ریزش‌های جوی آن مانند سایر مناطق اندک است. این موضوع به همراه گرمای هوا سبب ساختن چندین آب انبار در این شهر شده است که همگی وقفی و دارای کاربری چند منظوره بوده‌اند. علاوه بر این مردم زنجان راهکارهای دیگری نیز برای دسترسی به آب اندیشیده بودند که آبدزدک معروف است. در این مقاله ابتدا به اقلیم ایران و تاثیر آن در شکل‌گیری آب انبار و اهمیت آب و معماری این سازه‌ها و سپس جغرافیا و معرفی آب انبارهای شهر زنجان و تنها یخچال این شهر پرداخته شده است و در پایان یک جمع‌بندی از کلیه مطالب ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها:

آب انبار، وقف، آب، زنجان، آبدزدک.

مقدمه

اوضاع اقلیمی خشک و نیمه خشک بخش عمده ایران تأثیری ژرف و بنیادی در خلق پدیده‌های گوناگون معماری این سرزمین گذارده است که بررسی آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. ریزش‌های آسمانی در ایران به جز ناحیه شمال و سواحل دریای مازندران که میزان آن در طول سال به حدود ۲۰۰۰ م.م. می‌رسد، در بقیه ناحیه‌ها بسیار کم است، چنانچه بیشترین حد آن در غرب و شمال غرب کشور فقط به ۵۰۰ م.م. می‌رسد. نکته مهم دیگری که درباره ریزش‌های آسمانی ایران بایستی مورد توجه قرار گیرد، دوران کوتاه بارندگی است که به جز ناحیه شمال در بقیه منطقه‌ها ریزش‌های آسمانی به طور عمده فقط به فصل زمستان محدود می‌گردد و از ماه دوم بهار تا ماه دوم پاییز تقریباً اثری از ریزش‌های آسمانی نیست. در بسیاری از ناحیه‌های این سرزمین نیز شاهد باران‌های سیل‌آسا ولی کم زمان هستیم که موجب پدیدار شدن رودخانه‌های فصلی می‌گردد. در ایران به جز چند رود بزرگ و متوسط که با بهره‌مند بودن از سرچشمه‌های برفگیر، در تمامی طول سال جریان دارند، بیشتر رودها در بخش کوتاهی از سال آب در بستر دارند و اغلب آنها از میانه بهار تا پایان پاییز خشک و بی آب هستند. از این رو است که از دیر باز در بیشتر پهن دشت‌های ایران برای دسترسی به آب، تلاشی چشمگیر و پی‌گیر صورت گرفته و ایرانیان در طول چندین هزار سال با کوشش خستگی ناپذیر و بهره جستن از تمامی توانایی‌های خود، همت گماشته‌اند تا با کندن ده‌ها کیلومتر قنات، آب را از ژرفای زمین بیرون کشند و دشت‌های تشنه و کشتزارها را سیراب سازند و گلوهای خشک و لب‌های داغمه بسته را با آبی گوارا تازه سازند.^۳

نقش حیاتی آب انبارها در بافت شهرها، به ویژه در شهرهای حاشیه کویر و منطقه‌های کم‌آب ایران، و تکامل طرح و شیوه ساختمان و بُعد هنری و تزئیناتی

آنها) به ویژه در سردرها و کتیبه‌های الحاقی بدانها) در دوران اسلامی چنان چشمگیر است که می‌توان برخی از نمونه‌های این پدیده معماری را از لحاظ ارزش‌های هنری، فرهنگی، فنی و تاریخی همسنگ برخی مساجد بزرگ، کوشک‌ها، مقابر و دیگر آثار هنر معماری ایران اسلامی معرفی کرد و در بسیاری جای‌ها بزرگ‌ترین و چشمگیرترین واحد معماری به شمار آورد، زیرا دیگر بناهای همگانی این نقاط در برابر آنها نمودی ندارد.^۴

آب انبارها از عناصر تشکیل دهنده بافت‌های تاریخی هستند که به منظور تامین آب آشامیدنی گوارا در بافت تاریخی زنجان احداث گردیده‌اند و بسیاری از آنها به صورت بنای چند منظوره می‌باشند. ضمن ذخیره سازی آب و جبران کاستی آن و تامین آب آشامیدنی با این آب انبارها، در پشت بام‌های آنها نیز مدارس، حسینیه‌ها، خانه‌ها، سراها و دکان‌ها ساخته شده است. با این‌که آب انبارها جزو بناهای خدمات شهری به شمار می‌روند ولی به نحوی می‌توان آنها را جزو ابنیه مذهبی نیز برشمرد. بانیان خیر و نیکوکاران، آب انبارها را به یاد واقعه کربلا و خاطره شهادت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام ساخته‌اند و آنها نیز جزو موقوفات عام می‌باشند و قداست ویژه‌ای دارند.^۵

در این مقاله از دو شیوه بررسی میدانی که شامل بازدید از آب انبارهای سالم و تهیه عکس و پلان و مصاحبه و گفت‌وگو با افراد و کتابخانه‌ای به صورت تلفیقی استفاده شده است.

نگارندگان در این مقاله ابتدا به وضعیت اقلیمی ایران و علل شکل‌گیری آب انبارها به صورت مختصر اشاره نموده و در ادامه آب و اهمیت آن در فرهنگ ایران و مناطق همجوار را بررسی کرده‌اند. همچنین در ادامه به تاریخچه ساخت آب انبار و شیوه معماری و در ادامه ضمن ارائه موقعیت جغرافیای و تاریخی و اقلیمی زنجان به معرفی آب انبارها و تنها یخچال شهر زنجان پرداخته و در پایان نیز جمع‌بندی از کلیه مطالب ارائه شده است.

آب

آب از جمله عناصر طبیعی است که در شکل دهی و آفرینش بناهای معماری سهم ویژه‌ای داشته است. آب در آغاز تنها ماده‌ای برای رفع تشنگی و مایه حیات تلقی می‌شد، ولی به مرور زمان نقش دیگری نیز به عهده گرفت. در ایران، با توجه به خشکی سرزمین و آموزه‌های دینی، معمار ایرانی با ایجاد بناهای ارزشمند احترام ویژه‌ای یافته است. آب و چگونگی حفظ و حرمت آن باعث شد تا ماده طبیعی ارزشمندی محسوب شود. در آغاز با احداث آب انبار مکان اجتماعی و مطهری را آفرید و در مسیر خود با استفاده از عنصری به نام حوض در مرکز مساجد، پاکی و طراوت را به مؤمنین ارزانی بخشید.^۶

عنصر آب در نگاه اکثر اقوام جهان از یک سو نماد زایش و زاینده‌گی و از سوی دیگر نماد تطهیر و پالایش است و به سبب حیاتی بودنش در تفکر اسطوره‌ای مردمان در بالاترین جایگاه قرار گرفته است. در اساطیر ایرانی مهر از جهت ایزد بانوی آب بودنش، مقامی والا می‌یابد، و کم‌کم به صورت دین و آیینی جداگانه پذیرفته و تأثیر آن در تمامی ادیان و آیین‌ها تا امروز باقی می‌ماند. وجود ایزدان آب‌ها در اساطیر دیگر ملل نظیر آنکامنا^۷ در اساطیر رومی-سلتی، کاونتینا^۸ در اساطیر بریتانیایی-سلتی، کوپالا^۹ در اساطیر اسلاوی به‌عنوان ایزد بانوی آب، سحر و جادو و گیاهان، پر^{۱۰} در اساطیر پولینزی به‌عنوان ایزد بانوی آب‌های اقیانوس، یا پوسیدون^{۱۱} یونانی، ایزد دریاها، حکایت از همین امر دارد. آناهیتا، ایزد بانوی آب‌ها در ایران باستان، بانوی حاصلخیزی و حامی زنان، همانند ایزد بانوی جنگ، به صورت یک دوشیزه، با ردایی طلایی، و تاج جواهرنشان که بعضی اوقات یک کوزه با خود حمل می‌کند، تصور شده است، فاخته و طاووس حیوانات مخصوص او هستند. آناهیتا یک ایزد بانوی مشهور است که بسیاری از ادیان شرقی، نظیر ایزد بانوی سوریه‌ای و فنیقیه‌ای، از او نشان دارند. او با رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ارتباط دارد، و در بسیاری اوقات در تولد آب‌ها شریک می‌ترا به شمار می‌رود. به سبب

اهمیت این ایزد بانو معابد بسیاری برای او برپا شد. در دوره حکومت اردشیر دوم هخامنشی (۳۵۸-۴۳۶ ق.م) معابدی در شوش، اکباتان و بابل به افتخار او ساخته شد. از این نظر آب نه تنها مقدس است، بلکه آشامیده و مصرف می‌شود. پس جای شگفتی نیست که ایزدی همانند آناهیتا هم در هندوستان و هم در ایران پیش از زردشت جنبه الوهیت پیدا کرده و به آن به‌عنوان ایزد بانوی آب‌ها نماز می‌گذارند^{۱۲}. در اساطیر سومری انکی، دو موجود را به همراه غذای زندگانی و آب حیات به جهان زیرین می‌فرستد و از ایشان می‌خواهد تا شصت بار، آب حیات را بر جنازه اینانا، بپاشند. آنان چنین می‌کنند و زن خدا بار دیگر به زندگی باز می‌گردد^{۱۳}.

ایرانیان قبل از زردشت به پاکی آب توجه داشته و در آیین زردشت پاک نگهداشتن آب از پلیدی‌ها یکی از ارکان دین به شمار می‌رفته است. یکی از یشت‌های کتاب اوستا به ایزد آب اردویسور آناهیته پیشکش شده است. می‌ستایم آب را که آفریده اهورامزدا است. و بستاییم همه آب‌های پاک را که داده اهورامزدا است. ستایشگرم آب پاک سود رسان زندگی ساز را، ستایشگرم آن اردویسور آناهیته را، آن نگهبان شایسته آب‌های نیالوده گیتی را، همه آب‌های ناآلوده و پاک که از ابرها سرازیر شده و بر سینه زمین همچون رودها و چشمه سارها و دریاها و دریاچه‌ها آرام یافته‌اند. آرام در زمین‌های هفت کشور و می‌پیمایند زندگی بالنده را^{۱۴}.

توجه به آب تا جایی است که ایرانیان معبد آناهیتا را به نام فرشته آب برپا می‌کنند^{۱۵}. یکی در کنگاور کرمانشاه^{۱۶} و دیگری در بیشاپور نزدیک کازرون فارس. هم‌چنین آبان را به نام ایزد نگهبان آب (ماه هشتم هر سال شمسی) می‌انگارند. آیات قرآن مجید به گونه‌ای دیگر اصل حیات را در وجود آب معنی می‌کنند؛ ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء، ۳۰)؛ و هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (انعام، ۹۹)؛ و اوست که از آسمان، آبی فرو فرستاد و بدان هر گونه گیاه برآوردیم ﴿

تاریخچه آب انبار

آب انبار یکی از کهن‌ترین پدیده‌های معماری در مناطق خشک و کم آب دنیاست. قدیمی‌ترین آب انبار دنیا، آب انبار شهر اور^{۱۷} در جنوب بغداد و در نزدیکی بصره شناخته شده است که ۲۱۵۰ سال قبل از میلاد به دستور پادشاه اور بر سکو ی زیگورات این شهر ساخته شده است. آب انبار دیگری در قرن ششم قبل از میلاد به دستور یوستیانوس امپراتور روم شرقی در قسطنطنیه ساخته شد. این آب انبار، ۲ مخزن و ۱۰۰۱ ستون دارد و به همین دلیل به ۱۰۰۱ ستونی معروف است. کف دو مخزن آن ۳۵۰۰ مترمربع مساحت دارد. آب انبار دیگری در ترکیه با ۳۵۶ ستون ۱۲ متری مرمری در ۲۸ ردیف وجود دارد که نام آن پرباتان سرای (کاخ زیرزمینی) می‌باشد. ایرانیان نیز از دیرباز به دلیل خشکی و گرمای بیشتر مناطق کشور مجبور به ذخیره نمودن آب بوده‌اند. این موضوع فقط خاص مناطق گرم و خشک نبوده و در حاشیه خلیج فارس، جزایر جنوبی و حتی برخی شهرهای شمالی مانند ساری و گرگان نیز راه‌حل‌های مشابه به کار رفته است.^{۱۸}

این روش ذخیره کردن آب از ازمینه قدیم در کویر مرکزی عراق عجم متداول بوده است و سلاطین و امرای ایران در کویر مرکزی، جاهایی را انتخاب می‌کردند که در متتهای دامنه و شیب اراضی باشد.^{۱۹}

احداث آب انبار را می‌توان یکی از مهم‌ترین امکانات ذخیره سازی آب در ایران قدیم دانست و حتی برخی صاحب‌نظران، ایرانیان را تنها مبتکران ساخت آب انبار در دنیا دانسته‌اند.^{۲۰} قدیمی‌ترین آب انبار ایران، آب انباری است که عضدالدوله دیلمی در قرن ۴ هجری در یکی از سه قلعه اسطخر فارس ساخته که ۲۰ ستون داشته است. آب آن از سدی که روی دره‌ای عمیق بسته شده بود، تأمین شده و برای مصرف ۱۰۰۰ نفر در یک سال کافی بوده است. دیگری آب انبار سید اسماعیل تهران می‌باشد که در نیمه اول قرن ۵ هجری ساخته شده و یک‌بار در زمان شاه طهماسب صفوی و بار دیگر توسط حاج عیسی وزیر بیگلربیگی قاجار تعمیر و

مرمت شده است. از دیگر آب انبارهای قدیمی ایران می‌توان آب انبار مسجد جامع یزد (۸۷۸ ه.ق) و آب انبار مسجد کبیر قزوین (۱۰۹۳ ه.ق) را نام برد.

معماری آب انبارها

آبی که از قنات می‌توان بدست آورد در طول سال متفاوت است. از فروردین تا تیر ماه مقدار آب زیاد است. گاهی نیز ممکن است قناتی به علل مختلف خشک شود. بنابر این وجود آب انبارهایی که در فصل بهار پر می‌شوند نیز ضروری به نظر می‌رسد. گاهی این آب انبارها آن قدر وسعت دارند که بتوان آب مورد احتیاج برای مصرف خانه را مدت ۳ تا ۴ سال در آن نگهداشت^{۲۱}.

دسترسی به آب و تهیه آن در همه جا یکسان نبوده اما وجه اشتراک همه آنها ذخیره سازی آب بوده است. این ساختمان مهم و حیاتی، حوزه رواجی به وسعت تمامی ایران دارد و در کشورهایمانند ترکیه، عربستان، یمن و روم باستان نیز ساختمان‌های مشابهی وجود دارد. این موضوع فقط خاص مناطق گرم و خشک نبوده بلکه در حاشیه خلیج فارس و حتی بعضی شهرهای شمالی مانند ساری و گرگان نیز راه‌حل‌های مشابهی به کار رفته است. هر چند می‌توان ویژگی‌های ساختمانی آب انبارها را در چند عنصر مخزن، پوشش مخزن، پلکان و احتمالاً بادگیر خلاصه نمود، ولی هر کدام از این عناصر دارای خصوصیتی هستند که اشاره به آنها در درک بهتر و فهم بیشتر معماری آب انبارها اهمیت دارد. عناصر ساختمانی آب انبار با توجه به عملکرد خاص خود، هر یک ویژگی‌های ساختمانی منحصر به فردی دارند که در آب انبارهای مختلف در سراسر کشور قابل مشاهده است^{۲۲}.

آب انبار از نظر شکل‌شان به دو دسته تقسیم می‌شوند. نوع اول به شکل استوانه‌ای هستند که در زمین کنده شده‌اند. خرج و هزینه ساخت این نوع آب انبارها زیاد نیست ولی پوش‌شان که گنبد است جاگیر است. آب انبارهای نوع دوم به صورت تالارهای ستون داری هستند که گاهی هشت گوش‌اند و آب انبارهای استوانه‌ای

شکل ممکن است کوچک باشند (۲۰-۳۰ متر مکعب گنجایش). اما آب انبارهای نوع دوم می‌توانند بین ۱۱۷۶-۱۲۷۰ متر مکعب آب را در خود جای دهند^{۲۳}.

آب انبارهای کوچک را معمولا با گنبدی از قلوه سنگ ورقه شده می‌پوشانند. این قلوه سنگ‌ها مانند آجر روی هم قرار داده شده بالا می‌روند. آب انبارهای بزرگ همیشه با طاقی از آجر پوشیده شده‌اند. معمولا این طاق روی پی‌های محکمی قرار داده شده و کف آب انبار طبعا باید پایین‌تر از مکانی باشد که آب از آن وارد مخزن می‌شود. معمولا دو یا سه پنجره هواکش در بالای سقف آب انبار باز می‌شود. در مورد دیوارهای طرفین مخزن احتیاجی ندیده‌اند که محکم‌کاری کنند زیرا این دیوارها در قسمتی قرار دارند که در داخل زمین کنده شده و پشت‌شان محکم است مگر در مواردی که زمین سست باشد در این صورت در مورد دیوارهای مخزن نیز دقت بیشتری می‌شود. بادگیرها و پلکانی که به پایین مخزن آب انبار راه می‌یابد با آجر ساخته شده و پوشیده شده‌اند. پله‌ها ۲ تا ۳ متر پهنا دارند و ارتفاع‌شان در حدود ۵۰ سانتی‌متر است. مدخل پلکان سردری دارد و گاهی در طرفین سردر تاقچه‌هایی نیز دیده می‌شوند. ترتیب دادن این نوع وسایل آسایش مورد توجه است و به طریقی انجام می‌گرفته که گاهی مدخل آب انبار به صورت تالار زیبایی ظاهر شده است. آب انبارها در گذشته کارکردهای دیگر نیز داشته است. از جمله محل برخورد زنان خانه‌دار بوده است.

سردر ورودی و پلکان آب انبار معمولا با آجر و کاشی و مقرنس‌کاری تزئین شده است و همیشه کتیبه‌ای در بالای آن دیده می‌شود، ولی این کتیبه‌ها نمی‌تواند در بیشتر موارد تاریخ ساختمان آب انبار را دقیقا مشخص نماید. چون تهیه آب برای استفاده عموم مردم یکی از کارهای خیریه به شمار می‌رود که پاداش اخلاقی دارد، بنابر این هرکسی در ساختمان بنای آن تعمیر و مرمتی انجام می‌دهد نام خود را نیز به عنوان سازنده آب انبار به آن اضافه می‌نماید^{۲۴}.

پله‌های آب انبار با آجر و سنگ ساخته می‌شوند. در بالای پلکان سردری

است و در پایین ترین نقطه پلکان، در محلی که به آب قنات می‌رسند، اطاقک کوچکی ساخته شده که ظرف آب را در آنجا قرار می‌دهند. گاهی در میان راه پلکان اطاقک‌های کوچکی ساخته شده است تا استفاده کنندگان در آنجا نفسی تازه کنند. گاهی این پلکان با مساجد و آب انبارها ترکیب می‌شود و بهترین نمونه آن در کاشان وجود دارد^{۲۵}. در مسجد سید زنجان در غرب ورودی شمالی آن آب انباری وجود داشته که دارای همین وضعیت بوده که در زمان نوسازی شهرها در دوره پهلوی اول تخریب شد.

جغرافیای زنجان

استان زنجان در شمال غرب فلات مرکزی ایران قرار داشته و مرکز این استان کهن سال در قبل از اسلام زنگان یا زندیگان (و به معنای منسوب به کتاب زند) نام داشته که پس از استیلای اعراب بنا به ضرورت تلفظ معرب به زنجان تغییر یافته است. همچنین حمدالله مستوفی از شهر زنجان به نام شهین یاد کرده است^{۲۶}. همچنین جغرافی دانان و مورخان اسلامی قرن چهارم هجری اشاره کرده‌اند که نواحی ابهر و زنجان به پهلوی راست صحبت می‌کرده‌اند^{۲۷}، زیرا در این دوران این مناطق جزو ایالت پهل و بعد جزو ایالت جبال یا کوهستان به حساب می‌آمده‌اند^{۲۸}. این استان به سبب قرار گرفتن در حاشیه جاده ابریشم و راه تجاری مسیر هند و چین به اروپا دارای اهمیت خاصی بوده است. به طوری که کاروان‌های مال التجاره برای رفتن به آسیای صغیر (ترکیه امروزی) از این منطقه عبور می‌کرده‌اند. این شهر به علت قرارگیری در مسیر هجوم اقوام مختلف به داخل فلات ایران بارها تخریب و ویران شده است. زنجان در دوره قاجاریه تجدید بنا می‌شود به همین علت بازار و مساجد آن در این دوره تعمیر می‌شوند و بیشتر کتیبه‌ها حکایت از ساخت تاسیسات شهری در این دوران دارد اما به نظر می‌رسد در این دوره فقط مرمت و نوسازی شده‌اند. (شکل ۱)

شدن برف‌ها در بهار، پر آب و در بقیه سال خشک و کم آب هستند. از جمله رودخانه‌های مهم و نسبتاً پر آب که در کشاورزی استان نقش اساسی دارند عبارتند از: قزل اوزن، زنجان رود، ابهر رود، ایجرود، سجاس رود، خررود، بزینه رود. به جز رودهای ذکر شده، رودخانه‌های کوچک و فصلی فراوانی نیز در فصل‌هایی بارانی جاری هستند که اراضی محلی را مشروب می‌نمایند. این موضوع یعنی کمبود آب در بیشتر ایام سال در این شهر یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این آب انبارها بوده است. که متأسفانه امروز بیشتر بناهای این شهر تخریب شده‌اند و آب انبارهای سالم مانده از جمله آب انبار لطف‌الله و رختشورخانه هم تغییر کاربری داده‌اند.

آب انبارهای زنجان

آب بعضی از آب انبارها با لوله‌های سیمانی که جایگزین جوی‌های آب شدند به آب انبارها انتقال داده می‌شد و برخی دیگر از آنها شب‌ها ساعت‌های حدود یک نصف شب به بعد که جوی‌ها تمیزتر از بقیه اوقات شبانه روزی بودند آب توسط میر آبها با آب قنات‌ها پر می‌شدند، این قنات‌ها عبارت بودند از: قنات حاج میر بهاء‌الدین، قنات حاج یوسف، قنات سردار و قنات اعتماد. روزها اهالی بازار و ساکنان محل‌های شهر از این آب‌ها استفاده می‌کردند. آب این انبارها از آنجایی که در زیر سطح زمین قرار داشت و از قنات‌ها تامین می‌گردیدند، تابستان‌ها خنک و زمستان‌ها گرم بود.

معمولاً تا دو ماه آب ذخیره شده در آب انبارها تازه می‌ماند و بعد آن کرم‌های ریزی که احتمالاً لارو پشه یا حشرات دیگر بودند، به گفته قدیمی‌ها مانند خاکشیر بود در سطح آب داخل آب انبار پدیدار می‌شدند. استفاده کنندگان برای جلوگیری از ورود این لاروها و کرم‌های ریز از طریق شیر آب یا آبریز به درون کوزه یا ظرف، تور یا الکی قرار می‌دادند. این شیوه تا زمانی که آب آب انبار تمام می‌شد ادامه داشت. که معمولاً در تابستان و پاییز که بارندگی وجود نداشت و قنات‌ها کم آب و

یا در مواردی ممکن بود خشک شوند اتفاق می افتاد.

سیستم آب رسانی به تمام کوچه ها و خانه های شهر برای آبیاری درختان منزل از این قنات ها به وسیله میراب های هر محله - که مسئولیت تامین آب ساکنان را بر عهده داشتند - در هفته یک بار از طریق جوب ها به منازل هدایت می شد و در قبال آن پولی دریافت می کردند. دو آب انبار بزرگ در زنجان وجود داشت که اولی قرخ ایاق (چهل پله) در محله مسگرهای بازار پایین بود و دیگری در سرای دخان قرار داشت که با گسترش شهر و در طی احداث خیابان های جدید تخریب و از بین رفتند. آب انبارهای زنجان عبارت بودند از: آب انبار حاج میر بهاء الدین جنب مسجد میر بهاء الدین، آب انبار حاج خلیل در محله دواد قلی، آب انبار نایب صدر در کوچه نایب صدر، آب انبار حاج میرزا مکارم در کوچه سیدلر، آب انبار مسگرهای پایین جنب مسجد مسگرها، آب انبار کوچه حجت الاسلام در زیرزمین نانوائی ماشینی، آب انبار خیابان استانداری و ضلع شمال غربی مسجد سید و آب انبار عباسقلی خان جنب مسجد عباسقلی خان.

آب انبار مسجد یری پایین

در فضای مجاور مسجد مزبور و در منتهی الیه سمت جنوب شرقی شهر قدیم (داخل قلعه) قرار گرفته است. این آب انبار به شکل مستطیل و در فضای محدودی به مساحت ۲۳ - ۲۴ متر مربع ساخته شده است. زمان احداث این انبار مشخص نیست، اما همجواری آن با مسجد و قابل مقایسه بودن سبک و شیوه معماری این دو عنصر، همزمانی آنها را می تواند بازگو نماید. احداث مسجد یری پایین به استناد کتیبه مزبور در سال ۱۳۰۰ ه.ش اتفاق افتاده، بنابراین تاریخ این آب انبار را می توان به آن منسوب نمود. آب این عنصر به وسیله جوی های سطح الارضی و با استفاده از آب قنات موسوم به قیز قید تامین می شده است. اکنون به دلیل تخریب دیوارهای قبلی و مرمت نادرست، اتاقکی با دیوارهای

آجری ساده و سقف تخت ایجاد شده است، اما طبق تحقیقی که در سال‌های گذشته توسط گنجینه آب صورت گرفته، وضعیت معماری این آب انبار بدین شرح عنوان شده است: محوطه‌ای به وسعت ۲۴ متر مربع با پلان مستطیل که طول آن ۶ متر و عرض آن ۴ متر قابل اندازه‌گیری است و با استفاده از آجر و ملات ماسه آهک ساخته شده است. سقف آن با قوس خوزی (رومی) مسقف گردیده و در سال‌های اخیر به عنوان موتورخانه در اختیار مسجد قرار داده شده است.

آب انبار مسجد یری بالا

این آب انبار در جنب مسجد و محله‌ای موسوم به همین نام قرار گرفته و آب انبار و حجرات مسجد به صورت مجموعه‌ای احداث گردیده است. با عنایت به معماری آب انبار و همزمانی احداث آن با مسجد چنین استنباط می‌شود که این آب انبار حدود سال ۱۲۸۵ هـ.ش ساخته شده و بانی آن شخصی به نام آقا شیخ حسین جوقینی بوده که با همکاری و همیاری اهل محل احداث گردیده است. آب این آب انبار از قنات موسوم به قیز قید تامین گردیده و از طریق جوی‌های سطح الارضی پس از محل داوود قلی و عباسقلی خان، این آب انبار را پر می‌نموده است. با توجه به ارتفاع ساروج که حدود ۲ متر می‌باشد، گنجایش مخزن را می‌توان ۱۸۶ متر مکعب تصور کرد.

آب انبار حاجی میر بهاءالدین

در محدوده ضلع شمالی محله بازار و در زیر مسجد حاجی میر بهاءالدین قرار دارد. نام این بنا از نام بانی آن گرفته شده است. ایشان یکی از تجار دوره ناصرالدین شاه قاجار بوده و بناها و آثار متعددی همانند پل میر بهاءالدین در رودخانه قزل اوزن، قنات میر بهاءالدین، حمام^{۲۹} و ... از وی به یه یادگار مانده است. مجموعه آب انبار و مسجد در جریان احداث خیابان امام تخریب گردیده است.

آب انبار عباسقلی خان

این آب انبار در بافت قدیمی شهر زنجان، محله قدیمی عباسقلی خان و در کنار مسجدی به همین نام قرار گرفته است. در کتیبه موجود در مدخل آب انبار این مضمون نوشته شده است: بانی این آب انبار فی سبیل الله جناب آقا میرزا حسن خان و جناب ابراهیم خان سالار در احسان والد مرحوم حاجی میرزا یحیی و برادرشان حاجی حسین خان مرحوم فی غره رمضان ۱۳۳۱. (شکل ۳)



شکل شماره ۳: کتیبه آب انبار عباسقلی خان (آرشیو میراث فرهنگی زنجان)

آب این آب انبار، با جوی‌های سطح الارضی از آب قنات حاجی میر بهاءالدین تامین می‌شده است. ورودی آب به مخزن از سمت غربی و برداشت آب از سمت شرقی می‌باشد. سردر پاشیر به علت سرگیر شدن آن اندکی از کوچه عقب‌تر نشسته و قوس خوزی زینت بخش آن است و در وضعیت فعلی پله‌های آن برداشته شده و کف‌سازی‌های متوالی معبر باعث شده تا در این آب انبار، سرگیر باشد.

آب انبار رختشورخانه

آب انبار رختشورخانه در محله عباسقلی خان و فضایی موسوم به بابا جمال چو قوری (گودال بابا جمال) قرار دارد. این بنای عظیم عملکردی دو گانه دارد. قسمت اصلی آن رختشورخانه (محل شستشوی لباس) و قسمت دوم، آب انبار شهر بوده است.

آب انبار این رختشورخانه در سال ۱۳۰۷ توسط مرحوم علی اکبر توفیقی (رئیس بلدیة شهر) ساخته شده است. معمار این مجموعه، برادران اکبر بنا و استاد اسماعیل بوده که مدت ۱۵ ماه ساخت بنا طول کشیده است. آب مجموعه رختشورخانه از قنات حاجی میر بهاءالدین تأمین می شده است.

اجرای مخزن به روش قرقی بوده و آب بندی با ملات ساروج تا ارتفاع ۲ متر در دیواره ها و کف انجام شده است. در منتهی الیه طاق ها و دیوار سمت جنوبی، پنجره ای به منظور تبادل هوا بوده که در نوع خود قابل توجه است. مخزن آب انبار در بازسازی های اخیر این مجموعه به عنوان نمایشگاه، تغییر کاربری داده است.

آب انبار حاجی لطف الله

این آب انبار در منتهی الیه غربی محله بازار بالا و در جنب مسجدی معروف به شیخ علی (شیخلی) قرار دارد. که بنا به گفته اهالی این مسجد در اصل کلیسایی بوده است که بعد از خرید توسط شخصی به نام شیخ علی به مسجد تغییر کاربری داده شده است. البته این مسجد در سالیان اخیر بارها مورد مرمت قرار گرفته است. به استناد کتیبه موجود در این محل، احداث بنا به همت مرحوم حاجی لطف الله نامی اتفاق افتاده و تاریخ آن متعلق به سال ۱۳۱۵ ه.ق است. کتیبه آب انبار به خط نستعلیق به این مضمون بر روی سنگ حک گردیده است: مرحوم حاجی لطف الله، به تاریخ ۱۳۱۵ ه.ق. (شکل ۵)



شکل شماره ۵: کتیبه آب انبار مرحوم شیخ لطف الله (عکس از نگارندگان).

آب این آب انبار از طریق قنات حاجی یوسف تامین گردیده که پس از طی مسیر طولانی از جبهه شمالی آن به محل سرازیر می شده است. مخزن این آب انبار هم به روش ریخته‌ای اجرا شده و آب بندی آن با ملات ساروج بوده است. (شکل ۴ و ۶-۱۲)



شکل شماره ۴: ورودی آب انبار و مسجد شیخ لطف الله (عکس از نگارندگان).



شکل شماره ۶: نمای ورودی آب انبار شیخ لطف‌الله (عکس از نگارندگان).



شکل شماره ۷: نمای ورودی و پله‌های آب انبار شیخ لطف‌الله (عکس از نگارندگان).



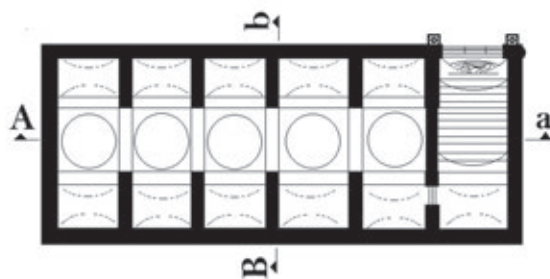
شکل شماره ۸: نمای داخلی آب انبار شیخ لطف‌الله (عکس از نگارندگان).



شکل شماره ۹: نمای داخلی آب انبار شیخ لطف الله (عکس از نگارندگان).



شکل شماره ۱۰: نمای داخلی آب انبار شیخ لطف الله (عکس از نگارندگان).

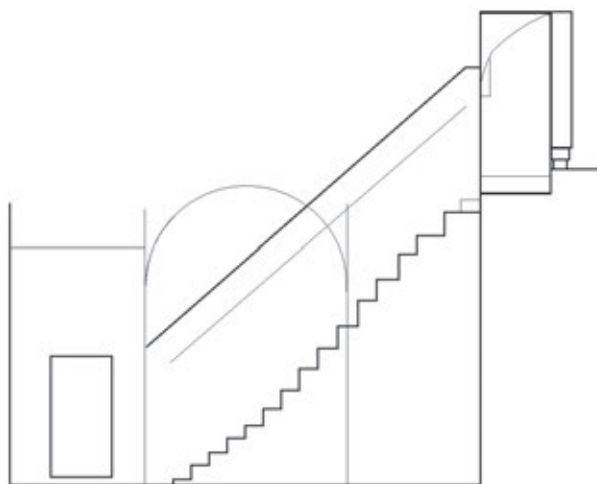


Section: A-a



Section: B-b

شکل شماره ۱۱: پلان و نمای برش آب انبار شیخ لطف‌الله (ترسیم: علی نوراللهی)



شکل شماره ۱۲: برش آب انبار شیخ لطف‌الله (ترسیم: علی نوراللهی)

آب دزدک

قابل ذکر است که علاوه بر آب انبارهای مزبور در شهر زنجان محل‌هایی برای برداشت آب بسیار جالب و در عین حال بهداشتی ساخته شده که فاقد مخزن آب بودند. و آب آنها - با اصطلاح آبدزدک - از قنات‌ها تامین می‌گردید. به عبارت دیگر سازندگان آنها با مورد شناسایی قرار دادن مسیر قنات‌ها و تاسیسات مربوط به برداشت آب را که همان پاشیر یا چهل پله (قرخ ایاق) است در آن محل قرار می‌دادند. در نتیجه آب مورد نیاز به طور دائم در محل برداشت آب موجود بوده است. کافی بود که استفاده کنندگان از پله‌ها پایین بروند و از آب جاری قنات که از پشت دیواره‌ای که شیر و پاشیر در آن کار گذاشته شده بود با باز کردن فلکه استفاده و برداشت کنند.

جمع بندی

در ایران به علت شرایط ویژه جغرافیایی و زیست محیطی که داشته، همه ریزش‌ها جوی معمولاً در چند ماه از سال بوده و در بقیه طول سال هوا خشک است و ریزش وجود ندارد. این موضوع از دیرباز ذهن ساکنان ایران زمین را به خود مشغول داشته و برای آنها آب از تقدس ویژه‌ای برخوردار بوده است، به طوری که بنا به گواهی مدارک و یافته‌های باستانشناسی ساخت آب انبار در ایران متعلق به دوره ایلام میانی است که در روی سکوی زیگورات چغازنبیل (متعلق به ۱۳۰۰ ق.م.) بنا شده است. این دیرینگی خود گواهی بر تلاش مردمان این سرزمین برای سازگار شدن با زیست محیط ایران بوده است که با انتخاب راهکار مناسب یعنی ابتدا ساخت قنات‌ها و سپس انتقال و هدایت آب‌ها تا داخل شهرها و محل‌های استفاده و در آنجا نیز احداث بناهایی با مهندسی منحصر به فرد و ویژه‌ای که می‌توانست برای مدت مدیدی حدود ۳-۴ سال آب مورد نیاز را به صورت سالم و گوارا در خود نگهدارد. بنای آب انبارها معمولاً به صورت تک بنا و یا در ارتباط با بناهایی چون

مسجد، مدرسه و بازار با کاربری چند منظوره احداث می شده‌اند. علاوه بر این که این بناها از جنبه مذهبی برای مردم دارای اهمیت زیادی بوده و می توان گفت با بنای مساجد برابری می کرده است به همین دلیل همه این آب انبارها وقف عام بوده‌اند. از جنبه اجتماعی به خصوص محل ملاقات‌ها و دیدارهای روزانه زنان خانه‌دار بوده که می توانستند آزادانه در این مکان همدیگر ملاقات کنند.

شهر زنجان که تجدید بنیاد آن به دوره قاجاریه برمی گردد، دارای هشت آب انبار بوده که آب مورد نیاز مساجد و اهالی محله‌های مختلف شهر زنجان را تامین می کرده است. همه آب انبارها دارای کاربری چند منظوره بوده و توسط خیرین و افراد متمول شهر جهت استفاده عموم ساخته شده‌اند. از نظر معماری بنای آب انبارهای زنجان زیاد بزرگ نبوده و گنجایش و توان ذخیره آب آنها حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ متر مکعب بوده است.

علاوه بر ساخت آب انبارها مردم زنجان برای دسترسی به آب تازه و سالم دست به ابتکارهایی زده بودند که از جمله آن ساخت آبدزدک بوده که ابتدا محل عبور تونل قنات را شناسایی کرده بعد تا نزدیک دیواره قنات زمین را می کنند و با ایجاد پله‌های سنگی - که چون تعداد آن زیاد بود به چهل پله (گرخ ایاق) معروف شده- و بعد با کار گذاشتن شیر برنجی و پاشیر به استفاده از آب اقدام می کردند. همچنین شهر زنجان فقط دارای چند یخچال بوده که یخ مورد نیاز اهالی شهر را در فصل گرما تامین می کرده است. از آنجا که همه این آب انبارها در محدوده مرکز شهر و بازار زنجان ساخته شده بودند؛ معمولاً محلات دیگر به خصوص بخش شمالی شهر زنجان که قنات‌ها از محلات آنها عبور می کرد از شیوه آبدزدک برای تامین آب مورد نیازشان بهره می بردند (بنگرید به شکل ۱).

پی‌نوشت‌ها:

۱. دکترای باستانشناسی.
۲. دانش آموخته تاریخ و کارشناس اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری زنجان.
۳. مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۸، صص ۳-۲.
۴. همان.
۵. مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۱، ص ۱۲۹.
۶. مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۹، ص ۱۸.
7. ancamna
8. coventina
9. kupala
10. pere
11. poseidon
۱۲. مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۲، ص ۱۰۶.
۱۳. همان.
۱۴. اوستا، صص ۳۸۵-۳۸۲.
۱۵. معماری ایران، جلد ۱، ص ۳۲۰.
۱۶. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۱، ص ۳۱.
17. ur
۱۸. سیری در معماری آب انبارهای یزد، ص ۱.
۱۹. مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس
- دانشجویی عمران، ص ۸۱.
۲۰. مجموعه مقالات نخستین همایش فرهنگ و میراث طبیعی، ص ۷۸.
۲۱. کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه‌ها، ص ۲۲۴.
۲۲. مجله نامه معماری و شهرسازی، شماره ۲، ص ۱۲۵.
۲۳. کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راه‌ها، ص ۲۲۷.
۲۴. همان، ص ۲۲۷.
۲۵. همان، ص ۲۲۴.
۲۶. شهرهای ایران، جلد چهارم، شهر زنجان، ص ۲۰۶.
۲۷. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، صص ۲۳۹-۲۴۰ و نقشه ۵.
۲۸. پیک بیستون، ضمیمه مجله ثاونه، شماره ۲۶-۲۷، ص ۱۱۷.
۲۹. این حمام امروزه کاملاً از بین رفته و تخریب شده است.

منابع:

۱. آب و آب انبار در کاشان، سید ناصر امامیان، به کوشش: باقر آیت‌الله زاده شیرازی، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۴.
۲. مقاله «معرفی گوشه‌ای از معماری

- ناشناخته ایران؛ ساختمان آب انبارها، نویسنده: غلامحسین معماریان، مجله نامه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۳. مقاله «نقش و اهمیت برکه‌ها و آب‌انبارها در بافت شهرهای ایران»، نویسنده: پرویز ورجاوند، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۸، تهران، ۱۳۵۷.
۴. مقاله «معماری در محضر آب»، نویسنده: حسن علی پورمند، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۹، ۱۳۹۳.
۵. اوستا، هاشم رضی، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۶۳.
۶. نقش و اهمیت برکه‌ها و آب انبارها در ساخت شهرهای ایران، پرویز ورجاوند، برگرفته از کتاب معماری ایران، گردآوری: آسیه جوادی، جلد اول، تهران، نشر خوشه، ۱۳۶۳.
۷. مقاله «شکل‌گیری معماری ناهید کنگاور در بستر تاریخ»، نویسنده: سیف‌الله کامبخش فرد، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، جلد اول، تهران، انتشارات میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.
۸. مقاله «هنر، اسطوره و کارکردهای آیینی در شکل‌گیری حمام، نویسندگان: بهزاد بلمکی و آزاده تقوایی، نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۲، ۱۳۸۷.
۹. نقش ایرانیان در حفاظت از آب، نویسنده: غلامرضا عربی نژاد، مجموعه مقالات نخستین همایش فرهنگ و میراث طبیعی، تبریز: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
۱۰. گردآوری گوشه‌هایی از پیشینه مهندسی عمران آب در ایران، نویسنده: محمد شاهرخ محبتی، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس دانشجویی عمران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ۱۳۷۶.
۱۱. شهرهای ایران، جلد ۴، شهر زنجان، هوشنگ ثبوتی، به کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۱۲. مقاله «قلمرو جغرافیای تاریخی کردستان، محمد عبدالله گروسی، پیک بیستون، ضمیمه مجله ثانویه، شماره ۲۶-۲۷، ۱۳۷۵.
۱۳. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، گای لسترنج، ترجمه: محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۴. سیری در معماری آب انبارهای یزد، غلامحسین معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۲.
۱۵. کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راهها، ماکسیم سیرو، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۹۴۹.

معرفی دو نمونه از اشیای منقول تاریخی وقفی استان زنجان

پرستو قاسمی اندرود^۱

چکیده: وقف به عنوان بارزترین مصداق بخشش، منشأ بسیاری از خدمات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. سنت وقف در دوره‌های مختلف در بین متولیان، رجال، امرا و افراد مذهبی رواج داشته و افراد خیر و نیکوکار بخشی از ثروت، املاک و اموال منقول خود را وقف عام کرده‌اند که به عنوان باقیات و صالحات واقف باقی مانده است. این مقاله سعی دارد به دو نمونه از اشیای منقول تاریخی استان زنجان به نام ظرف سفالی مکشوفه از سلطانیه باکتابخانه وقف ابواب البر مربوط به دوره ایلخانی و سنگاب وقفی دوره احمد شاه قاجار مربوط به مسجد مهدیه زنجان بپردازد.

کلید واژه‌ها: وقف، ابواب البر، ایلخانی، سلطانیه، سنگاب، قاجار، زنجان.

معرفی ظرف سفالی مکشوفه از گنبد سلطانیه با کتیبه وقف ابواب البر

مقدمه

یکی از دوره‌های مهم تاریخی و تأثیرگذار ایران اسلامی، دوره ایلخانی می‌باشد که در قرن هشتم به پایتختی سلطانیه ایجاد شد. طبق نظر مورخان در این شهر و درجوار ارگ گنبد سلطانیه، بناهای بسیاری توسط سلطان محمد خدابنده تأسیس گردید که هویت تاریخی شهر را تشکیل می‌دادند. یکی از مهم‌ترین این بناها، مجموعه ساختمانی ابواب البر نام داشت. سلطانیه سومین پایتخت ایلخانیان بعد از مراغه و تبریز است که به این شهر مغولان قنغور اولانگ یا شکارگاه و چمنزار می‌گفتند. بنای شهر سلطانیه در سال ۷۰۴ ه.ق شروع و ساخت آن ۱۰ سال طول کشیده است. در احداث و گسترش این شهر بناهای وقفی و به‌خصوص پدیده شهری ابواب البر نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. از آنجایی که وقف تأثیر خود را بر شکل‌گیری و استخوان‌بندی این شهر از طریق سیستم ابواب البر گذاشته بود، آن را می‌توان یک شهر وقفی به حساب آورد.^۲ ابوالقاسم کاشانی مورخ دو دهه نخست قرن ۸ ه.ق معاصر الجایتو در این مورد می‌گوید: ابواب البر مشتمل بر چند ساختمان و مدارس، خانقاه، دارالشفاء، دارالضیافه و دارالحفاظ، دارالحديث که تا ۱۹ عمارت می‌رسیده است.^۳ حافظ ابرو مورخ دوره تیموری از ساختمان‌های ارگ می‌گوید: سلطان الجایتو برای دفن خود در اندرون قلعه عمارتی ساخته است و آن را ابواب البر نام نهاده و گنبدی بزرگ و عالی که در اقصی نقاط بلاد اسلامی مثل آن عمارتی عالی نبود. گنبدش مثنی بزرگ عالی که قطر آن شصت گز است در غایت تکلف و ارتفاع آن صد و بیست گز چنانچه در اقصی بلاد عالم مثل آن عمارتی عالی نشان نمی‌دهند.^۴ شمس‌الدین محمد بن محمود آملی یکی از مدرسان ابواب البر سلطانیه در صفحه ۲۳۶ کتاب نفایس الفنون فی عرابس العیون مثل ابوالقاسم کاشانی گنبد سلطانیه را جدا از ابواب البر آورده است و می‌گوید: جهت مرقد خود

۱۲۴

موقوفات

معرفی دو نمونه از اشیای منقول تاریخی وقفی استان زنجان

گنبدی عالی هشت منار بر سر آن ساخته و در حوالی آن ابواب خیر یا ابواب البر از جامع و خانقاه و... بود.^۵

سفال با کتیبه وقف ابواب البر

یکی از ظروف سفالی مکشوفه از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی گنبد سلطانیه با تکنیک کنده زیر لعاب است. سفالینه‌های با تکنیک کنده زیر لعاب از قرن ۵ ه.ق. دوره سلجوقیان شروع و تا دوره ایلخانی ادامه داشته است. در این نوع تکنیک، سطح ظروف سفالی یا داخل ظرف یا خارج ظرف بنا به طرح و سلیقه سفالگر با نقوش و کتیبه کنده‌کاری مشخص و بعد آن را با لعاب یکرنگ شفاف می‌پوشانند. قسمتی که نقوش کنده‌کاری شده که حالت گودتری دارند در هنگام پخت لعاب در کوره پررنگ‌تر از زمینه اصلی سفالینه می‌شد. از ویژگی ظروف سفالی نقش کنده زیر لعاب در نیمه دوم قرن ۵ و اوایل قرن ۶ ه.ق. تغییر استفاده از خط کوفی به فارسی دری و نسخ می‌باشد. تولید این نوع سفال بیشتر در کنگاور، آمل، یاسوکند، زنجان، قزوین، سلطانیه، همدان و گروس انجام می‌شده است.^۶

سفال‌های مکشوفه از گنبد سلطانیه

همان‌طور که اشاره شد سلطانیه مهم‌ترین پایتخت دوره ایلخانیان بوده و به طبع در آن بناهای مهمی ساخته شده که یکی از این مجموعه‌ها ابواب البر بوده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی گنبد سلطانیه یکی از سفالینه‌های مکشوفه که با تکنیک کنده زیر لعاب کار شده و در تمامی موارد کشف شده به صورت کامل نبوده و قسمتی از کاسه سفالی می‌باشد در کف داخلی عبارت وقف ابواب البر یا ابواب البریه با خط نسخ نوشته شده که مربوط به همان بنای ابواب البر است. نکته مهم این است که این عبارت یا مشابه آن در دیگر ظروف سفالی دوره ایلخانی مکشوفه دیده نشده و گویا فقط در کاسه‌های سفالی با لعاب یکرنگ سبز رنگ با تنالیه‌های

متفاوت به کار می‌رفته است. موارد مورد مطالعه در ۵ قطعه می‌باشد. قطر پایه این ظروف از ۷/۵ تا ۹ سانتی‌متر است که برخی پایه کوتاه و برخی پایه بلند هستند.



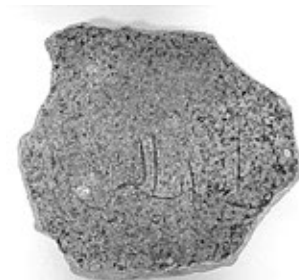
سفال شماره ۱



سفال شماره ۲

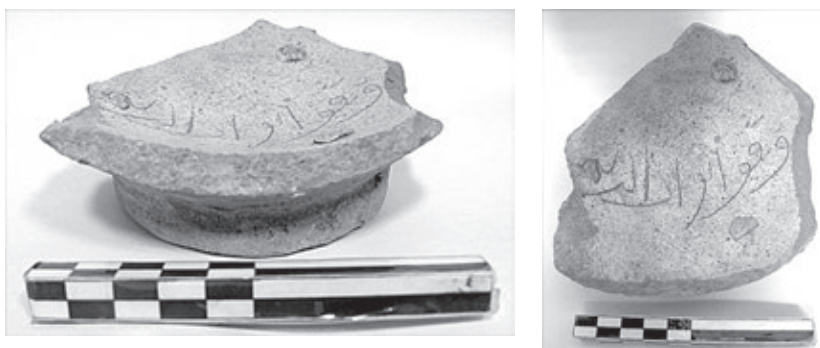


سفال شماره ۳





سفال شماره ۴

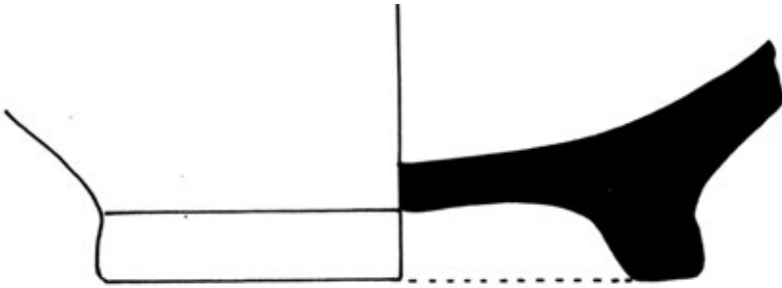


سفال شماره ۵

مقطع سفالینه‌های با کتیبه وقف ابواب البر



ظرف سفالی پایه بلند



ظرف سفالی پایه کوتاه

معرفی سنگاب وقفی زنجان

با برپایی سلسله صفویان شیعیان فرصتی یافتند که عقاید دینی خود را آشکار کنند. در این راستا آثار فرهنگی هنری جدیدی شکل گرفت که یکی از آنها سنگاب‌ها هستند که در بناهای مذهبی و عام‌المنفعه نصب می‌شد و به نمادی از عقاید شیعی و یادآور حادثه کربلا تبدیل شد. در دین اسلام اولین شرط انجام فرایض دینی طهارت و پاکی است. آب، مایه طهارت ظاهری است و باعث زدودن ناپاکی‌ها می‌شود. سنگاب، قدح سنگی بزرگی است که هزاران تشنه را بدون هیچ چشمداشتی سیراب می‌کرد و ضمن رفع تشنگی نمازگزار را آماده انجام فرایض دینی می‌نمود. نمازگزاران با وضو در سنگاب‌ها و رفع تشنگی ضمن لعنت فرستادن بر یزید ارادت خود را به اهل بیت علیهم‌السلام و یاران امام حسین علیه‌السلام نشان می‌دادند. کلمه سنگاب در لغت‌نامه دهخدا این گونه معرفی شده که ظرف بسیار بزرگ سنگی که می‌تواند آب را در خود نگه دارد و از سنگ یکپارچه تراشیده و در اماکن مذهبی و عام‌المنفعه نصب می‌شد. مهم‌ترین نیت در وقف سنگاب‌ها پیروی از سنت حسنه وقف و ارادت به امام حسین علیه‌السلام است که این مورد را در کتیبه‌ها و نقوش حک شده است و در دیواره بیرونی سنگاب‌ها می‌توان به وضوح مشاهده کرد. سنگاب‌ها همچون اعلامیه‌ای در بیشتر ابنیه مذهبی نصب می‌شد و به گونه‌ای مردم نمازگزار

را به یاد واقعه عاشورا و رویدادهای آن می انداخت و نشان ارادت مردم شیعه به اهل بیت علیهم السلام بود.

انواع سنگاب‌ها

سنگاب‌های نیم دایره توخالی؛ که در دو نوع پایه دار و بدون پایه هستند.



سنگاب مسجد امام اصفهان مربوط به دوره صفوی

سنگاب‌های مستطیل شکل توخالی؛ بیشتر سنگاب‌ها از سنگ مرمر و یا از سنگ‌های آهکی یا تراورتن تراشیده شده و وجه اشتراک آنها در یکپارچه بودن سنگ است. در تعدادی از سنگاب‌ها محلی برای گذاشتن کاسه مسی برای آشامیدن و پاشویه‌هایی برای ریختن آب اضافی تراشیده می‌شد.

معرفی سنگاب وقفی زنجان

این سنگاب از مسجد مهدیه شهر زنجان جهت حفاظت بیشتر به اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان زنجان منتقل گردید. سنگاب به شکل

مستطیلی توخالی یکپارچه از سنگ تراورتن بوده که در بدنه بیرونی آن کتیبه‌ای در سه سطر با خط نستعلیق حک شده است. طول این اثر ۸۲، عرض ۵۲ و ارتفاع ۲۶ و عمق سنگاب ۲۱ سانتی متر می باشد.



۱۳۰

موقوفات

معرفی دو نمونه از اشیای منقول تاریخی وقفی استان زنجان

سطر اول: یا امیرالمومنین ترا بخاطر پسرت ابوالفضل العباس
سطر دوم: در آخر عمرم از شر شیطان نگهدار وقف نمود کربلای پاشا بناء
سطر سوم: فی غره^۷ شهر شعبان ۳۳۰ (احتمالا به خاطر کمبود جا، عدد ۱ حذف شده است. با این حساب سنگ به سال ۱۳۳۰ ه.ق و دوره حکومتی احمد شاه برمی گردد.)





نمای دیگر از سنگاب وقفی زنجان



پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد باستان شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.
۲. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۸۶، ص ۳۸.
۳. شهرهای ایران، ص ۱۶۵.
۴. همان، ص ۱۸۸.
۵. همان.
۶. مبانی هنرهای فلزکاری، سفالگری، نگارگری و...، ص ۱۴۸.
۷. غره: روز اول ماه قمری را غره گویند.

منابع:

۱. مبانی هنرهای فلزکاری، سفالگری، نگارگری و...، فائق توحیدی، نشر سمیرا، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. مقاله «نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای ایلخانی»، نویسندگان: حسن کریمیان و بهزاد مهدی‌زاده، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۲۲، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۳.
۳. شهرهای ایران، محمدیوسف کیانی، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.

وقفنامه شش دانگ روستای

«هزار جریب»

شهرستان بوبین میاندشت

حمیدرضا میرمحمدی

چکیده:

وقفنامه‌ای که در این نوشتار بازخوانی می‌گردد، مربوط به روستای هزار جریب واقع در شهرستان بوبین میاندشت می‌باشد. این شهرستان سابقاً بخشی از شهرستان فریدن بوده که در سال ۱۳۹۲ ه.ش به شهرستان ارتقاء یافته است. لذا هزار جریب مذکور در وقفنامه که مربوط به ناحیه فریدن بوده، اکنون در بوبین میاندشت واقع است. طبق وقفنامه، موقوفه تمامیت شش دانگ این روستا است. امید است انتشار این وقفنامه گامی باشد در جهت گسترش و احیای امر وقف باشد.

کلید واژه‌ها:

هزار جریب، بوبین میاندشت، فریدن، میر محمدصادق خوانساری.

هزار جریب^۱

روستای هزار جریب از جمله روستاهای شهرستان بوئین میاندشت واقع در استان اصفهان می‌باشد. این روستا در طول جغرافیایی $50/3$ و عرض شمالی $33/6$ و 2420 متر ارتفاع از سطح دریا واقع است. هزار جریب در 10 کیلومتری مرکز شهرستان قرار داشته و رودخانه «آغچه» از جنوب آن می‌گذرد^۲. این روستا سابقاً مرکز سکونت ارامنه‌ای بوده است که توسط شاه عباس به این ناحیه کوچانده شده‌اند. در خصوص اسکان ارامنه در ایران مرکزی و اطراف اصفهان به روایتی شاه عباس در اوایل قرن 17 در حدود 250 هزار نفر از اتباع ارمنی خود را از موطن آنان در نزدیکی جلفا و ایروان و قارض به نواحی حاصلخیز و کم جمعیت واقع در شمال پایتخت خود (اصفهان) منتقل کرد. بنابر روایتی تعداد 12 هزار نفر از ارامنه در 54 آبادی در منطقه فریدن اسکان داده شده و در این مهاجرت تنها ارامنه کشاورز به فریدن آورده شدند و صنعتگران

این قوم در اصفهان ماندند^۳. مؤلف «نصف جهان فی تعریف اصفهان»^۴ در بیان نواحی فریدن گوید: ناحیه سوم آن را ناحیه تخماقلو گویند که آن را «کرجنبوت» نیز نامند. و قریب سی قریه و آبادی دارد که چندین دهات خالصه فریدن آنجاست که ارمنی نشین هستند. معروف آنها «زرنه»، «هزار جریب» و «سنگ باران» است^۵. لازم به ذکر است که اولین کلیسای ارامنه فریدن، در هزار جریب بنا گردیده است. این کلیسا که به نام حضرت مریم نامیده می‌شد در سال 1664 میلادی در اواخر سلطنت شاه عباس ثانی بنا گردیده است^۶. میر سید علی جناب در «الاصفهان» گوید: شاه عباس اول صفوی به چند صورت اقدام در آبادی اصفهان می‌کند. اول، ساخت عمارت و ابنیه بسیاری از جمله «چهارباغ» و «هزار جریب» و دوم، کوچانیدن ارامنه به اصفهان بود.

وجه تسمیه هزار جریب

در این خصوص آمده است که «شهرسازان عصر شاه عباس به منظور

توسعه شهر اصفهان به طرف جنوب باغی را در منتهی الیه جنوب چهارباغ احداث کردند که به خاطر وسعتش آن را هزار جریب نامیدند»^۷ توضیح آن که «جریب» واحدی از مساحت است که معادل ده هزار متر مربع یا یک هکتار است. جریب در اصل واحدی برای سنجش حجم غلات بوده و مقدارش در مکان‌های مختلف متفاوت بوده و بعداً به عنوان اندازه وسعت زمین که یک جریب غله از آن برداشت شود به کار رفته است.^۸ به نظر می‌رسد آرامنه ساکن در روستای هزار جریب ابتدا در ناحیه هزار جریب اصفهان سکنی داده شده و سپس به ناحیه فریدن انتقال و در هزار جریب اسکان یافتند. امروزه آرامنه هزار جریب به اصفهان و یا کشور ارمنستان مهاجرت نموده و در این روستا این اقلیت مذهبی ساکن نبوده و از کلیسای تاریخی حضرت مریم تنها آثاری از سنگ بنای آن باقی است.^۹

متن وقفنامه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الواقف على الضمائر
والمطلع على السرائر و الصلوة والسلام
على خير خلقه و اشرف بريته محمد
صاحب المناقب و المفاخر و على اله
الطيبين الطاهرين.

و بعد از روز نخست که قلم مشیت
حضرت پروردگار و واقف پنهان و آشکار
بحکم آیه امانت خطّ تکلیف و عبادت
بر جبین انسان نگاشته و از مواهب و
عطایای خود بمفاد آیه مبارک ﴿وَلَقَدْ
كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^{۱۰} عروس فضل و کرامت
نشان و نامزد ایشان ساخته، بهار سعادت
هر صنفی از این نوع شریف را بوسیله
مزید طراوتی افزود، طائفه را بزبور
عبادت اذکار آراسته و فرقه را با نثار
اوقاف پیش قدم خواسته و بحکم آیه
مبارک ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ بِالْاِیْلِ
وَالْثَّهَارِ سِرًّا وَّ عَلَانِیَةً فَلَهُمْ اُجْرُهُمْ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَّ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَّ لَا هُمْ یَحْزَنُونَ﴾^{۱۱}
و به مضمون آیه بلاغت مشحون ﴿مِثْلُ
الَّذِينَ یَنْفِقُونَ اَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ
کَمِثْلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِی كُلِّ

سُنْبِلُهُ مَائُهُ حَبِّهِ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ
يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِمْ^{۱۲}

و نظر بمدلول خبر هدایت اثر مروی
از امام همام جعفر بن محمد الصادق
علیه الصلوٰة والسلام «خیر ما یخلفه
الرجل بعده ثلثه: ولدٌ بار یستغفر له و
سنّه خیر یقتدی به فیها و صدقه تجری
من بعد» و بمفاد روایه دیگر مروی از
آن سرور «تلبیع الرجل بعد موته ثلث
خصال صدقه اجرها الله فی حیاة فہی
تجری له بعد وفاته و سنّته ہوی سنّتها
فہی یعمل بها بعد موته و ولدٌ صالحٌ
یدعوله»

بنوید بیشمار و اضعاف فزون از
هزار گرمی داشته من جمله در این
اوقات خجسته علامات توفیق رفیق و
شامل حال خیریت مال سرکار سعادت
آثار سلاله السادات عمدة التجار و
زبدۃ الاعیان خیر الحاج حاجی میر
محمد صادق^{۱۳} خلف مرحوم جنت
مکان حاجی میر ابوالقاسم خوانساری
اصل ساکن دارالخلافہ طهران گردید.
وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد
صریح دائمی نمود قربة الی الله و طلباً

لمرضاته در حالیکہ جمیع اقراریر و
معاملات شرعیہ از ایشان مُتَّبَع و ممضی
بود عالماً عامداً، عارفاً بالکمیہ و کیفیہ
مختاراً غیر مُکرہ ہمگی و تمامی کل
شش دانگ قریہ «هزار جریب» واقعہ در
محال فریدن من توابع اصفہان مع کافہ
توابعہ الشرعیہ و عامّہ منضماتہ العرفیہ
بحبث لاشذ منہاشیء و در محل خود
مستغنی از تحدید و توصیف است،
ملکی متصرفی خود را کہ بموجب یک
طغرا فرمان مهرلمعان از جانب دولت
علیہ ایران واگذار بایشان شدہ بود
بملکیت و بامضاء حضرت مستطاب،
اعلم العلماء و العاملین، رئیس الملة
والّٰدین حجة الاسلام والمسلمین حاجی
میرزا محمدحسن شیرازی^{۱۴} اعلیٰ الله
مقامہ رسیدہ بر مصارف تعزیه داری
حضرت خامس آل عبا و حضرت رسول
و امیر مؤمنان و صدیقہ کبری و حضرت
مجتبی و ائمہ اطہار و اولاد و اصحاب
آنجناب صلوات الله وسلامہ علیہم
اجمعین و بر سادات معروفہ بسادات
عسلی ساکنین در قصبہ خوانسار کہ از
اقربا واقف معزّی الیہ است باین ترتیب

آن با راقم الحروف اقل العباد علماً و عملاً و اکثرهم خَطَاً و زُلْلاً محمد بن احمد بن علی بن محمد صائب طاب الله ثراهم است و بعد با مجتهد خوانسار غیر از متولی آن و با فقدان با عالم متدین آنجا است و صیغه وقف جامعه لجمع الشرایط من الصّحه و للزوم جاری گردید و تخلیه ید مالکانه نمود و بعنوان تولیت متصرف گردید فصارت وقفاً صحیحاً شرعياً جازماً لازماً بتّاً بتلا ما تعاقب اللیل و النهار و ترادف القرون و الاعصار «فمن بدّله بعد ما سمعه {فانما اثمه} علی الذّین یبدّلونه و الله واسعٌ علیم»^{۱۵} و کان ذلک فی یوم الغدیر، الثامن عشر من شهر ذیحجه الحرام من شهر سنه ۱۳۱۳ الثالث عشر و ثلثمانه بعد الالف من الهجره. توضیح آنکه از برای متولی واقف حق التولیه مقرر نشد خروجاً عن شبهه الواقف علی النفس و کان ذلک سیاقهم المتن.

حواشی و قفنامه

السواد مطابق الاصله و هماسیان متناً و هامشاً حرره الاحقر هدايت الله

که اولاً یک عشر از کل منافع و مداخل آن بجهته متولی و نیم عشر برای ناظر مقدماً علی تمام المخارج موضوع شود و ثانیاً مخارج آبادی ملک و منال دیوانی مقدم بدانند و ثالثاً آنچه باقی بماند نصف شود و نصف را بمخارج تعزیه داری از قهوه و قلیان و اطعام بحسب متعارف هر زمانی و حق روضه خوانی و غیر در دو ماه محرم و صفر در هر جا متولی صلاح بداند بصواب دید ناظران برساند و نصف دیگر را بسادات معزّی الیههم للذکر مثل خط الانثیین با ملاحظه اقرب الی الواقف تقسیم نمایند و تولیت عین موقوفه مادام الحیوة با واقف خیر موافق و بعد با اکبر اولاد ذکور ایشان است بشرط البلوغ و الرشد و العداله و مع فقدان با اکبر اولاد اناث ایشان است مع الشروط المذكور و با فقدان با اکبر ذکور از اولاد مرحوم ابوی ایشان است با شروط مذکور نسلأ بعد نسل و با فقدان با ذکور از اولاد اناث آن مرحوم است با شرایط و در صورت فقدان با مجتهد قصبه خوانسار و با فقدان آن با عالم متدین قصبه مزبور است و نظارت

الحسینی مهر هدايت الله بن ابوالحسن
الحسینی

قد اعترف السيد الواقف المزبور بتمام
ما زبر فيه في المتن و الهامش لدى في
٩ شهر شعبان المعظم ١٣١٥. محل
مهر جناب عمدة العلماء سيد السادات
و نخبة الانجاب و الاطياب شريعت ماب
آقای سيد محمد تقی سلمه الله

سواد مطابق با اصل است تحت متن
و حاشیه و هامش حررها (مهر خوانده
نشد)

و اقر الواقف بتمام ما زبر فيه لدى
فذلك كذلك بلاشك و ريب في
٢٠ رجب المرجب ١٣١٥ محل مهر
جناب مستطاب عمدة العلماء العظام،
شريعت ماب آقاى سيد محمود
خوانسارى

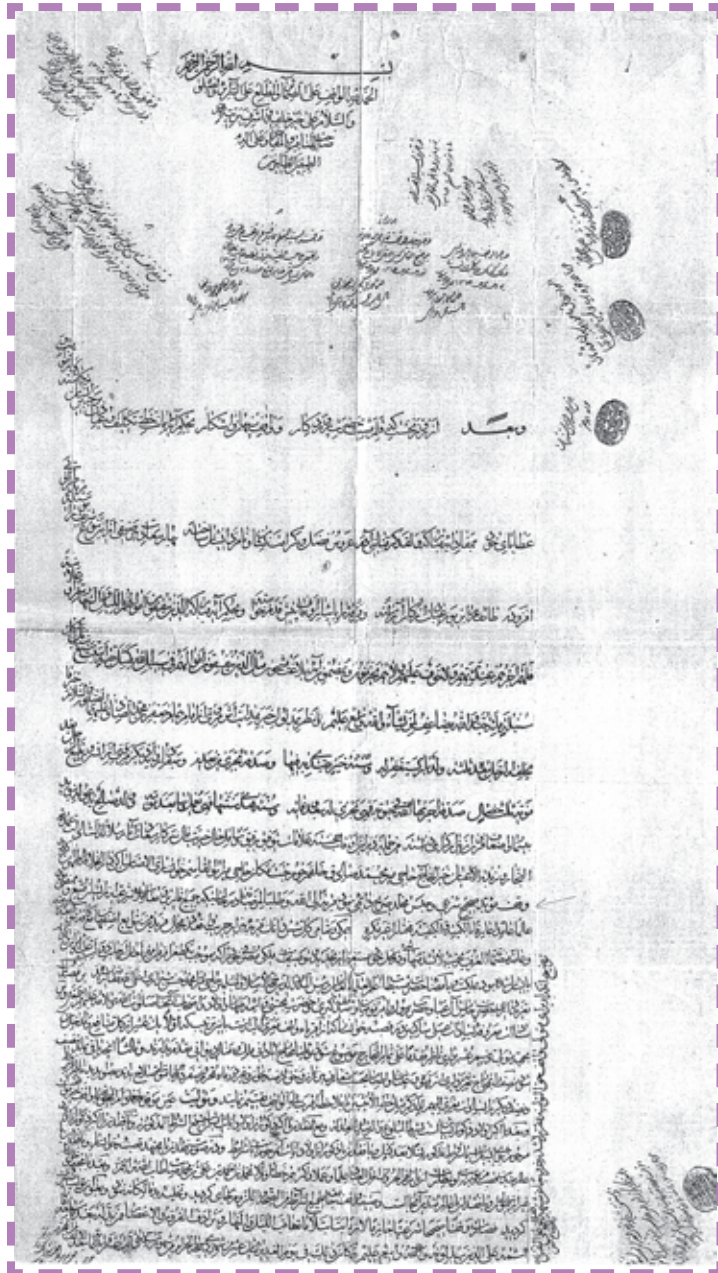
هو الله تعالى، قد اعترف جناب
الواقف بتمام ما فى اليه فى الورقه
توضيح الهامش لدى الاقل فى رابع عشر
شهر رجب المرجب ١٣١٥ محل مهر
جناب مستطاب عمدة العلماء الراشدين
و سيد الفقها المجتهدين آقاى آقا ميرزا
محمود مجتهد خوانسارى^{١٦} دام عزّه

هو قد اقر السيد المعظم، بما زبر فيه
من الوقف على طبق ما زبر فيه و القبض
على حسب الموقفيه و التوليه و النظاره
على حسب ناظر فى المتن و الهامش
لدى اقل خدام الشرع المذكور فى ٢٠
ربيع المولود ١٣١٤ محل مهر جناب
مستطاب عمدة العلماء و زبدة الفقهاء،
شريعت مدار آقاى سيد ريحان الله

الكشفى بروجردى ساكن طهران
هو قد وقع الواقف الجامع لجميع
الشرايط الصحه و اللزوم للقبض والا
قباض على طبق ما زبر فصل من المتن
و الهامش فى يوم الثامن عشر من شهر
حجة الحرام من شهور سنه ١٣١٣ حرره
الاحقر فضل الله النور محل مهر جناب
مستطاب شريعت مدار علامه فهام آقاى
آقا شيخ فضل الله^{١٧} دام افاضاته العالى

هو الله قد اعترف الواقف المزبور
وقف المزبور على حسب ما زبر فيه
لدى الاحقر فى ٢٦ صفر ١٣١٤
محل مهر حضرت مستطاب اعلم
العلماء العاملين و رئيس الملة و الدين
حجة الاسلام والمسلمين آقاى حاجى
ميرزا محمد حسين آشتياني^{١٨} دامت

هذا مع اصله المعتبر سياق متناً وهامش حرره الاحقر مهر ادرکنی یا علی



پی‌نوشت‌ها:

۱. هزار جریب همچنین نام روستایی در شهرستان‌های بروجرد، ملایر، سربند و ناحیه‌ای در استان مازندران است.
۲. فرهنگ آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۵۹، ص ۲۷۴.
۳. تاریخ ارامنه فریدن، صص ۳۱۳-۳۱۴.
۴. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۳۳۲.
۵. دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)، صص ۱۱۵-۱۱۷.
۶. الاصفهان، ص ۲۲۴.
۷. جغرافیای اصفهان، ص ۳۱۰.
۸. فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، ص ۱۱۷.
۹. دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن، ص ۱۱۷.
۱۰. اشاره به آیه ۷۰ سوره اسراء: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۷۴: «کسانی که اموال خود را شب و روز و نهان و آشکار، انفاق می‌کنند پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».
۱۲. سوره بقره آیه ۲۶۱: «مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست».
۱۳. آقا میر محمدصادق بن حاجی میر ابوالقاسم خوانساری از خوشنویسان خوانسار در اواخر عهد قاجار بوده است که آثار خطی بسیار ارزشمندی از ایشان به یادگار مانده ولی از زندگانی و وفات ایشان اطلاعی در دست نیست.
۱۴. آیت‌الله حاج محمدحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی و میرزای مجدد، مرجع شیعیان وقت، فقیه امامی، عالم، متولد ۱۲۳۰ در شیراز، تحصیل کرده در اصفهان، نجف و کربلا و متوفی در سامرا و مدفون در نجف اشرف است که مرجعیت شیعیان در زمان حیاتش و پس از وفات شیخ مرتضی انصاری به‌عهده ایشان گذاشته شد. از کارهای بزرگ میرزا در دوران حیاتش، تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار بود. میرزا در سال ۱۳۱۲ هـ.ق در سامرا وفات یافته و در حرم حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف به خاک

مازندران، ساکن تهران و مدفون در قم است که نزد میرزای شیرازی تلمذ نمود و در اوایل مشروطیت با سید عبدالله بهبهانی و سایر مشروطه طلبان هم قدم بود ولی اختلافات میان ایشان جدایی افکند و پس از مدتی شیخ فضل الله مصلوب شد و به شهید مصلوب ملقب گشت و پس از ۱۸ ماه جنازه ایشان مخفیانه به قم منتقل و دفن شد. (تربت پاکان قم، ج ۴، صص ۱۲۶۷-۱۲۷۴)

۱۸. آیت الله محمدحسن آشتیانی، از مجتهدین به نام تهران، متولد در آشتیان و متوفی در تهران است که نزد شیخ مرتضی انصاری تلمذ نمود. از سال ۱۳۰۶ هـ.ق تا هنگام مرگش، مرجع احکام شرعیه بود. علت شهرت وی همکاری او با میرزا حسن شیرازی در واقعه رژی (تحریم تنباکو) بود. وی در سال ۱۳۱۱ هـ.ق از راه عراق به مکه رفت و از سوی میرزا حسن شیرازی تجلیل شد و در سال ۱۳۱۹ هـ.ق در تهران درگذشت. جنازه ایشان به نجف منتقل و در مقبره شیخ جعفر شوشتری دفن شد. (فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۴۹۴)

سپرده شد. (فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۴۹۳)

۱۵. سوره بقره، آیه ۱۸۱: «پس هر کس آن (وصیت) را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر گردان کسانی است که آن را تغییر می دهند. آری خدا شنوای داناست.»

۱۶. آیت الله سید محمود بن عبدالعظیم خوانساری متولد، بزرگ شده و متوفی در خوانسار است. تحصیلات وی در خوانسار، اصفهان و نجف بوده و پس از مراجعت به اصفهان به حلقه درس آیت الله میرزا هاشم چهار سوقی درآمد و از ایشان موفق به کسب اجازه اجتهاد گردید. از وی چندین رساله در فقه و اصول برجای مانده که در مجموعه ۱۱۳۶ کتاب های اهدایی مرحوم محمد مشکات به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. وی در سال ۱۳۱۵ هـ.ق وفات یافته و در قبرستان شرقی خوانسار معروف به قبرستان پشت بازار دفن گردید. ماده تاریخ وفات ایشان را مرحوم آیت الله شیخ رضا نظام الشریعه متخلص به بدیع در ۱۲ بیت سروده که هر بیتش ماده تاریخ وفات ایشان است. (اختران فروزان خوانسار، ص ۹۸)

۱۷. آیت الله شیخ فضل الله بن عباسی نوری، عالم، مجتهد و فقیه متولد در

منابع:

۱. فرهنگ آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران (ج ۵۹)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، گلیایگان، ۱۳۶۹.
۲. تاریخ ارمنه فریدن (به زبان ارمنی)، لئون میناسیان، لبنان بیروت، ۱۹۷۱ م.
۳. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، محمدمهدی بن محمدرضا الاصفهانی، تصحیح: منوچهر ستوده، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۴. دیباچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)، حمیدرضا میرمحمدی، انتشارات ارمغان قلم، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۵. الاصفهان، میر سید علی جناب، به اهتمام: عباس نصر، انتشارات گلها، ۱۳۷۱.
۶. جغرافیای اصفهان، سیروس شفقی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱.
۷. عباس جعفری، فرهنگ بزرگ گیتاشناسی اصطلاحات جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۶۶.
۸. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی و مهین فضاییلی جوان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۹. اختران فروزان خوانسار، حمیدرضا میرمحمدی، انتشارات ارمغان قلم، ۱۳۷۸.
۱۰. تربت پاکان قم، جلد ۴، عبدالحسین جواهرکلام، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۲.

بازخوانی وقف بافته‌ای از عصر زندیه

دکتر سمانه کاکاوند

چکیده:

پژوهش و مطالعه در زمینه تاریخ ادوار گوناگون آیینی‌ای روشن در طی مسیر حال است. شناخت اوضاع مذهبی و عقیدتی مردمان گذشته سبب می‌شود که پایبندی‌ها و اعتقادات آنان معلوم گشته و جایگاه امور معنوی در زندگی آنها مشخص شود. بررسی مقوله معنوی وقف در عصر زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ه.ق) با همین هدف انجام شده است. کوتاهی حکومت زندیان موجب مغتنم شمردن هر سندی در راستای انجام پژوهش شده و پاسخی به برخی ابهامات و شبهات است. این مقاله سعی دارد تا با معرفی وقف بافته‌ای از عصر زندیه، بخشی از وضعیت اوقاف آن زمان را مورد پژوهش قرار دهد. آیا وقف در دوران کریم خان زند نیز مرسوم بوده است؟ مطالعه پیکره وقف در نمونه‌ای موردی از دوران زندیه، مهم‌ترین هدف این جستار است. جامعه آماری تحقیق، یک تخته‌قالی بر جای مانده از عصر زندیه در موزه ملی ایران می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری غیر احتمالی بوده و دستاوردهای این مقاله، بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات موزه‌ای و روش پژوهش توصیفی، تاریخی و تحلیلی است.

کلید واژه‌ها:

وقف، تقی خان درانی، زندیه، وقف بافته، کرمان.

منابع گوناگونی به توقف وقف و امور خیریه در دوران زندیه اشاره کرده‌اند. گذشته از مدت کوتاه حکومت زندیان، تخریب آثار بر جای مانده از آنان توسط قاجاریان سبب می‌شود به راحتی، حکمی مبنی بر عدم رواج وقف و امور وابسته به آن در دوره زندیه صادر نگردد. در این میان وجود آثار منقول و میراث ناملموس تاریخ‌دار سندی گویا و شفاف بر رواج وقف در عصر زند (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ه.ق) محسوب شده و دال بر اهمیت امور معنوی در آن دوران است. وجود یک تخته قالی کتیبه‌دار در موزه ملی ایران، سند وقفی از عصر زند به‌شمار می‌آید. استمرار سنت و رسوم مذهبی و معنوی در میان ایرانیان از گذشته‌های دور تا امروز قابل مطالعه بوده و وجود مستندات فرضیه انقطاع آن را رد می‌کند. قالی وقفی عصر زند به دستور «تقی‌خان^۱ درانی» حاکم کرمان در عصر زندیه بافته شده است.

پیشینه پژوهش

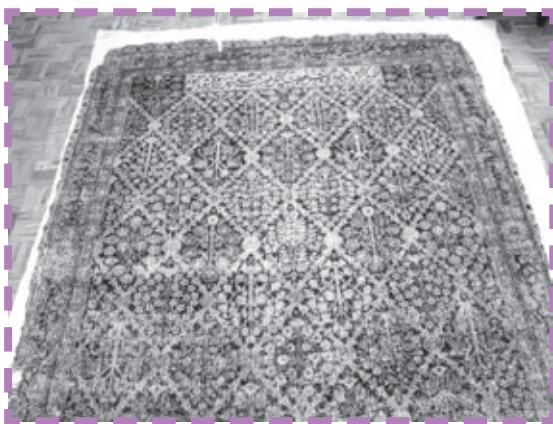
دوره زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ه.ق) علی‌رغم نزدیکی به دوران معاصر، برهه‌ای مغفول بوده و پژوهش‌های اندکی پیرامون ابعاد گوناگون این دوره صورت گرفته است. مقالات و کتاب‌های کمی در راستای موضوع این تحقیق به رشته تحریر درآمده است. اما روح‌فر (۱۳۷۴) در مقاله خود با عنوان «معرفی یک قالی وقفی در موزه ملی» به معرفی اجمالی قالی مورد پژوهش پرداخته است. رویکرد مقاله نامبرده توصیفی بوده و کمتر به تحلیل و ذکر جزئیات تخصصی توجه شده است. میرحاج (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «بررسی وضعیت اوقاف شهر اصفهان در دوره زندیه و مقایسه آن با دوره صفویه» در بخشی کوتاه تنها به مطالعه موردی موقوفات زندیه در اصفهان پرداخته است. شیخ‌الحکمایی (۱۳۷۳) در مقاله «وزارت اوقاف در دوره زندیه» سندی ارزشمند از وضعیت اوقاف آن دوره را معرفی و بازخوانی نموده است. به استناد سند مورد اشاره، کریم‌خان زند حکم انتصاب وزیر اوقاف را صادر نموده است. اسناد ارائه شده این مقاله گواهی بر رونق وقف

وقفنامه

در عصر زند به‌شمار می‌آید. حشمتی رضوی (۱۳۹۱) در کتاب «تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران» نیز در ذیل قالی زند به معرفی این قالی اشاره دارد. کارشناسان و محققان حوزه فرش بر تعلق این قالی به دوره زند صحه گذارده‌اند.

روش پژوهش

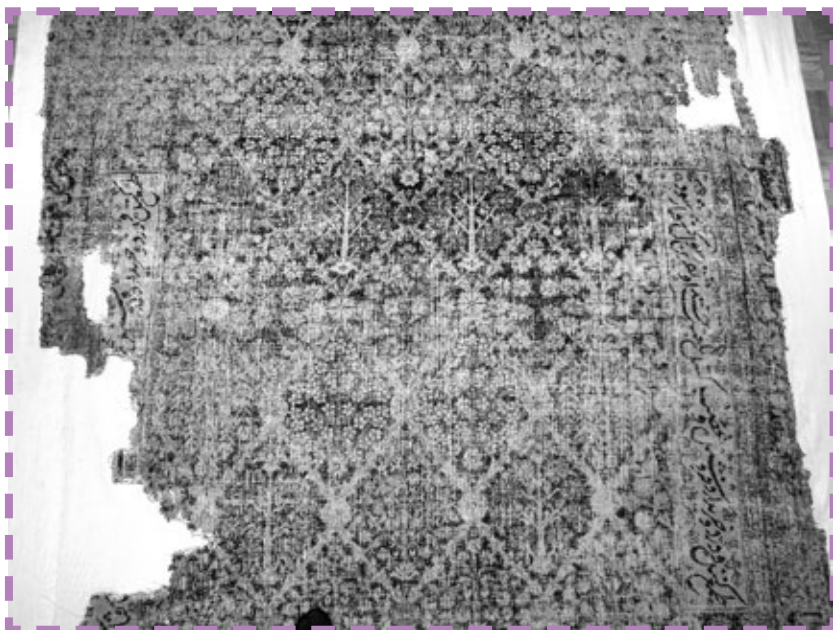
اطلاعات اولیه این مقاله حاصل مطالعه و یادداشت برداری از منابع کتابخانه‌ای بوده و در گام بعد ثبت مشاهدات موزه‌ای و در نهایت تجمیع و تحلیل تمامی داده‌ها منتج به شکل‌گیری این مقاله شده و روش پژوهش توصیفی، تاریخی و تحلیلی است.



تصویر ۱: قالی وقفی موجود در موزه ملی (عکس: نگارنده)



تصویر ۲: نمایی از وقف‌بافته موجود در قالی (عکس: نگارنده)



تصویر ۳: بخشی دیگر از وقف بافته در طول قالی که به سبب پوسیدگی و پارگی از بین رفته است (عکس: نگارنده)

نوع وقف قالی مورد پژوهش

بهر فرش حرمی وقف نمود این قالی

کرده فرش‌ی وقف این روضه بهشت

موقوفه مورد پژوهش در این مقاله یک تخته قالی است. بسیاری از متخصصان وقف را بر دو نوع خاص و عام تقسیم نموده و در تعریف وقف عام به وابستگی آن به جامعه مخاطبان اشاره نموده‌اند. وقف عام را معطوف به عدم تعیین طبقه معین و بهره‌مند دانسته‌اند. وقف عام وقفی است که مخصوص دسته و طبقه معینی نیست. وقف یک تخته قالی به بقعه‌ای متبرکه از نوع وقف عام است زیرا تمامی زائران و نمازگزاران از آن سود می‌برده‌اند. از سویی دیگر نوع وقف قالی مورد پژوهش تأییدی^۲ است.

وقف بافته

در ادواری همانند عصر صفویه که اسناد بسیاری از موقوفات بر جای مانده است، وقف نامه‌ها قابل طبقه‌بندی، مطالعه و تحلیل هستند. دوران کوتاه زندیه مجال برای تعدد وقف نامه‌ها نبوده و در این میان اسنادی با محتوای وقف ولو در قالب غیر کاغذی غنیمتی بسیار به شمار می‌آید. وقف نامه نمونه موردی پژوهش، کتیبه نوشتاری یک تخته قالی است. به سبب ثبت پیکره وقف بر کتیبه بافته شده قالی، در این جستار لفظ «وقف بافته» معادلی برای «وقف نامه» در نظر گرفته شده است.

پیکره وقف بافته

کتیبه قالی وقفی موجود در موزه ملی (تصاویر ۱ تا ۳) به عنوان وقف بافته همانند بسیاری از وقف نامه‌ها یا قبale‌های وقف شامل نام واقف، موقوفه، موقوف علیه^۳، شرط وقف و واسطه وقف بوده است. تمامی این اجزاء پیکره سند وقفی قالی را تشکیل داده‌اند.

موقوفه

موقوفه در این مقاله، یک تخته قالی بافته شده در سال ۱۱۷۹ هـ.ق (عصر زندیه) در کرمان است. درج عبارت سنه ۱۱۷۹ و دو ماده تاریخ^۴ تحت عبارات «مقبول رضا» و «نیست قالی که بود عکس پر و بال ملک»، در قالی نمایانگر زمان اتمام بافت و وقف آن و مقارن با ایام پادشاهی کریم خان زند است. این عدد دلالت صریح بر تاریخ بافت داشته و سبب می‌شود پژوهشگران گام نخست یعنی آگاهی از زمان دقیق بافت را با اطمینان طی نمایند. قالی مورد اشاره هم‌اکنون با شماره اموالی ۲۰۲۹۴ در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

واقف

واقف در پیکره وقف بافته مورد پژوهش، تقی خان درانی حاکم کرمان در عصر کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ه.ق) است. اگرچه نظریات متناقضی پیرامون شخصیت «تقی خان درانی» مطرح شده است. اما با مطالعه متون مربوط به تاریخ کرمان، از وی به عنوان شخصیتی مثبت صحبت به میان آمده است. وی به عنوان تفنگچی در سپاه نادر شاه افشار حضور داشته و در مدت زمان اقامت سپاه نادر در مشهد، او نیز حضور داشته و در آن وقت شاهد تقدیم هدایایی از جانب این پادشاه به بارگاه مقدس رضوی بوده است. همچنین وی همواره خاندان قلی بیگ، یکی از حکام کرمان را به سبب کثرت موقوفات تمجید می کرده است.

موقوف علیه

مصدق موقوف علیه در وقف بافته، آستان مقدس امامزاده زید^۵ کرمان است. تقی خان درانی (واقف) یک تخته قالی وقف صحن مقدس آن بقعه متبرکه نموده است. ارادت «تقی خان درانی» به این امامزاده در نوشتار وقف بافته مشهود است. بافنده قالی شجره نامه امامزاده زید را این گونه در متن حاشیه آورده است که: «زید عبدالله بن موسی که اوست تاج لولاک و لعمرک شده زیب تارک، قبله هفتم ز شرع مصطفی، زید عبدالله بن موسی کاظم که بود... چو اقرب آن جناب، هفتمین رکن ز ارکان امامت بی شک با امام مسند هشتم رضا»

مطالعه ویژگی ها و ابعاد گوناگون وقف بافته

خان ذی رتبه تقی خان عرب کز دیوان	خان والاشان تقی خان آن که گفت
[کر]ده داد و دهشش نام فریدون را حک	رستمش در روز میدان مرحبا
آن امیری که به هر کار چو همت بندد	بر عرب سرخیل و سردار عجم
گویدش قائد توفیق که الله معک	سرور فرمانده فرمانروا
بهر فرش حرمی وقف نمود این قالی	کرده فرشی وقف این روضه بهشت

که بود.....

مسکن ذریّه آل عبا

.....

زید عبدالله بن موسی که اوست

تاج لولاک و لعمرک شده زیب تارک

قبله هفتم ز شرع مصطفی

زید عبدالله بن موسی کاظم که بود

... چو اقرب آن جناب

هفتمین رکن ز ارکان امامت بی شک

با امام مسند هشتم رضا

سال تاریخ چو جستم ز فدایی گفتا

سال تاریخش دلیلی بر قبول

نیست قالی که برد عکس پر و بال ملک

بی تخلف گشت مقبول رضا

ویژگی‌های ادبی و نگارشی

وقف‌نامه‌ها و قبالة‌های وقف به طور عام شامل صفحه‌ای کاغذ ممهور شده است. از نظر ساختار و ظاهر، متن مورد نظر از ابتدای صفحه آغاز شده و نگارنده تا جایی که تمامی موارد لازم را قید کند و حق مطلب را ادا نماید، ادامه می‌دهد. اما وقف‌بافته مورد پژوهش همچون کادری متن قالی را در بر گرفته است و نوشتار در این قاب مستطیلی به گردش درآمده است. نوع خط به کار رفته عروس خطوط اسلامی، نستعلیق، است. نوع متن منظوم و آهنگین بوده و سرشار از استعارات و تشبیهات است. در نوشتار کتیبه قالی به عنوان وقف‌بافته، شاعر قطعه یعنی فدایی کرمانی^۶ سعی نموده تمامی اجزای وقف را اعم از قصد و جهت وقف، نام واقف، موقوفه، موقوف علیه و شرط وقف را لحاظ نماید. در این میان جزیی که در پیکره وقف‌بافته مهم است و با اجزای وقف‌نامه تفاوت دارد، واسطه وقف است. به سبب دشواری بافت قالی در قیاس با نگارش وقف‌نامه بر روی کاغذ نمی‌توان به سادگی نام بافنده را نادیده گرفت. در مطالعه اجزای پیکره وقف‌بافته نام بافنده به عنوان واسطه و ثبت‌کننده وقف بسیار حائز اهمیت است. محمدشریف کرمانی این نقش را ایفاء نموده است. از سویی شهر کرمان به عنوان محل بافت قالی معرفی شده است. اجزای پیکره وقف‌بافته در جدول ۱ به تفکیک آمده است.

جدول ۱: اجزاء پیکره و ویژگی های ظاهری نوشتار وقف بافته (ترسیم: نگارنده)

عبارت التجایی و قصد قربت	زمان خلق موقوفه	مکان خلق موقوفه	محل نگهداری فعلی موقوفه	شرط وقف	موقوف علیه	موقوفه	واقف	واسطه وقف/بافنده	شاعر	قالب نوشتار
بی تخلف گشت مقبول رضا	۱۱۷۹ هـ.ق	کرمان	موزه ملی ایران	نگهداری در صحن بقعه مبارکه و عدم خرید و فروش	آستان مقدس امامزاده زید کرمان	یک تخته قالی	تقی خان درانی	محمدشریف کرمانی	محمد فدایی کرمانی	منظوم و مسجع

معنا و محتوا

کتیبه قالی به زبان فارسی است و در ظاهر آیه و عبارتی عربی در آن دیده نمی شود. به نظر می رسد قالی مورد پژوهش کارکردی گسترده ای داشته و بافته و طراح به سبب تقدس و حرمت آیات از به کارگیری عبارات مقدس اجتناب نموده اند. در عصر صفویه استفاده از آیات و عبارات مقدس در کتیبه قالی های محرابی و سجاده ای رواج داشته است. آنان این نوع قالی ها را به سبب حفظ احترام نوشتار متبرک به عنوان آویز و پرده به کار می گرفتند. استمرار این ادای احترام تا به

امروز نیز، در نصب جعبه‌های دیواری اسامی متبرکه قابل ردیابی است. کتیبه قالی وقفی مورد پژوهش حاوی آیات قرآنی نیست اما اسامی متبرکی همانند الله، آل عبا، موسی کاظم، مصطفی و رضا در این شعر وجود دارد. از سویی دیگر مطالعه نوشتار وقف‌بافته در بستر ادبیات رایج عصر زند نشان از رواج شعر به سبک بازگشت ادبی دارد. جدول ۲ به مفاهیم و معانی مستتر در کتیبه قالی پرداخته و ابعادی از آن را به نمایش گذاشته است.

جدول ۲: مطالعه مفهومی و تحلیلی وقف‌بافته (ترسیم: نگارنده)

مفاهیم	تأیید و رد موارد استفاده	مصادیق
استفاده از آیات به طور مستقیم	خیر	-
استفاده از اسامی مقدس	بله	الله، آل عبا، موسی کاظم، مصطفی و رضا
استمداد از خدا	بله	گویش قائد توفیق که الله معک
استفاده از اسامی و عبارات عربی	بله	الله معک، آل عبا، موسی کاظم، مصطفی، قائد، تاج لولاک و لعمرک و رضا و...
استفاده از اسامی اسطوره‌ای	بله	فریدون و رستم
استفاده از اسامی و عبارات محلی	بله	کرمان و دُران
استفاده از عبارات تمجیدی و ثناگونه	بله	خان ذی‌رتبه، والا شأن، تشبیه به فریدون و رستم، به کار بردن واژگانی همچون سردار، سرور، فرمانده و سرخیل در وصف دلیری و رشادت واقف

زیبایی‌شناسی

تحلیل زیبایی‌شناسانه وقف‌بافته با در نظر گرفتن مواردی همچون تقارن، تعادل، هماهنگی، کادر مناسب، ارتباط شایسته پیش زمینه و متن، رنگ، انسجام و تنوع امکان‌پذیر است. طراح قالی با تقسیم وقف‌بافته به دو بخش کادر مستطیل منسجم و برون متنی و چهار کادر مستطیل شکسته درون متنی سعی نموده میان متن

تصویری و نوشتاری ارتباطی پویا برقرار نماید. حضور چهار کادر مستطیلی حاوی شرط وقف در متن تصویری سبب شده چشم مخاطب به گردش درآمده و از منظر مفهومی در هر طرف قالی که قرار گیرد، پیام را دریافت نماید. استمرار و رواج کادر مستطیلی نشان از صلابت، ایستادگی و تعادل دارد. تقارن و سادگی موجود در هندسه مستطیل موجب زیبایی بیشتر آن می‌شود. حضور دو متن تصویری و نوشتاری در کنار یکدیگر تنوع داشته و این نقطه قوت وقف‌بافته در مقایسه با وقف‌نامه‌های ساده کاغذی است. زیبایی متن تصویری سبب می‌شود مخاطبان درک بهتر و بیشتری از متن و مفاد وقف‌بافته داشته باشند. وجود گل‌ها و گیاهان ریز در پیش‌زمینه وقف‌بافته به نحوی موید ورود متن تصویری در داخل نوشتار است. این‌گونه، متن نوشتاری زیباتر شده و ارتباط و انسجام عناصر به خوبی محفوظ است. انتخاب رنگی پخته و خنثی برای زمینه وقف‌بافته، رنگ کرم یا نخودی، باعث افزایش تأثیرگذاری پیام و نوشتار شده است. نوشتار متن در چهار کادر نخودی به رنگ مشکی بافته شده و متن نوشتاری موجود در حاشیه به رنگ مشکی یا سورمه‌ای بر زمینه قرمز بافته شده است. (جدول ۳)

جدول ۳: مطالعه اصول زیبایی‌شناسانه قابل مشاهده در وقف‌بافته (ترسیم: نگارنده)

تأیید موارد استفاده	اصول زیبایی‌شناسانه قابل مشاهده
✓	انتخاب کادر مناسب
✓	رنگ پخته، خنثی و مناسب
✓	انسجام میان عناصر
✓	تنوع
✓	تناسب
✓	تقارن
✓	ارتباط پیش‌زمینه و پس‌زمینه
✓	ارتباط مناسب متن تصویری و نوشتار
✓	تعادل

مطالعه موارد تکمیلی پیکره وقف‌بافته

هشدار و انذار

تذکر و پیام شرطی به کار رفته در متن چهار کادر مستطیلی در متن اصلی قالی (تصویر ۴) با مضمون: «طمع‌کننده و دزد و خریدار و فروشنده و غصب‌کننده بلعنت خدا و نفرین رسول گرفتار شود» جزیی مهم در پیکره وقف‌بافته محسوب می‌شود. این پیام با مضمون حکمی و تهدیدآمیز، مخاطبان را خطاب قرار داده و هر گونه افکار منفی در برخورد با قالی را پیش‌بینی نموده تا متخلف از دایره پند خارج نبوده و هیچ توجیهی برای عدم رعایت آن، نداشته باشد. لایه ظاهری و صریح نشان از آن دارد که هرکس که طمع به قالی دارد، دزد، خریدار مال مسروقه یا فروشنده آن و یا غصب‌کننده و.... همه متخلفین در صورت ارتکاب جرم، گرفتار لعن و نفرین خدا و پیامبرش خواهند شد. وقف در لغت به مفهوم نگهداشتن و حبس کردن عین ملکی و مصرف کردن منفعت آن در راه خداست. پس این مال صاحب دنیایی ندارد و هیچ فردی حق خرید، فروش، سرقت و یا هر نوع تصاحب و تملکی را ندارد. تکرار ابلاغ پیامی هشداردهنده با مضمون منع خرید و فروش موقوفه در قالب قاب‌های مستطیلی دال بر اهمیت موضوع است.



تصویر ۴: یکی از چهار کتیبه تکراری هشداردهنده در چهار ضلع متن قالی (عکس: نگارنده)

خالص نمودن نیت و قصد قربت

تردیدی نیست که واقفان قصد و هدفی والاتر از احسان و نیکوکاری در راه خدا نداشته‌اند. انگیزه آنان کمک به خلق است. برخی از صاحب‌نظران قصد قربت را در وقف لازم دانسته‌اند. تقی‌خان درانی با ذکر «شد مقبول رضا» حضرت امام رضا (ع) را

را به عنوان نایب خداوند در نظر گرفته و به درگاه وی التجاء نموده است. به تعبیری دیگر دعا نموده که عمل نیکش مورد قبول درگاه خداوند و امامان پاکش قرار گیرد.

نتیجه

ادعای توقف امور مربوط به وقف پس از عصر صفوی و استمرار و پرداخت مجدد از دوران قاجار نظر برخی پژوهشگران و محور مقالات آنها بوده است. مطالعه کتیبه قالی وقفی عصر زندیه به عنوان سندی گویا، ناقض این گونه فرضیه‌هاست. وجود این قالی و چندین موقوفه دیگر سبب شده تا بتوان فرضیه رواج و رونق وقف در عصر کریم‌خان زند (۱۱۶۳ - ۱۱۹۳ ه.ق) را ثابت نمود. علاوه بر موقوفات اسنادی دال بر وجود وزارت اوقاف در دوره زندیه و انتخاب شخصی به نام میرزا زین‌العابدین به عنوان وزیر موقوفات از سوی وکیل‌الرعیای گواهی بر رونق وقف به‌شمار می‌آید. کتیبه قالی وقفی موجود در موزه ملی با دارا بودن تاریخ و ماده تاریخ، سندی مهم بوده و تمامی اجزاء و مفاد وقف‌نامه را دارد. اشاره به نام واقف، نوع موقوفه، موقوف علیه، شرط وقف، ذکر التجاء و قصد قربت از مهم‌ترین اجزای پیکره وقف‌بافته است. اصول نگارشی ادبی و زیبایی‌شناسانه در ظاهر و ساختار کتیبه رعایت شده است. شاعر قطعه نوشتاری با سرودن شعری مناسبتی سعی نموده تمامی ارکان لازم را در شعر بیاورد. درک تناسب فرم و محتوا و اصول زیبایی‌شناسانه همانند تعادل، ایستایی، تنوع و انسجام از دستاوردهای مهم پژوهش است. وجود قالی وقفی و شناخت تقی‌خان درانی، حاکم کرمان در عصر کریم‌خان زند، به عنوان واقف، مدرکی گویا برای مطالعه وضعیت اوقاف عصر زندیه در کرمان است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تقی‌خان درانی یکی از حکام کرمان در نیمه دوم سده دوازدهم هجری قمری است که به مدت چهار سال حکومت کرد. در خصوص زندگی، اقدامات، ابعاد شخصیتی وی نظرات ناهمگنی وجود دارد.
۲. تأیید به معنی دائمی گردانیدن و ابدی نمودن است. تأیید در وقف به این معنی است که بهره از موقوفه به زمان خاصی محدود نشود. تقی‌خان درانی نیز وقف قالی و استفاده از آن در حرم امامزاده زید را به مدت خاصی محدود نکرده است.
۳. اگرچه استفاده از واژگان فارسی نیکوست اما برخی کلمات و عبارات دایره وقف چنان با زبان عربی مأنوس هستند که به کار بردن معادل‌های فارسی درک مفهوم آنها را دشوار نموده و غریبه می‌کند.
۴. ماده تاریخ آن است که مجموع حروف بیت یا مصراع یا عبارتی به حساب ابجد با تاریخ واقع‌ای تطبیق کند. این قالی، دو ماده تاریخ تحت عبارات «مقبول رضا» و «نیست قالی که بود عکس پر و بال ملک» دارد. این دو، هم نهاد با عدد ۱۱۷۹ یعنی سال وقف و اتمام بافت قالی است.
۵. استان کرمان چند بقعه متبرکه دارد که به نام امامزاده زید مشهور است.

اما بنا به تحقیقات صورت گرفته از اداره کل اوقاف و امور خیریه و همین‌طور اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، امامزاده زید شهر شهداد از شهرت بیشتری برخوردار است و شجره‌نامه‌اش به امام رضا (ع) منسوب است. خوانش شجره‌نامه و شفاف‌سازی موارد مبهم نظرات متخصصین این عرصه را خواهان است و از اهداف این مقاله نیست.

۶. فدایی. [ف]. کرمانی. علامه دهخدا در لغت‌نامه آورده است که: [فدایی] از معاصران آذر بیگدلی [شاعر و تذکره نویس عصر زندیه] است. آذر نویسد: اسمش حاج محمد و از اهل دارالامان کرمان است. صحبتش اتفاق افتاد. طبع روانی دارد و در تاریخ‌گویی مسلط است.

منابع:

۱. تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران، فضل‌الله حشمتی رضوی، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
۲. لغت‌نامه دهخدا (ج ۱۴)، علی‌اکبر دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳. فرهنگ نفیسی (ج ۵)، علی‌اکبر نفیسی (ناظم‌الاطباء)، تهران: کتابفروشی خیام، ۲۵۳۵.
۴. مقاله «وقف، از چشم‌انداز نشانه‌شناسی»، نویسنده: رضا بابایی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۷۴، صص ۱۵-۳۶.
۵. مقاله «فرهنگ حقوقی وقف»، نویسنده: دلاور برادران، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۲، صص ۵۴-۷۵.
۶. مقاله «معرفی یک قالبی وقفی از مجموعه موزه ملی ایران»، نویسنده: زهره روح‌فر، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۹، صص ۱۰۴-۱۰۸.
۷. مقاله «وزارت اوقاف در دوره زندیه»، نویسنده: عمادالدین شیخ‌الحکمایی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۳، صص ۷-۹.
۸. مقاله «بررسی وضعیت اوقاف شهر اصفهان در دوره زندیه و مقایسه آن با دوره صفویه»، نویسنده: وجیه‌السادات میرحاج، مجموعه مقالات کنگره

بزرگ زندیه، ج ۲، به کوشش: دکتر محمدعلی رنجبر و دکتر علی‌اکبر صفی‌پور، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، صص ۶۶۱-۶۷۱، ۱۳۸۹.

شخصیت و جایگاه

امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام

(امامزاده نرَمی)

دکتر محمدحسین ریاحی

چکیده:

تحولات قرون اولیه هجری در ایران و مهاجرت تاریخی امام رضا علیه السلام به ایران باعث ورود تعداد قابل توجهی از سادات و علویان به این سرزمین گردید. به نظر می رسد این حضور نقش موثری در فضاهاى فرهنگى و معنوى و رشد تشیع در بسیاری از مناطق ایران داشته است. از جمله این امامزادگان عظیم الشان، ابراهیم بن موسی علیه السلام موسوم به «نرَمی» در منطقه برخوار اصفهان می باشد. در این پژوهش به این تأثیرگذاری در ابعاد مختلف اشاره رفته است.

کلید واژه ها:

امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام، تحولات معنوی، اصفهان، برخوار.

موقعیت جغرافیایی، تاریخی منطقه برخوار و مکان امامزاده نرملی

از آنجایی که منطقه برخوار مدفن برخی سادات والا مقام و علویانی است که با بذل جان خود در راه حقانیت اسلام و ارزش‌های معنوی تشیع جانفشانی نموده‌اند و به ویژه این که جایگاه مزار حضرت ابراهیم بن موسی (علیه السلام) موسوم به امامزاده نرملی در این ناحیه می‌باشد. لذا شایسته است ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی آن مورد توجه قرار گیرد چرا که با عنایت به تقسیمات اخیر، شهر دولت آباد مرکز منطقه برخوار و «نرملی» یا «زمان آباد» که دفن این امامزاده واجب التکریم است در حال حاضر یکی از محلات این شهر محسوب می‌شود.

منطقه برخوار و ویژگی‌های آن

از جمله مناطق بسیار با قدمت و قابل اعتنا از حیث پیشینه در جوار شهر اصفهان، منطقه برخوار است. با مراجعه به نوشته‌ها و آثار و منابع در

باب جغرافیای تاریخی و ایران‌شناسی می‌توان برخوار را نمادی از تاریخ، فرهنگ با مردمانی سخت‌کوش در استان اصفهان توصیف نمود و از قرون گذشته شهرها و حتی روستاهای آن دانشمندان و بزرگان بسیاری را تربیت و زمینه‌های پذیرایی از سادات، علما و شایستگان را فراهم نموده‌اند. امروزه هر چند شهری باستانی مانند گز از حیث تقسیم جزو برخوار نیست لیکن آنجا را می‌توان از مهمترین و اصلی‌ترین مراکز برخوار از حیث پیشینه و تمدن به حساب آورد^۱.

شهرستان برخوار

اما آنچه که در باب تقسیمات منطقه‌ای و کشوری اخیر می‌توان عنوان نمود این که شهرستان برخوار با وسعت ۷۷/۱۹۵۲ کیلومتر مربع با ارتفاع ۱۵۹۰ متر از سطح دریا می‌باشد که در سال ۱۳۸۶ بخش برخوار از شهرستان برخوار و میمه جدا و به نام شهرستان برخوار به مرکزیت دولت آباد شهرت گرفت. حدود ۱۸۶۳ کیلومتر مربع آن

اثنی عشری و در این موضوع بسیار پایبند می‌باشند.

محصولات کشاورزی شهرستان گندم، ذرت علوفه‌ای، چغندر قند و لبو، یونجه، آفتابگردان، باغات انگور، انار، صیفی جات و سبزیجات می‌باشد. شهرستان برخوار افتخار وجود مرقد مطهر امامزادگانی چون امامزاده ابراهیم (نرمی)، عبدالمؤمن حبیب آباد، امامزاده محمود و امامزاده سید محمد دولت آباد را دارد. یکی از قدیمی‌ترین روستاهای مناطق شهرستان، بافت زیبای روستای سین با مسجد و مناره کج سلجوقی آن در فاصله ۵ کیلومتری

دشت و بقیه به صورت ارتفاعات است. این شهرستان از غرب به ارتفاعات مورچه خورت و از شمال به ارتفاعات شمالی بخش برخوار (مرز اردستان) و از جنوب به اصفهان-تهران و از شرق به سگزی و کوهپایه محدود می‌شود و دارای پنج شهر به نام‌های دولت آباد، حبیب آباد، کمشچه، خورزوق و دستگرد و روستاهایی از جمله سین، شاهپور آباد، علی آباد، محسن آباد و تعداد روستای دیگر است. جمعیت این منطقه بیش از یکصد هزار نفر است.^۲ مردم این منطقه از حیث مذهبی معتقد به آیین اسلام و مذهب شیعه



شهر گز برخوار است.

دولت آباد

شهر دولت آباد با پیشینه‌ای به دوران صفویه در فاصله ده کیلومتری شمال شرق اصفهان قرار دارد. هسته اولیه این شهر از مجموع چند روستا از جمله صالح آباد، بتکاباد و دُرّه در زمان صفویه به صورت یک قلعه تشکیل گردید و نام دولت آباد بر آن نهاده شد (به علت تشکیل هسته اولیه شهر توسط حکومت).

محلّه‌های قدیمی دولت آباد تا چند دهه گذشته (بنا به بافتی که داشته است) به نام محلّه‌های گرگو، شاه نشین، محلّه سرچوب و محلّه شترخوان بود. با توجه به همسایگی شهر دولت آباد با اصفهان و ایجاد منطقه صنعتی در جاده اصلی این شهر با اصفهان روز به روز بر رونق آن افزوده شده و هم اکنون جمعیتی حدود ۴۰ هزار نفر را به خود اختصاص داده است و وسعت آن در عرض بیست سال نزدیک به سه برابر شده است و هم اکنون مناطقی چون

لودریچه، زمان آباد امامزاده نرمی و کربکند جزء لاینفک شهر به حساب می‌آیند. این شهر آب و هوایی گرم و خشک دارد. دولت آباد دارای مساجد متعدد و برخی قدیمی، و تعدادی برج کبوتراست و با توجه به مرکزیت شهرستان دارای امکانات بیمارستانی، دانشگاهی و خدمات قابل توجهی برای خدمت به شهروندان و دیگر هموطنان می‌باشد. دولت آباد از شرق به حبيب آباد و جاده‌های اردستان و نائین و از غرب به شهر تاریخی گز برخوار و آزادراه اصفهان به تهران راه دارد.

شهرهای اطراف دولت آباد نیز از حیث تاریخی و فرهنگی و برخی محصولات کشاورزی و صنایع دستی در مرتبه‌ای مناسب قرار دارد. از جمله آنها می‌توان از حبيب آباد، کمشچه و خورزوق یاد نمود^۳.

وجه تسمیه نرمی

با توجه به پیشینه باستانی و قدمت منطقه قابل توجه برخوار وجه تسمیه و نام‌های قدیمی که حکایت از پیشینه‌دار

زمان آباد

پس از این که اصفهان پایتخت صفویان در اواخر سال ۱۱۳۴ و اوایل ۱۱۳۵ هـ.ق مورد تهاجم و تجاوز افغانه غلجه‌زایی قرار گرفت و این شهر بهشت نشان تخریب شد. اطراف و اکناف آن نیز مورد تعدی و خرابی بسیار واقع گردید و نهایتاً سکنه آن به مناطق دیگر مهاجرت نمودند. از جمله نواحی مورد هجوم، برخوار، شهرها و روستاهای آن بود و نیز منطقه برخوار قدیم از جمله گز در مقابل این گروه مهاجم رشادت‌های بی نظیری نشان دادند که در همه موارد متجاوزین شکست خوردند.^۶

ولی با وجود همه این مقاومت‌ها، برخوار شاهد دگرگونی شد و بسیاری از سکنه آنجا را رها نمودند. یکی از مناطق که مشخص است از آبادی و رفاه و اقتصاد پر رونق به ویژه از جهت کشاورزی بهره‌مند بود «نرمی» است. پس از مدتی که از هجوم افغانه گذشت شخصی به نام محمد زمان خان که باید یکی از امرا، صاحب منصبان یا

بودن شهرها و روستاهای آن است وجود دارد. از جمله سین، شاهپور آباد، آدرمناباد (محسن آباد) و کربکند و تعدادی دیگر که از جمله آن نرمی یا نریمان است.

وجه تسمیه نرمی از نیرم (نریمان) گرفته شده است. نریمان پدر سام و سام پدر دستان (زال) و دستان نیز پدر رستم بوده است.^۴

شاهنامه فردوسی از زبان مادر سهراب (تهمینه) نام و نشان پدر را این چنین توصیف می‌کند:

تو پور گو پیلتن رستمی

ز دستان سامی و از نیرمی (نریمان)

و در جای دیگری از شاهنامه آمده

است:

سه مه با حریفان بُدی اصفهان

هوای خوش و جایگاه مهان

در این زمان جمعیت ساکنان این

محل که نزدیک به ۶۰۰۰ هزار سکنه

است. تعداد بسیاری فامیل نریمانی

دارند هر چند که برخی سادات منطقه

از نریمانی به سجادی تغییر فامیل

داده‌اند.^۵

متولیان عهد خود بوده باشد از اصفهان به آنجا آمد و با توجه به وجود بقعه امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام در این منطقه در صدد رونق و آبادانی آن برآمد و بر اساس این اقدامات بنیادی و قابل تقدیر وی این مکان (نرمی) به زمان آباد نیز شهرت یافت. حدس زده می شود که این مسئله باید در اواسط قرن دوازدهم هجری روی داده باشد.^۷

امامزاده ابراهیم علیه السلام (نرمی) از دیدگاه منابع تاریخی، تذکره ها، اسناد و فرهیختگان

از جمله امامزاده های معروف و مطرح و قابل اعتنا بنا بر آنچه که بسیاری از مؤلفین کتب انساب و محققین موثق در کتب رجال و آثار مربوط به سادات آورده اند حضرت ابراهیم بن موسی علیه السلام است که در محله زمان آباد یا نرمی از محلات دولت آباد (برخوار) مدفون شده است. و امروزه به دلیل واقع شدن بقعه ایشان و فرزند وی به نام اسماعیل علیه السلام در ناحیه نرمی به امامزاده نرمی نیز مرسوم گردیده است.

سوی آثاری که در باب ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام سخن گفته و مطالبی را نقل نموده اند و البته همان طور که آمد در مکان های مختلف که عمدتاً در عراق و عتبات از جمله مقابر قریش در بغداد (یعنی کاظمین) محل دفن آن ذکر گردیده است لیکن برخی منابع تاریخی و تألیفات نیز از وجود ابراهیم بن موسی علیه السلام [عمدتاً ابراهیم اصغر] در مناطقی از ایران صحبت کرده اند.^۸

اما آنچه درباره برخی از امامزادگان آمده است این که تعداد بسیاری از آنها منتسب به یکی از ائمه اطهار علیهم السلام بوده که اغلب با چند واسطه به آنان می رسیده اند و به قول مرحوم استاد جلال الدین همایی: «امامزاده صحیح النسب جز این نیست که سید صحیح النسب باشد، فقط تفاوت آنها به قرب و بُعد مبدأ اتصال است»^۹.

سیری در آثار و تألیفات

آثار متعددی که درباره امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام مدفون در زمان

آباد مطالبی نگاشته‌اند. وی را در بین سایر امامزاده‌های معروف به ابراهیم بن موسی علیه السلام مهمتر و معتبرتر دانسته‌اند به طوری که مؤلف «مزارات اصفهان» پنج امامزاده معروف به ابراهیم بن موسی را در اصفهان و اطراف آن نام برده است از جمله: امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام در محله طوقچی (قبرستان قدیمی و سابق طوقچی)، امامزاده ابراهیم در محله دارالبطیخ، امامزاده ابراهیم در محله مستهلک سابق واقع در خیابان

آذر فعلی که به شاهزاده ابراهیم موسوم است، دیگری امامزاده ابراهیم در محله سودان ماربین خیابان کهندژ و پنجمین و آخرین آن امامزاده ابراهیم در قریه زمان آباد است و سپس در مورد آن می‌نویسد: «این امامزاده از سایر امامزادگان به این نام که در اصفهان و اطراف واقع شده مهمتر می‌باشد که مشهور به امامزاده نرمی است»^{۱۰}.

عده‌ای از نویسندگان مبرز و به ویژه علمای رجالی و محقق در انساب



که در اواسط و یا اواخر عهد قاجار و نیز دوره معاصر آثاری را تألیف نموده‌اند درباره این امامزاده مطالبی را در نوشته‌های خود آورده‌اند. از جمله در حواشی کتاب ارزشمند و نفیس «روضات الجنات فی احوال العلما و السادات» آنجایی که در باب عبدالعظیم حسنی است، ذکری از امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام معروف به امامزاده نریمی شده است.^{۱۱} و بر همین منوال نیز برخی مؤلفین و تذکره نگاران از جمله مرحوم ملا محمدهاشم خراسانی (متوفی ۱۳۵۲ ه.ق) نویسنده کتاب «منتخب التواریخ» نیز با تأسی به صاحب روضات این مطلب را آورده است.^{۱۲} و یا مرحوم جلال‌الدین همایی نیز بدین صورت نقل نموده است.^{۱۳} به غیر از دانشمند و محقق رجالی سید محمدباقر موسوی خوانساری، برادر او یعنی مرحوم آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی (متوفی ۱۳۱۸ ه.ق) هم که در علم نسب شناسی به میزان قابل توجهی احاطه داشته، تتبعات و تألیفاتی را در همین جهت شکل داده

است. ایشان نیز در اثر خود «میزان الانساب» که در شرح حال امامزاده‌های اصفهان تألیف نموده است از امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام نیز مطالبی درج نموده و در بیان و توضیح امامزاده‌های مدفون در این شهر و توابع آن آورده: «و امامزاده‌هایی که در اطراف شهر اصفهان می‌باشد چیزی از آنها نیافتم که معتبر باشد مگر سه امامزاده^{۱۴}» و از جمله امامزاده‌هایی که موثق می‌شمارد همین امامزاده ابراهیم (نریمی) است. همچنین در حواشی «میزان الانساب» پس از توصیف شخصیت امامزاده ابراهیم اطلاعاتی درباره صحن و سرا و فضای آن در حدود هفتاد سال پیش چنین آمده است: صحنی نسبتاً بزرگ و ایوانی از آینه و گنبدی از کاشی و ضریحی از چوب و شباک برنجی دارد و در سال ۱۳۰۶ ه.ق تعمیر و اصلاح شده و نام ظل السلطان بر ضریحش نوشته شده که شاید تعمیر به دستور او بوده است، در حوالی زمان چاپ کتاب «میزان الانساب» (اوایل دهه ۱۳۳۰ ه.ش) نیز تعمیراتی را به خود دیده

«سفرنامه اصفهان» که تألیفی است مربوط به اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری ضمن معرفی قریه زمان آباد و جایگاه آن در برخوار صاحب نام بودن آنجا (زمان آباد) را مرهون موقعیت مدفن این بقعه شریف دانسته و آنجا را مزار و مطاف جمیع مردم دانسته و مسافت امامزاده را تا اصفهان سه فرسخ تخمین زده است.^{۱۸} این گونه مطالب نشان می‌دهد که در آن دوران نیز امامزاده ابراهیم علیه السلام هم مورد عنایت ویژه مردم اصفهان و بسیار مورد تکریم بوده است.

افضل الملک در بیان یکی از خصوصیات معنوی آن مطلبی را نقل کرده و آورده است: «از جمله کرامات او که دائم باقی است، آن که هر کسی آنجا بست بنشیند و از ترس حکام به آنجا پناه برد، ایمن است و هر کس خواسته است احدی را به زور از آنجا بیرون آورد، به سخط آن مظهر غیرت واقع شده است و این کار مکرر به تجربه رسیده، دیگر همگان «من جرّب المجرب» را نصب العین خویش

است و در آن موقع عده‌ای از اهل خیر مشغول تعمیر و اصلاح ساختمان آن بوده‌اند.^{۱۵}

مؤلف «نصف جهان فی تعریف الاصفهان»^{۱۶} که در عهد قاجار اثر خود را به جهت معرفی تاریخ، فرهنگ و جغرافیای اصفهان و نواحی آن به عنوان تألیفی مستند و هرچند مختصر لیکن سودمند نوشته است از بلوک برخوار و حدود و ثغور آن اطلاعاتی را ارائه نموده و از مقام و جایگاه امامزاده ابراهیم یاد کرده به طوری که گزارش وی حکایت از علو مقام و درجه والای امامزاده نرمی در آن روزگار است وی می‌نویسد: «و جهت بروز و ظهور کرامات متکثره، دیگر کسی دقت در محض از نسب او نمی‌کند چه خود حکایت صحت آن را می‌نماید و گفته‌اند «مشک آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید» مؤلف همچنین از بست نشینی مظلومان و ستمدیدگان در آنجا به عنوان ملجاء و پناهگاه یاد کرده است.^{۱۷}

میرزا غلامحسین افضل الملک در

ساخته جسارت به این کار نمی کنند و این معجزه باقی است. هر که را منکر باشد، قدمی پیش گذارد و تجربه نماید تا به چشم خود ببیند و بداند که حمل بر امور اتفاقیه نمی توان نمود^{۱۹}».

عالم فاضل و شخصیت برجسته علمی و معنوی اصفهان در اواخر عصر قاجار یعنی ملا عبدالکریم گزی (متوفی ۱۳۳۹ ه.ق) از جمله فرهیختگانی است که در عرصه های دانش در زمان خود چهره ای مبرز محسوب شده است و در گز برخوار متولد گردیده و اجدادش نیز از علما و برجستگان علم و ادب آن منطقه بوده اند علاوه بر فقه و علوم شرعی در رجال نویسی نیز سرآمد بود به طوری که پس از تألیف «تذکره القبور» اثر وی مورد تحقیق دانش پژوهان و محققان رجالی قرار گرفت و بر آن حواشی نوشته شده است^{۲۰}.

آخوند گزی با بر شمردن تعدادی از امامزادگانی که در اصفهان شهرت ابراهیم دارند، امامزاده ابراهیم (ع) در قریه نرمی را از حیث معنوی با دستگاه تر یا مجلل تر از دیگران

دانسته و می نویسد: «و اعتقاد غریبی مردم اطراف به او دارند و از قسمش می ترسند و از دور به زیارتش می روند و نذرها می برند^{۲۱}».

از دیگر مشاهیر ادب و علما مطلع در مباحث و مسائل تاریخ، فرهنگ و رجال در اصفهان اواخر عصر قاجار و اوایل دوران پهلوی مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری (متوفی ۱۳۷۶ ه.ق) است که آثار او در این باب متقن و ارزشمند است. وی در توصیف محلات و مناطق برخوار، میزان کشت و زرع و انواع محصولات آن به مناطقی از جمله نرمی نیز اشاره دارد و پس از توصیف طبیعت منطقه از درختان و فضای زراعت آنجا به محصولات به ویژه پسته، سنجد و غلات اشاره نموده و آب و هوای برخوار را صاف و سالم توصیف کرده و عنوان می کند که امراض در آنجا کمتر پدید می آید و درباره امامزاده ابراهیم (ع) می نویسد: «و در قریه نرمی مرقد امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) که سند معتبر دارد زیارتگاه و بسی مجرب است

توسل به روان مقدسش^{۲۲}».

برخوار دانسته است^{۲۳}.

استعلام از آستان قدس رضوی

در پاسخ به استعلامی که در سال ۱۳۸۲ هـ.ش در باب جایگاه و منزلت امامزاده ابراهیم (نرمی) زمان آباد برخوار از آستان قدس رضوی شده بود، جوابیه‌ای از ناحیه آن آستان مقدس صادر شده که ضمن ذکر برخی منابع و مصادر که نام و نشان و موقعیت و منزلت این امامزاده را آورده است و نیز ضمن بیان ورود و حضور امامزادگان سلیمان و ابراهیم علیهما السلام در منطقه بیدهند نطنز و چگونگی شهادت سلیمان در آنجا به توقف کوتاه مدت ابراهیم علیه السلام در جایی که امروزه قدمگاه نامیده می‌شود، به نحوه ورود وی به حوالی اصفهان و زمان آباد برخوار پرداخته و به موضوع جراحات و شهادت و دفن وی در مکانی که به امامزاده نرمی مشهور است اشاره می‌نماید.

به گفته آقای دکتر ابوالفضل حسن آبادی رئیس محترم بخش اسناد آستان مقدس رضوی در تنظیم این گونه اسناد

درباره شخصیت امامزاده ابراهیم نیز در سال‌های اخیر هم آثار و هم مطالبی منتشر شده است. آقای حسین عماد زاده مشهور به عماد الدین حسین اصفهانی (متوفی ۱۴۱۰ هـ.ق) که از قرآن پژوهان و محققان برجسته تاریخ اسلام به ویژه تشیع به شمار می‌رود، در اثری که در باب زندگانی امام موسی بن جعفر علیه السلام در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ هـ.ش و در دو جلد منتشر نمود، پس از بر شمردن انقلابات شیعه و عصر امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و تحولاتی که در ایران، عراق و مناطق شیعه نشین و طرفدار آل محمد صلی الله علیه و آله رخ داده به ورود مهاجران علوی به ویژه سادات موسوی اشاره داشته و ضمن بیان شخصیت ابراهیم بن موسی علیه السلام به ابراهیم اکبر و ابراهیم اصغر فرزندان امام هفتم علیه السلام اشاره نموده و نظر خود را در مورد مدفن آنان ابراز داشته و مزار یکی از آنان را بغداد و مقابر قریش و دیگری را در اصفهان در قریه امامزاده نرمی از بلوک

نیز مرحوم آقای جاهد نیا کارشناس تالار محققان آستان قدس در آن زمان نیز همکاری داشته است. اکنون نیز نسخه‌ای از این سند در مجموعه اسناد آستان مقدس حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) در مشهد مقدس موجود است.^{۲۴}

نوشته‌ها و اظهارات برخی دیگر از محققان

مؤلف «تاریخ تشیع اصفهان» نیز در معرفی امامزاده‌های این شهر و حومه آن، امامزاده ابراهیم واقع در نرمی دولت آباد اصفهان را در جزء امامزادگان مشهور و مطرح قلمداد و آن را در کتاب خود ذکر نموده است.^{۲۵} نویسنده کتاب «ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ» هم بر اهمیت و جایگاه این امامزاده شریف النسب صحه گذاشته و با استناد بر منابع متعدد ضمن اشاره به موسوی بودن آن از ویژگی‌های بنا و موقعیت ساختمان، فضاهای حرم و مختصات آن، صحن سرا و برخی مدفونین در آنجا یاد نموده است.^{۲۶}

در آثار متعدد دیگر از جمله دانشنامه «فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور» اثر دکتر محمدحسین پاپلی یزدی ضمن معرفی امامزادگان مدفون در ایران و در بین امامزاده‌هایی که موسوم به ابراهیم هستند از سه مورد امامزاده ابراهیم مدفون در اصفهان از جمله ابراهیم بن موسی (علیه السلام) معروف به امامزاده نرمی نیز نام برده است.^{۲۷}

محقق رجالی روان شاد مرحوم استاد سید مصلح‌الدین مهدوی (متوفی ۱۳۷۴ هـ.ش) در تألیف مشهور خود یعنی «دانشمندان و بزرگان اصفهان» از امامزاده ابراهیم بن موسی (علیه السلام) (امامزاده نرمی) یاد کرده و تعدادی از مزارات در این بقعه و از جمله برخی از علما و مشاهیر مدفون در آن را نام برده و به بیان احوال آنان پرداخته است.^{۲۸}

کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» از عبدالحسین سپنتا در زمره نخستین آثاری است که به معرفی آثار متبرکه اصفهان پرداخته و در صورت فهرستی که از بقاع ارائه نموده به این امامزاده (نرمی) هم اشاره کرده است.^{۲۹}

امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام موسوم به امامزاده نرمی پرداخته‌اند. قدیمی‌ترین سندی که تاکنون شناخته شده و از آن در باب معرفی و نسب امامزاده مطالبی نقل شده است، کتاب «نور الهدی فی نسب آل المصطفی صلی الله علیه و آله»^{۳۲} تألیف عزالدین محمد بن محمود گلستانه است که در سنه ۱۰۴۱ هـ.ق تألیف و بعدها در هندوستان طبع شده است^{۳۳}.
 زنده یاد استاد جلال‌الدین همایی درباره کتاب مذکور و مطالب آن آورده است: «[این کتاب] راجع به امامزاده‌های اصفهان مطالبی می‌نویسد که نگارنده [جلال‌الدین همایی] جزء در این کتاب ندیده‌ام از جمله می‌گویند که: هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام و برادرش ابراهیم بن موسی علیه السلام هر دو در اصفهان مدفون‌اند. هارون جنب [مسجد] جامع عمر تمیمی [که امروزه مسجد علی علیه السلام نامیده می‌شود و همان هارون ولایت معروف است] و ابراهیم علیه السلام در برخوار^{۳۴}.
 استاد همایی مقصود گلستانه را از هارون، بقعه هارونیه می‌داند اما

تألیفی تحت عنوان «راهنمایی گردشگری ایران»، امامزاده ابراهیم (نرمی) را ضمن این که به عنوان قطب معنوی معرفی نموده آن را نیز جزء جاذبه‌های گردشگری استان اصفهان می‌داند و با بیان نسب ایشان به ویژگی‌های بنای قبلی و آثار گذشته، کتیبه‌ها و قدمت آن پرداخته است^{۳۵}.

همچنین همواره در معرفی آثار متبرکه در استان اصفهان و آمار و اطلاعاتی که به ویژه از ناحیه سازمان‌ها و نهادهای مذهبی، فرهنگی مانند اوقاف ارائه می‌گردد، امامزاده ابراهیم علیه السلام (نرمی) جزء مهمترین مراقد و بقاع این خطه محسوب شده و می‌شود^{۳۶}.

قدیمی‌ترین سند شناخته شده (مکتوب) در باب امامزاده نرمی

به جز مواردی که از نوشته‌های مؤلفان کتب تاریخی، سفرنامه‌ها و برخی تذکره‌ها نقل شد و اکثر آنها مربوط به زمان قاجاریه و بعد از آن است که آنها عمدتاً به معرفی و ویژگی‌های مختصر از مکان، موقعیت و مقام

مراد از ابراهیم بن موسی علیه السلام را همان امامزاده نرمی برخوار دانسته^{۳۵} و وی را امامزاده‌ای معتبر از نسل امام موسی کاظم علیه السلام می‌داند^{۳۶}.

سیر معماری و پیشینه بنای آستان ابراهیم بن موسی (نرمی) و فرزندش

یکی از ویژگی‌های بسیار قابل توجه که حکایت از قدمت مکان بقعه امامزاده ابراهیم علیه السلام دارد، آثار به‌دست آمده‌ای است که قبلاً از اجزاء بنا و جزء معماری و تزینات این جایگاه مقدس بوده است.

هر چند منطقه برخوار و شهرهای تاریخی آن ریشه در گذشته‌ای طولانی دارد و بهره‌مند از سوابق باستانی می‌باشد اما بررسی آثار موجود که مربوط به امامزاده نرمی بوده است دلالت بر آن می‌نماید که دیرینه‌ترین نمونه‌های به‌دست آمده در آنجا مربوط به قرون نخستین اسلامی به‌ویژه قرن سوم هجری می‌باشد، چرا که در حال حاضر قدیمی‌ترین ابنیه در منطقه

مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری و در این زمره می‌توان از مسجد جامع گز نام برد و این بنا براساس برخی نوشته‌ها از قرن پنجم و یا ششم هجری است و متخصصان هنر و معماری آن را مربوط به عصر سلاجقه می‌دانند^{۳۷}.

قدیمی‌ترین نمونه آثار (قرن سوم هجری)

هرچند که بعضی نوشته‌ها و تحقیقات در گذشته از این سخن دارد که حداکثر قدمت بنای این امامزاده دست کم مربوط به زمان سلجوقیان می‌رسد^{۳۸}. اما خوشبختانه با بررسی‌های دقیق و تأملات علمی و اثر شناسانه‌ای که اخیراً توسط یکی از متخصصان مجرب و باستان شناس صورت پذیرفت نتایج جدیدی از آثار موجود مربوط به پیشینه بناهای اولیه امامزاده حاصل شد و آن پژوهش و تحلیلی بود که راجع به گچ‌بری‌های این بقعه شریف صورت گرفت. گچ‌بری‌هایی که در اطراف بقعه به ویژه محراب وجود داشت و علی‌رغم

تخریب قسمت اعظم و نابودی آن، تکه‌ها و یا قطعاتی از آن هم اکنون در موزه کوچکی در قسمتی از امامزاده نگهداری می‌شود.

بدین جهت و برای حصول از تحقیقات و تتبعات جناب آقای دکتر عباسعلی احمدی، نتیجه‌گیری ایشان از گچ‌بری‌های امامزاده ابراهیم بن کهن هنر ایرانی است که در بسیاری از رسانه‌های هنری دوره ساسانی و حتی قبل از آن کاربرد داشت. از جمله آثار ساسانی دارای گچ‌بری بدین اشکال، نمونه‌هایی است که در حفریات قلعه یزدگرد به‌دست آمده است. با ورود اسلام بسیاری از نقش مایه‌های هنر ساسانی با مفاهیم جدید



موسیٰ (نرمی) چنین است: «نوع نقش مایه‌های به‌دست آمده از محراب گچ‌بری مقبره امامزاده نرمی، شامل نقوش برگ‌های منقور تاک و میوه آن است. این نقش مایه یکی از گونه‌های

و پاره‌ای تغییرات در هنر اسلامی تداوم می‌یابد؛ از جمله آن اشکال میوه و برگ تاک است که از کهن‌ترین نمونه‌های اسلامی آن تزیینات بکار رفته در قبة الصخره است. در بین نقش مایه‌های

گچ‌بری‌های امامزاده نریمی، تزیینات برگ تاک با برگ تاک‌های بکار رفته در گچ‌بری‌های مسجد نُه گنبد بلخ و گچ‌بری‌های سبک سامرا که هر دو به قرن سوم هجری قمری تعلق دارد، قابل مقایسه است. در این بین ترکیب برگ تاک و میوه آن با برخی نمونه‌های بکار رفته در تزیینات گچ‌بری مسجد جامع نایین شباهت بسیار زیادی را نشان می‌دهد. گچ‌بری‌های این مسجد به قرون سوم و چهارم هجری قمری نسبت داده شده است. اگرچه گچ‌بری‌های امامزاده نریمی نشان دهنده بیشترین شباهت با نمونه‌های نایین است با این وجود در مقایسه با آن حالت طبیعی‌تر داشته و به هنر ساسانی نزدیک‌تر است و بر همین اساس به نسبت گچ‌بری‌های نایین زمان متقدم‌تری را نشان می‌دهد؛ از همین رو و با توجه به مورد اخیر و مواردی همچون دوره زمانی وفات حضرت ابراهیم بن جعفر علیه السلام و تشابهاتی که با آثار قرن سوم هجری قمری دیده می‌شود، قرن سوم هجری به عنوان

تاریخ محراب گچ‌بری و بالطبع زمان ساخت بنای امامزاده پیشنهاد می‌گردد^{۳۹}.

با توجه به این که شیوه گچ‌بری‌های بکار رفته در تزیینات امامزاده نریمی به سبک اوریب بوده یعنی در آن اشکال هندسی و گیاهی تکرار می‌شده و به طور گسترده‌ای برای تزیینات مورد استفاده قرار می‌گرفته آن را سبک سامرا نیز می‌گویند چرا که سامرا در سال ۲۲۱ ه.ق توسط معتصم عباسی که از مخالفان سرسخت علویان بود بنا گردید و نزدیک به مدت نیم قرن به عنوان پایتخت عباسیان قرار گرفت و در آن کاخ‌ها و بناهای بسیاری ایجاد گردید^{۴۰} و در همین شهر بود که مدت‌ها ائمه اطهار علیهم السلام از جمله امام هادی و امام عسکری علیه السلام در بازداشت و تحت مراقبت به سر می‌بردند.

به هر حال آنچه که می‌توان نتیجه گرفت با توجه به گسترش سبک معماری سامرا که از عصر ساسانی نیز مایه گرفته بود آثاری که در آن زمان احداث می‌گردید از تأثیر هنر آن مکتب

آنان داشته و پس از وفات یا شهادت آنها نیز از برپایی بقاع باشکوه و آبرومند و مزین به آثار هنری که در شأن این خاندان باشد فروگذاری نمی نموده اند. پس با وجود این نمونه های گچ بری موجود و بررسی های کارشناسانه می توان نتیجه گرفت که بنای اولیه بقعه مربوط به قرن سوم هجری و نزدیک به زمان ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و یا مصادف با دوران حیات ائمه موسوم به ابن الرضا علیه السلام بوده است و نیز این گچ بری ها را می توان جزء قدیمی ترین آثار موجود دوران اسلامی در استان اصفهان و حتی ایران قلمداد نمود.

دور نمانده و بنا به نتایجی که محقق محترم پس از بررسی آثار گرفته اند آن را مربوط به دوره سامرا و قرن سوم هجری دانسته اند^{۴۱}، و آن زمان نیز مصادف با قیام های علویان و سادات و مهاجرت های آنان به ویژه به ایران بوده است. و با شهادت امثال ابراهیم بن موسی و فرزندش اسماعیل در آن ادوار سخت اختناق عباسی و علی رغم سخت گیری هایی که از ناحیه عوامل خلافت در شهرها و ولایات وجود داشته لیکن مردم که شیفته و علاقمند و محب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و آل علی علیه السلام بودند با استقبال از افراد منتسب به این خاندان سعی در خدمتگزاری نسبت به



دوران آل بویه (قرن چهارم هجری)

با نظر به تحولاتی که در اوایل قرن چهارم هجری در ایران به ویژه مناطق مرکزی آن به وجود آمد و تقریباً عمده قلمرو ایران از سلطه خلافت عباسی خارج و دولت آل بویه روی کار آمد از این جهت و به دلیل شیعی مذهب بودن بویه ایان، فرهنگ تشیع توسعه یافت و نفوذ و اقتدار سادات و دانشمندان شیعی در آن زمان فزونی گرفت و به این جهت بقاع متبرکه مربوط به سادات و فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام نیز مورد توجه بیشتری واقع گردید. برخی کارشناسان آثار و ابنیه شواهدی به دست آورده اند که در این دوران هم امامزاده ابراهیم علیه السلام (نریمی) مورد توجه واقع شده است.^{۴۲}

از عصر سلجوقی تا ابتدای قرن دهم هجری

در عصر سلجوقی هم علی رغم برخی محدودیت هایی که نسبت به شیعیان اعمال می شد با این حال سادات و

شیعیان امامیه در این دوره نیز گاه گاهی به موقعیت و قدرت دست می یافتند.^{۴۳}

اصفهان نیز در این دوره به ویژه عهد سلطنت ملکشاه سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵ ه.ق) مرکزیت یافت و از جهات متعدد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، هنری و حتی علمی به شکوفایی قابل توجهی رسید و آثار متعددی از عهد مذکور و حوالی آن موجود است.^{۴۴}

همچنین با توجه به نظرات کارشناسانه و بررسی های صورت گرفته، قسمتی از آثار گچ بری یافته شده در امامزاده ابراهیم علیه السلام، مربوط به دوره سلجوقی و ایلخانی است، در حقیقت آن مواردی که برجستگی نقوش و گل و برگ های آن زیادتر بوده و به صورت مشبک مشبک یا سوراخ سوراخ است اصطلاحاً به آن آژده کاری می گویند و بر این اساس می توان نتیجه گرفت که چنین آثاری از دوره سلجوقی و یا ایلخانی است.^{۴۵}

دوران شکوه و عظمت (عصر طلایی صفوی)

سرزمین ایران پس از دوران سختی

تزیینات گردید و برای آنان اوقاف و متولیان مقرر گردید.^{۴۷}

در پاسخ به استعلامی که از کتابخانه و مرکز مطالعات و اسناد آستان قدس رضوی شده و جوابیه‌ای که آمده است به این موضوع اشاره رفته که در سال ۱۰۰۲ ه.ق. و در عصر سلطنت شاه عباس اول و به دستور وی بقعه ارزنده‌ای جهت مزار امامزاده ابراهیم علیه السلام (نرمی) بنا گردیده است.^{۴۸}

درباره بنای عهد صفوی امامزاده هم آمده است: «این امامزاده، صحنی وسیع با اتاق‌هایی در اطراف دارد. کتیبه ایوان جلوی مقبره، به خط ثلث لاجوردی، با کاشی معرق بر زمینه آجری طراحی و اجرا شده است که اتمام بنای آرامگاه را به دوره شاه عباس اول می‌رساند. در داخل مقبره نیز به خط ثلث لاجوردی، با کاشی معرق بر زمینه معرق بر زمینه قرمز رنگ، آیه ۱۳۰ از سوره بقره و قسمتی از آیه ۹۷ سوره آل عمران که مشتمل بر نام ابراهیم علیه السلام است. گچ‌بری شده است».^{۴۹}

متأسفانه امروزه اثری از آثار دوران

که بر اثر حملات وحشیانه مغول و نیز ضربات سهمگین تیمور متحمل شد و نیز دوران ملوک الطوایفی و پراکندگی حاکمیت‌ها و توسعه هرج و مرج، در عصر صفوی پس از قرن‌ها به انسجام و وحدت ملی دست یافت که یکی از نمودهای اصلی آن رسمیت یافتن مذهب شیعه امامیه در ایران و آغاز سلطنت شاه اسماعیل اول در سال ۹۰۷ ه.ق. بوده است.

پس از آن علما و اندیشمندان شیعه موفق شدند به معرفی هویت ارزشمند تشیع و فرهنگ ائمه اطهار علیهم السلام بپردازند. به ویژه این که اصفهان در زمان شاه عباس اول و اوایل قرن یازدهم هجری به پایتختی انتخاب و دانشمندی به این شهر آمده و یا در آنجا رشد و نمو یافته‌اند که در این باب می‌توان امثال شیخ بهایی و علامه محمدباقر مجلسی را نام برد.^{۴۶}

در این زمان بود که پس از قرن‌ها سادات توانستند شعائر اجداد خود را احیاء نموده و در همین دوره امامزاده‌ها نیز دارای عمارات و بقاع مجلل و با

صفوی این بقعه با توجه به توصیفاتی که آمده و از حیث معماری و هنری نیز ارزشمند بوده وجود ندارد. همچنین سنگ قبر بقعه شش ضلعی بوده و ضریح مشبکی بر آن قرار می‌گرفت، از دیگر اجزاء بنا، اتاق‌ها و صفه‌هایی واقع در فضاها کنار گنبدخانه بوده است.^{۵۰}

در زمستان سال ۱۳۷۹ ه.ش، طی حفاری محوطه اطراف امامزاده به منظور عملیات ساختمانی، سنگ قبری در عمق ۲ متری زمین هویدا گردید، اگرچه به واسطه فرسایش، بسیاری از جزییات این سنگ محو گردیده بود اما با توجه به فرم، ویژگی‌های تزئینی و نمونه‌های مشابه تاریخ‌دار به دوران صفوی تعلق داشته و به نظر می‌رسد

سنگ قبر یکی از علما و بزرگان آن عصر بوده است.^{۵۱}

انقراض صفویان

علی‌رغم شکوفایی آثار مذهبی و بقاع متبرکه در اثر صفوی و ساماندهی و عمران آنها، متأسفانه با تهاجم افغانه غلجه‌زایی برخی از شهرها و مناطق ایران از جمله اصفهان پایتخت صفویان و حوالی آن شدیداً تخریب و مورد غارت قرار گرفت.^{۵۲} از نواحی اصفهان محلات برخوار علی‌رغم مقاومت‌های بسیار و دلاوری مردمانش، مورد تعدی واقع و تعدادی از سکنه و نفوس آن به مکان‌های دیگر مهاجرت نمودند که از جمله آنها روستای نریمی یا نریمان بود



گردید.

گزارش‌ها و مطالبی که در باب مزار امامزاده ابراهیم بن موسی و فرزندش یعنی حضرت اسماعیل علیه السلام از ناحیه تعدادی از علمای رجالی، مورخان، سفرنامه نویسان و ادبا منتشر شده و مربوط به عهد قاجار و یا اواخر این دوره است این امامزاده را از حیث جایگاه رفیع در بین مردمان آن عصر، بحث حسب و نسب، موضوع کرامات صادره و موقعیت آن ممتاز معرفی نموده است.^{۵۴}

در حواشی کتاب «میزان الانساب» به توصیف وضعیت عمارت و بنا در سال‌های پایانی عصر قاجار پرداخته شده و آمده است: «[این امامزاده] صحنی نسبتاً بزرگ و ایوانی از آینه و گنبدی از کاشی و ضریحی از چوب و شباک برنجی دارد و در سال (۱۳۰۶ هـ.ق) تعمیر و اصلاح شده و نام ظل السلطان بر ضریحش نوشته شده که شاید تعمیر به دستور او بوده، اکنون در زمان ما به تعمیر و اصلاح صحن آن مشغول می‌باشند».^{۵۵}

که متحمل صدمات و خسارات شده و قطعاً در این ایام بقاع متبرکه که دارای موقوفات و امکاناتی بوده‌اند نیز صدمه دیده است.

آبادی و رونق مجدد

ورود شخصی به نام محمد زمان خان پس از ایام فتنه افغان و تلاش‌های مؤثر او در بازسازی روستای نرمی باعث بازگشت رونق، بازسازی و شکل‌گیری مجدد آن به نام زمان آباد گردید. انگیزه اصلی محمد زمان خان در حیات مجدد نرمی وجود امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام بوده است.^{۵۳}

دوران قاجاریه

با توجه به فترتی که از انقراض صفویان حاصل شد و خساراتی که در ابعاد مختلف به میراث‌های معنوی و فرهنگی ایران به‌ویژه اصفهان وارد شد این موضوع دامن‌گیر بقاع متبرکه نیز گردید تا این که در عهد قاجار به همت برخی از علما و یا رجال مذهبی، سیاسی، اقتصادی و نیز مساعدت مردم بسیاری از ابنیه امامزاده‌ها ترمیم و احیاء

در حقیقت شالوده عمارت قبلی بناهای امامزاده شامل گنبدخانه مربع شکلی بوده است که بر فراز آن گنبدی قبه‌دار قرار می‌گرفت. نمای خارجی قبه را تزیینات کاشی‌کاری هفت رنگ با نقوش اسلیمی تزیین کرده و فضای داخلی اتاق مقبره نیز با تزیینات کاشی‌کاری و آینه‌کاری زینت یافته بوده است. ورودی اصلی گنبدخانه همانند اکثر امامزادگان برخوار از طریق یک ایوان به صحن امامزاده راه می‌یافت. ایوان مقبره دارای تزیینات کاشی‌کاری بود و سرتاسر طاق آن با مقرنس‌کاری تزیین گردیده بود. در قسمت جلویی این ایوان سایه بانی چوبی قرار گرفته بود.^{۵۶}

در طول دهه‌های گذشته چندین بار ساختمان امامزاده تخریب و نوسازی گردیده است.

در اینجا شایسته است تحولات اخیر در باب تغییرات و تعمیرات، توسعه و احیاء امامزاده در دوران اخیر و با توجه به مصاحبه‌ها و گزارش‌ها ارائه گردد تا فعالیت‌های صورت گرفته تبیین شود:

ویژگی‌های فضای آستان مقدس

مقام و موقعیت امامزاده ابراهیم و فرزندشان اسماعیل علیهما السلام از گذشته تا به حال بین مزارات و بقاع استان اصفهان جایگاهی والا و مبرز بوده و امروزه نیز به عنوان فضایی مورد استقبال خاص و عام، مشهود و معلوم است.

پس از ورود به محله نریمی شهر دولت آباد، ورودی‌های اصلی امامزاده، به نام‌های باب الحسن علیهما السلام و باب الحسین علیهما السلام هر دو به صحن امام خمینی رحمه الله باز می‌شوند که در طرف خیابان حضرت ابراهیم علیهما السلام (بلوار امام) واقع شده است.

هر چند عمده مزارات و مدفونین در قسمت صحن جنوبی می‌باشد لیکن تعداد قبور نیز در صحن شمالی وجود دارد.

برای ورود به حرم مطهر امامزادگان حضرت ابراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل علیهما السلام پس از ورود به صحن اصلی (امام خمینی) صحن امام حسن علیهما السلام قرار دارد که بنا به گفته یکی از اعضای محترم هیأت امنای نهضد متر

از حیث هیأت امناء ترکیب مناسب و ارزشمندی دارد ضمن این که در گذشته نیز افراد هیأت امنای سابق هم در جهت تقویت مبانی و توسعه این آستان مقدس فعالیت نموده‌اند.

همچنین تعدادی هم به عنوان هیأت امنای افتخاری به شمار می‌روند که از شخصیت‌ها و یا مقامات استان و یا کشور محسوب می‌شوند.

فعالیت‌های عمرانی آستان از گذشته تا حال

با توجه به گزارش مسئولین محترم و هیأت امناء و دست اندرکاران این بقعه شریف در سال‌های گذشته تحولاتی در فضای امامزاده و اطراف آن صورت گرفته که عبارتند از: در بخش عمرانی و دگرگونی‌ها به ویژه از سال ۱۳۷۵ هـ.ش تاکنون صورت پذیرفته و اندیشه تحولات و ایجاد طرح‌های مؤثر عمرانی و فرهنگی مدنظر است. همچنین در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ این رخدادهای بوده است: آزادسازی ساختمان‌های مسکونی و تجاری

مساحت دارد^{۵۷}.

بعد از آن نیز ورودی به دارالسعاده که آن نیز ۵۰۰ متر است و در شمال حرم مطهر نیز رواق حضرت اسماعیل با حدود ۴۰۰ متر قرار گرفته است.

طرح جامع امامزاده مبتنی بر مساحتی بالغ بر سیزده هکتار می‌باشد که البته هنوز تصویب نشده و آنچه که فعلاً موجود است حدود دو هکتار مشتمل بر صحن جنوبی (صحن بزرگ‌تر) و صحن شمالی (صحن شهدا) است^{۵۸}.

نهادهای و اتاق‌های امور امامزاده از جمله آشپزخانه، اتاق خادمین، مسائل اداری، موتورخانه و دستشویی در صحن جنوبی واقع شده است.

همچنین در صحن جنوبی (صحن امام خمینی) جایگاهی تعبیه گردیده که به آن نقاره خانه گفته می‌شود که عمدتاً عصرهای ایام تعطیل، روزهای جمعه و یا برخی مناسبت‌ها حدود نیم ساعت تا ۲۰ دقیقه قبل از غروب گروهی که معمولاً مشتمل بر ۱۰ نفر هستند به نواختن نقاره می‌پردازند.

امروزه این امامزاده واجب التکریم

اطراف حرم در حدود تقریبی ۴۰۰۰ متر مربع، ساختمان سازی و تأسیسات با ارزش نزدیک به ۸۰۰ میلیون تومان، زیباسازی و نماسازی از جمله ۶۰۰ متر کاشی کاری که عمده آن مربوط به گنبد مطهر امامزاده بوده است. همچنین در هفت سال گذشته حدود ۳۰۰ متر آیینه کاری توسط هنرمندان این رشته صورت گرفته و نیز مزارات (گلستان) شهدای مدفون در جوار امامزاده نیز ترمیم و بازسازی شده است. یکی دیگر از اقدامات مناسب و مهم که حفظ امنیت مؤثر می باشد و از فعالیت های عمرانی نیز به حساب می آید، نصب دوربین مدار بسته است.

در ادامه این فعالیت های عمرانی در سال ۱۳۹۰ جهت توسعه فضای حرم کلنگ زنی شبستان بزرگ به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع توسط حضرت آیت الله ناصری انجام شد، از دیگر اقدامات در این سال می توان به اجرای زیرسازی (فنداسیون) شبستان بزرگ شرقی آستان مقدس، بتون ریزی سقف و ستون های ایوان جنوبی و غربی اشاره

نمود، ضمن آن که در ادامه فعالیت های زیباسازی کار تکمیل مقرنس کاری و آیینه کاری قسمتی از حرم مطهر استمرار یافته است و نیز توسعه صحن امام خمینی علیه السلام از قسمت جنوبی و آزادسازی قسمت مکان سرویس های بهداشتی از دیگر اقدامات صورت گرفته است.

برنامه های عمرانی آینده

همت بلند و گام های ارزنده مردمان ولایت مدار منطقه به ویژه ساکنان زمان آباد و اطراف بقعه و مسئولین و دست اندرکاران امور این امامزاده واجب التکریم قابل توجه است. به طوری که به دنبال توسعه کمی و کیفی و ایجاد فضاهای مطلوب و متناسب می باشند و به همین جهت در برنامه های آتی این موارد مدنظر است: یکی از اصلی ترین مبانئ برای توسعه مسائل عمرانی و تأسیسات در کلیه امامزاده ها از جمله امامزاده ابراهیم علیه السلام طرح جامع است. به طوری که سیاست سازمان اوقاف و امور خیریه نیز این است که هر امامزاده باید طرحی جامع

باید پیش‌بینی شود تا اگر صحن در آینده گسترش یافت، تخریب نشود و دسترسی نیز داشته باشد^{۵۹}.

با توجه به اجرای طرح جامع وسعت فضایی که سیزده هکتار می‌باشد، نهادها و مضافات جدید را در بر خواهد داشت که عبارتند از: ساخت و تجهیز مجتمع فرهنگی، ایجاد سالن چند منظوره، بنیان کتابخانه، تأسیس حوزه علمیه، احداث

داشته باشد که از طرف این سازمان تأیید شود. وجود این طرح باعث ثبات در سیاست‌های عمرانی و هدفمندی در این امور و جلوگیری از ساخت بدون تناسب و تخریب‌ها خواهد شد. طرح جامع پس از تهیه به تأیید کارشناسان اوقاف می‌رسد که متخصصین دفتر فنی استان هستند و در بحث معماری مذهبی و سنتی و پیش‌بینی فضاها و ...



دارالقرآن الکریم، ساخت و زیباسازی صحن و سقف حرم مطهر، ایجاد زائرسرا، ساخت و ایجاد مهدکودک و تفریح‌گاه کودکان و نیز احداث آنچه که بتواند در توسعه و شکل‌گیری فرهنگ و امور مربوط به آن مؤثر باشد.

تخصص دارند. طرح جامع ویژگی‌ها و مختصاتی دارد که باید پیش‌بینی شود و تلاش شود تا به اهداف و مقاصد دست یافته و محدودیت زمانی ندارد. مثلاً کفشداری، انتظامات و خدام، سرویس بهداشتی و سایر فضاها، اینها

وقف و امامزاده ابراهیم علیه السلام

وقف به عنوان پشتوانه‌ای تأثیرگذار در فرهنگ و تمدن اسلامی به ویژه تشیع راه‌گشای امور متعددی بوده و در ادوار مختلف با توجه به مرکزیت اصفهان در سلسله‌های اسلامی در شهرها و روستاهای این ایالت مهم مورد توجه قرار گرفته است. امروزه پس از گذشت قرن‌ها از انقراض سلسله‌هایی چون صفویه هنوز موقوفاتی که برای تعدادی از مساجد، مدارس و اماکن متبرکه که در آن زمان منظور شده بود وجود دارد.

متأسفانه موقوفات اصفهان به ویژه امامزاده‌ها و اماکن متبرکه در زمان حمله افغان، دوره حکومت نادر و پس از عصر قاجار و نهایتاً عصر پهلوی مورد دستبرد قرار گرفته و بسیاری از اسناد آن نابود و املاک و مستغلات آن به تصرف افراد سودجو و فرصت‌طلب درآمده است.^{۶۰}

یکی از امامزاده‌های مطرح اصفهان که امروزه چیزی چندان به عنوان اوقاف ندارد، امامزاده ابراهیم بن موسی علیه السلام

است که علی‌رغم اشتهار و اعتبار از این حیث بهره‌مند نیست.

مسئول محترم اوقاف شهرستان، از جمله علل نبودن اسناد اوقافی در مورد این امامزاده و برخی از سایر بقاع را، مدیریت سنتی گذشته می‌داند و این که افراد اسناد را در منزل نگهداری می‌کردند. برای مثال پولی برای روضه‌خوانی وقف می‌باشد و آن را به آقای محل می‌دادند و می‌گفتند این وقف است و به مرور زمان واقف که از دنیا می‌رود دو حالت ایجاد می‌شود یا وارثین متدین هستند و به وقف پدر پایبندند و اسناد وقف دست به دست گشته تا امروز به دست اوقاف رسیده یا وارثین متدین نیستند که اسناد را مخفی می‌کردند و وقف پدر را از ارث خود محسوب می‌کردند.^{۶۱}

در باب میزان فعلی موقوفات، تنها مواردی که اکنون وجود دارد و جنبه حقوقی پیدا کرده و مالکین فعلی نیز تمکین نمی‌کنند تعداد پنج مغازه متصل به امامزاده است که ما آن را رقبه می‌گوییم. حتی قدیمی‌ها می‌گویند در

به گفته مسئول اوقاف شهرستان، از طرف اوقاف بر همه مخارج امامزاده‌ها نظارت می‌شود و هیأت امنای بقاع متبرکه نیز به مدت سه سال انتخاب می‌شوند و هر امامزاده نیز برای رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف به‌ویژه عمرانی باید طرح جامع داشته باشد که این طرح ۲۳ ویژگی دارد و باید پیش‌بینی و تلاش شود تا به اهداف و ویژگی‌ها دست یافته و محدودیت زمانی ندارد.

اقوالی در باب نحوه شهادت ابراهیم بن موسی (امامزاده نرمی) و فرزندش

یکی از اعضای هیأت امنای سابق امامزادگان ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام پس از برشمردن نسب و ورود این شخصیت‌ها از سادات علوی از جمله سادات موسوی در ایام ورود امام رضا علیه السلام، امامزاده ابراهیم، برادرش سلیمان و نیز پسرش اسماعیل علیه السلام را جزء کسانی می‌داند که تحت تعقیب عوامل بنی عباس قرار گرفته و چون

گذشته گاه هزینه‌هایی برای امامزاده می‌آوردند از طرف کاشان و می‌گفتند این پول‌ها درآمد موقوفات امامزاده در آن مناطق است.

این موقوفات بیشتر در طرق، طاد و نطنز بوده و عوایدش به امامزاده نرمی می‌رسیده و حالا دیگر نمی‌آورند و همچنین مشخص نیست دقیقاً چه بوده است.^{۶۲}

نذوراتی که مستقیم از ضریح خارج می‌شود به اوقاف می‌آید، ثبت می‌شود و تحت عنوان نذورات حضرت به حساب اوقاف استان واریز می‌شود. هزینه‌های استخراج شده از ضریح (نذورات حضرت) در قسمت فرهنگی، عمرانی و مدیریتی تقسیم می‌شود. اگر در زمینه عمرانی هزینه شود باید طبق طرح جامع آستان باشد. اگر فرهنگی باشد باید طبق سیاست‌های سازمانی اوقاف باشد که مقام معظم رهبری هم گفتند باید امامزادگان تبدیل به قطب فرهنگی شوند. مدیریت هم برعهده خادمی است که از کانال اوقاف جذب می‌شود.^{۶۳}

قصد پیوستن به امام رضا علیه السلام را داشتند، دشمن مانع شد و ایشان از طرف کاشمر بازمی‌گردند. و تعدادی در اماکن مختلف متواری یا به شهادت می‌رسند، وی بر این اعتقاد است که در این کاروانی که قصد پیوستن به امام را داشته، شخصیت‌هایی مانند احمد بن موسی معروف به شاه چراغ، امامزاده سید حمزه و سید مرتضی علیه السلام بوده‌اند.^{۶۴}

برادر امامزاده ابراهیم (نرملی) یعنی سلیمان در بیدهند از توابع نطنز به شهادت می‌رسد. پس از این اتفاقات بیدهند، امامزاده نرملی و همراهانش به دره‌ای می‌روند در همان حوالی که آب فراوان دارد. شب آنجا می‌مانند که آنجا

به عنوان قدمگاه معروف شده است ولی بنایی ساخته نشده لیکن درختی داشته که الان درخت افتاده است، اهالی آنجا را قدمگاه می‌دانند و سر انجام امامزاده ابراهیم و فرزندش اسماعیل به این منطقه (نرملی) آمده و بر اثر درگیری با عوامل خلفای عباسی و حکام محلی دست نشانده شدیداً مجروح گردیده و نهایتاً منجر به شهادت آنان و دفن‌شان در این مکان می‌گردد. و از آن زمان تا کنون این مکان شاهد رویداد کرامات بسیار و اتفاقات متعدد معنوی بوده که این نیز از ناحیه پر برکت وجود سید الکریم و فرزندش است.^{۶۵} باز در نحوه و چگونگی شهادت ابراهیم بن موسی علیه السلام در جایی دیگر



آمده است: [پس از شهادت سلیمان علیه السلام و گریز از نطنز، ابراهیم و همراهانش] در منطقه دستگرد برخوار با دشمنان اهل بیت علیهم السلام مواجه می شوند و بر اثر این درگیری یکی از همراهان ابراهیم علیه السلام به نام ادهم نیز در منطقه دستگرد برخوار با دشمنان اهل بیت علیهم السلام به فیض شهادت نائل می شود و به دست حضرت ابراهیم علیه السلام در همان محل دفن می گردد.

حضرت ابراهیم علیه السلام در این درگیری جراحات شدیدی بر بدن شریفشان وارد می شود به شکلی که در مسیر حرکت خود در نرمی (نریمان) در حال ضعف و ناتوانی، ناله کنان از حرکت بازمی ایستند.

حمای محل که شخصی مؤمن و معتقد به اهل بیت علیهم السلام بوده است در پی جمع آوری هیزم، گذرش به این محل می افتد و ناله ایشان را می شنود و حضرت را به منزل خود منتقل می کند، حضرت پس از چند روز در آخرین لحظات عمر مبارکشان وصیت نامه ای را تنظیم و به حمای می سپارد و از

او می خواهد که این وصیت نامه را به نحوی به دست فرزندش اسماعیل علیه السلام برساند، حمای نیز به وصیت عمل می کند و حضرت اسماعیل علیه السلام پس از دریافت وصیت نامه به ایران تشریف می آورند و سال ها در کنار مرقد مطهر پدر بزرگوارشان ساکن می شوند و در نهایت بر اثر ناامنی و سلطه حکام جور، حضرت اسماعیل علیه السلام نیز به فیض شهادت نائل می شوند.

حضرت اسماعیل علیه السلام فرزندان متعددی نیز داشته اند که در اطراف حرم مطهر غریبانه دفن شده اند و نویسنده کتاب «ره یافتگان حریم کرامت» دو مکان را، یکی روبروی امامزاده، آنجایی که آشپزخانه حضرت ابوالفضل علیه السلام واقع شده و دیگری قسمتی از منزل مرحوم حاج سید مصطفی سجادی نسب که بعدها از منزل جدا و به عنوان مسجد و به نام فرزند شهید آن مرحوم نام گذاری گردید، مدفن فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام می داند.^{۶۶}

پی‌نوشت‌ها:

۱. فرهنگ و تاریخ گز بر خوار، صص ۲۱-۱۹.
۲. به نقل از اطلاعاتی که آقای محمدرضا کشانی (کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی) به تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۸ در اختیار نگارنده قرار دادند.
۳. ادیب ماندگار، صص ۲۵۹-۲۶۲.
۴. جغرافیای شهرستان بر خوار و میمه، ص ۱۳۶.
۵. به نقل از آقای مهندس محمدرضا نریمانی به تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۱.
۶. گز و بر خوار در گذرگاه تاریخ، ص ۱۲۷.
۷. به نقل از آقایان قدرت الله و ماشاءالله نریمانی، به تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۱.
۸. ر.ک: مهاجران موسوی، صص ۴۰ و ۵۷-۸۰.
۹. تاریخ اصفهان (سلسله سادات، مشجرات و مسطحات انساب و نسب امامزاده‌های اصفهان)، ص ۱۶۴.
۱۰. مزارات اصفهان، ص ۷۳.
۱۱. روایات الجنات، نسخه چاپ سنگی، موجود در کتابخانه الزهراء (ع)، به شماره ۲/۱/۲ - ۶۸۰م - ق ۶.
۱۲. منتخب التواریخ، ص ۷۵۱.
۱۳. تاریخ اصفهان (تمه ابنیه و عمارات)، ص ۴۰.
۱۴. میزان الانساب، ص ۴۹.
۱۵. ر.ک: میزان الانساب، صص ۷۵-۷۶.
۱۶. این اثر از جمله منابع خوبی به حساب می‌آید که مؤلف با دقت و شناخت و احاطه اطلاعات و نکات بدیعی را از تاریخ و ویژگی‌های اصفهان ارائه نموده و با تصحیح استاد منوچهر ستوده بارها به زیور طبع آراسته شده است.
۱۷. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، صص ۳۰۲-۳۰۳.
۱۸. سفرنامه اصفهان، صص ۷۹-۸۰.
۱۹. همان، ص ۸۰.
۲۰. ر.ک: روضه رضوان، صص ۲۶۴-۲۸۳.
۲۱. تذکره القبور، ص ۷۷.
۲۲. تاریخ اصفهان، صص ۴۳۹-۴۴۰.
۲۳. ر.ک: زندگانی حضرت امام موسی کاظم (ع)، ج ۲، صص ۲۶۳-۲۶۷.
۲۴. مصاحبه با آقای دکتر ابوالفضل حسن آبادی در تاریخ ششم آذرماه ۱۳۹۲.
۲۵. ر.ک: تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۹۳.
۲۶. ر.ک: ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ، ج ۱، ص ۱۶۲.
۲۷. ر.ک: فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، ص ۶۲۶.
۲۸. ر.ک: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۰۰ و ۴۳۸.

۲۹. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۴۳۴.
۳۰. ر.ک: راهنمای گردشگری ایران(استان اصفهان)، صص ۱۹۴-۱۹۵.
۳۱. به نقل از آقای داریوش حسینی(کارشناس فرهنگی اوقاف اصفهان) در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۲.
۳۲. علی رغم تلاش ها و جست و جوهای نگارنده این سطور تاکنون نسخه مذکور را به دست نیاورده ام لیکن با توجه به درایت، دقت و علم استاد همایی رحمته الله قول ایشان صحیح و ارزشمند می باشد. ضمن این که دوستان اهل فضل و ارجمند پی گیر یافتن کتاب «نور الهدی فی نسب آل مصطفی» بوده اند که امیدوارم به زودی تلاش آنان به ثمر نشیند، شایسته است در اینجا از آقایان حجت الاسلام سید مهدی رجایی، حجت الاسلام مهدی اسدیان و نیز جناب آقای سید حمید حسینی که به ویژه در قم همراهی و مساعدت نموده اند سپاسگزاری نمایم.
۳۳. تاریخ اصفهان(سلسله سادات، مشجرات و مسطحات انساب و نسب امامزاده های اصفهان)، ص ۹۱.
۳۴. همان.
۳۵. همان، ص ۹۲.
۳۶. همان، ص ۹۳.
۳۷. ر.ک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۱۹۰-۱۹۱؛ فرهنگ و تاریخ گز برخوار، صص ۴۴-۴۵.
۳۸. ر.ک: مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امامزادگان، ج ۱، صص ۵۱-۵۲.
۳۹. پژوهشگر و عضو هیأت علمی(استاد یار) گروه باستان شناسی دانشگاه شهر کرد.
۴۰. ر.ک: هنر اسلامی، صص ۱۵۰-۱۵۱.
۴۱. مصاحبه با آقای دکتر عباسعلی احمدی به تاریخ ۹۲/۱۱/۲۷ و همچنین ر.ک: هنر اسلامی، صص ۳۳۹-۳۴۷.
۴۲. ر.ک: مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امامزادگان، ج ۱، ص ۱۵۲.
۴۳. ر.ک: النقض، ص ۲۲۰.
۴۴. ر.ک: پیشوایان معرفت، ص ۲۰.
۴۵. به نقل از آقای دکتر عباسعلی احمدی به تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲.
۴۶. ره آورد ایام، صص ۱۷۹-۱۸۰.
۴۷. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۴۱-۴۳.
۴۸. سند در اثر حاضر درج شده است.
۴۹. راهنمای گردشگری ایران(استان اصفهان)، صص ۱۹۴-۱۹۵.
۵۰. ر.ک: مجموعه مقالات اولین کنگره

- بین المللی امامزادگان، ج ۱، صص ۵۱-۵۲.
۵۱. همان، ص ۵۲.
۵۲. گز و برخوار در گذرگاه تاریخ، صص ۱۲۷-۱۲۹.
۵۳. به نقل از آقایان قدرت الله و ماشاءالله نریمانی، به تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۱.
۵۴. در اثر حاضر نظرات و نوشته‌های مورخین و محققین در این باره نیز آمده است.
۵۵. ر.ک: میزان الانساب، صص ۷۵-۷۶.
۵۶. ر.ک: راهنمای گردشگری ایران(استان اصفهان)، صص ۱۹۴-۱۹۵.
۵۷. به نقل از آقای ماشاءالله نریمانی در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۲.
۵۸. همان.
۵۹. مصاحبه با آقای مهدی قربانی، مسئول اوقاف شهرستان به تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۴.
۶۰. ر.ک: تاریخچه اوقاف اصفهان، صص ۳۲۹-۳۴۴؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۷۷ و ۷۸، صص ۱۷۵-۱۷۶.
۶۱. مصاحبه با آقای مهدی قربانی مسئول محترم اوقاف شهرستان در تاریخ چهارم دی ماه ۱۳۹۲.
۶۲. مصاحبه با آقای سید ابراهیم

- سجادی نسب در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۹۲.
۶۳. مصاحبه با آقای مهدی قربانی مسئول محترم اوقاف شهرستان در تاریخ چهارم دی ماه ۱۳۹۲.
۶۴. مصاحبه با آقای سید ابراهیم سجادی نسب، در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۹.
۶۵. همان.
۶۶. ر.ک: «ره یافتگان حریم کرامت»، (مقدمه).

منابع:

۱. تاریخ اصفهان (سلسله سادات، مشجرات و مسطحات انساب و نسب امامزاده‌های اصفهان)، جلال‌الدین همایی، به کوشش: ماهدخت بانو همایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۲. نصف جهان فی تعریف الاصفهان، محمدمهدی بن محمدرضا الاصفهانی، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۳. سفرنامه اصفهان، میرزا غلامحسین افضل‌الملک، به کوشش: ناصر افشار، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
۴. میزان الانساب، میرزا محمدهاشم چهارسوقی، مقدمه و حواشی به قلم: میرسید احمد روضاتی چهارسوقی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۳۲.
۵. منتخب التواریخ، محمدهاشم خراسانی، تهران، اسلامیه، بی تا.
۶. النقض، عبدالجلیل رازی قزوینی، به اهتمام: سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، بی تا.
۷. ادیب ماندگار (یادنامه آیت‌الله ادیب اصفهانی)، محمدحسین ریاحی و محمدعلی چلونگر، اصفهان، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۵.
۸. ره آورد ایام (مجموعه مقالات اصفهان‌شناسی)، محمدحسین ریاحی، اصفهان، انتشارات سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۹. روضه رضوان (مشاهیر مدفون در تکیه کازرونی)، محمدحسین ریاحی، اصفهان، کانون پژوهش، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۰. راهنمای گردشگری ایران (استان اصفهان)، حسن زنده دل، تهران، ایرانگردان، ۱۳۸۸.
۱۱. تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سپنتا، انتشارات اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶.
۱۲. فرهنگ و تاریخ گز برخوار، سعیدالدین سجادی جزی، اصفهان، نشر مقیم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۳. ره یافتگان حریم کرامت، سیدرسول سجادی نسب، اداره اوقاف برخوار و میمه، اسوه، ۱۳۸۵.
۱۴. مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امامزادگان، به اهتمام: دکتر اصغر منتظرالقائم، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۲.
۱۵. مزارات اصفهان، سید مصلح‌الدین مهدوی، تصحیح و تعلیق: دکتر اصغر منتظرالقائم، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
۱۶. دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح‌الدین مهدوی، اصفهان، ثقفی، ۱۳۴۸.

۱۷. ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه
علمیه اصفهان، سید حجت موحد
ابطحی، دفتر تبلیغات المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۴۱۸.

۱۸. روضات الجنات، سید محمدباقر
موسوی خوانساری، بی تا، بی نا (چاپ
سنگی: موجود در کتابخانه الزهراء ع)
به شماره ۲/۱/۲ - ۶۸۰ م - ق ۶).

۱۹. تاریخ اصفهان (تتمه: ابنیه و عمارات)،
جلال‌الدین همایی، به کوشش:
ماهدخت بانوهمایی، پژوهشگاه علوم
انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

۲۰. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف‌الله
هنرفر، اصفهان، ثقفی، ۱۳۵۰.

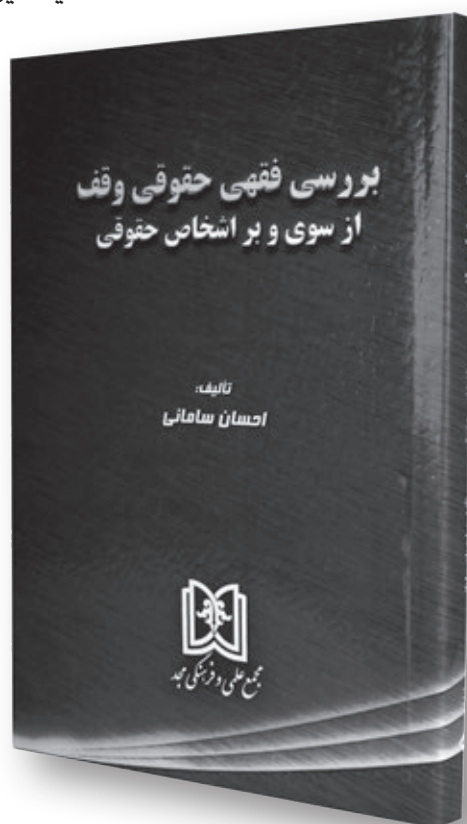
۲۱. گز و برخوار در گذرگاه تاریخ،
محمدعلی یزدانی گزی، اصفهان، نشر
هشت بهشت، چاپ اول، ۱۳۹۰.

معرفی کتاب

«بررسی فقهی و حقوقی وقف»

از سوی و بر اشخاص حقوقی»

سید امیرحسین کامرانی راد



این کتاب تألیف آقای احسان سامانی است که توسط انتشارات مجد با تعداد ۵۰۰ نسخه، در ۲۳۸ صفحه و با قطع وزیری برای اولین بار در سال ۱۳۹۴ ه.ش چاپ شده است. نویسنده در این اثر به دنبال آن است که مبانی اعتبار و مشروعیت وقف از سوی شخصیت حقوقی و وقف بر شخصیت حقوقی را از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی بیان نماید. همچنین از آنجا که انعقاد عقد وقف، متوقف بر برخی شرایط مثل مالکیت واقف، قصد قربت و... می باشد، مباحثی مثل اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء شخصیت حقوقی و شرطیت قصد قربت و یا چگونگی وقوع آن (قصد قربت) در انجام این گونه اعمال عبادی توسط اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

ما در فقه، بابی را تحت عنوان شخصیت حقوقی نمی یابیم؛ ولی فقهای ما برای عناوین و موضوعاتی مثل حکومت حاکم، موقوفات، بیت المال، وجوهات شرعی و موضوعاتی از

این قبیل آثار و نتایجی قائل هستند که بی تشبیه به اشخاص حقوقی عصر فعلی نمی باشد. از نظر حقوقی نیز با مراجعه به قوانین مصوب کشورمان درمی یابیم که نخستین بار عنوان شخصیت حقوقی در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ ه.ش مطرح شد. همچنین پس از آن به موجب قانون تجارت ۱۳۱۱ ه.ش، نظامات و قواعد و احکام و آثار قانونی آن بیان شد.

اما وقف اشخاص حقوقی، یکی از مباحث جدید می باشد که تاکنون در این مورد کار نشده و تحقیق در این مورد ضرورت می یابد. همچنین از آنجا که بخشی از این کتاب به بررسی فقهی حقوقی وقفنامه دانشگاه آزاد اختصاص داده شده، از موضوعات جدید است و دارای پیشینه نمی باشد، اگر چه بحث وقف و شرایط آن در کتب فقهی دارای سابقه طولانی است و پایان نامه هایی نیز در این مورد نوشته شده است؛ همچون «جایگاه وقف در شریعت اسلام» نوشته منصور میر حسینی، «وقف در اسلام» نوشته فاطمه

شفابخش، «ترجمه و تحقیق وقف از کتاب فقه امام صادق (علیه السلام)» نوشته علی اکبر زارعیان، «بررسی وقف» نوشته محمد ابراهیم جناتی، «شرایط موقوف علیه» نوشته علی اکبر رضوانفر ایلامی، «مسوغات بیع وقف» نوشته عالیہ بیگم شایگان، «شرایط و احکام موقوفه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه عامه» نوشته محمد بهرامی، «مالکیت عین موقوفه و آثار مترتب بر آن» نوشته محمد آسوده و «بررسی فقهی حقوقی قاعده احکام وقف و مطابقت آن با قانون مدنی» نوشته مرتضی مروج.

از آنجا که شخصیت حقوقی یکی از نهادهای حقوقی نوینان و جدید بوده و در کتب فقهی به این شکل مطرح نشده است؛ بحث از مبانی فقهی حقوقی این نهاد و اعمال حقوقی که توسط آن انجام می گیرد ضروری به نظر می رسد.

نویسنده در این کتاب به دنبال پاسخ دقیق با استدلال محکم به این سوال اساسی است که «وضعیت و ماهیت فقهی و حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی چیست و چه

شرایطی باید داشته باشد؟»

همچنین در صدد پاسخ به سوال های فرعی ذیل است:

۱. ماهیت اشخاص حقوقی چیست؟
 ۲. شرایط وقف (واقف، موقوف علیه و مال موقوفه) در فقه و حقوق چیست؟
 ۳. آثار وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی در فقه و حقوق چیست؟
- نویسنده، این فرضیه را برای سؤال اصلی بیان می کند که وقف از سوی اشخاص حقوقی و وقف بر اشخاص حقوقی از پشتوانه روایی، فتوایی، عرفی و حقوقی برخوردار است (این ادله عبارت است از آیات و روایاتی که دلالت بر مشروعیت و اعتبار وقف به صورت عام - چه وقف اشخاص حقیقی و چه وقف اشخاص حقوقی - دارد).

فرضیه هایی هم برای سؤالات فرعی ذکر شده که عبارتند از:

الف: واقف و موقوف علیه و مال موقوفه باید دارای شرایطی باشند که از جمله آنها مالک بودن و اهلیت قانونی

و شرعی داشتن واقف و مشروع بودن جهت وقف و قصد قربت می باشد و فرقی در این مسأله بین وقف از سوی شخصیت حقیقی و وقف از سوی شخصیت حقوقی وجود ندارد.

ب: در عقد یا ایقاع بودن وقف از سوی اشخاص حقوقی و وقف بر اشخاص حقوقی بین علما اختلاف است که به نظر می رسد وقف عقد است.

ج) احترام مال موقوفه چه از سوی شخص حقیقی باشد چه از سوی شخص حقوقی و چه بر شخص حقیقی باشد چه بر شخص حقوقی، لازم است و تصرف در آن در غیر موارد ضرورت جایز نیست.

روش تحقیقی که نویسنده در این نوشته به کار گرفته، روش تحلیلی توصیفی است که با استفاده از کتابخانه انجام شده است. یعنی با استفاده از متون علمی، مطالب استخراج و با توضیح و تشریح لازم به نقد آنها پرداخته و همچنین سعی شده با مسائل روز نیز تطبیق داده شود.

مطالب این کتاب، در سه فصل دسته بندی شده است که در ادامه، موضوع و چکیده مباحث هر فصل می آید.

فصل اول: مفاهیم و کلیات

نویسنده در این فصل به بیان کلیاتی در رابطه با وقف از سوی و بر شخص حقوقی پرداخته است. این فصل متشکل از دو مبحث می باشد. در مبحث اول تحت عنوان مفاهیم، تعاریف برخی از مفاهیم مرتبط با موضوع کتاب آمده و در مبحث دوم تحت عنوان کلیات، برخی کلیات مثل شرایط وقف و مقایسه وقف با عناوین مشابه و ماهیت شخص حقوقی آمده است.

مبحث نخست: مفاهیم

این مبحث متشکل از چهار گفتار می باشد و در این چهار گفتار تحت عناوین «وقف و انواع آن»، «شخصیت و اقسام آن»، «حق و حکم و مقایسه آنها» و «اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء»، به تبیین و تعریف برخی الفاظ مرتبط با

موضوع کتاب پرداخته شده است.

در گفتار نخست، نویسنده ابتدا تعریف لغوی و اصطلاح وقف را بیان نموده و سپس اقسام وقف را بیان کرده است. در گفتار دوم، تعریفی از واژه‌های حق و تکلیف ارائه نموده، سپس به مقایسه بین آنها می‌پردازد. در گفتار سوم، معنای لغوی و اصطلاحی واژه شخصیت را بیان و سپس اقسام آن را تبیین می‌نماید. گفتار چهارم، مربوط به اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء می‌باشد. فقیهان مباحث مربوط به اهلیت را در جاهای مختلف مطرح ساخته‌اند. از جمله در بحث از شروط متعاقدين در هر یک از ابواب عقود، بلوغ و عقل و بعضاً رشد را در زمره این شرط برشمرده‌اند. همچنین در ابواب معاملات، باب مستقلی را تحت عنوان کتاب الحجر به بحث‌های مربوط به محدوده اهلیت استیفاء اختصاص داده‌اند. اهلیت تمتع نیز به طور پراکنده در ابوابی نظیر ارث، وصیت و... مورد بررسی قرار گرفته است. در

این گفتار، ابتدا دیدگاه فقیهان امامیه درباره اهلیت تمتع و سپس دیدگاه آنان در مورد اهلیت استیفاء بیان شده و اهلیت تمتع و استیفاء اشخاص حقوقی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

مبحث دوم: کلیات

این مبحث، با بیان شرایط وقف آغاز می‌شود، در ادامه به مقایسه وقف با مفاهیم مشابه آن و در گفتار پایانی، ماهیت شخص حقوقی و اقسام و شرایط ایجاد آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

نویسنده در گفتار نخست، شرایط عقد وقف، شرایط واقف، شرایط موقوف علیه و شرایط مال موقوفه را بیان نموده و در گفتار دوم، به مقایسه وقف با مفاهیم مشابه آن همچون: حبس، حق عمری، حق رقبی، حق سکنی، هبه و اباحه انتفاع می‌پردازد. در گفتار سوم، نظریات موجود در مورد ماهیت شخص حقوقی را بیان و مورد ارزیابی قرار می‌دهد و سپس اقسام شخص حقوقی را آورده است.

فصل دوم: مبانی و ماهیت فقهی حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی

در این فصل، ابتدا مبانی فقهی و حقوقی وقف از سوی و بر شخص حقوقی بیان شده و سپس، ماهیت این وقف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث نخست: مبانی فقهی حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی

این مبحث شامل دو گفتار می‌باشد. در گفتار نخست، مبانی فقهی وقف از سوی و بر شخص حقوقی و در گفتار دوم، مبانی حقوقی آن را بیان نموده است.

گفتار نخست این مبحث، اختصاص به مبانی فقهی وقف از سوی و بر شخص حقوقی دارد. اکثر فقها متعرض این بحث نشده‌اند و مشروعیت وقف را با توجه به روایات فراوانی که در این باب وارد شده، قطعی و بی‌نیاز از بحث دانسته‌اند. برخی از فقها نیز همانند کاشف الغطاء به صورت مختصر در

این باب صحبت کرده‌اند.

نویسنده در گفتار دوم، مبانی حقوقی وقف از سوی و بر شخص حقوقی را مطرح می‌نماید. حقوق به طور صریح و آشکار وجود شخص حقوقی را پذیرفته^۱ و برای آن، شخصیت حقوقی قائل شده است و همچنین آن را دارای اهلیت برخورداری از تمام حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی می‌داند، مگر آن حقوق و تکالیفی که بالطبع اختصاص به انسان دارند.

مبحث دوم: ماهیت فقهی حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی

در این مبحث، در غالب دو گفتار به بررسی ماهیت فقهی و حقوقی وقف از سوی شخص حقوقی و وقف بر شخص حقوقی پرداخته شده و مطالبی همچون: عقد یا ایقاع بودن و معامله یا عبادت بودن چنین وقفی بررسی شده است. همچنین پس از روشن شدن ماهیت این وقف، در گفتار پایانی به شرایط وقف از سوی شخص حقوقی اشاره می‌کند.

نویسنده، قبل از صحبت در رابطه با صحت این عمل، معتقد است که ابتدا باید ماهیت دانشگاه آزاد روشن شود که از کدام یک از اقسام اشخاص حقوقی می‌باشد.

در خصوص ماهیت دانشگاه آزاد، اساسنامه اصلاحی دانشگاه آزاد اسلامی (شماره ۶۲۶/۸۹/دش) در ماده ۵ مقرر می‌دارد: «دانشگاه موسسه‌ای است عمومی و غیر دولتی و اموال آن به عنوان اموال عمومی محسوب می‌شود. هیچ یک از اعضای هیأت مؤسس، هیأت امناء، مدیران و دیگر ارکان و مسئولین دانشگاه هیچ‌گونه حق مالکیت و حق انتفاع شخصی از اموال مزبور را ندارند و اموال و منافع مزبور منحصرأً با رعایت مفاد این اساسنامه و مقررات حاکم و با رعایت مصلحت دانشگاه، صرف هزینه‌ها و پیشرفت و توسعه فعالیت‌های دانشگاه خواهد شد.»

طبق این ماده از اساسنامه، دانشگاه آزاد یک شخص حقوقی عمومی است و شخص حقوقی خصوصی محسوب

نویسنده در گفتار نخست، به دو مسأله می‌پردازد؛ مسأله اول این که آیا از لحاظ فقهی، وقف شخص حقوقی عقد است یا ایقاع و مسأله دوم این است که این وقف معامله است یا عبادت؟

در گفتار دوم هم به دو مسأله پرداخته می‌شود؛ مسأله اول این که آیا از لحاظ حقوقی، وقف شخص حقوقی عقد است یا ایقاع و مسأله دوم این است که این وقف، آیا معامله است یا عبادت؟

گفتار سوم، به شرایط وقف از سوی شخص حقوقی اختصاص یافته است. نویسنده اشاره می‌نماید که وقف از سوی شخص حقوقی همانند دیگر اقسام وقف باید از شرایط صحت وقف برخوردار باشد. اما از آنجا که شخص حقوقی ماهیت به خصوصی دارد، و دارای تفاوت‌هایی با شخص حقیقی است، لازم می‌داند که برخی از شرایط وقف شخص حقوقی را با دقت بیشتری بیان نماید.

گفتار چهارم این بخش درباره موضوع مهم وقف دانشگاه آزاد است.

نمی‌شود. که در این صورت اموال آن متعلق به افراد یا گروه خاصی نیست بلکه این اموال متعلق به عموم مردم می‌باشد و مالک خاصی ندارد. همچنین در این ماده ذکر شده است که دانشگاه آزاد موسسه‌ای غیر دولتی است یعنی حتی دولت نیز مالک آن نمی‌باشد، بلکه از مشترکات عمومی است و فقط جهت اداره و مدیریت و حفاظت، تحت نظارت و مدیریت هیأت امناء، مدیران و... می‌باشد.

فصل سوم: آثار فقهی حقوقی وقف از سوی و بر اشخاص حقوقی

این فصل متشکل از دو مبحث است که در مبحث نخست، آثار فقهی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مبحث دوم، آثار فقهی حقوقی وقف بر اشخاص حقوقی بیان می‌شود.

مبحث نخست: آثار فقهی حقوقی وقف از سوی اشخاص حقوقی

این مبحث دارای چهار گفتار است

که نویسنده، در گفتار نخست، خروج مال موقوفه از ملک واقف را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیان می‌کند که واقف تا قبل از عقد وقف، مالک مطلق عین موقوفه می‌باشد و می‌تواند به هر نحو بخواهد آن را وقف بنماید، ولی پس از تحقق وقف، نمی‌تواند هیچ‌گونه تغییری در آن بدهد، زیرا به وسیله عقد، عین موقوفه از ملکیت واقف، خارج و رابطه او با مال قطع می‌گردد.^۲

در گفتار دوم، عدم برگشت مال موقوفه به ملک واقف تبیین می‌شود. همان‌طور که بر اساس فتوای جمیع فقهای شیعه^۳، واقف نمی‌تواند عین موقوفه را بر خودش وقف کند و اگر چنین وقفی انجام دهد، باطل می‌باشد. نویسنده در گفتار سوم نیز به بیان حکم صورتی پرداخته که صرف منافع مال موقوفه در جهت تعیین شده، متعذر شود و بیان می‌دارد که اگر مالی برای جهت و مصلحت خاصی وقف شده، مثل تعمیر مسجد فلان محله، و آن مسجد یا مدرسه کلاً خراب شده و تعمیر آنها هم ممکن نباشد و یا

هر دلیلی صرف این منافع در آن جهت خاص، غیر ممکن شود؛ مثلاً مالی را وقف کرده که از منافع آن به مبارزان اسلامی کمک شود و یا آب‌انبارهای عمومی تعمیر گردد و پس از مدتی با روی کار آمدن دولت اسلامی (یا تصویب قوانین مخالف اجرای وقف) و انجام لوله‌کشی آب و متروک ماندن آب‌انبارها، صرف منافع در این راه‌ها متعذر شود، در چنین موردی موقوفه به ملک واقف برنمی‌گردد بلکه منافع وقف باید صرف امور خیریه گردد، چنان‌که در بند ۲ ماده ۹۱ قانون مدنی در زمره مواردی که منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومی می‌شود، آمده است: «در صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد».

نویسنده در گفتار چهارم، بحث فروش مال موقوفه را مورد بررسی قرار داده و تبیین می‌نماید که وقف، حبس و بازداشت عین مال از نقل و انتقال است و اصولاً موقوفه نباید از حالت وقفی خود خارج شود، لذا حتی

اگر هم ممکن باشد نیازی به مسجد و مدرسه در آن محله نباشد؛ زیرا مردم آن محل از آنجا کوچ کرده‌اند و فعلاً خرابه‌ای بیش نیست، در این صورت مال موقوفه به ملکیت واقف برنمی‌گردد^۴؛ چون موقوفه به وسیله وقف از ملک واقف، خارج شده است و بازگشت آن مال به ملکیت واقف نیاز به دلیل خاص دارد. لذا در این صورت اگر وقف از باب تعدد مطلوب است، یعنی نظر واقف، تعمیر مسجد و یا کمک به فرهنگ و مدرسه بوده و قصدش خصوص آن مسجد یا مدرسه نبوده و چون در محله‌شان بوده، آنها را مقدم داشته و گرنه منافع موقوفه در هر مسجد یا مدرسه‌ای خرج شود، مورد نظر واقف است، باید منافع وقف را صرف تعمیر مسجد یا مدرسه دیگری بنمایند؛ و اگر قصد واقف منحصرأ به همان مسجد و مدرسه بوده، باید آن منافع را صرف وجوه بریه نمود^۵. همچنین اگر ملکی یا مالی وقف شده است برای این‌که منافع آن در جهت خاصی صرف شود و پس از مدتی به

رهن آن جایز نیست؛ زیرا ممکن است در اثر عدم پرداخت دین، عین موقوفه فروخته شود، و با توجه به قصد و غرض واقف، فروش وقف جایز نیست؛ زیرا اولاً قصد واقف این است که این وقف به عنوان صدقه جاریه برای او باقی بماند و دائماً (حتی پس از فوت او) برای او عمل صالحی باشد، ولی با فروش عین موقوفه غرض واقف منتفی می‌گردد. ثانیاً با فروش عین موقوفه حق بطن‌های بعدی ضایع می‌گردد، به همین جهت در دستورات اسلامی فروش وقف ممنوع شده است.^۷

اما در عین این که حکم اولیه، عدم جواز فروش وقف می‌باشد، گاهی به خاطر علل و عواملی که پیش می‌آید، فروش آن مجاز می‌گردد. هر چند در رابطه با جواز فروش وقف آراء و نظرات فقها بسیار مختلف است به نحوی که برخی قائل به عدم جواز بیع وقف به طور مطلق شده‌اند و برخی بین وقف مؤبد و منقطع فرق گذاشته‌اند، برخی دیگر در مواردی قائل به جواز بیع وقف شده‌اند که این گروه نیز در

موارد جواز بیع با یکدیگر اختلاف نظر دارند و این اختلاف به حدی هست که گاهی می‌بینیم فردی در یک کتابش، یک نظر بیان کرده و در کتاب دیگرش، خلاف آن را پذیرفته است و یا در یک کتاب، دو نظر بیان داشته است.^۸

مبحث دوم: آثار فقهی حقوقی وقف بر اشخاص حقوقی

این مبحث، دارای سه گفتار است. در گفتار نخست که به امکان مالکیت شخص حقوقی نسبت به عین موقوفه اختصاص دارد، دو مسأله مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی این که آیا در وقف، انتقال ملک صورت می‌گیرد و یا این که فک ملک است و دیگری این که آیا شخص حقوقی از توانایی مالک شدن برخوردار است یا خیر؟

در گفتار دوم، حکم مال موقوفه در صورت مشخص نبودن موقوف علیه یا از بین رفتن موقوف علیه و در گفتار سوم، امکان مسئولیت و مواخذه شخص حقوقی در صورت تعدی و تفریط، تحلیل و بررسی می‌شود.

نتایج و پیشنهادات

نویسنده در پایان کتاب، نتایج و پیشنهادهایی ارائه می نماید که در ادامه می آید.

الف: نتایج

شخص حقوقی یکی از نهادهای تازه تأسیس حقوقی است که بر اساس ماده ۵۸۸ قانون تجارت، می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان می تواند دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال ذلک. در منابع فقهی نیز اگرچه به صورت منسجم و امروزی به بحث شخص حقوقی پرداخته نشده است اما وجود شخص حقوقی از ابتدا پذیرفته شده و نهادهایی همچون ولایت امر و بیت المال و... از جمله مصادیق شخص حقوقی مورد تأیید اسلام است.

بحث اصلی که در این کتاب مطرح شد، امکان واقع شدن شخص حقوقی بود. شخص حقوقی به شرطی که از

شرایط صحت وقف برخوردار باشد، به چند دلیل توانایی بر انجام عمل حقوقی وقف را دارد:

۱. اطلاق ادله وقف که روایات وارده

در این مورد شامل شخص حقیقی و حقوقی می شود.

۲. ماده ۵۸۸ قانون تجارت نیز این حق را برای شخص حقوقی ثابت می داند.

۳. وجود اشخاص حقوقی با اختیارات وسیع همچون امام، ولی فقیه و...

اما اشخاص حقوقی عمومی، چون اموالشان، اموال عمومی است، هیأت

مدیره و... توانایی وقف این اموال را ندارند مگر طبق قوانین و مقررات

حاکم بر اداره آن اموال، چنین توانایی و اختیاری به آنان داده باشد که چنین

چیزی معمولاً منتفی است چون اختیارات تفویض شده به هیأت مدیره

و... در اشخاص حقوقی عمومی در راستای اهداف تعریف شده برای آن

نهاد و محدود به همان چهارچوب می باشد نه به صورت مطلق و همانند

مالکیت شخص حقیقی. اشخاص

حقوقی خصوصی نیز اگر چه اموالشان اموال عمومی نیست اما به دلیل این که موظف هستند طبق اساسنامه تعریف شده عمل کنند، از اعمال حقوقی فراتر از چهارچوب اساسنامه ناتوان هستند مگر این که اساسنامه آن نهاد را طبق مقررات قانونی تغییر دهند.

بحث دیگری که مطرح شد، موقوف علیه بودن شخص حقوقی است که به همان ادله قبلی شخص حقوقی می تواند موقوف علیه نیز واقع شود. همچنین به چند دلیل وقف دانشگاه آزاد دارای اشکال دانسته شد. از جمله این که دانشگاه آزاد، شخص حقوقی عمومی است و اموال آن متعلق به مردم است و هیأت مدیره و... مسئول اداره آن بر طبق اختیاراتی که به آنان داده شده می باشند. اما اعمال فراتر از اختیار آنان، عملی فضولی محسوب می شود که غیرنافذ خواهد بود.

با توجه به ماده ۵۶ قانون مدنی و برخی ادله دیگر وقف به طور مطلق (چه عام و چه خاص)، عقد می باشد و با توجه به ملازمه ای که بین عقد بودن و

انتقال ملک است (که از ادله فقها فهمیده می شود)، عین موقوفه به موقوف علیه منتقل می شود و شخص حقوقی نیز در صورت موقوف علیه بودن، عین موقوفه را مالک خواهد شد که ماده ۵۸۸ قانون تجارت به آن اشاره دارد.

نویسنده در پایان کتاب، آثار و احکام وقف از سوی شخص حقوقی و وقف بر شخص حقوقی را بیان نموده است و خروج مال موقوفه از ملکیت واقف را به شرح ذیل ذکر می کند:

۱. عدم عود مال موقوفه به خود واقف.
۲. امکان فروش مال موقوفه در برخی موارد.

۳. مسئولیت پذیری و قابلیت مؤاخذه شخص حقوقی در صورت ضرر وارد کردن به دیگران.

ب: پیشنهادات

شخص حقوقی از آنجا که از نهادهای جدید حقوقی است، بسیاری از احکام آن دارای ابهام می باشد که جای تحقیق و بررسی دارد که به دو مورد از آنها اشاره می کنیم:

پی‌نوشت‌ها:

۱. قانون مدنی در مواد ۱۰۰۲ و ۱۳۳۵ قبل از اصلاحات سال ۱۳۶۱ به بیان برخی از احکام شخص حقوقی پرداخته که این فرع بر پذیرش و قبول شخص حقوقی است.

۲. حمزة بن علی حسینی حلبی (ابن زهره)، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، در یک جلد، ص ۲۹۸: «و إذا تكاملت هذه الشروط زال ملك الواقف، ولم یجز له الرجوع فی الوقف، و لا تغییره عن وجوهه و لا سبله، إلا على وجه ذكره، بدلیل الاجماع المشار إليه، و لأنه لا خلاف فی انقطاع تصرف الواقف فی الرقبة و المنفعة، و هذا هو معنى زوال الملك به، و ينتقل الملك إلى الموقوف علیه، لأنه یملك التصرف فیهِ، و قبض منافعه، و هذا هو فائدة الملك»؛ سید حسن امامی، حقوق مدنی، ۶ جلد، ج ۱، ص ۷۰.

۳. حبیب‌الله طاهری، حقوق مدنی، ۵ جلد، ج ۱، ص ۲۴۰.

۴. زین‌الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، ج ۵، ص ۳۹۶: «إدت وقف مسجدا فخرّب، أو خربت القرية أو المحلة لم یعد إلى ملك الواقف، و لا تخرج العرصة عن الوقف. لمّا كان الوقف مقتضياً للتأیید و وقف المسجد فكّا للملك - كما تقدّم -

۱. مسئولیت‌پذیری شخص حقوقی؛

حیطه مسئولیت شخص حقوقی (مدنی و کیفری) تا کجا است و مدیران آن در چه مواردی مسئولیت فردی دارند و در چه مواردی مسئول نیستند؟

۲. وقف شخص حقوقی؛ در این کتاب، وقف از سوی شخص حقوقی و وقف بر شخص حقوقی مطرح شده است اما بحث از وقف نمودن خود شخص حقوقی نیز مورد نیاز می‌باشد.

شایسته است پژوهشگران عرصه وقف به این موارد مهم توجه ویژه نمایند و با واکاوی مبانی فقهی و حقوقی، راه‌کارهایی برای حل مشکلات موجود ارائه نمایند.

کتاب تحریر العبد لم یکن خرابه و لا خراب القرية التي هو فيها و لا المحلة موجبا لبطلان وقفه، لعدم منافاة ذلك الوقف استصحاباً لحکم ما ثبت، و لبقاء الغرض المقصود من إعداده للعبادة لرجاء عود القرية و صلاة من يمرّ به».

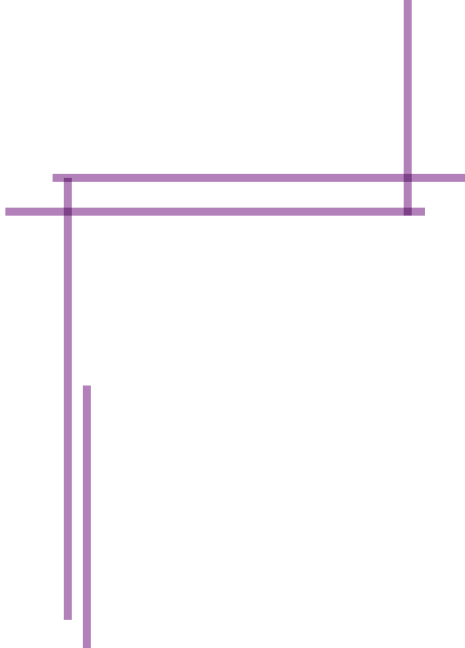
۵. سيد روح الله موسوى خمينى، كتاب البيع، مسأله ۶۰ و ۶۲: «مسأله ۶۲ لو وقف على مصلحة فبطل رسمها كما إذا وقف على مسجد أو مدرسة أو قنطرة فخربت و لم يكن تعميرها أو لم تحتج إلى مصرف لانقطاع من يصلى فى المسجد و الطلبة و المارة و لم يرج العود صرف الوقف فى وجوه البر، و الأحوط صرفه فى مصلحة أخرى من جنس تلك المصلحة و مع التعذر يراعى الأقرب فالأقرب منها»؛ سيد محسن طباطبايى حكيم، منهاج الصالحين (المحشى للحكيم)، ۲ جلد، ج ۲، ص ۲۵۸، مسأله ۶.

۶. ناصر كانوزيان، حقوق مدنى، عقود معين، ج ۳، ص ۲۷۰.

۷. مرتضى بن محمد امين انصارى دزفولى، كتاب المكاسب (للشيخ انصارى، ط - الحديثه)، ۶ جلد، ج ۴، ص ۳۵: «أنّ المانع عن بيع الوقف أمور ثلاثة: حقّ الواقف، حيث جعلها بمقتضى صيغة الوقف صدقة جارية ينتفع بها. و حق البطون المتأخرة عن بطن البائع و التعبّد الشرعى المكشوف عنه بالروايات؛ فإنّ الوقف متعلق

لحقّ الله؛ حيث يعتبر فيه التقربّ و يكون لله تعالى عمله و عليه عوضه».

۸. محمد حسن نجفى، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، ۴۳ جلد، ج ۲۲، ص ۳۶۰: «فإنه قد وقع الاختلاف بينهم فى هذه المسألة على وجه لم نعثر على نظيره فى مسألة من مسائل الوقف، كما لا يخفى على من لاحظ ما حكاه الشهيد و غيره عنهم فى غاية المراد و غيرها، فعن ابنى الجنيد و البراج فى جواهر الفقه إطلاق المنع من بيعه، و عن ابن إدريس ...»



چکیده عربی
المخلصات العربيه

چکیده انگلیسی
English Abstract



الوقف الموقوف، خطة لترشيد الوقف وتوسيع ثقافته

الدكتور محمدرضا علمي سولا

إلناز بيرجنديان

علي محمديان

تحاول المقالة أن تنظر إلى سنة الوقف الحسنة من منظار جديد، فتقترح هكذا بأن يوقف الواقف الموقوفة بصورة موقوتة بين فئتين أو أكثر لأغراض مختلفة حيث يكون غرض الاستهلاك لكل فئة محدداً ومعيناً. على سبيل المثال يوقف الواقف بيته على أربع جماعات مختلفة ويشترط أن لكل منها حق الاستفادة والانتفاع بالعين الموقوفة لثلاثة أشهر من بين الـ ١٢ شهراً للسنة في غرضه الخاص. من مزايا هذه الطريقة الحديثة الاستفادة والاستثمار المفيد للغاية من أقل الإمكانيات وكذلك توسيع رقعة هذه السنة الإلهية. وللواقف في هذه الطريقة حرية العمل في تحديد الموقوف عليهم أكثر من غيرها من الطرق، كما لهم أيضاً الانتفاع الأمثل من المال الموقوفة. المفردات الرئيسية: الوقف، العين الموقوفة، الموقوف عليه، الواقف، التوقيت.

دور الحكومة الصفوية في المنعرجات التي مرت بها مؤسسة الوقف

الدكتور محمد شورميج

إن الوقف يشمل حالات متنوعة من إهداء الأراضي إلى بناء أماكن مختلفة والانتفاع من إمكانياتها يحصل لعموم الناس حسب وصية الواقف. وإثر توسعة الأملاك الوقفية وضرورة تأسيس مؤسسة الوقف في العصر الصفوي أحييت إدارتها إلى مقام «الصدر». وقد أصيبت مؤسسة الوقف وكذلك مقام «الصدر» بمسار صعودي ونزولي مما يتطلب أن يخضع دور الدولة الصفوية في تغيرات هذه المؤسسة والمقام للدراسة والبحث، فقامت المقالة بها بطريقة وصفية - تحليلية. وتكمن ضرورة هذا البحث في أن مؤسسة الوقف كانت مؤثرة في إضفاء المشروعية السياسية والمذهبية على السلاطين الصفويين، كما كانت مصدر عوائد لذراري الرسول ورجال الدين والفقراء؛ لهذا تكتسب معرفة هذه المؤسسة وتبيينها أهمية خاصة. وقد توصلت الدراسة إلى أن الملوك الصفويين أقبلوا إلى الوقف بغية كسب الشرعية وتعزيز التشيع والوصول إلى أهدافهم الاقتصادية والاجتماعية. ومنهج البحث

بطريقة مكتبية ويتم فيه تحليل منطقي للمعطيات التاريخية.
المفردات الرئيسية: الوقف، العين الموقوفة، الموقوف عليه، الواقف، التوقيت.

نظام الرقابة على الأوقاف في إيران

سيد مجتبی السجادي الجزي

لقد مر تاريخ الوقف والأوقاف بمنعرجات كثيرة، وقد تعرض كثير من الأوقاف للاستغلال حيث تم التصرف فيها على خلاف ما نواه الواقف. كما صادر الولاة كثيراً منها لأنفسهم عند حدوث ظروف سياسية خاصة ولدى الأزمات الاجتماعية مثل الحرب وتكوّن الدول الجديدة. لهذا لقد تمّ تشكيل منظمات ومؤسسات للحفاظ على الأوقاف كما نشاهدها في كثير من الدول الإسلامية ومنها الجمهورية الإسلامية الإيرانية، حيث اعتمدت فيها قوانين تحيل الإشراف على الأوقاف وما يخص شؤونها إلى منظمة الأوقاف والشؤون الخيرية. هذا وقد تشرف السلطة القضائية على كيفية إدارتها أيضاً على هذا يقوم البحث بدراسة الجهة الإشرافية لمنظمة الأوقاف والمهام المحالة إليها ليلقي الضوء على عطائها ومسيرتها.

المفردات الرئيسية: الوقف، منظمة الأوقاف، السلطة القضائية، النظام الإشرافي.

تماهي الاعتقادات مع النشاطات السياسية (الخانات الوقفية لمدينة آمل نموذجاً)

الدكتور شهرام يوسفی فر

معصومه يد الله بور

إن للوقف دوراً هاماً في إقامة الصلة ما بين المؤسسات الاقتصادية والاجتماعية للمدن، وللرؤية الإسلامية أيضاً تأثيراً كبيراً على بناء كثير من المنشآت المدنية الإيرانية مثل الخانات. ولقد تطور توسيع المدن متأثراً بالظروف الاجتماعية والاقتصادية والسياسية في مختلف الأدوار التاريخية. وقد تسببت وقفية بعض هذه المنشآت في مؤسسة صلة الاعتقادات الدينية في المجتمع بالنشاطات الاقتصادية. لقد قد قام البحث بدراسة الخانات الوقفية في مدينة آمل لإلقاء الضوء على تماهي الاعتقادات مع النشاطات الاقتصادية في المدن الإيرانية.

المفردات الرئيسية: السوق، الخان، آمل، الوقف، العناصر الاقتصادية.

دراسة أثرية لخزانات المياه الوقفية في الفترة القاجارية في مدينة زنجان

علي نور الله

سارا علي لو

كان للمياه قداسة وحرمة لدى الفرس، وذلك لجفاف مناخ إيران وقلة نزول الأمطار فيها. من جملة طرق اتخاذها لمواجهة هذه الظروف الصعبة إنشاء خزانات المياه. يظهر من المستندات التاريخية أن هذه المنشآت أحدثت لأول مرة في زنجان وقد استخدمت في معماريتها طريقتان: أسطوانية وإنشاء مساحة ذات عمود. تقع مدينة زنجان في شمال غرب إيران ونسبة الأمطار فيها ضئيلة مثل سائر المناطق. هذا الأمر وحرارة الجو يتسببان في إنشاء عدة خزانات للمياه كلها وقفية وذات استخدامات متنوعة. هذا وقد استخدم سكان زنجان طرقاً أخرى للحصول على الماء تشتهر بـ«آب دُزْدَك». ويقوم البحث أولاً بتعريف المناخ الإيراني وتأثيره في إنشاء خزانات المياه، ثم يتطرق إلى أهمية المياه ومعمارية المنشآت المائية ليصل إلى بيان المواصفات الجغرافية لخزانات المياه في مدينة زنجان والتعريف بها وبلَمْثَلْجَة المصنوعة الوحيدة فيها.

المفردات الرئيسية: خزانة المياه، الوقف، المياه، زنجان، آب دزدك.

تعريف بنموذجين من الأشياء الوقفية المنقولة لمحافظة زنجان

برستو قاسمي أندروود

إن الوقف كأبرز مصداق للبذل والعطاء كان سبباً لكثير من الخدمات الثقافية والاجتماعية والاقتصادية. هذا العمل كان رائجاً ما بين الرجال الكبار والأمراء والمتدينين في مختلف الفترات، وقد أوقف الخيرون قسطاً من ثرواتهم وممتلكاتهم وأموالهم وقفاً عاماً تبقت باقيات صالحات لهم. تقوم المقالة بتعريف نموذجين من الأشياء المنقولة الأثرية لمحافظة زنجان أحدهما إناء خزفي مكتشف من سلطانية مع لوحة حجرية لوقف أبواب البر التي ترجع إلى الفترة الإيلخانية، والآخر سنكاب وقف ي يرجع إلى فترة حكم أحمد شاه القاجاري المتعلق بمسجد المهدي في زنجان.

يذكر أن «سكاب» هو إناء مدور مصنوع من الحجر قطره متر تقريباً له قاعدة يرتفع عن مستوى الأرض بثلاثين أو أربعين سنتيمتراً يستخدم قديماً لملئه من الماء للتوضؤ والشرب، وينصب عادة في المساجد والمدارس الدينية والقصور.

المفردات الرئيسية: الوقف، أبواب البر، الإيلخانية، سلطانية، سنكاب، القاجارية، زنجان.

وقفية قرية «هزار جريب» في مدينة بويين مياندشت

حميدرضا مير محمدي

إن الوقفية التي تتناولها المقالة متعلقة بقرية هزار جريب في مدينة بويين مياندشت. كانت المدينة جزءاً من مدينة فريدن سابقاً، ثم تحولت إلى مدينة مستقلة عام ٢٠١٣ م؛ لهذا كانت «هزار جريب» المذكورة في الوقفية من أعمال فريدن سابقاً، وأصبحت الآن في بويين مياندشت. يرجى أن يكون نشر هذا السند خطوة في إحياء الوقف وتوسيعه.

المفردات الرئيسية: هزار جريب، بويين مياندشت، فريدن، مير محمدصادق الخانساري.

قراءة لوقفية بصورة السجادة ترجع إلى عصر الزندية (١٢٠٩-١١٦٣ هـ)

ش

الدكتورة سمانه كاكاوند

٢٠٩ إن دراسة تاريخ الفترات المختلفة للتاريخ تنير الدرب للسلوك الواعي في زمن الحال والمستقبل. ومعرفة الظروف الدينية والاعتقادية للذين يعيشون في الأزمنة السابقة يتسببان في وضوح التزامهم وعقائدهم ومكانة الشؤون الروحية في حياتهم. وقد تم دراسة الوقف وهو مفهوم روحي في فترة الزندية (١٢٠٩-١١٦٣ هـ) لهذا الغرض. كانت مدة حكم الزندية قصيرة؛ فأني مستند من ذلك الزمان مهم يؤثر في إزالة قدر من الغموض الذي يكتنف هذه الدورة. تحاول المقالة بتعريف وقفية من عصر الزندية حيكت بصورة السجادة لتدرس ظروف الوقف في تلك الآونة. أسلوب المقالة وصفي وتاريخي وتحليلي وعينة بحثها سجادة متبقية من الفترة الزندية المحتفظ بها في المتحف الوطني الإيراني.

المفردات الرئيسية: الوقف، تقي خان الدراني، زندية، وقفية بصورة سجادة، كرمان.

مكانة الشريف إبراهيم بن موسى (ع)

الدكتور محمد حسين رياحي

إن تطورات القرون الأولى الهجرية في إيران والهجرة التاريخية للإمام الرضا (ع) إلى إيران أصبح سبباً لدخول عدد لا يستهان به من الأشراف والعلويين. يبدو أن هذا الحضور قد أثر في الفضاءات الثقافية والروحية وساعد على نمو التشيع في كثير من المناطق في إيران. من هؤلاء الأشراف ذوي القربى من الرسول إبراهيم بن موسى الموسوم بـ«نرمي» الذي دفن في منطقة بُرخار بأصفهان. وقد ذكرت المقالة الوجوه المختلفة لتأثيره في المنطقة.

المفردات الرئيسية: الشريف إبراهيم بن موسى، التطورات الروحية، أصفهان، بُرخار.

تعريف بكتاب «بررسي فقهي و حقوقي وقف از سوى و بر اشخاص حقوقي» - دراسة الوقف فقهيًا وقانونيًا الصادر من الأشخاص الاعتباريين ولهم]

سيد أميرحسين كامراني راد

مؤلف الكتاب هو السيد إحسان ساماني، وقد نشره دار مجد للنشر عام ١٣٩٤ هـ. ش. ٢٠١٥ م لأول مرة في ٥٠٠ نسخة، وهو يقع في ٢٣٨ صفحة بمقاس ١٣*٢٠. يهدف الكاتب إلى دراسة الوقف من جانب الأشخاص الاعتبارية وكذلك الوقف عليهم، في رؤية الفقه والقانون الإسلامي. ولأن انعقاد الوقف يتوقف على عدة شروط من أمثال مالكية الواقف، قصد القرية و... فقد قام الكتاب بالبحث في أهلية التمتع والاستيفاء للشخصية الاعتبارية وشرطية قصد القرية أو كيفية وقوعه في أعمال عبادية كهذه.

المفردات الرئيسية: الوقف، القانون، الفقه، الأشخاص الاعتباريون.

Scheduled Waqf, an strategy in optimization and development of Waqf culture

Mohammad Reza Elmi Sola

Elnaz Birjandian

Ali Mohammadian

The main goal of this paper is to study of Waqf in a new point of view. In this method, the benefactor divides Waqf process to two or more groups in different consumption views so that quality of using the endowed properties has been defined. For example, a person endows his/her house for four different groups and make a condition to each group to use it for three month a year. One of the benefits of this method is sufficient productivity of minimum facilities and increasing domain of divine tradition. By using the new method, the benefactor has more free hand in determination of his/ her endowed properties and other can use the endowed properties in good manner.

Key words: Waqf, endowment, beneficiary, benefactor, scheduling.

The role of Safavid dynasty in the ups and downs of Waqf

Mohammad Shormij

Waqf includes different aspects such as land donation, different places construction and using facilities so that according to intention of benefactor, different groups can enjoy them. Regarding to development of endowed properties and establishment of Waqf institution in Safavid period, a high ranked person appointed as its supervisor. According to the Safavid government policy, Waqf institute and high ranked person had upward and downward trends. So, the main goal of this research is to study of the effect of Safavid government on turning the Waqf institute and its high ranked per-

son using a descriptive and analytical method. This research is important because Waqf institute had effect on political and religious legitimacy of Safavid kings and also providing revenues of Sadat, poor people and religious scientists so recognition and explanation of Waqf is very important. To acquire of legitimacy, strengthen the Shiite and social and economic goals, Safavid kings paid attention to Waqf.

The method of this study is on the basis of library as logical description and analysis of historical data.

Key words: Waqf institute, high ranked statute, Safavid density, Safavid kings.

Control system of the endowed properties in Iran

Sayyed Mojtaba Sajjadi Jazi

Waqf and endowments history have had ups and downs. Many of endowments have abused and have spent unlike the benefactor intention. In the special political positions and many of social crisis such as war and formation of new governments, many of these endowments were confiscated by the governors for their benefits. So, some of organizations were determined to preserve and protect of endowments. Nowadays, some of Islamic countries such as Iran have approved regulations to monitoring of endowments and Awqaf properties maintenance and management has been rest with Awqaf and charity organization. Also, judiciary organization monitors its quality. The main goal of this research is to study of regulatory dimension of Awqaf organization and explanation of its various aspects.

Key words: Waqf, Awqaf organization, judiciary organization, control system.

The link between religious beliefs and economic activities (case study: endowed Caravanserais in Amol)

Shahram Yousofifar

Masomeh Yadollah poor

Waqf connects economic and social institutes and Islamic intelligence has been important in providing urban installations such as Caravanserais. Along with urban development, attention to the social, economic and political situations was developed. Some of endowed properties were related to other economic and social factors so it leads to institutionalization of religious beliefs and link to the economic activities. In this research, Amol endowed Caravanserais and the relationship between Iranian religious beliefs and economic activities have been studied.

Key words: Bazar, caravanserais, Amol, Wqf, economic factors.

An archeological study of endowed cisterns in Zanjan in the Qajar period

Ali Noorallahi

Sara Alipoor

Iran is located in arid region with relatively low rainfall, so Iranian have respected to the water. One of the solutions for compatibility with this situation has been cisterns construction. According to the historical evidences, the first cistern has been constructed in Zanjan with cylindrical and columned hall architectures. Zanjan is located in North West of Iran which has low rainfall. So it has leaded to construction of many cisterns in this city which all of them have been endowed with multifunctional applications. Other strategy to access to water in Zanjan has been Abdozdak. In this research, Iran climate and its effect on cistern construction, water importance and architecture of cisterns, geographical location of

Zanjan and its only glacier have been studied and finally, a summary of materials is presented.

Key words: cistern, Waqf, water, Zanjan, Abdozdak.

Investigation of two samples of endowed historical moveable objects in Zanjan

Parastoo Ghasemi Andarood

Waqf is an outstanding example of donation and is origin of many cultural, social and economic services. During the different periods, Waqf tradition has been spread among sponsors, dignitaries, rulers and common religious people and some of benefactors have endowed their properties to the public to do a pious act. The main goal of this research is to study of two samples of endowed historical moveable objects, a revealed clay pot from Soltaniyeh with Waqf inscription of Abvab al-Bar related to Ilkhan period and endowed trough related to Mahadieh mosque attributed to Ahmad Shah Qajar.

Key words: Waqf, Abvab al-Bar, Ilkahnian, Soltaniyeh, trough, Qajar, Zanjan.

A deed of endowment for «Hezar Jerib» village in Boin va Miandasht

HamidReza Mirmohammadi

In this research, a deed of endowment for “Hezar Jerib” village in Boin va Miandasht has been reviewed. Before, this city was a part of Fereidan which in 2013, change to independent city. So now, Hezar Jerib village is a part of Boin va Miandasht. According to this deed of endowment, whole of this village has been endowed. The author hopes that publication of this deed help to development and

revival of Waqf.

Key words: Hezar Jerib, Boin va Miandasht, Fereidan, Mir Mohammad Sadeq Khansari.

Review of woven deed of endowment from Zandieh period (1184- 1230)

Samaneh Kakavand

Study of history help to clear present situation. Understanding religious and ideological aspects of ancestors determines their beliefs and spiritual matters situations in their life. For that, Waqf in Zandieh period (1184- 1230) has been studied. Zandieh government period was short- lived so study of documents in this era can clear uncertainties and doubts. The main goal of this research is to introduce of woven deed of endowment in zandieh era and study of Awqaf situation in the mentioned period. Does Waqf been used at time of Karim Khan Zand? The research statistical society is a carpet related to Zandieh era which is held in the national museum in Iran. Sampling method is non- probabilistic and the results are on the basis of library studies and museum observations, the method of research is descriptive, historical and analytical.

Key words: Waqf, Taqi khan Darani, Zandieh, woven deed of endowment, Kerman.

Personality and position of Emamzadeh Ebrahim ibn- Mosa (P.B.U.H) (Emamzadeh Narmi)

Mohammad Hossein Riahi

Developments in the first centuries of Hegira in Iran and historical immigration of Imam Reza (P.B.U.H) caused to entrance of significant number of Sadat and Alavis to Iran so cultural and spiri-

tual spaces and also Shia have been developed in many of region. One of the famous holy shrines is Emamzadeh Ebrahim ibn- Mosa (Narmi) located in Borkhar area in Esfahan. In this research, the influence of holy shrine in different dimensions has been studied.

Key words: Emamzadeh Ebrahim ibn- Mosa (P.B.U.H), spiritual transformation, Esfahan, Borkhar.

Introduction on «legal and judicial study of Waqf from and on legal entities»

Sayyed Amir Hossein Kmrani Rad

The author is Ehsan Samani and the mentioned book has been published by Majd publication in 500 copies and 238 pages in 2015. The author has described the validity and legitimacy of Waqf from legal entities and its effect on legal entities in Feqh and Islamic laws point of view. Since conclusion of Waqf agreement is related to some of conditions such as ownership right of the benefactor, intent of divine nearness and etc., so some other topics such as possessing the enjoyment qualifications and vindication of legal personality, conditions of intent of divine nearness and its circumstances have been studied.

Key words: Waqf, law, feqh, legal entity.